



# جامعه‌مهدوی

دوفصلنامه علمی - ترویجی

سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۸

صاحب امتیاز:

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی)

[www.isca.ac.ir](http://www.isca.ac.ir)

مدیر مسئول: نجف لکزایی

سر دبیر: حسین الهی‌نژاد

دبیر تحریریه: مسلم کامیاب

\* مجوز انتشار نشریه جامعه مهدوی در زمینه آینده‌پژوهی (تخصصی) به زبان فارسی و ترتیب انتشار دوفصلنامه به نام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۱۵ به شماره ثبت ۸۶۴۰۶ از سوی معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر گردید.  
\* دوفصلنامه جامعه مهدوی به موجب مصوبه جلسه شماره ۱۲۳ مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ کمیسیون نشریات علمی حوزه‌های علمیه حائز رتبه علمی - ترویجی می‌باشد.

\* دوفصلنامه علمی - ترویجی جامعه مهدوی در بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran.com)؛ پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags.ir)؛ پایگاه استنادی سیویلیکا (www.civilica.com)؛ مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)؛ پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir)؛ پایگاه Google Scholar نمایه و در سامانه نشریه: [jm.isca.ac.ir](http://jm.isca.ac.ir)؛ کتابخوان همراه پژوهان (Pajoohaan.ir) و پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی (http://journals.dte.ir) بارگذاری می‌شود.  
هیئت تحریریه در اصلاح و ویرایش مقاله‌ها آزاد است • دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقالات تنها نظر نویسندگان محترم است.

نشانی: پردیسان، انتهای بلوار دانشگاه، دانشگاه باقرالعلوم (عج)، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، طبقه همکف، اداره نشریات. صندوق پستی: ۳۶۸۸ / ۳۷۱۸۵ \* تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۵۶۹۰۹ سامانه نشریه: [jm.isca.ac.ir](http://jm.isca.ac.ir)



قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

چاپ: مؤسسه بوستان کتاب

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سیدمجید امامی

دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام

حسین الهی نژاد

استاد پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

حسین بستان نجفی

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

غلامرضا بهروزی لک

استاد دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

سیدمسعود پورسیدآقایی

استاد حوزه علمیه قم

نعمت الله صفری فروشانی

استاد جامعه المصطفی العالمیه

نجف لکزایی

استاد دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

سیدرضی موسوی گیلانی

دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب

محمدهادی همایون

استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

حسن یوسفیان

دانشیار مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام

مهدی یوسفیان

استادیار مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

---

داوران این شماره

حسین الهی نژاد، غلامرضا بهروزی لک، مصطفی ابراهیمی، سیدحسین شرف الدین، محمد شهبازیان، نجف لکزایی، مسلم کامیاب، محمود ملکی راد، محمدهادی منصوری.

## فراخوان دعوت به همکاری

دوفصلنامه علمی - ترویجی جامعه مهدوی بر اساس مصوبه هیئت امنای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، با بهره‌مندی از ظرفیت‌های علمی و فکری مراکز حوزوی و دانشگاهی و با هدف تولید دانش و معرفت علمی، ترویج و انتشار یافته‌های پژوهشی و آثار اندیشمندان در حوزه مهدویت و آینده‌پژوهی معطوف به دین و امور حوزوی، با صاحب امتیازی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر می‌شود.

دوفصلنامه علمی - ترویجی **جامعه مهدوی** در عرصه مباحث مهدویت و آموزه‌های مهدوی و ناظر به اهداف ذیل منتشر می‌شود:

۱. تعمیق فرهنگ مهدویت در جامعه؛
۲. توسعه تحقیقات و پژوهش در حوزه مهدویت؛
۳. پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و مسائل مهدویت؛
۴. ارتقای سطح معرفتی مردم نسبت به مباحث مهدویت؛
۵. بسترسازی جهت پرورش مهدی‌پژوهان و محققان مهدوی؛
۶. آسیب‌شناسی و نقد جریان‌های انحرافی مهدویت؛
۷. تبیین مبانی فلسفی، کلامی و اعتقادی مهدویت؛
۸. تولید محتوای مباحث جدید مهدویت؛
۹. تبیین و توسعه مباحث درجه دو مهدویت؛
۱۰. بسترسازی جهت نظریه‌پردازی و مرجعیت علمی در حوزه مهدویت.

### اولویت‌های پژوهشی فصلنامه با رویکرد دینی، اعتقادی و تطبیقی

۱. بسط و تبیین مباحث اعتقادی مهدویت؛
۲. توسعه و تحلیل مسائل علمی و درجه دو مهدویت؛
۳. پردازش و تحقیق مسائل فرا مذهبی و فرا اسلامی در حوزه مهدویت؛
۴. تبیین و تحلیل مسائل عقلی و فلسفی مهدویت؛
۵. پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات مهدویت.

از صاحب نظران، استادان و پژوهشگران علاقمند به موضوعات و مباحث مهدویت و آموزه‌های مهدوی دعوت می‌شود تا آثار و مقالات خویش را جهت بررسی و چاپ در دوفصلنامه جامعه مهدوی بر اساس ضوابط و شرایط مندرج در این فراخوان از طریق سامانه نشریه به آدرس [jm.isca.ac.ir](mailto:jm.isca.ac.ir) ارسال نمایند.

## راهنمای تنظیم مقاله

### شرایط اولیه پذیرش مقاله

- ✓ نشریه جامعه مهدوی در پذیرش یا رد و ویرایش علمی و ادبی مقالات، آزاد است.
- ✓ مقالات ارسالی به نشریه جامعه مهدوی نباید قبلاً در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا همزمان جهت انتشار به نشریات دیگر ارسال شده باشند.
- ✓ با توجه به اینکه همه مقالات فارسی ابتدا در سامانه سمیم نور مشابهت‌یابی می‌شوند، برای تسریع فرایند داوری بهتر است نویسندگان محترم قبل از ارسال مقاله، از اصالت مقاله خود از طریق این سامانه مطمئن شوند.
- ✓ نشریه جامعه مهدوی از دریافت مقاله مجدد از نویسندگانی که مقاله دیگری در روند بررسی دارند و هنوز منتشر نشده، معذور است.
- ✓ مقاله در محیط Word با پسوند DOCX با قلم Noorzar نازک ۱۳ برای متن و Times New Roman نازک ۱۰ (برای انگلیسی) حروف‌چینی شود.
- **شرایط مقالات استخراج شده از آثار دیگر:** چنانچه مقاله مستخرج از هر کدام از موارد ذیل باشد، نویسنده موظف است اطلاعات دقیق اثر وابسته را ذکر کند. در غیر این صورت در هر مرحله‌ای که نشریه متوجه عدم اطلاع‌رسانی نویسنده شود، مطابق مقررات برخورد می‌کند:
  - **پایان‌نامه** (عنوان کامل، استاد راهنما، تاریخ دفاع، دانشگاه محل تحصیل، دانشکده، گروه تحصیلی)
  - **\*\*\* مقاله ارسالی از دانشجویان (ارشد و دکتری) به‌تنهایی قابل پذیرش بوده و ذکر نام استاد راهنما الزامی می‌باشد.**
  - **طرح پژوهشی** (عنوان کامل طرح، تاریخ اجرا، همکاران طرح، سازمان مربوطه)
  - **ارائه شفاهی در همایش و کنگره** (عنوان کامل همایش یا کنگره، تاریخ، سازمان مربوطه)
  - **روند ارسال مقاله به نشریه:** نویسندگان باید فقط از طریق بخش ارسال مقاله سامانه نشریه جهت ارسال مقاله اقدام کنند، به مقالات ارسالی از طریق ایمیل یا ارسال نسخه چاپی ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ✓ برای ارسال مقاله، نویسنده مسئول باید ابتدا در بخش «**ارسال مقاله**» اقدام به ثبت نام در سامانه نشریه نماید.
- ✓ نویسندگان باید همه مراحل ارزیابی مقاله را تنها از طریق صفحه شخصی خود در سامانه مجله دنبال نمایند.
- **قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش**
  ۱. نشریه **جامعه مهدوی** فقط مقالاتی را که حاصل دستاوردهای پژوهشی نویسنده و حاوی یافته‌های جدید است را می‌پذیرد.
  ۲. نشریه از پذیرش مقالات مروری صرف، گردآوری، گزارشی و ترجمه معذور است.
- **فایل‌هایی که در زمان ثبت نام نویسنده مسئول باید در سامانه بارگذاری کند:**
  ۱. فایل اصلی مقاله (بدون مشخصات نویسندگان)
  ۲. فایل مشخصات نویسندگان (به زبان فارسی و انگلیسی)
  ۳. فایل **تهدنامه** (با امضای همه نویسندگان)
  ۴. فایل مشابه‌یاب مقاله
  ۵. فایل **عدم تعارض منافع**
  ۶. شناسه پژوهشگری ORCID

تذکر: (ارسال مقاله برای داوری، مشروط به ارسال سه فایل مذکور و ثبت صحیح اطلاعات در سامانه است).

- حجم مقاله: **واژگان کل مقاله:** بین ۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه؛ **کلیدواژه‌ها:** ۴ تا ۸ کلیدواژه؛ **چکیده:** ۱۵۰ تا ۲۰۰ واژه (چکیده باید شامل هدف، مساله یا پرسش اصلی پژوهش، روش‌شناسی و نتایج مهم پژوهش باشد).
- نحوه درج مشخصات فردی نویسندگان: نویسنده مسئول در آثاری که بیش از یک نویسنده دارند باید حتماً مشخص باشد. عبارت (نویسنده مسئول) جلوی نام نویسنده مورد نظر درج شود. فرستنده مقاله به‌عنوان نویسنده مسئول در نظر گرفته می‌شود و کلیه مکاتبات و اطلاع‌رسانی‌های بعدی با وی صورت می‌گیرد.

○ **وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با یکی از الگوی‌های ذیل درج شود:**

۱. **اعضای هیأت علمی:** رتبه علمی (مریی، استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.
  ۲. **دانشجویان:** دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.
  ۳. **افراد و محققان آزاد:** مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.
  ۴. **طلاب:** سطح (۲، ۳، ۴)، رشته تحصیلی، حوزه علمیه/مدرسه علمیه، شهر، کشور، پست الکترونیکی.
- **ساختار مقاله:** بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش‌های ذیل باشد:

۱. **عنوان؛**

۲. **چکیده فارسی (تبیین موضوع/مساله/سوال، هدف، روش، نتایج)؛**

۳. **مقدمه (شامل تعریف مساله، پیشینه تحقیق (فارسی و انگلیسی)، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش و دلیل جدیدبودن موضوع مقاله)؛**

۴. **بدنه اصلی (توضیح و تحلیل مباحث)؛**

۵. **نتیجه‌گیری (بحث و تحلیل نویسنده)؛**

۶. **بخش تقدیر و تشکر:** پیشنهاد می‌شود از مؤسسه‌های همکار و تأمین‌کننده اعتبار بودجه پژوهش نام برده شود. از افرادی که به نحوی در انجام پژوهش مربوطه نقش داشته، یا در تهیه و فراهم‌نمودن امکانات مورد نیاز تلاش نموده‌اند و نیز از افرادی که به نحوی در بررسی و تنظیم مقاله زحمت کشیده‌اند، با ذکر نام، قدردانی و سپاس‌گزاری شود. کسب مجوز از سازمان‌ها یا افرادی که نام آنها برای قدردانی ذکر می‌شوند، الزامی است؛

۷. **منابع (منابع غیرانگلیسی علاوه بر زبان اصلی، باید به انگلیسی نیز ترجمه شده و بعد از بخش فهرست منابع، ذیل عنوان References درج شوند).**

- **روش استناددهی: APA** (درج پانویس، ارجاعات درون متن و فهرست منابع) می‌باشد که لینک دانلود فایل آن در سامانه نشریه (راهنمای نویسندگان) موجود می‌باشد.

## فهرست مقالات

- ۹.....رابطه حکمرانی متعالی مهدوی و حکمرانی مطلوب ولی فقیه  
حسین الهی‌نژاد
- ۴۰.....تحلیل و بررسی راه‌کارهای مواجهه با مهدی‌نمایی  
مهراب صادق‌نیا - زهرا طالبی
- ۸۳.....تحلیل شاخصه‌های مدرسه حدیثی قم در نقل روایات مهدوی تا قبل از دوران صدوق  
مسلم کامیاب
- ۱۱۱.....سبک زندگی منتظرانه راهبرد مقابله با فرقه‌های انحرافی مهدویت در دوران معاصر  
حسن ملایی
- ۱۳۵.....بررسی وراثت صالحان و استیصال طالحان در امت خاتم از منظر قرآن و عهدین  
علی مؤیدی
- ۱۶۴.....روش‌شناسی مقام معظم رهبری در تقابل با انحرافات عقیدتی عصر غیبت با محوریت اندیشه جهاد تبیین  
فاطمه رئوفی تبار - خدامراد سلیمیان



## The Relationship between the Transcendental Mahdavi Governance and the Ideal Governance of Wilayat Faqih<sup>1</sup>

Hossein Elahinejad<sup>1</sup>

1. Professor, Research Center for Mahdiism and Futurology, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran, h.elahinejad@isca.ac.ir; ORCID: 0009-0002-9210-1476



### Abstract

Mahdavi governance finds meaning and concept in the form of Islamic governance, and Islamic governance is divided into types such as Prophetic governance, Alavi governance and Mahdavi governance. Mahdavi governance is divided into two types including transcendental Mahdavi governance and ideal Wilayat Faqih governance because the diversity of the Mahdavi governance based on the ages (age of occultation and reappearance of Imam Mahdi) leads to the diversity of the Mahdavi governance to the transcendental Mahdavi governance governed by Imam Mahdi, and the governance of the Wali Faqih governed by the successors of Imam Mahdi. Both governances, i.e. transcendental Mahdavi governance and ideal Wali Fiqh governance, have a single origin called Mahdavi thought, on the basis of which both of them are given the title of Mahdavi governance. In addition to sharing the origin (Mahdiism thought), these two governances have a two-way relationship and play an important role in each other's evolution and excellence. It is necessary and essential to provide the context for excellence and knowledge increase among people and society by expressing this two-way relationship. In this article, data

---

1. **Cite this Article:** Elahinejad, H. (1402 AP). The Relationship between the Transcendental Mahdavi Governance and the Ideal Governance of Wilayat Faqih. *Journal of Mahdavi Society*. 4(8), pp. 9-37. <https://doi.org/10.22081/JISS.2024.67836.2045>.

---

\* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). \***Type of article:** Scientific-promotional Article

---

▣ **Received:** 01/01/2024 • **Revised:** 01/02/2024 • **Accepted:** 22/02/2024 • **Published online:** 06/03/2024

---

collection has been done with a qualitative method and in the form of library and documents, and data processing has been done in a descriptive and analytical method. The results of this study are achievements such as the role-creation of transcendental Mahdavi governance in the form of three components of legitimization, acceptability, and goal-setting in relation to the Wali Faqih governance, and the role-creation of the Wali Faqih governance in the form of the three components of preparation, promotion, and model-making in relation to the transcendental Mahdavi governance.

### **Keywords**

Transcendental Mahdavi governance, the ideal Wali Faqih governance, legitimization, acceptability, preparation.





## رابطه حکمرانی متعالی مهدوی و حکمرانی مطلوب ولی فقیه<sup>۱</sup>

حسین الهی نژاد<sup>۱</sup>

۱. استادتمام، پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

h.elahinejad@isca.ac.ir; ORCID: 0009-0002-9210-1476



### چکیده

حکمرانی مهدوی، در قالب حکمرانی اسلامی معنا و مفهوم پیدا می‌کند و حکمرانی اسلامی به اقسامی نظیر: حکمرانی نبوی، حکمرانی علوی و حکمرانی مهدوی تقسیم می‌شود. حکمرانی مهدوی، به دو قسم حکمرانی متعالی مهدوی و حکمرانی مطلوب ولی فقیه تقسیم می‌شود؛ زیرا تنوع حکمرانی مهدوی براساس اعصار (عصر غیبت و ظهور) منجر به تنوع در حکمرانی مهدوی به حکمرانی متعالی مهدوی با حاکمیت امام مهدوی عجل الله تعالی فرجه و حکمرانی ولی فقیه با حاکمیت جانشینان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌شود. هر دو حکمرانی یعنی حکمرانی متعالی مهدوی و حکمرانی مطلوب ولی فقیه دارای خاستگاه واحدی به نام اندیشه مهدویت هستند که براین اساس به هر دو لقب حکمرانی مهدوی داده می‌شود. این دو حکمرانی علاوه بر اشتراک در خاستگاه (اندیشه مهدویت) دارای رابطه و نسبت دوسویه هستند و در تکامل و تعالی یکدیگر نقش مهمی دارند که لازم و ضروری است با بیان این رابطه و نسبت دوسویه، زمینه تعالی و معرفت‌افزایی نسبت به آنها در میان مردم و جامعه فراهم شود. در این نوشتار جمع‌آوری داده‌ها با روش کیفی و به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی، و پردازش داده‌ها به صورت توصیفی و تحلیلی

۱. **استاد به این مقاله:** الهی نژاد، حسین. (۱۴۰۲). رابطه حکمرانی متعالی مهدوی و حکمرانی مطلوب ولی فقیه.

<https://Doi.org/10.22081/JM.2024.68239.1086>

جامعه مهدوی، ۴(۸)، صص ۹-۳۷.

□ نوع مقاله: علمی - ترویجی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۳؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

انجام شده است. نتایج این پژوهش دستاوردهایی نظیر: نقش آفرینی حکمرانی متعالی مهدوی در قالب سه مؤلفه مشروعیت‌سازی، مقبولیت‌سازی و هدف‌نمائی نسبت به حکمرانی ولی فقیه، و نقش آفرینی حکمرانی ولی فقیه در قالب مؤلفه‌های سه‌گانه تمهید‌گری، ترویج‌گری و الگوسازی نسبت به حکمرانی متعالی مهدوی می‌باشد.

### کلیدواژه‌ها

حکمرانی متعالی مهدوی، حکمرانی مطلوب ولی فقیه، مشروعیت‌سازی، مقبولیت‌سازی، تمهید‌گری.

## مقدمه

حکمرانی به انواع مختلفی تقسیم می‌شود حکمرانی الهی و بشری، حکمرانی توحیدی و الحادی، حکمرانی دینی و سکولاری، حکمرانی اسلامی و غیراسلامی هر کدام از این تنوعات حکمرانی دارای اهداف و غایات مشخص و دارای تعریف و چارچوب نظری معینی هستند.

نظریه حکمرانی اسلامی با رویکرد شیعی به دو قسم: عصر حضور و عصر غیبت تقسیم می‌شود. دولت در عصر حضور و ظهور و دولت در عصر غیبت؛ به بیان دیگر دولت پیشاظهر و دولت پس‌اظهر که یکی به دولت منتظر با حکمرانی ولی فقیه (جانشینان امام مهدی علیه السلام) و دیگری به دولت منتظر با حکمرانی شخص امام مهدی علیه السلام که با نشانه حکمرانی متعالی و ایده آل تعریف می‌شوند شیعه اعتقاد دارد در عصر حضور، نظریه امامت مطرح بوده و امامان به فرمان الهی بعد از رسول گرامی اسلام یکی بعد از دیگری عهده‌دار اداره و تنظیم امور اجتماعی، سیاسی و اعتقادی مردم بوده و خواهند بود و در عصر غیبت کبری به جهت غیبت امام زمان علیه السلام نظریه ولایت فقیه مطرح بوده و فقها به طور عام و ولی فقیه به طور خاص عهده‌دار اداره جامعه و تنظیم امور در حوزه اجتماعی، سیاسی و اعتقادی شیعیان هستند. این دو دولت تعامل و نقش دوسویه را نسبت به یکدیگر ایفا می‌کنند. ۱- دولت منتظر نقش مشروعیت‌بخشی و مقبولیت‌سازی برای دولت منتظر، و دولت منتظر نقش اشاعه‌سازی و ترویج‌گری برای دولت منتظر را دارد. ۲- دولت منتظر، خاستگاه و علت محدثه و مبقیه دولت منتظر و دولت منتظر نقش تمهیدگری و آماده‌سازی مردم برای ظهور دولت منتظر می‌باشد. ۳- دولت منتظر، نقش غایت و هدف‌نمایی برای دولت منتظر و دولت منتظر با تأسی و الگوگیری از آن، نقش پیاده‌سازی نمودار کوچکی از دولت منتظر را نشان می‌دهد. در نتیجه چنین برابندسازی می‌شود که اولاً، میان دولت منتظر و منتظر رابطه عمیق و وثیقی وجود دارد ثانیاً، میان آن دو اشتراک نظر و همپوشانی وجود دارد. ثالثاً، اشتراک نظر و همپوشانی آن دو، دوسویه است. رابعاً، در تکامل و تعالی یکدیگر نقش مهم و تأثیرگذاری دارند. خامساً، مقام معظم رهبری می‌فرماید: «باید در جهتی که حکومت امام زمان علیه السلام تشکیل

خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچک‌تر از آن هستیم که بتوانیم آن‌گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲).

## ۱. مفهوم شناسی و ادبیات نظری بحث

### ۱-۱. حکمرانی متعالی

حکمرانی‌ها با شاخصه‌های مختلف و متنوعی نظیر خوب و شایسته، متعالی و ایده‌آل، مطلوب و مقدور بازشناسی می‌شوند. حکمرانی متعالی، یکی از حکمرانی‌هایی است که با عنوان حکمرانی مهدوی و با وصف تعالی از دیگر حکمرانی‌ها متمایز می‌گردد. حکمرانی‌ها علاوه بر تفاوت در اصل ماهیت‌شناختی با سه سازه حکومت و دولت، در اتصاف به شاخصه‌های بیرونی و پیرامونی نظیر شاخصه خوب، متعالی، مطلوب و... نیز متفاوت می‌باشند. حکمرانی متعالی که همان حکمرانی مهدوی با حاکمیت مستقیم امام مهدی علیه السلام بوده از جمله حکمرانی‌هایی است که متصف به وصف تعالی و ایده‌آل می‌باشد. شاخصه تعالی یعنی حکمرانی مهدوی در ساحت‌های مختلف ساختاری، روشی، مبانی و غایی از همه حکمرانی‌های بشر در طول تاریخ برتر می‌باشد و در همه ابعاد حاکمیتی اعم از فردی و اجتماعی نظیر: مردم‌داری، عدالت‌ورزی، ظلم‌ستیزی، نظام‌مندی، قانون‌گرایی، عزت‌خواهی، رفاه و آسایش‌آوری، سرآمد همه حکمرانی‌ها است.

### ۱-۲. حکمرانی مطلوب (و مقدور)

حکمرانی ولی فقیه در عصر غیبت با دو وصف مطلوب و مقدور بازشناسی می‌شود و این نوع حکمرانی الگو و مدلی از حکمرانی اسلامی است که براساس اندیشه مهدویت شکل گرفته و با رویکرد زمینه‌سازی ظهور به تمهیدگری و راهبری جامعه و شهروندان برای رسیدن به آمادگی، شایستگی و بایستگی برای تحقق ظهور، می‌پردازد. به بیان دیگر حکمرانی مطلوب (مقدور) یعنی اجرا و اعمال قدرت در جامعه با نگرش مردم‌سالاری دینی، براساس نظریه ولایت فقیه در راستای تحقق آمادگی و شایستگی

مردم جهت نیل به زمینه‌سازی و ظهور است.

پس حکمرانی ولی فقیه در عصر غیبت متصف به وصف «مطلوبیت و مقدوریت» بوده و با اسم حکمرانی مطلوب و مقدور نام‌گذاری می‌شود. منظور از مطلوبیت یعنی این نوع حکمرانی مورد مطالبه مردم و منتظران در عصر غیبت است و مقصود از مقدوریت یعنی تحقق این حکمرانی براساس توان و ظرفیت موجود در عصر غیبت شکل گرفته و نسبت به حکمرانی متعالی مهدوی مطلوبیت و مقدوریت نسبی دارد.

### ۳-۱. انتظار؛ رابط میان حکمرانی مهدوی و حکمرانی ولی فقیه

مقوله انتظار در سه ساحت لغوی، اصطلاحی و علمی مفهوم‌شناسی می‌شود. ۱- انتظار در ساحت لغوی به معنای منتظر بودن و چشم به راه بودن است ۲- انتظار در ساحت اصطلاحی به معنای آمادگی، شایستگی و بایستگی منتظران برای رسیدن به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. یعنی انتظار حالتی است نفسانی که آمادگی برای آنچه انتظارش را می‌کشیم از آن بر می‌آید و ضد آن، یأس و ناامیدی است (اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۴۵). چنانکه امام جواد علیه السلام درباره واژه منتظر و معنای آن می‌فرماید: «سُمِّيَ الْمُنتَظِرُ لِانْتِظَارِ الْمُخْلِصِينَ خُرُوجَهُ بَعْدَ غَيْبَتِهِ لَهُ غِيَّةٌ يَطُولُ أَمَدُهَا؛ نام‌گذاری مهدی علیه السلام به منتظر به جهت انتظاری است که مخلصین بعد از غیبت او می‌کشند و برای او غیبت طولانی است» (بیاضی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳۱)؛ ۳- انتظار در ساحت علمی که به نوعی منبعث از دو ساحت لغوی و اصطلاحی انتظار است، به معنای نارضایتی از وضعیت موجود (جامعه منتظر) و دیدن وضعیت مطلوب (جامعه منتظر) و حرکت از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب می‌باشد. یعنی، مقوله انتظار در ساحت نظریه انتظار متشکل از سه عنصر اساسی می‌باشد. عنصر اول، همان وضعیت موجود است که با رویکرد پسینی و با نگرش گذشته‌پژوهی توجیه می‌شود و عنصر دوم، همان وضعیت مطلوب است که با رویکرد پیشینی و با نگرش آینده‌نگری تبیین می‌شود و عنصر سوم، همان واسط و اتصال‌دهنده وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است که به‌عنوان ابزار و راهکار فرایندی جهت رسیدن به هدف، به کار گرفته می‌شود. که از همین عناصر سه‌گانه می‌توان انتظار مثبت را از انتظار

منفی بازشناسی کرد؛ زیرا انتظار مثبت براساس نظریه انتظار، آن انتظاری است که همه عناصر سه‌گانه را به صورت جمعی دارد یعنی منتظر واقعی کسی است که اولاً، از وضعیت موجود ناراضی است. ثانیاً، وضعیت مطلوب و ایده‌آل را می‌بیند. ثالثاً، با آمادگی و شایستگی کامل از وضعیت موجود عبور کرده برای رسیدن به وضعیت مطلوب تلاش می‌کند و در غیر این صورت یعنی اگر کسی که از وضعیت موجود ناراضی نباشد و یا ناراضی باشد ولی توجه به وضعیت مطلوب نکند و یا توجه نکند؛ ولی حرکت و انگیزه‌ای برای رفتن به آینده مطلوب نداشته باشد. پس به نوعی دچار خمودی و ایستائی شده و این شاخصه‌ها همان شاخصه‌های انتظار منفی است.

## ۲. تعامل دوسویه میان حکمرانی متعالی با حکمرانی مطلوب

تقسیم مقطع زمانی به پیش‌ظهور و پس‌ظهور که اولی متعلق به دوران غیبت و دومی متعلق به دوران ظهور است، به تقسیم در دولت مهدوی؛ یعنی به دولت قبل ظهور با وصف منتظر به سرپرستی جانشین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و دولت بعد از ظهور با وصف منتظر، با حاکمیت مستقیم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، منجر می‌شود. گرچه این دو دولت به جهت برانگیختی از اصل واحدی به نام اندیشه مهدویت هر دو به نام دولت مهدوی شناخته می‌شوند. ولی در برخی حوزه‌ها نظیر اصل و فرع، و مباشر و غیرمباشر و مقدمه و ذی‌المقدمه، فرایند و برآیند، از یک‌دیگر متفاوت می‌شوند؛ زیرا از طرفی جامعه منتظر، فرع جامعه منتظر بوده و به عنوان مقدمه و فرایند شکل‌گیری آن شناخته می‌شود و از طرف دیگر سرپرستی جامعه منتظر با مباشرت مستقیم امام زمان عجل الله تعالی فرجه و جامعه منتظر با مباشرت غیرمستقیم او یعنی از ناحیه جانشینانش اداره می‌شود. در کنار تفاوت‌ها و تمایزات، تعاملات و همپوشانی‌هایی نیز میان‌شان وجود دارد. نظیر «اندیشه مهدویت مشروعیت و مقبولیت‌ساز دولت منتظر»، «اندیشه مهدویت غایت و هدف نمای دولت منتظر»، «اندیشه مهدویت خاستگاه و علت محدثه و مبقیه دولت منتظر»، «دولت منتظر تمهیدگر و بسترساز دولت منتظر»، «دولت منتظر مبلغ و ترویج‌گر دولت منتظر» که در ذیل به تبیین و تحلیل آنها خواهیم پرداخت.

## ۱-۲. نقش مهدویت و حکمرانی مهدوی در حکمرانی ولی فقیه

مهدویت و حکمرانی متعالی مهدوی در شکل‌گیری اصول و بنیادهای حکمرانی ولی فقیه نظیر مشروعیت بخشی، مقبولیت‌سازی، هدف‌نمائی و... نقش اساسی و تأثیرگذار دارد.

حکمرانی ولی فقیه به‌عنوان حکمرانی منتظر بسان همه حکمرانی‌های دیگر به جهت استمرار و استحکام خود نیاز به دو مقوله‌ای به نام مشروعیت و مقبولیت دارد با مشروعیت، پایه‌ها و اساس حکمرانی استحکام می‌یابد و با مقبولیت، استمرار و تداوم آن تضمین می‌شود. بی‌شک اصل مشروعیت و مقبولیت برای حکمرانی ولی فقیه از ناحیه اندیشه مهدویت، نشان از تعامل و رابطه عمیق میان حکمرانی متعالی مهدوی با حکمرانی مطلوب ولی فقیه است.

## ۲-۱-۱. مشروعیت حکمرانی ولی فقیه

یکی از مقولات مهم تعاملی میان اندیشه مهدویت با اندیشه ولایت فقیه، مقوله مشروعیت است. یعنی اندیشه مهدویت مشروعیت ساز و اسلامی‌سازی اندیشه ولایت فقیه و حکمرانی ولی فقیه را بر عهده دارد.

به طور کلی درخصوص مشروعیت حکمرانی ولی فقیه سه نگرش مطرح شده است؛ نگرش اول مشروعیت را بر آمده از رأی و انتخاب مردم می‌داند و نگرش دوم مشروعیت را بر خواسته از دین و شریعت اسلامی تلقی می‌کند (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۶، ص ۲۱۳) و نگرش سوم مشروعیت را توأمان از دین و رأی مردم می‌داند به بیان دیگر در مورد مشروعیت حکمرانی ولی فقیه سه نگرش انتخابی، انتصابی و تلفیقی مطرح است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۷) که براساس دلایل عقلی (بروجردی، ۱۳۶۲، صص ۵۳؛ امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۶۷) و عقلانی (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۲۷) و نقلی (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۰) نگرش و قول انتصابی بودن ولی فقیه به واقع نزدیکتر و با مستندات و احادیث منقول، هماهنگ‌تر می‌باشد.

«مشروعیت نهضت امام خمینی در ایران به‌عنوان نماینده امام زمان علیه السلام براساس نظریه

ولایت فقیه توجیه می‌شود و نظریه ولایت فقیه در عصر غیبت با روایات صادره از حضرات معصومین علیهم‌السلام که بیانگر نیابت عام و جانشینی فقها از امام زمان علیه‌السلام است تبیین می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۳۱). پس به صورت سلسله مراتبی مشروعیت نظام جمهوری اسلامی براساس نظریه ولایت فقیه و مشروعیت نظریه ولایت فقیه براساس نظریه نیابت عام و مشروعیت نیابت عام براساس امامت و مهدویت است. «ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی و اداره مسائل اجتماعی در هر عصر و زمان، از ارکان مذهب حقه اثنی عشری است که ریشه در اصل امامت دارد... ولایت فقیه، از شؤون ولایت و امامت و از اصول مذهب است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۴) پس در حکومتی که براساس ولایت است، فقیه جامع‌الشرایط، نایب امام عصر علیه‌السلام و عهده‌دار همه شئون اجتماعی آن حضرت می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۱).

در خصوص مشروعیت ولایت فقیه در عصر غیبت روایات گوناگونی از حضرات معصومین علیهم‌السلام در منابع حدیثی شیعه نقل شده است. در کتاب عوائد الایام مرحوم نراقی که متشکل از ۸۸ عانده است، در عانده ۵۴ جهت توجیه و مشروعیت‌سازی ولایت فقیه در عصر غیبت به ۱۹ روایت اشاره کرده است (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۵۳۴).

حضرت امام خمینی علیه‌السلام گرچه با نقل روایات به اثبات ولایت فقیه می‌پردازد ولی در ادامه بحث، ولایت فقیه را یک امر عقلانی تلقی نموده، که نه تنها نیاز به دلایل نقلی ندارد بلکه به دلایل عقلی نیز بی‌نیاز است (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۲۷). اصلاً ولایت فقیه همان التزام به اسلام و ولایت ائمه علیهم‌السلام بوده و قابل فصل و جدایی از آن نیست (خامنه‌ای، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۲). موضوع ولایت فقیه، ولو مقداری در توسعه و تضییق‌اش تفاوتی بین علما وجود داشته، ولی جزو واضحات فقه اسلام است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۱۳۹). چنانچه که برخی از علماء و فقهای بزرگ مانند نجفی صاحب جواهر (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۱۵، ص ۴۲۶؛ ج ۱۶، ص ۱۷۸؛ ج ۲۱، ص ۳۹۵؛ ج ۲۲، ص ۱۹۵؛ ج ۴۰، ص ۱۹)، نراقی (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۵۳۷)، محقق ثانی (کرکی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۴۲)، شهید ثانی (عاملی جبعی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۴۵)، محقق حلی (حلی، ۱۴۰۸ق، ص ۵) نیز اصل ولایت فقیه را امری ضروری و بدیهی می‌دانند.

پس مقوله نیابت عام که بیان‌گر مشروعیت سرپرستی فقها در عصر غیبت است



از جمله مباحث مهم مهدویت تلقی شده و با این مقوله حرکت‌ها و فعالیت‌های فقهاء و علمای شیعه در عصر غیبت توجیه و مشروعیت‌سازی می‌شود به طور کلی به صورت سلسله مراتبی مشروعیت نهضت‌های فقهاء در عصر غیبت به وسیله نظریه ولایت فقیه و نظریه ولایت فقیه به واسطه نظریه نیابت عام و نظریه نیابت عام توسط اندیشه مهدویت و اندیشه مهدویت توسط اسلام توجیه و مشروعیت‌سازی می‌شود.

## ۲-۱-۲. مقبولیت حکمرانی ولی فقیه

به طور کلی همه حکومت‌ها و حکمرانی‌ها حتماً باید مزین به این دو مقوله یعنی مشروعیت و مقبولیت باشند؛ زیرا وجود مشروعیت و مقبولیت به نوعی انسجام و انتظام را در حکمرانی‌ها و فقدان آن دو به نحوی نبود انسجام و انتظام را به همراه دارد. براین اساس وجود این دو مقوله برای شکل‌گیری و تداوم حکمرانی‌ها نه تنها حتمی بلکه ضروری نیز می‌باشد به بیان دیگر مقوله مشروعیت نقش پیشران و علت محدثه و مقوله مقبولیت نقش تداوم‌بخش و علت مبقیه را برای حکمرانی‌ها ایفا می‌کنند.

بی‌تردید، وقتی که در عصر غیبت همه مردم در انتظار ظهور امام زمان عجل الله فرجه بسر می‌برند پس همگی به وصف انتظار مزین بوده و همگی منتظر می‌باشند، چنانکه امام صادق علیه السلام در این راستا یکی از ویژگی‌های مهم مردمان عصر غیبت را انتظار دانسته و مزین و متصف بودن آنها به این وصف را ضروری و واجب می‌داند «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ کسی که دوست دارد از یاران قائم علیه السلام باشد حتماً باید در انتظار بسر ببرد و باید مزین به تقوا و اخلاق نیکو باشد و این فرد منتظر است» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۰۰).

بی‌شک، وقتی که وصف انتظار و شاخصه منتظر بودن از جمله شاخصه‌های مهم مردمان عصر غیبت بوده و وجود این شاخصه برای آنها ضروری و واجب می‌باشد. پس، مردمان عصر غیبت قبل از هرگونه اتصاف‌ورزی به اوصاف دیگری به اتصاف‌ورزی به وصف انتظار و منتظر بودن مزین هستند. به بیان دیگر اصل شهروندی در عصر غیبت مساوی است با اتصاف به انتظار، و مزین بودن به وصف انتظار مساوی است با

منتظر بودن. پس به‌طور کلی مردمان و جامعه عصر غیبت به نام منتظران و جامعه منتظر شناخته و معرفی می‌شوند. پس بنابر این مقبولیت مردمی یعنی مقبولیت منتظران و شهروندان منتظر. براین اساس استمرار حکومت ولی فقیه با منتظران و شهروندان منتظر که برگرفته از اندیشه مهدویت می‌باشد تأمین می‌شود. پس اندیشه مهدویت در قالب انتظار و منتظران علاوه بر مشروعیت‌سازی نظام ولی فقیه در مقبولیت آن نیز تأثیر گذار خواهد بود.

### ۲-۱-۳. حکمرانی مهدوی غایت و هدف نمای حکمرانی ولی فقیه

دولت منتظر که با نظریه ولایت فقیه تدبیر و با سرپرستی ولی فقیه اداره می‌شود دارای دو هدف مهمی به نام «ظهور» و «دولت منتظر» است که یکی، تأمین‌کننده فردا و دیگری، تضمین‌کننده امروز می‌باشد. ظهور، هدفی است که منتظران و جامعه منتظر با آمادگی، شایستگی و بایستگی به سویش گام برداشته و با تحققش فردای خود را تأمین می‌کنند و جامعه متعالی مهدوی (جامعه منتظر)، هدفی است که منتظران و جامعه منتظر با دیدن آن و با الگوگیری و کاربست شاخصه‌های آن به ساماندهی زندگی امروز خود می‌پردازند. پس، ظهور و جامعه منتظر که در واقع غایت و هدف جامعه منتظر به حساب می‌آیند به نوعی بیان‌گر این مسئله است که میان حکمرانی متعالی مهدوی با حکمرانی مطلوب ولی فقیه رابطه و تعامل وجود دارد.

### ۲-۱-۳-۱. ظهور؛ هدف حکمرانی ولی فقیه

به‌طور کلی ظهور، با اراده جمعی بشر و با آمادگی کامل منتظران و جامعه منتظر به وقوع می‌پیوندد. یعنی، بشر همیشه با آمادگی کامل به شایستگی جامع می‌رسد و با شایستگی جامع به بایستگی ظهور خواهد رسید. پس شرط تحقق ظهور آمادگی و شایستگی بشر است که به بایستگی ظهور منتهی می‌شود. چنانکه امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «إِذَا اجْتَمَعَ لِلْإِمَامِ [لِلْإِسْلَامِ] عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ وَ جَبَّ عَلَيْهِ الْقِيَامُ وَ النَّعْيُ؛ هرگاه پیرامون امام به تعداد نفرات جنگ بدر که سیصد و سیزده نفر است

جمع شوند بر امام واجب است قیام کرده و دست به بزند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷، ص ۴۹).  
 در این روایت واژه «وجب» شاهد مثال است که با دلالت منطوقی و با رویکرد  
 تصریحی به این موضوع می‌پردازد که در صورت فراهم شدن یاران امام مهدی علیه السلام که  
 تعدادشان سیصد و سیزده نفر است قیام بر حضرت واجب خواهد شد تا با این قیام جهان  
 و جهانیان را به سوی تغییر و تحول پیش ببرد.

باز در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، حضرت می‌فرماید: «أنه لو اجتمع  
 للإمام عدة أهل بدر ثلاثمائة و بضعة عشر رجلاً لوجب علیه الخروج بالسيف؛ هرگاه  
 برای امام به تعداد سپاه بدر سیصد و سیزده نفر جمع شوند بر امام قیام با قدرت واجب  
 می‌باشد» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳).

این حدیث را شیخ مفید در کتاب خود روایت کرده است. به گفته وی، در  
 مجلسی که از ایشان پرسیده می‌شود: «مگر شیعه از جعفر بن محمد روایت نکرده که  
 اگر برای امام به تعداد اهل بدر ۳۱۳ مرد فراهم شده بود خروج به شمشیر بر او  
 واجب بود؟» شیخ پاسخ می‌دهد: «بله». پرسش‌گر می‌پرسد: «پس چرا امام مهدی علیه السلام  
 ظهور نمی‌کند، با این که تعداد شیعیان در زمان ما چندین برابر اهل بدر است؟»  
 شیخ چنین پاسخ می‌دهد: «گرچه تعداد شیعیان در زمان ما چندین برابر اهل بدر است،  
 اما آن شرایطی را که باید داشته باشند، ندارند در نهایت در همین راستا شیخ مفید می‌گوید:  
 «لظهور الامام لا محاله و لم یغب بعد اجتماعهم طرفه عین؛ اگر اجتماع یاران تحقق پیدا  
 کند ناگزیراً به سرعت غیبت امام تبدیل به ظهور می‌گردد» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲).

آمادگی یاران و یا آمادگی مردم شرط مهم و اساسی برای تحقق ظهور است  
 براین اساس ظهور امام زمان بدون اراده جمعی بشر و بدون آمادگی کامل منتظران، قابل  
 دست‌یافتنی نخواهد بود؛ از این رو ظهور امام زمان علیه السلام به عنوان هدف اصلی فعالیت‌های  
 منتظران و جامعه منتظر شناخته می‌شود و همه اعمال و رفتار فردی و اجتماعی اعم از  
 سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... در راستای تحقق ظهور توجیه و تعریف می‌شود.  
 اوج این آمادگی و شایستگی منتظران در عصر غیبت در بعد اجتماعی آن هم در ساحت  
 سیاسی و حکمرانی ولی فقیه نمود و بروز بیشتری دارد.

## ۲-۱-۲. حکمرانی متعالی مهدوی، هدف حکمرانی ولی فقیه

دومین هدفی که جامعه منتظر بعد از هدف نمایی ظهور به دنبالش خواهد بود، تحقق جامعه منتظر و الگوگیری از آن می‌باشد. براساس داده‌های قرآنی و روایی امام مهدی علیه السلام بعد از رخداد ظهور در پی تشکیل نظام واحد جهانی تحت عنوان جامعه منتظر با حکمرانی مهدوی خواهد بود. چنانکه امام باقر علیه السلام در ذیل آیه؛ «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ - أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوَا الزَّكَاةَ» می‌فرماید: «وَهَذِهِ الْآيَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام وَ الْمَهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا». این آیه در خصوص آل محمد علیه السلام و امام مهدی علیه السلام و اصحاب او است که خداوند حاکمیت جهان از شرق و غرب را در اختیارشان قرار می‌دهد (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۷). این روایت با همراهی آیه به نوعی بیان‌گر تشکیل حکمرانی جهانی از ناحیه امام مهدی علیه السلام در فرجام تاریخ بشریت هستند.

حکمرانی مهدوی به‌عنوان آخرین و بهترین حکمرانی دارای شاخصه‌هایی نظیر عدالت محوری، مظلوم‌خواهی، ظلم‌ستیزی، عزت‌مندی، معنویت محوری، دین‌مداری، پاسخ‌گویی به مطالبات مردمی، ایجاد رفاه و آسایش برای مردم، فراوانی نعمت در امورات مادی و... است. چنانکه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَبَشَّرَكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي ... يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جُورًا وَ ظُلْمًا يَوْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ يُقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا؛ به شما مژده می‌دهم مهدی در امت من برانگیخته شود و زمین را پر از عدل و داد کند چونان که پر از ظلم و ستم شده باشد. ساکنان آسمان و زمین از او راضی باشند و بالسویه اموال را میان مردم تقسیم کند» (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۸۳). باز رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَ تُنْعَمُ أُمَّتِي فِيهَا نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ، يُرْسِلُ اللَّهُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا، فَلَا تَدْخُرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنَ النَّبَاتِ...؛ مسلمانان در دوران ظهور امام مهدی علیه السلام طوری از نعمت‌های الهی بهره‌مند می‌شوند که مثل آن در هیچ زمانی اتفاق نیافتاده است. خداوند از آسمان مدام باران می‌فرستد و بدون تأخیر از زمین گیاهان رشد می‌کنند» (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳ق، ص ۴۷۷). براساس محتوای روایات فوق مردمان عصر ظهور در سایه حکمرانی مهدوی به

شاخصه‌های مهمی در همه ابعاد فردی و اجتماعی می‌رسند.

جامعه منتظر با تاسی و الگوگیری از جامعه منتظر و پیاده‌سازی شاخصه‌های آن به ساماندهی و تمشیت امور منتظران می‌پردازد. در واقع همه شاخصه‌های مثبت جامعه منتظر اعم از شاخصه‌های کنشی و هنجاری، و شاخصه‌های گرایشی و انگیزشی، و شاخصه‌های بینشی و معرفتی به نوعی برگرفته از شاخصه‌های جامعه منتظر و حکمرانی متعالی مهدی است. چنانکه مقام معظم رهبری در این خصوص به بیش از بیست شاخصه مهم جامعه منتظر که برگرفته از جامعه منتظر می‌باشد اشاره می‌نماید نظیر: عدالت خواهی و عدالت گستری، فسادستیزی، ساده‌زیستی، سلامت اعتقادی و اخلاقی، تواضع و فروتنی، اجتناب از اسراف، تدبیر و حکمت در تصمیم‌گیری و عمل، سعه صدر و وسعت نظر، تحمل مخالف، توجه به منافع ملی و پرهیز از منافع شخصی و گروهی، شجاعت و قاطعیت در بیان و عمل، انس با خدا و قرآن، خدمت‌گزاری به مردم، شایسته‌سالاری در انتخاب مسئولین، قانون‌گرایی، روزآمدی و کارآمدی در کیفیت کارها، حمایت‌گری و پرهیز از تصدی‌گری، تمرکزگرایی، تخصص‌گرایی، شفافیت و آزادی در اطلاع‌رسانی، حفظ و صیانت از سرمایه ملی، ارزش‌مداری و فرهنگ‌محوری. بی‌شک همه این موارد به نوعی در راستای هدف‌نمایی جامعه منتظر و هدف‌گیری و تاسی جامعه منتظر در جامعه عصر غیبت، اجرائی و پیاده‌سازی می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۶/۶).

پس حکمرانی ولی فقیه با رویکرد هدف‌شناختی در پی تحقق دو هدف یعنی تحقق ظهور و تحقق حکمرانی مهدوی است تا با این نشانه‌گذاری و هدف‌نمایی اولاً، زمینه امید و امیدواری در مردم فراهم شود. ثانیاً، پایه‌ها و اساس نظام ولی فقیه تحکیم و استوار شود. ثالثاً، بستر تاسی و الگوگیری برای نظام ولی فقیه فراهم شود رابعاً؛ تداوم و بقای حکمرانی ولی فقیه تضمین شود.

## ۲-۲. نقش حکمرانی ولی فقیه در مهدویت و حکمرانی مهدوی

گرچه مشروعیت و مقبولیت حکمرانی مطلوب ولی فقیه متفرع بر مهدویت و

حکمرانی مهدوی بوده و به نوعی حکمرانی مهدوی غایت‌بخش و هدف‌نمای آن به حساب می‌آید؛ ولی از نقش حکمرانی مطلوب ولی فقیه در عصر غیبت جهت تمهیدگری و زمینه‌سازی و نیز جهت اشاعه‌گری و تبلیغ اندیشه مهدویت و حکمرانی متعالی مهدوی نباید غفلت نمود که در ذیل به تفصیل آن خواهیم پرداخت.

## ۲-۱. دولت منتظر تمهیدگر و بسترساز دولت منتظر

از جمله رسالت‌های مهمی که منتظران و جامعه منتظر دارند بحث آمادگی و آماده‌سازی جامعه و مردم برای تحقق پدیده ظهور است. ظهور به‌عنوان یک پدیده بشری، تاریخی و اجتماعی بدون حمایت‌گری و مشارکت بشر تحقق پیدا نمی‌کند. البته بشری گفته می‌شود؛ چون بشر در تحقق آن نقش دارد. تاریخی گفته می‌شود؛ چون در فرجام تاریخ بشریت به وقوع می‌پیوندد. اجتماعی گفته می‌شود، چراکه در جامعه بشری تأثیرگذار بوده و آن را دست‌خوش تغییر و تحول اساسی می‌کند.

ظهور دارای دو ساحت «اصل رخداد ظهور» و «مقدمات ظهور» می‌باشد. به بیان دیگر، ظهور در قالب مقدمه و ذی‌المقدمه که مقدمه همان تمهیدات ظهور و ذی‌مقدمه همان اصل رخداد ظهور است.

اصل ظهور و رخداد آن براساس باورداشت همه گروه‌ها و مذاهب اسلامی، مربوط به فعل الهی بوده و تنها با اراده و مشیت حق تعالی تحقق پیدا می‌کند. چنانکه امام زمان علیه السلام در توقیعی که به نایب چهارم خودش علی بن سمری می‌نویسد، می‌فرماید: «فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَةُ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ غیبت دوم (غیبت کبری) واقع شده و ظهور بعد از آن به اذن خداداد رخ خواهد داد» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۱۶).

ولی تمهیدات ظهور که در قالب زمینه‌سازی ظهور مطرح است. علاوه بر اراده و فعل الهی، اراده و فعل بشر نیز در آن دخالت دارد. یعنی خدا فاعل حقیقی و بشر فاعل اعدادی دانسته شده و درنهایت خدای متعال به‌عنوان فاعل حقیقی، زمانی به رخداد ظهور اذن می‌دهد که بشر با اختیار و اراده خودش که فاعل اعدادی است به آمادگی جامع و شایستگی کامل رسیده باشد. چنانچه امام جواد علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

«يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةٌ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقَاصِي الْأَرْضِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَإِذَا كَمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ حَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ ياران‌ش که به تعداد اهل بدرند از دورترین نقطه‌های زمین گرد او فراهم شوند و این است تفسیر گفته خدای عز و جل در سوره بقره آیه ۱۴۸ که می‌فرماید: «هر کجا باشید خدا شما را می‌آورد گرد هم بدرستی که خدا بر هر چیز توانا است» وقتی که این عده از مخلصین پیرامون او اجتماع نمودند، ظهور می‌کند و هنگامی که پیمان کامل گشت یعنی تعداد آنها به ده هزار نفر رسید، به اذن پروردگار قیام می‌کند» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۷۸). چنانچه امام کاظم علیه السلام در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْبُكَيْرُ إِنِّي لَأَقُولُ لَكَ قَوْلًا قَدْ كَانَتْ آبَائِي عليهم السلام تَقُولُهُ لَوْ كَانَتْ فِيكُمْ عِدَّةٌ أَهْلِ بَدْرِ لَقَامَ فَاثْمَنَا؛ ای ابن بکیر! من چیزی به تو می‌گویم که پدرانم آن را می‌گفتند، اگر در بین شما به تعداد افراد جنگ بدر بودند قائم ما قیام می‌نمود» (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۶۴).

ظهور دارای شرایط سه‌گانه‌ای است که تحقق آنها تحقق ظهور را به همراه دارد. این شرایط سه‌گانه مربوط به سه فعل یعنی، فعل خدا، فعل امام و فعل بشر می‌باشد. فعل خدا، همان خلقت و نصب امام و فعل امام همان تبعیت و اطاعت و رزی از خدا و فعل مردم همان تمهیدگری و آمادگی برای رخداد ظهور است. با اینکه دو فعل اولی که یکی مربوط به خدا و دومی مربوط به امام است تحقق پیدا کرده، با این حال باز ما شاهد ظهور نیستیم پس این نقصیه و مشکل بر می‌گردد به ترک فعل مردم که همان عدم آمادگی و عدم تمهیدگری است.

پس ظهور با آمادگی مردم تحقق پیدا می‌کند و آمادگی مردم شرط ظهور بوده و ظهور متفرع بر تحقق آن می‌باشد. براین اساس یکی از ارکان مهم ظهور که همان آمادگی و تمهیدگری است وابسته به اراده و فعل جمعی بشر می‌باشد و بی‌شک بشر در رخداد ظهور به‌عنوان فاعل اعدادی نقش مهمی داشته و تلاش و کوشش او در این خصوص منجر به زمینه‌سازی ظهور و زمینه‌سازی ظهور نیز منجر به رخداد ظهور

می‌شود. این آمادگی و تمهیدگری به اقسام مختلفی نظیر آمادگی لسانی، قلبی و عملی تقسیم می‌شود که خود آمادگی عملی باز به دو نوع آمادگی فردی و اجتماعی متنوع می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۸۰). در میان اقسام آمادگی، آمادگی عملی و در میان انواع آمادگی، آمادگی اجتماعی مهم‌تر و تأثیرگذارترین آمادگی‌ها است که در ذیل به دو نوع آمادگی یعنی فردی و اجتماعی به تفصیل سخن خواهیم گفت.

## ۲-۱-۱. تمهیدگری فردی

از جمله وظایف مهمی که منتظران در عصر غیبت باید به اجرای آن پردازند، موضوع تمهیدگری و فراهم‌آوری مقدمات برای رخداد ظهور است و تحقق این امر که بدان زمینه‌سازی ظهور می‌گویند از دو طریق فردی و اجتماعی حاصل می‌شود. آمادگی فردی که از نظر رخداد، مقدم بر آمادگی اجتماعی است در قالب شاخصه‌های اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی نمود و بروز پیدا می‌کند. همان شاخصه‌هایی که مردمان عصر ظهور به‌عنوان شهروندان جامعه منتظر بدان مزین و آراسته هستند.

امام صادق علیه السلام در بیان شرح الحال جامعه و مردمان عصر ظهور می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أُحْرَجَتِ الْأَرْضُ بِرِكَاتِهَا وَ رَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْتَقِ أَهْلٌ دِينَ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ...؛ هرگاه قائم ظهور کند عدل را در میان مردم برقرار می‌سازد و جور و ستم در زمان او برطرف می‌شود و راه‌ها امن می‌گردد، در زمان او زمین برکات خود را بیرون می‌کند، و قائم هر حق را به اصحابش برمی‌گرداند، در ظهور او تمام مردم روی زمین دین اسلام را خواهند پذیرفت» (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۶۵).

پس شهروندان جامعه منتظر نیز در راستای تبعیت از شهروندان جامعه منتظر باید به این شاخصه مزین باشند. چنانکه امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ ما را دولتی است که هر گاه خداوند بخواهد آن را می‌آورد. سپس افزود: هر کس مشتاق است که از یاران قائم ما باشد، باید منتظر ظهور او



باشد و پرهیزکاری پیشه سازد و دارای اخلاق نیکو باشد و بدین گونه انتظار آن روز کشد» (ابن عفته کوفی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۴۷).

«عن جَابِرِ الْجَعْفِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام مَتَى يَكُونُ فَرَجُكُمْ فَقَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرَجَنَا حَتَّى تُعْرَبُوا ثُمَّ تُعْرَبُوا ثُمَّ تُعْرَبُوا يَتَوَلَّوْا ثَلَاثًا حَتَّى يَذْهَبَ الْكِدْرُ وَ يَبْتَقَى الصَّفْوُ». از جابر جعفری روایت می شود که گفت: به امام محمد باقر عليه السلام عرض کردم: فرج شما کی خواهد بود؟ فرمود: «هیاهات! هیاهات! فرج ما تحقق نمی پذیرد مگر این که شما آزمایش شوید! باز هم آزمایش شوید! باز هم آزمایش شوید! این را سه بار فرمود تا آنجا که آلودگی برطرف شود، و پاکی بماند» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۳۷).

امام باقر عليه السلام در این خصوص به سه شاخصه مهم: «تمحض»، «تمیز» و «تغریل» که زمینه ساز پاکی و تمهیدگری منتظران است، چنین می فرماید: «فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْتُمْ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ حَتَّى تُمَحَّضُوا هَيْهَاتَ وَ لَا يَكُونُ الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ حَتَّى تُمَيَّرُوا وَ لَا يَكُونُ الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ حَتَّى تُعْرَبُوا؛ شما در مورد چه چیز سخن می گوئید؟ هیاهات! هیاهات! آنچه گردن های خود را به سوی می کشید (منتظر آن هستید) واقع نخواهد شد تا اینکه پاک سازی شوید، [هیاهات] و آنچه گردن های خویش را به سوی آن می کشید واقع نمی گردد تا اینکه باز شناخته و از یک دیگر جدا شوید و آنچه گردن های خود را به سوی می کشید واقع نخواهد شد تا این که غربال شوید» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۰۹).

در روایات بالا امامین باقر و صادق عليه السلام به شاخصه های مهم اخلاقی در بعد فردی اشاره می کنند که در واقع مزین به آنها شدن قدم اول در مسیر تمهیدگری و زمینه سازی ظهور است و اگر منتظران آنها را در خودشان پیاده سازی نکنند و مزین به آنها نباشند پس اولاً، آمادگی ظهور ندارند، ثانیاً، تمهیدگری و زمینه سازی ظهور نکرده اند، ثالثاً، به شایستگی و لیاقت رخداد ظهور نرسیده اند. پس در نهایت نخواهند توانست به بایستگی ظهور برسند.

## ۲-۲-۱-۲. تمهیدگری اجتماعی

در فرایند رسیدن به ظهور علاوه بر تمهیدگری فردی، تمهیدگری اجتماعی نیز لازم

و ضروری است. یعنی در مرحله اول، باید تک تک افراد جامعه به مستوای آمادگی و شایستگی لازم برسند و در مرحله دوم، وقتی که همه افراد جامعه به این جایگاه رسیدند پس به طور طبیعی جامعه نیز به این سطح و مستوا که همان آمادگی و شایستگی رخداد ظهور باشد، رسیده است. گرچه در مسیر رخداد ظهور، شرط اولیه همان آمادگی فردی است. ولی اگر این آمادگی فردی فراگیر و همه جانبه نشود و اراده جمعی بشر در این مسیر قرار نگیرد، ظهوری رخ نخواهد داد؛ زیرا آمادگی فردی شرط لازم و آمادگی جمعی شرط کافی برای ظهور بوده و تا این ظهور خواهی بشر از اراده فردی و به اراده جمعی و از هنجار فردی به نرم اجتماعی نرسید ظهور به وقوع نمی پیوندد.

چنانچه امام باقر علیه السلام در خصوص هنجارهای اجتماعی که منتظران باید رعایت نمایند، می فرماید: «لِيَعْنَنَّ قَوِيَّتَكُمْ وَ ضَعِيفَتَكُمْ وَ لِيُعْطِفَ عَلَيْكُمْ عَلَى فَقِيرِكُمْ وَ لِيَنْصَحَ الرَّجُلُ أَخَاهُ كَنْصَحِهِ لِنَفْسِهِ...؛ توانمندان شما باید به ضعیفان تان کمک کنند و اغنیاء شما باید به فقرا تان مهربانی کنند، هر کس باید برادر [دینی] اش را نصیحت کند، نصیحتی که به نفع برادرش باشد» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۳۲).

امام زمان علیه السلام در تویحی که برای شیخ مفید می نویسد، می فرماید: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا (وَقَفَّهِمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ) عَلَيَّ اجْتِمَاعِ الْقُلُوبِ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا فَمَا يُحِبُّسُ عَنْهُمْ مُسَاهَدَتُنَا إِلَّا لِمَا يَنْصَلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ؛ اگر شیعیان ما (که خداوند آنان را موفق به اطاعتش نماید) دل‌های شان با هم و یکی باشند. برکت دیدار ما (ظهور) بر ایشان زودتر حاصل می شد، پس مانعی از دیدن ما نیست مگر آن چیزی که ما دوست نداریم و به ما می رسد (یعنی گناهان)» (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۹۰۳).

پس، براساس روایات فوق یکی از وظایف مهم منتظران، تمهید‌گری و زمینه‌سازی با رویکرد اجتماعی است که در این مسیر منتظران وظیفه دارند علاوه بر خوداندیشی به دیگراندیشی نیز بپردازند و با روحیه اصلاح و اصلاح‌گری علاوه بر اصلاح خود به اصلاح مردم و جامعه نیز همت گمارند و با گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی به اشاعه شاخصه‌ها و فضائل اجتماعی و دوری از شاخصه‌های منفی و ردائل اجتماعی مبادرت

نمایند تا این رویه به صورت یک عادت رسمی و دائمی در میان منتظران و جامعه منتظر فراگیر و نهادینه سازی شود.

## ۲-۲-۲. دولت منتظر اشاعه‌گر و ترویج‌گر دولت منتظر

یکی از وظایف مهم دولت منتظر در عصر غیبت تبلیغ و معرفی دولت منتظر به بشر و جوامع بشری است. این تبلیغ و معرفی در قالب دو روش گفتاری و عملی انجام می‌شود که اولی به صورت مستقیم و دومی به صورت غیرمستقیم انجام می‌پذیرد. جامعه منتظر در تبلیغ گفتاری به بیان الگوئی جامعه منتظر می‌پردازد و در تبلیغ عملی، خود جامعه منتظر با آراستگی به شاخصه‌های جامعه منتظر، به عنوان نماد کوچک و الگوی مجسمی از جامعه متعالی مهدوی خودنمایی کرده و در عمل و رفتار به تبلیغ و ترویج حکمرانی متعالی مهدوی می‌پردازد.

امام علی علیه السلام در خصوص یاری‌رساندن مردم نسبت به دین خدا، سه طریق را بیان می‌فرماید: «أَنْصُرَ اللَّهَ بِقَلْبِكَ وَ يَدِكَ وَ لِسَانِكَ؛ خدا را با قلب و زبان و دستانت یاری ده» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۸۴). اگر این روایت را در راستای یاری‌رساندن منتظران و جامعه منتظر نسبت به منتظر و جامعه منتظر پیاده‌سازی نمائیم همین سه طریق یعنی: قلبی، عملی و گفتاری در اینجا مطرح می‌شود. یاری‌رساندن قلبی منتظران نسبت به امام زمان علیه السلام یعنی ولایت‌پذیری، محبت و عشق‌ورزی آنها به حضرت. و یاری‌رساندن لسانی منتظران یعنی تبلیغ و اشاعه فرهنگ مهدویت و انتظار در میان مردم و یاری‌رسانی منتظران با دستان، یعنی تبلیغ عملی و رفتاری. در ادامه در میان شیوه‌های سه‌گانه تبلیغی، تنها به دو شیوه یعنی، تبلیغ گفتاری و عملی منتظران نسبت به منتظر و جامعه منتظر، پرداخته می‌شود.

## ۲-۲-۲.۱. تبلیغ گفتاری

تبلیغ گفتاری که همان تبلیغ کلامی و قولی است، شایع‌ترین و فراگیرترین روش تبلیغی به شمار می‌آید. چنانکه قرآن در بیان تبلیغ گفتاری سه ساحت را مطرح

می‌فرماید: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نما» (نحل، آیه ۱۲۵).

ساحت اول: استفاده از حکمت و دانایی است. یعنی مطالبی که محکم و خلل‌ناپذیر هستند و از استدلال محکم برخوردار می‌باشند.

ساحت دوم: موعظهٔ حَسَن و زیبا و دل‌پذیر که از شنیدن آن‌ها روان آدمی نه تنها آزرده نمی‌گردد؛ بلکه می‌آرامد و به سوی پذیرش می‌رود.

ساحت سوم: مناظره و جدال و گفت‌وگوی سالم و جدی.

هر سه گونهٔ این دعوت و رساندن پیام در سراسر حیات و سیرهٔ معصومین علیهم‌السلام وجود دارد. چنانچه در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم؛ «وَ الدَّعْوَةَ الْحُسْنَى وَ حُجَّجَ اللَّهُ عَلَي أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۰).

«پایه‌ی پیشرفت دعوت، اینهاست: اولاً، «بالحکمه»؛ یعنی کلامی که گفته می‌شود، باید حکیمانه باشد. ... مبتنی بر مبانی صحیح، عقلانی، متقن و متکی به مدارک باشد. بعد، «و الموعظة الحسنه». موعظه، غیر از حکمت است. موعظه این است که این کار را بکنید، این کار را نکنید؛ از خدا بترسید، از جهنم بترسید، به بهشت رغبت پیدا کنید... بعد هم مجادله. البته مجادله هم باید «بالتی هی احسن» باشد؛ مجادله‌ی بد نباشد. جدال صحیح؛ جدال به احسن. اینها پایه‌های تبلیغ به حساب می‌آیند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۰۲/۰۶).

یکی از کوتاهی‌هایی مهم و سرنوشت‌سازی که منتظران از گذشته‌های دور مرتکب شده و الان نیز ادامه داشته و بدان دچار هستند درست معرفی نکردن امام زمان علیه‌السلام و حکمرانی عادلانه او به مردم و جامعه است و این کوتاهی‌ها نه تنها در ابتدا به نوعی زمینه‌ساز غیبت شده است در ادامه نیز تدوام غیبت را در سال‌های طولانی در پی داشته و مردم و جامعه را از فیض ظهور امام زمان علیه‌السلام و حکمرانی عادلانه و عاقلانه او محروم کرده است؛ چنانکه، امام صادق علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید: «أَمَّا لَوْ كَمَلَتِ الْعِدَّةُ الْمُؤْصَفَةُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ كَانَ الَّذِي تُرِيدُونَ وَ لَكِنْ شِيعَتُنَا مَنْ لَا يَعْدُو صَوْتَهُ سَمْعَهُ وَ لَا شَحْنَاؤُهُ بَدَنَهُ وَ لَا يَمْدَحُ بِنَا مُعَلِّناً وَ لَا يُخَاصِمُ بِنَا قَالِياً؛ آگاه باش هر گاه آن عده

وصف شده که سیصد و ده نفر و اندی هستند شمارشان کامل شود، آنگاه چنان که شما می‌خواهید خواهد شد، لکن شیعه ما کسی است که صدایش از حدّ گوش خودش نمی‌گذرد و نیز کینه و ناراحتی درونش از حدّ پیکر او تجاوز نمی‌کند، و ما را آشکار نمی‌ستاید و با دشمنان ما نمی‌ستیزد» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۰۳).

امام صادق علیه السلام در این روایت به دو جنبه تبلیغی یعنی، تبلیغ ایجابی و تبلیغ سلبی اشاره می‌فرمایند. در تبلیغ ایجابی، باید امام زمان علیه السلام و حکمرانی او با صدا و رسانه بلند و به طور فراگیر و همه‌جانبه به گوش مردم جهان برسد و در تبلیغ سلبی، باید استکبار جهانی و دشمنان امام زمان علیه السلام با رسانه و برد بلند به مردم جهان معرفی و مورد منقبت و نکوهش قرار بگیرند. تا جهانیان به خوبی حکمرانی متعالی مهدوی و بدی حکمرانی استکبار و دشمنان امام زمان علیه السلام پی برده و با اشتیاق و علاقه همراه با معرفت به سوی آمادگی و شایستگی حرکت کرده و در نهایت به بایستگی و حتمیت ظهور امام زمان علیه السلام برسند.

امام سجاد علیه السلام در خصوص فضیلت مردمان عصر ظهور که دارای شاخصه‌های تبلیغ و ترویج‌گری هستند، می‌فرماید: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُتَنْظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ... أَوْلَيْكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شَيْعَتُنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا؛ مردم زمان مهدی علیه السلام که معتقد به امامت وی می‌باشند و منتظر ظهور او هستند، از مردم تمام زمان‌ها بهترند، آنها مخلصان حقیقی و شیعیان راست‌گوی ما هستند که مردم را به طور آشکار و نهان به دین خدا می‌خوانند» (فیض کاشانی، ۱۳۷۱، ص ۲۵۰).

پس منتظران در راستای انجام رسالت خویش برای رسیدن به آمادگی، شایستگی و بایستگی ظهور باید به تبلیغ در گستره جهانی به صورت فراگیر و همه‌جانبه پرداخته و با ابزار روزآمد و کارآمد در فضای مجازی و حقیقی، امام زمان علیه السلام و حکمرانی عادلانه او را به جهان و جهانیان معرفی نمایند.

## ۲-۲-۲. تبلیغ عملی

تبلیغ عملی، که از آن به تبلیغ فعلی، رفتاری، هنجاری و تجسمی نام برده می‌شود؛

بهترین و مؤثرترین روش تبلیغ در اسلام می‌باشد. و این شیوه تبلیغی مقدم بر تبلیغ گفتاری است. برای مثال، اگر کسی به موضوعی به نام باورداشت مهدویت اعتقاد قلبی و التزام عملی داشته باشد به طور طبیعی در مسیر تبلیغ مؤثرتر و قوی‌تر عمل می‌کند؛ براین اساس مبلغین مهدویت اول، باید باورمند به اندیشه مهدویت و مزین به شاخصه‌های آن بوده و آنها را به درستی در زندگی فردی و اجتماعی خود پیاده‌سازی نمایند و بعد، در عرصه دیگر اندیشی به هدایت‌گری و راهنمایی دیگران به سوی معرفت به امام زمان علیه السلام و حکمرانی عادلانه او پردازند.

چنانکه امام صادق علیه السلام در این خصوص با تأکید فراوان سفارش می‌کند که مردم را باید با این روش هدایت نمود: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ، وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ؛ مردم را با اعمال‌تان به ارزش‌ها و خوبی‌ها دعوت کنید نه با گفتار‌تان» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۷۷).

در زندگی و سیره حضرات معصومین علیهم السلام به روشنی می‌بینیم که در تبلیغ دین بالاخص تبلیغ مهدویت از دو شیوه نظری و عملی پیروی کرده و در راستای تعالی و تعمیق فرهنگ مهدوی علاوه بر تبلیغ نظری، کلامی و گفتاری، به تبلیغ عملی و رفتاری نیز پرداخته‌اند و شاهد این ادعا وجود بیش از دو هزار روایات مهدویت از حضرات معصومین علیهم السلام است که برخی به صورت تبلیغ گفتاری و برخی به صورت تبلیغ عملی صادر شده است.

بنابراین درنهایت نتیجه گرفته می‌شود که اولاً، تبلیغ در عرصه مهدوی متنوع و متکثر است. ثانیاً، تبلیغ مهدویت به اقسامی نظیر تبلیغ نظری، قلبی، گفتاری، نوشتاری، هنری، عملی و ... تقسیم می‌شود. ثالثاً، تبلیغ عملی از نظر نفوذ و عمق‌پذیری از تبلیغ گفتاری برتر است. رابعاً، حضرات معصومین علیهم السلام در تبلیغ مهدویت به هر دو روش تمسک جستند.

براین‌اساس منتظران در راستای الگوگیری از حضرات معصومین علیهم السلام در مقوله تبلیغ مهدویت باید از همه شیوه‌های تبلیغی بهره برده و در عرصه‌های مختلف تبلیغی از ابزار و روش مناسبی استفاده نمایند و با کاربست بهترین، روزآمدترین و کارآمدترین شیوه

تبلیغ شخصیت امام مهدی علیه السلام و حکمرانی عادلانه او را به مردم جهان معرفی نمایند.

### نتیجه گیری

اندیشه مهدویت خاستگاه و توجیه گر دو نوع حکمرانی به نام حکمرانی متعالی مهدوی و حکمرانی مطلوب ولی فقیه است این دو نوع حکمرانی در اصل برانگیختگی از اندیشه مهدویت، متحد و همپوشان هستند براین اساس هر دو حکمرانی، با تابلوی حکمرانی مهدوی نشانه گذاری می شوند؛ زیرا اولی، با حاکمیت مستقیم امام مهدی علیه السلام و دومی، با حاکمیت غیر مستقیم امام مهدی علیه السلام یعنی به سرپرستی ولی فقیه (جانشین امام مهدی) اداره می شود. در کنار این اتحاد و همپوشانی یک سری تفاوت های نیز از نظر اصل و فرع، مقدمه و ذی مقدمه، مباشر و غیر مباشر، و فرایند و برآیند میان آن دو وجود دارد. از این اشتراکات و افتراقات فوق که بگذریم، نوعی رابطه که همان رابطه دو سویه باشد میان آن دو مطرح است. براین اساس حکمرانی مهدوی برای حکمرانی ولی اولاً، نقش مشروعیت ساز ثانیاً، نقش مقبولیت ساز و ثالثاً، نقش هدف نمایی را ایفا می کند و در مقابل حکمرانی ولی فقیه برای حکمرانی مهدوی اولاً، نقش مبلغ و ترویج گر و ثانیاً، نقش زمینه ساز و تمهید گر را ایفا می کند.

## فهرست منابع

\* قرآن ترجمه فولادوند

۱. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد. (۱۴۲۴ق). فضائل امیر المومنین علیه السلام. قم: دلیل ما.
۲. اربلی، علی. (۱۳۸۱ق). کشف الغمه (ج ۲). تبریز: بنی هاشمی.
۳. اصفهانی، محمدتقی. (۱۳۸۷). مکیال المکارم (چاپ هفتم). قم: مسجد مقدس جمکران.
۴. بروجردی، سیدمحمدحسین. (۱۳۶۲). البدر الزاهر (تقریرات حسینعلی منتظری). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵. بیاضی، علی بن یونس. (بی تا). الصراط المستقیم (ج ۲، مصحح: محمد باقر بهبودی الحیدری). بی جا: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). ولایت فقیه (چاپ دوم). قم: مرکز نشر اسراء.
۷. حلّی، جعفر (محقق حلّی). (۱۴۰۸ق). شرایع الاسلام. قم: اسماعیلیان.
۸. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸). ما منتظریم (گرد آورنده: حسن ملائی، چاپ چهارم). قم: بنیاد مهدی موعود علیه السلام.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۶). اجوبه الاستفتانات (ج ۶۱). تهران: مؤسسه فرهنگی ثقلین.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۸). توضیح المسائل مراجع (ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۲/۰۲/۰۶). بیانات: در دیدار مسئولین سازمان تبلیغات. برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://khi/f/7586>
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۵/۰۶/۰۶). بیانات: در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت. برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/3349>



۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸/۱۲/۲۲). بیانات: در دیدار اقشار مختلف مردم. برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/2276>
۱۵. خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۶۱). صحیفه نور (ج ۱۶). تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۶. خمینی، سیدروح‌الله. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع (ج ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۷. صدوق، محمد. (۱۳۹۵ق) کمال الدین (ج ۲، مصحح: علی اکبر غفاری). قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. صدوق، محمد. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (ج ۲). قم: جامعه مدرسین.
۱۹. طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۸۵ق). مشکوه الانوار (چاپ دوم). نجف: مکتبه الحیدریه.
۲۰. طبری آملی صغیر، محمد. (۱۴۱۳ق). دلائل الامامه. قم: بعثت.
۲۱. طوسی، محمد. (۱۴۱۱ق). الغیبه. قم: دارالمعارف الاسلامیه.
۲۲. طوسی، محمد. (۱۴۱۴ق). امالی. قم: دارالتقافه.
۲۳. عاملی جبعی، زین الدین (شهید ثانی). (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام (ج ۱). قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
۲۴. فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۳۷۱). نوادر الاخبار. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۵. قطب الدین، سعید بن هبه الله راوندی. (۱۴۰۹ق). خرائج و جرائح (ج ۲). قم: موسسه امام مهدی علیه السلام.
۲۶. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی (چاپ سوم). قم: دارالکتاب.
۲۷. کرکی، علی (محقق ثانی). (۱۴۰۸ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل‌البیت للاحیاء التراث.
۲۸. لیشی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: دارالحدیث.
۲۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (ج ۹۷، چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). نظریه سیاسی اسلام (ج ۱، چاپ ششم). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۱. مفید، محمد. (۱۴۱۳ق). الرساله الرابعه فی الغیبه. قم: دارالمفید.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). حکومت جهانی. قم: نسل جوان.
۳۳. نجفی، محمدحسن. (۱۹۸۱م). جواهرالکلام (ج ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۲ و ۴۰). بیروت: دار احیاء التراث.
۳۴. نراقی، ملااحمد. (۱۳۷۵). عوائدالایام. بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳۵. نعمانی، محمد. (۱۳۹۷ق). غیبت نعمانی، تهران: نشر صدوق.

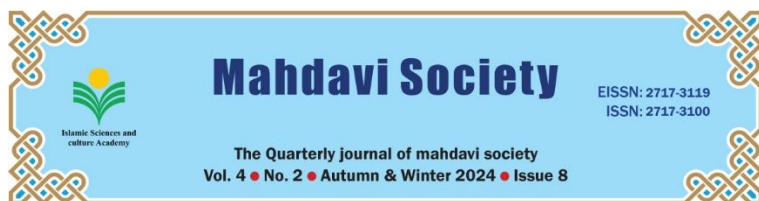
## References

\* The Quran (Fouladvand, Trans.).

1. Ameli, Z. (Shahid Thani). (1413 AH). *Masalik al-Afham* (Vol. 1). Qom: Islamic Education Institute. [In Arabic]
2. Bayazi, A. (n.d.). *Al-Sirat al-Mustaqim* (Vol. 2, Bahboudi al-Haydri, M. B, Trans.). Al-Mortazawi Library for Revival of Al-Jaafari Works.
3. Boroujerdi, S. M. H. (1362 AP). *Al-Badr al-Zaher* (Montazeri, H. A, Ed.). Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary. [In Persian]
4. Erbali, Ali. (1381 AH). *Kashf Al-Ghamma* (Vol. 2). Tabriz: Bani Hashemi. [In Arabic]
5. Esfahani, M. T. (1387 AP). *Makyal al-Makaram* (7<sup>th</sup> ed.). Qom: Jamkaran Holy Mosque. [In Persian]
6. Feiz Kashani, M. M. (1371 AP). *Navadir al-Akhbar*. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [In Persian]
7. Heli, Jafar. (Mohaqeq Heli), (1408 AH). *Sharaye al-Islam*. Qom: Ismailian. [In Arabic]
8. Hemiri, A. (1413 AH). *Qurb al-Asnad*. Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
9. Ibn Uqda Kufi, A. (1424 AH). *Virtues of Amir al-Mominin*. Qom: Dalileh Ma. [In Arabic]
10. Javadi Amoli, A. (1379 AP). *Velayat al-Faqih* (2<sup>nd</sup> ed.). Qom: Isra Publishing Center. [In Persian]
11. Karaki, A (Mohaqeq Thani). (1408 AH). *Jami al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id*. Qom: Mu'sisah Alulbayt le Ihya al-Torath. [In Arabic]
12. Khamenei, S. A. (1368 AP). *Statements: In the meeting of different classes of people*. From: the Supreme Leader's information Website: <https://khl.ink/f/2276>. [In Persian]
13. Khamenei, S. A. (1372 AP). *Statements: In the meeting with the officials of the Propagation organization*. From: the Supreme Leader's information Website: <https://khi/f/7586>. [In Persian]
14. Khamenei, S. A. (1376 AP). *Ujubah al-Istifta'at* (Vol. 61). Tehran: Saghalain Cultural Institute. [In Persian]

15. Khamenei, S. A. (1378 AP). *Tawzih al-Masa'il Maraje* (Vol. 1). Qom: Islamic publishing office affiliated with the community of teachers. [In Persian]
16. Khamenei, S. A. (1385 AP). *Statements: In a meeting with the president and members of the government delegation*. From: Supreme Leader's information Website: <https://khl.link/f/3349>. [In Persian]
17. Khamenei, S. A. (1398 AP). *We are waiting* (Molaei, H, Ed., 4<sup>th</sup> ed.). Qom: Mahdi Mow'ud Foundation. [In Persian]
18. Khomeini, S. R. (1361 AP). *Safiha Noor* (Vol. 16). Tehran: Islamic Revolution Cultural Documents Organization. [In Persian]
19. Khomeini, S. R. (1421 AH). *Kitab al-Bai* (Vol. 2). Tehran: The Institute for Editing and Publishing Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
20. Laithi Waseti, A. (1376 AP). *Uyun Al-Hukm va Al-Mawa'iz*. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
21. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (Vol. 97, 2<sup>nd</sup> ed.). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
22. Makarem Shirazi, N. (1386 AP). *world government*. Qom: Nasle Javan. [In Persian]
23. Mesbah Yazdi, M. T. (1391 AP). *Political theory of Islam* (Vol. 1, 6<sup>th</sup> ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
24. Mofid, M. (1413 A.H.). *Al-Risalah al-Rabi'ah fi al-Qaibah*. Qom: Dar al-Mufid. [In Arabic]
25. Najafi, M. H. (1981). *Jawahir al-Kalam* (v. 15, 16, 21, 22 & 40). Beirut: Dar Ihya al-Torath.
26. Naraghi, M. A. (1375 AP). *Awa'id al-Ayam*. Beirut: Maktab al-A'alam al-Islami. [In Persian]
27. Nomani, M. (1397 AH). *Qeibah Nomani*, Tehran: Sadouq Publications. [In Arabic]
28. Qomi, A. (1404 AH). *Tafsir Qomi* (3<sup>rd</sup> ed.). Qom: Dar al-Kitab. [In Arabic]
29. Qutbuddin Ravandi. (1409 AH). *Khara'ij va Jara'eh* (Vol. 2). Qom: Imam Mahdi Institute. [In Arabic]

30. Sadouq, M. (1395 AH) *Kamal al-Din* (Vol. 2, A. A, Ghafari, Ed.). Qom: Dar al-Kitab al-Islamiyya. [In Arabic]
31. Sadouq, Muhammad. (1413 AH). *Man la Yahzar al-Faqih* (Vol. 2). Qom: Society of teachers. [In Arabic]
32. Tabari Amoli Saghir, M. (1413 AH). *Dalai'l al-Imamah*. Qom: Bethat. [In Arabic]
33. Tabarsi, A. (1385 AH). *Mishkah al-Anwar* (2<sup>nd</sup> ed.). Najaf: Maktaba Al-Haidariyya. [In Arabic]
34. Tusi, M. (1411 AH). *Al-Qeybah*. Qom: Dar al-Maarif al-Islamiya. [In Arabic]
35. Tusi, M. (1414 AH). *Amali*. Qom: Dar al-Thaqafa. [In Arabic]



## An Analysis and Examination of the Solutions to Face People Claiming to be Imam Mahdi<sup>1</sup>

Mehrab Sadeghnia<sup>1</sup> Zahra Talebi<sup>2</sup>

1. Associate Professor, Department of Abrahamic Religions, University of Religions and Denominations, Tehran, Iran (corresponding author).

sadeghnia@gmail.com; ORCID: 0000000164601911

2. PhD student, Christian Theology, University of Religions and Denominations. Tehran, Iran. Zahra.talebi99893@gmail.com; ORCID: 0009000975317962



### Abstract

Believing in the reappearance of Imam Mahdi is one of the most important beliefs of the Shia community, which provides the basis for getting rid of disappointment and failures. However, the reappearance of Mahdi Nama (Claiming to be Imam Mahdi) movements have always been a threat to this meaningful belief. From the very first days of the Occultation Age until now, individuals and groups in this regard have made claims such as succession, representativeness, prophethood, having relationship (with Imam Mahdi), representation, or even considering themselves as Imam Mahdi. The emergence of these movements may seem like a challenge to the religion at first, but in modern times, it can become a social challenge and provide the basis for the emergence of new sects as well as a social gap among Shias, and even a threat for the survival of society. For this reason, the confrontation and struggle with Mahdi

---

1. **Cite this article:** Sadeghnia, M., & Talebi, Z. (1402 AP). An Analysis and Examination of the Solutions to Face People Claiming to be Imam Mahdi. *Journal of Mahdavi Society*, 4(8), pp. 40-80. <https://doi.org/10.22081/JM.2024.68306.1088>.

---

\* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). \***Type of article:** Scientific-promotional Article

---

▣ **Received:** 10/01/2023 • **Revised:** 09/02/2024 • **Accepted:** 28/02/2024 • **Published online:** 06/03/2024

---

Nama people has been the focus of theologians for many years, and has also been studied and considered in social sciences. However, there is still not much agreement on the most suitable solution for this confrontation. This study has tried to find the most appropriate solutions to face the phenomenon of Mahdi Nama people by using the elite interview method with experts from the field of sociology who have focused on this issue, and analyzing its content. These solutions sometimes refer to the teaching method of Mahdism and sometimes they refer to therapeutic procedures. Some experts emphasize changing the discourse of Mahdism and reducing its emotional strains, while others emphasize legal and judicial procedures. However, all experts consider Mahdi Nama people to be a social issue and not a theological one.

### **Keywords**

Millennialism, Mahdi Nama People, social analysis.

## تحلیل و بررسی راه کارهای مواجهه با مهدی‌نمایی<sup>۱</sup>

مهراب صادق‌نیا<sup>۱</sup> زهرا طالبی<sup>۲</sup>

۱. دانشیار، گروه ادیان ابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

sadeghnia@gmail.com; ORCID: 0000000164601911

۲. دانشجوی دکتری، الهیات مسیحی، دانشگاه ادیان و مذاهب، تهران، ایران.

Zahra.talebi99893@gmail.com; ORCID: 0009000975317962



### چکیده

باور به ظهور حضرت مهدی علیه السلام از مهم‌ترین عقاید جامعه‌ی شیعی است که زمینه‌ی رهایی از ناامیدی و ناکامی‌ها را فراهم می‌کند؛ با این حال، همواره ظهور جریان‌های مهدی‌نما، تهدیدی برای این باور معنابخش بوده‌اند. از همان روزهای نخستین عصر غیبت تا کنون، افراد و گروه‌هایی در این زمینه ادعاهایی از نوع: نیابت، سفارت، بابیت، ارتباط، و کالت، یا حتی مهدی‌بودگی داشته‌اند. ظهور این جریان‌ها در ابتدا ممکن است چالش نهاد دین به نظر بیاید، ولی در روزگار مدرن می‌تواند به یک چالش اجتماعی تبدیل شده و زمینه‌ی پیدایش فرقه‌های جدید و نیز شکاف اجتماعی میان شیعیان را فراهم کند و حتی تهدیدی برای بقای جامعه باشد. به همین دلیل سالیانی است که مواجهه و مبارزه با مهدی‌نمایی علاوه بر اینکه مورد توجه متکلمان و الهی‌دانان است، در علوم اجتماعی نیز مورد توجه و تدقیق قرار گرفته است؛ با این حال هنوز توافق چندانی بر مناسب‌ترین راه کار این مواجهه در دست نیست. این پژوهش، کوشیده است تا با استفاده از روش مصاحبه‌ی نخبگانی با کارشناسانی از حوزه‌ی جامعه‌شناسی که بر این موضوع تمرکز داشته‌اند، و تحلیل محتوای آن، به مناسب‌ترین راه کارهای

۱. **استاد به این مقاله:** صادق‌نیا، مهراب؛ طالبی، زهرا. (۱۴۰۲). تحلیل و بررسی راه کارهای مواجهه با مهدی‌نمایی.

<https://doi.org/10.22081/JM.2024.68306.1088>

جامعه‌شناسی، ۴ (۸)، صص ۴۰-۸۰.

□ نوع مقاله: علمی - ترویجی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسنده‌گان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶



مواجهه با پدیده‌ی مهدی‌نمایی دست یابد. این راه‌کارها گاه به شیوه‌ی تعلیم مهدویت اشاره دارد و گاه به رویه‌های درمانی می‌پردازد. برخی از کارشناسان بر تغییر گفتمان مهدویت و کاستن از سویه‌های عاطفی آن تأکید دارند و برخی دیگر بر تأکید بر رویه‌های قانونی و قضایی. با این حال، همه کارشناسان، مهدی‌نمایان را یک مسئله اجتماعی می‌دانند و نه کلامی.

### کلیدواژه‌ها

هزاره‌گرایی، مهدی‌نمایان، تحلیل اجتماعی.

## مقدمه

موعودباوری در معنای عام و یا مهدویت در معنای شیعی آن، یکی از مهم‌ترین راه‌های مواجهه با شکاف سعادت<sup>۱</sup> است. جوامع و گروه‌های مذهبی موعودباور با تکیه بر همین باور، راهی برای توجیه رخداد‌های آزاردهنده و تلخ‌کامی‌های خود پیدا کرده، آرزوهای گم‌شده‌ی خود و نیز آرمان‌های اخلاقی خود را در آن عینیت می‌بخشند (Arjomand, 1993, p. 52). کسی نمی‌تواند به صورت دقیق، معلوم کند که نخستین صورت «آخرالزمان‌گرایی» کجا و در میان چه گروهی از دین‌داران به تاریخ بشر راه یافته است؛ ولی در بیش‌تر فرهنگ‌های ادیان شرق و غرب‌نشانی از آن یافت می‌شود. در این ادیان همواره از یک تحلیل وارونه برای توجیه آن‌چه در گذشته رخ داده است استفاده می‌شود. تحلیلی که از آخرالزمان آغاز شده و وقایع ماقبل آن را با توالی تاریخی بیان و فهم می‌کند. بدین معنا که این گروه‌ها می‌کوشند تا با کمک این آموزه، چالش‌ها و محرومیت‌های نسبی خود در تاریخ را توجیه کنند و با یادآوری آینده‌ی درخشانی که انتظارش را می‌کشند، ناملایمت‌های حال و گذشته را تحمل‌پذیرتر کنند.

با این حال، پیدا شدن گاه و بی‌گاه مدّعیانی که خود را موعود معرفی می‌کنند و تلاش دارند تا ویژگی‌های منجی وعده‌داده‌شده را بر خود منطبق سازند، برای گروه‌های دینی یک چالش بزرگ به‌شمار می‌آید؛ چالشی که نه به یک گروه مذهبی خاص اختصاص دارد و نه به یک دوره‌ی زمانی خاص. از روزگار نخست شکل‌گیری این باور تا روزگار ما، در بیش‌تر گروه‌های آخرالزمان‌گرا، موعودهای دروغینی ظهور کرده و جماعتی را به هواداری خود کشانده‌اند. «مسیحانمایی»<sup>۲</sup> چون کابوسی موعودباوری را تهدید می‌کند. نهاد دین همواره خود را با تهدید پیدایش جریان‌های مدّعی مسیحا روبه‌رو دیده و معمولاً از آن به‌عنوان جریان‌های انحرافی و بدعت‌آمیز یاد شده است.

در اسلام نیز از روزگار نخست تا کنون، مهدیان دروغین اصالت این باور را تهدید و

1. Gap of happiness

2. pseud messiah / pseudo messiah

جامعه‌ی مسلمان و شیعی را در معرض شکاف و تنش قرار داده‌اند. با این حال، شرایط سیاسی و اجتماعی موجود و تنگناها و چالش‌هایی که در این چند دهه اخیر رخ داده است، به ظهور مدعیان شتاب داده است. این پدیده، سبب شده است که تلاش‌های زیادی برای مواجهه با مدعیان و نیز هواداران آن‌ها انجام پذیرد. تلاش‌هایی که شوربختانه کم‌تر با موفقیت همراه بوده است.

با ورود به دنیای جدید، جریان‌های مسیحانما و مهدی‌نما به دلیل تأثیری که بر صورت‌بندی‌های اجتماعی داشتند، به موضوع مورد علاقه اندیشمندان علوم انسانی و به ویژه جامعه‌شناسان تبدیل شده‌اند. از آنجایی که مسائل اجتماعی را باید با روش‌های رایج و استاندارد این علم مطالعه کرد، برای تفسیر و فهم مهدی‌نمایی باید به داده‌های تجربی تکیه کرد و براساس روش‌های مشاهده و مصاحبه و نیز مطالعه‌ی اسناد، واقعیت‌های زندگی اجتماعی را به دست آورد. تحقیقات جامعه‌شناختی بر جمع‌آوری سیستماتیک داده‌ها و تفسیر آن‌ها تکیه دارد (Arjomand, 1993, p. 23). این خصلت از رویکرد جامعه‌شناسی دقیقاً نقطه‌ی مقابل مطالعات کلامی و فلسفی است که می‌کوشد پدیده‌ها را با منطق عقل و نقل توضیح و تبیین کند.

آنچه این مقاله در پی آن است، معرفی مهم‌ترین روش‌ها و نیز مناسب‌ترین آن‌ها از نگاه کارشناسان مهدویت است. کارشناسانی که سالیانی از عمر خود را به مواجهه و مقابله با جریان‌های مهدی‌نما اختصاص داده‌اند. به همین دلیل، نویسندگان این مقاله کوشیده‌اند تا با استفاده از روش مصاحبه‌نخبه‌گانی و تحلیل محتوای داده‌های به‌دست آمده، مؤثرترین روش‌های مبارزه با مهدی‌نمایی را معرفی نمایند. در این مقاله با پانزده نفر از کارشناسانی که سالیانی است در این زمینه فعالیت علمی و تجربی دارند مصاحبه شده است. این افراد به‌صورت هدف‌مند برگزیده شده‌اند.

## ۱. روش و نوع تحقیق

این مطالعه یک پژوهش کیفی است و از منطق این گونه مطالعات پیروی می‌کند. برخلاف مطالعات کمی که از نظر هستی‌شناسی بر فرض ثبات و عینیت موضوع تحقیق

استوارند، مطالعات کیفی بر این اصل پافشاری دارند که موضوع تحقیق تا اندازه‌ی زیادی سیال و تغییرپذیر است (محمدپور، ۱۳۸۹، ص ۳۴). در این تحقیق، با تکیه بر منطق ذهنی بودن موضوع مدعیان پیش خواهیم رفت و کوشش خواهیم کرد تا با مطالعه اسنادی و انجام مصاحبه با نخبگان به فهم و تحلیل آنان از این پدیده دست پیدا کنیم. ادبیات نظری، بیشتر بر داده‌هایی استوار است که پیش‌تر در اسناد گرد آمده و منتشر شده‌اند. هم مصاحبه‌شوندگان و هم اسنادی که مورد استفاده قرار خواهند گرفت ناظر به واقعیت عینی و تجربی خواهند بود و نه ذهنیت و یا تفسیر نویسندگان و مصاحبه‌شوندگان. در واقع، به این معنا که داده‌های موجود در مصاحبه‌ها و نیز اسناد نوشتاری ناشی از تجربه‌ی عینی مصاحبه‌شوندگان خواهد بود.

در تحقیق کیفی محقق تلاش می‌کند جنبه‌های تجربه‌ی زندگی موارد قابل مطالعه را بازسازی کند. در این تحقیق هدف تنها جستجوی روابط میان متغیرها نیست، بلکه تلاش در جهت فهم دیدگاه‌های آن‌هایی است که مورد مطالعه‌اند. در این گونه از تحقیق به جای استفاده از نمونه‌ی یک جمعیت بزرگ، تلاش می‌شود مطالعه‌ی موردی با جزئیات عمیق‌تر انجام شود (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۷۲). در این تحقیق ما بدون آن‌که کاری آماری انجام دهیم و یا بر مستندات غیرتجربی تکیه کنیم، خواهیم کوشید تا به تعداد بالاتری از راه کارهای قابل تصور برای کاهش پدیده‌ی مهدی‌نمایی و نیز نافرجام کردن چنین پدیده‌هایی دست پیدا کنیم. افزون بر آن پژوهش‌های کیفی برخلاف نوع کمی آن‌ها، بر این نکته تأکید دارند که از نظر معرفت‌شناسی رابطه‌ی مستقیمی بین محققان و موضوع تحقیق وجود دارد. به همین دلیل تأکید دارند که محقق خود باید در معرض موضوعات مورد تحقیق باشد (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۷۲). در مطالعات کیفی می‌توان اهداف مختلفی را دنبال کرد، در این پژوهش، هدف نهایی ما مقوله‌بندی و یا نظم‌دهی مفهومی داده‌ها برای دست‌یابی به تحلیلی عمیق‌تر از موضوع است. این کار ما را تا آستانه‌ی نظریه‌مبنایی پیش می‌برد و این امکان را می‌دهد که بتوانیم یک نظریه‌ی پسینی ارائه کنیم.

در این تحقیق با ده نفر از اساتید و پژوهش‌گران جریان‌های انحرافی مدعی مهدویت

مصاحبه شده است. مصاحبه‌شوندگان اطلاع‌رسانان کلیدی‌ای هستند که به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. این افراد از تجربه‌های عینی و میدانی در مواجهه با جریان‌های مدعی مهدویت برخوردارند و سالیانی است که در این زمینه کار میدانی، تحقیق اسنادی، و تدریس می‌کنند. انتخاب این افراد هدفمند بوده است، به این معنا که براساس آشنایی نویسنده با حوزه فعالیت‌شان و تجربه‌ای که در این زمینه دارند، انتخاب شده‌اند.

## ۲. پیشینه‌ی مهدی‌نمایی

مدعیان مهدویت در طول تاریخ اسلام از همان آغاز تا کنون میهمان ناخوانده‌ی جوامع مسلمان بوده‌اند. احتمالاً اولین نفری<sup>۱</sup> که پس از وفات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نام وی به‌عنوان مهدی موعود و شخص ظهورکننده در آخرالزمان از سوی برخی مسلمانان مطرح شد، حضرت علی علیه السلام بود. گروهی به نام سبأیه به رهبری عبدالله بن وهب (سبأ) راسبی در تاریخ صدر اسلام مشهور شدند که ادعایشان این بود «امام علی علیه السلام کشته نشده و نخواهد مرد؛ بلکه او برمی‌گردد و صاحب زمین می‌شود. عرب را با چوب و عصای خود می‌راند و پس از آن که زمین پر از ظلم و جور شده، زمین را پر از عدل و داد می‌کند» (اشعری، ۳۱۱ق، صص ۷۶-۷۷). در برخی منابع آمده است حضرت علی علیه السلام، عبدالله بن وهب را دستگیر کرد و خواست وی را بکشد؛ اما به علت اعتراض مردم وی را نکشت و به مدائن تبعید کرد. عبدالله پس از رسیدن خیر شهادت امام علی علیه السلام به مدائن می‌گفت «اگر هفتاد شاهد عادل هم بیابند، این خبر را باور نمی‌کنم و می‌دانم که او

۱. البته پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، عمر بن خطاب بر در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و اعلان داشت «پیامبر صلی الله علیه و آله نمرده و همانند موسی علیه السلام از نظرها غایب شده است. وی روزی باز خواهد گشت و جهان را پر از عدل و داد می‌کند. هر کس بگوید پیامبر صلی الله علیه و آله وفات یافته، وی را می‌کشم». این اندیشه بسیار زود و توسط ابوبکر رد شد و غائله این ماجرا سریعاً خاتمه یافت. نقل شده است ابوبکر بیرون از شهر مدینه بود و پس از اینکه وارد مدینه شد، جلوی خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «هر کس پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌پرستیده، بداند که پیامبر صلی الله علیه و آله وفات یافته است؛ اما کسانی که خدای پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌پرستیدند بدانند که خداوند زنده است. اَفان مات أو قتل انقلبتم علی أعقابکم.» درباره اغراض سیاسی این اقدام عمر بن خطاب در جلوگیری از نشر خبر وفات پیامبر صلی الله علیه و آله تا زمان حضور ابوبکر تحلیل‌هایی تاریخی بیان شده است.

نخواهد مرد تا روزی ظهور کند» (اشعری، ۳۱۱ق، صص ۷۶-۷۷).

ادعای مهدویت درباره برخی دیگر از امامان از جمله امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام مطرح شده است و البته درباره صحت این نقل‌ها نیز بحث‌هایی صورت پذیرفته است (حیدری، ۱۳۹۱، ص ۶۳؛ همچنین ر.ک به: ادعاهای مهدویت و علل ظهور آن در سه قرن اول اسلام، مصطفی حیدری، صص ۸۵-۹۹). اما درباره برخورد عالمان و بزرگان دین با این گونه ادعاها در آن زمان مطلبی یافت نشد.

در عصر حضور ائمه علیهم السلام درباره اشخاص مختلفی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله ادعای مهدویت شده است که عموماً این ادعا نه از سوی خود این افراد، بلکه از سوی پیروانشان به آنها نسبت داده شده است. از جمله این افراد: محمد بن حنفیه، مختار بن ابوعبیده ثقفی (بغدادی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۰)، ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه (مغربی، بی تا، ج ۳، صص ۳۱۶ و ۳۱۷)؛ عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب (زین عاملی، ۱۳۹۳، ص ۷۴)، یحیی بن عمر (خواجویان، ۱۳۱۷، ص ۹۲)، محمد بن قاسم بن علی بن الحسین بن علی معروف به صاحب طالقان (بغدادی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۲)، محمد عبدالله بن حسن معروف به نفس زکیه (اصفهانی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۴۲؛ نامعلوم، أخبار الدولة العباسية، ص ۳۹۴؛ بغدادی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۰؛ رازی، ابوحاتم، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳؛ مسعودی، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۳۰۶) اسماعیل بن جعفر (لویس، برنارد، ۱۳۶۳، ص ۴۹؛ اشعری، ۳۱۱ق، ص ۱۵۲؛ بدوی، عبدالرحمن، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۸۷؛ خضری، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۶۵؛ الشامی، فضیلت، ۱۳۶۷، ص ۳۹)، محمد بن جعفر الصادق معروف به محمد دیباج (نوبختی، محمد بن موسی، ۱۳۵۸، ص ۱۱۲؛ لیشی، ۱۹۷۸م، ص ۴۰۳؛ اصفهانی، ۱۴۰۳ق، ص ۵۳۹)، محمد بن اسماعیل بن جعفر (خواجویان، ۱۳۱۷، ص ۹۳؛ هالم، ۱۳۸۹، ص ۲۹۰)، محمد بن علی الهادی معروف به سیدمحمد (جاسم حسین، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸ به نقل از نوبختی، ۱۳۵۸، ص ۸۴؛ اشعری، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹)، جعفر بن علی الهادی معروف به جعفر کذاب (نوبختی، ۱۳۵۸، ص ۱۵۰) بودند که مطالبی در منابع مختلف درباره ایشان و ادعای مهدویت از سوی پیروانشان بیان شده است.

ادعای مهدویت منحصر به افراد منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله نبود و درباره اشخاص دیگری از خاندان‌های دیگر نیز ادعای مهدویت می‌شد. یزید پسر معاویه از اولین اشخاص از خاندان اموی بود که برخی به مهدویت وی قائل شدند. بر همین اساس یزیدیه قائل به

این هستند که یزید نمرده است و به آسمان صعود کرده است. وی بعداً برمی گردد و جهان را پر از عدل و داد می کند (صدوق الدموجی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۴). موسی بن طلحه (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۲۴)، عمر بن عبدالعزیز (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۳۳)، زیاد بن عبدالله اموی (مشکور، محمدجواد، ۱۳۹۳، ص ۸۰) و ابوجعفر منصور عباسی (مرتضی العاملی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۲) از دیگر کسانی بودند که درباره شان ادعای مهدویت شده است.

### ۳. مبانی نظری

پیش از آن که بخواهیم از چگونگی مواجهه با مدعیان مهدویت و پیش نهاد راه کار برای کنترل این پدیده سخن بگوییم، بهتر است به عوامل مؤثر بر پیدایش این جریان‌ها اشاره‌ای داشته باشیم. این کار امکان ارزیابی راه کارهای پیشنهاد شده را برای ما فراهم می کند. برای این منظور به سراغ نظریه‌هایی که در این زمینه ارائه شده است رفته و برخی از مهم ترین این نظریه‌ها را معرفی می کنیم. برای ارائه‌ی تحلیلی درست از جریان‌های مدعی مهدویت، به یک چارچوب نظری نیازمندیم. به دلیل فقدان این چارچوب در میان متفکران مسلمان، به سراغ نظریه‌های جامعه‌شناسان غیرمسلمان در ارتباط با مسیحانمایی رفتیم. به نظر می رسد این نظریه‌ها تا اندازه‌ی زیادی امکان فهم و تبیین جریان‌های مهدی‌نما و ارزیابی راه کارهای مواجهه با آن را برای ما فراهم می کنند.

آنچه فهم مهدی‌نمایی از طریق مطالعه مسیحانمایی را میسر می کند، اشتراک هر دو پدیده در باورهایی است که ریشه در موعودباوری دارند. انتظار دگرگونی کامل نظم جاری جهانی در زمانی قریب‌الوقوع، که در گرو ظهور یک منجی معین است شالوده‌ی اصلی این باور را تشکیل می دهد. این اندیشه به فرهنگ و تمدنی خاص محدود نیست. در سنت ادیان ابراهیمی، یهودیان از روزگار اسارت بابل به این سوی (قرن ششم پیش از میلاد) بر اندیشه‌ی موعودباوری تأکید داشته‌اند. آنان همواره باور داشته‌اند که موعودشان<sup>۱</sup>

1. Hevlei-Mashian

خواهد آمد و بی‌سامانی‌ها و سرگردانی‌های آن‌ها را به انتها خواهد برد و وعده‌های خدا در حقّ قومش را محقق خواهد کرد (آزیر، ۱۳۸۸، صص ۱۶۸-۲۱۱). در سنت دینی مسیحی ماجرای موعود، صورت‌های نمایان‌تری دارد. مسیحیان از همان آغاز با موعودیت پیوندی عمیق داشته‌اند. آنان گروهی یهودی بودند که با منطبق کردن وعده‌های اشعیا و دانیال و نیز پیش‌گویی‌های زکریا بر شخص عیسیای ناصری، او را ماشیح یهود نامیدند و زمینه را برای شکل‌گیری مسیحیت فراهم آوردند (صادق‌نیا، ۱۳۸۸، صص ۲۲۳-۲۲۷). اگر چه عیسیای ناصری نتوانست انتظار هواداران اولیه‌ی خود را در تحقق وعده‌های کتاب مقدس عبری برآورده کند، ولی مکاشفه‌ی مریم مجدولیه در روز سوم دفن عیسی، معنایی جدید از موعودباوری را به میان آورد (صادق‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۴۳). از آن روز تاکنون، مسیحیان بازگشت قریب‌الوقوع مسیح و برپایی اورشلیم تازه را انتظار می‌کشند.

اندیشه‌ی هزاره‌ی طلایی و بازگشت موعود، همواره یک باور نوشونده بوده است. این اندیشه هیچ‌وقت در لابه‌لای متون کهن نمانده و غبار تاریخ بر آن نشسته است. تاریخ ادیان ابراهیمی سرشار است از جریان‌های فرهنگی و اجتماعی و نیز نهضت‌ها و جنبش‌های انقلابی و مدنی که به نوعی با این باورداشت در پیوند هستند.

در جهان غرب رویکردهای مختلفی به این موضوع وجود دارد. اولین دسته از پژوهش‌گرانی که در این زمینه تحقیق کردند، بیش‌تر رویکردی تاریخی داشتند و سعی می‌کردند تا گزارشی واقع‌نما از جریان‌های موعودگرا ارائه دهند. پس از انقلاب فرانسه و رواج دایرة‌المعارف‌نویسی، مدخل‌های زیادی به این پدیده اختصاص یافت و بعدها این روان‌شناسان و سپس جامعه‌شناسان بودند که به مسیحانمایان اقبال نشان دادند.

در جامعه‌شناسی نیز، برای تحلیل چرایی پیدایش جریان‌های هزاره‌گرا، ایده‌ها و رویه‌های مختلفی وجود دارد؛ به همین دلیل این پدیده در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی مانند جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی سیاسی، جامعه‌شناسی معرفت و ... مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها در این زمینه ارائه می‌شوند:



### ۳-۱. گسست ادراکی و نارضایتی اجتماعی

گلاک و استارک<sup>۱</sup> دو جامعه‌شناس دین آمریکایی، فرقه‌های نوپدید دینی را معلول دوپدیده‌ی اثرگذار بر هم دانسته‌اند. نخست، گسست ادراک و بینش دینی میان کنشگران و دوم، نارضایتی اجتماعی شهروندان از وضع موجود (Glock and Stark, 1965, p. 53). در مورد علت نخست، گلاک و استارک این‌گونه تبیین می‌کنند که زمانی که یک الهیات و یا سنت دینی نتواند با تفسیری که ارائه می‌دهد جامعه‌ی دین‌داران را با خود همراه کند و نتواند نجات را به‌گونه‌ای تبیین کند که دینداران با آن ارتباط برقرار کنند، در این صورت زمینه‌ی پیدایش جریان‌های نوپدید دینی فراهم خواهد شد (Glock and Stark, 1965, pp. 57-59).<sup>۱</sup> علت دوم یعنی نارضایتی اجتماعی شهروندان از وضع موجود نیز، در حقیقت به شکاف سعادت اشاره دارد یعنی عدم انطباق و وضعیت موجود با آرمان‌های اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی.

### ۳-۲. چالش‌های فراگیر اجتماعی

از نگاه برخی جامعه‌شناسان، جریان‌های مدعی موعودیت و یا به اصطلاح هزاره‌گرا، معلول شرایط نابسامان محیطی و اجتماعی خویش هستند که در بحران‌های عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فعال‌تر می‌شوند (صادق‌نیا و توسلی، ۱۳۹۵). در لحظه‌هایی که نسبت به آینده اعتماد و اطمینان کافی وجود ندارد، خرافات ساخته می‌شوند. جنبش‌های هزاره‌گرایی در این مؤلفه شریک‌اند که رستگاری قریب‌الوقوع، همه‌جانبه، غایی، این‌جهانی و همگانی را انتظار می‌کشند (همیلتون، ۱۳۹۴، ص ۱۵۴). شوارتز در مدخل هزاره‌گرایی در دایرةالمعارف دین، تعبیر تأمل‌برانگیزی درباره‌ی پیوند چالش‌های اجتماعی و موعودگرایی دارد. او می‌گوید: «هزاره‌گرایان به معنای پرچم‌هایی هستند که خشم‌گینانه بر فراز باتلاق‌های بی‌عدالتی به اهتزاز درآمده‌اند» (Schwartz, 1978, pp. 6028- 6041).

1. Glock and Stark

### ۳-۳. تئوری رفتار جمعی اسلمسر و جوامع فاقد دولت

نیل اسلمسر<sup>۱</sup> به نقل از ورسلی<sup>۲</sup>، سه گونه پیش شرط ساختاری را برای پیدایش این جنبش‌ها در نظر می‌گیرد که تا اندازه‌ی زیادی می‌توانند پیدایش مدّعیان را در میان مسلمانان نیز تبیین کنند. طبق دیدگاه او اولین نوع جنبش‌های هزاره‌ای، ابتدا در میان مردمی شکل می‌گیرند که از دولت به معنای امروزی آن، برخوردار نیستند؛ به همین دلیل به رفتارهای دم‌دستی از قبیل ادعاهای نجات‌بخش، متوسل می‌شوند. دومین نوع از جوامع مستعد، برای رشد هزاره‌گرایی و جریان‌های مدّعی موعودیت، جوامع کشاورز هستند که به سبب محرومیت نسبی، بر علیه رژیم رسمی برمی‌خیزند. در نهایت دسته‌ی سوم، از جوامعی که از استعداد بروز جنبش‌های مدّعی موعودیت برخوردارند، جوامعی با نهاد سیاسی افتراق یافته هستند (در این جوامع نهاد دین از سیاست جداست) که به دلیل شکست‌های پی‌درپی (به دلایل مختلف) دچار از هم گسیختگی اجتماعی و سیاسی شده‌اند و مجبورند به نیازها و مطالبات سیاسی مردم پاسخ دهند. این شرایط زمینه را برای ظهور رهبران پیامبرگونه و هزاره‌ای آماده می‌کند (Slemser, Neil, 1962, pp. 34-327).

### ۳-۴. تئوری بی‌سامانی توده‌ها

نورمن کوهن<sup>۳</sup> برای بررسی علل پیدایش مدّعیان به دو مفهوم «بی‌سامانی»<sup>۴</sup> و «جاکن شدن»<sup>۵</sup> اشاره دارد و معتقد است: «کاهن مسیحانما پیروان خود را عمدتاً در میان توده‌های بی‌سازمان و متمیزه‌ی شهر و روستایی می‌یافت» (Cohn, 1957, p. 282). کوهن تلاش دارد زمینه‌ی اجتماعی جنبش‌های هزاره‌ای را متفاوت از بستر اجتماعی شورش‌های دهقانی معرفی کند. پس از گزارشی از قیام جان بال و مونتس، بر این نکته تأکید می‌کند که در

- 
1. N. Slemser
  2. Worsley
  3. Norman Cohn
  4. Disorientatio
  5. Disorientatio

تمام این موارد، طغیان توده‌های اهداف واقعی و مشخصی داشته اما توسط گروه‌های هزاره‌ای به بیراهه کشیده شده و تبدیل به نبردهای رستاخیزی شدند (Cohn, 1957, p. 283).

### ۳-۵. ترغیب ساختاری

چالمرز جانسون<sup>۱</sup> جنبش‌های موعودگرا را به مثابه آسیب اجتماعی نگاه کرد و آن‌ها را عوارض ناشی از به هم خوردن تعادل سیستم اجتماعی می‌داند (Jonson, 1966, p. 35). جانسون موعودگرایان را جنبش‌هایی اجتماعی می‌داند که هدف‌شان تغییر زبان ایدئولوژیک حاکمیت است و حتی پا را فراتر نهاده و می‌گوید این قبیل جنبش‌ها در انتظار ظهور یک بهشت زمینی هستند که جهان را از این رو به آن رو می‌کند هرچند که در عمل، هدف مؤثر بلندی ندارند (Jonson, 1966, p.38).

### ۳-۶. احساس شدید گناه

همیلتون در کتاب جامعه‌شناسی دین، به رویکرد روان‌شناختی برخی از اندیشمندان در تبیین پیدایش جریان‌های مسیحانما اشاره می‌کند. همیلتون مانند انگلس معتقد است، احساس عمیق گناه نسبت به شرایط ناگوار اجتماعی زمینه را برای ظهور مسیحا فراهم می‌آورد. او برای تقویت دیدگاه خود به روزگار صدر مسیحیت اشاره می‌کند و پیدایش مسیح را نتیجه‌ی وجود همین احساس در جامعه‌ی یهودی آن روزگار می‌داند (همیلتون، ۱۳۹۴، ص ۱۵۶).

### ۳-۷. قلب بی‌قرار و میل به سعادت آرمانی

ویلیام ماتیسون (William Mattison) برای توضیح جنبش‌های موعودگرا از مفهوم قلب بی‌قرار و یک میل غیرقابل فرونشاندن به سعادت آرمانی بهره می‌گیرد. ماتیسون معتقد است که «ما همیشه گرسنه‌ایم و هرگز به طور کامل ارضا نمی‌شویم» (Mattison, 2008, p. 253).

1. Chalmers Jonson

ماتیسون از این حالت به بی‌قراری مدام و یا نارضایتی همیشگی تعبیر می‌کند که برخی را بر آن می‌دارد تا آرمان‌شهر خود را به گونه‌ای تصوّر کنند که سعادت جمعی را برای آن‌ها برآورده کند.

### ۳-۸. امید به تغییرات رادیکال

هابسباوم<sup>۱</sup> که به اردوگاه اندیشه‌ی مارکسیسم تعلق دارد معتقد است جریان‌های موعودگرا، مثل همه‌ی انقلاب‌های دهقانی و شورش‌های طبقات ستم‌کشیده‌ی اجتماعی نشانه‌ی امید به تغییرات همه‌جانبه و رادیکال در جهان و در پاسخ به نواقص و بی‌عدالتی‌های وضع موجود پدید می‌آیند (Hobsbawom, 1959) او معتقد است امید فزاینده به نیروهای متافیزیکی، زمینه را برای ظهور جنبش‌های مدّعی فراهم می‌کند.

### ۳-۹. گذار ارزشی

بوریدج<sup>۲</sup> پیدایش مسیحانمایان را یک واکنش روان‌شناختی - اجتماعی به وضعیّت گذار از یک نظام ارزشی به نظام ارزشی جایگزین می‌داند. او معتقد است این جنبش‌ها بخشی از فرآیند گذار از یک رشته ارزش‌ها و باورهای سنتی به یک رشته از ارزش‌ها و باورهای تازه در یک موقعیّت اجتماعی به کلی دگرگون شده هستند (همیلتون، ۱۳۹۴، ص ۱۵۷). وضعیّت گذار به معنای جدایی از یک نظام ارزشی مسلط و فاصله گرفتن از توافق جمعی نسبت به آن‌هاست چیزی که شانس رشد جنبش‌های دینی جدید، از جمله هزاره‌گرایی را بیش تر می‌کند.

### ۳-۱۰. گسست ذهن و واقع

از نظر کارل منهایم<sup>۳</sup> رابطه میان اتوپیااندیشی گروه‌های مسیحانما و وضع موجود،

1. Evic Habsbawm  
2. Burridge  
3. Karl Mannheim

رابطه‌ای بر هم اثرگذار و دو سویه است. منظور این است که هر عصری اجازه می‌دهد عقاید و ارزش‌هایی سر برآورند که در دل تمایلات تحقق نیافته و برآورده نشده‌ای که نمایش‌گر نیازهای آن روزگار است، قرار دارند. این عناصر فکری و معنوی، برای ترکاندن حدود نظام موجود به صورت ماده‌ی منفجر شونده‌ای در می‌آیند. نظام موجود، اتوپیهایی از خود می‌زاید که به نوبت، قیده‌های نظام موجود را از هم می‌گسلند تا در راستای نظام بعدی، هستی سیر تکاملش را بپیماید (منهایم، ۱۳۵۵، ص ۲۰۵).

### ۳-۱۱. ظهور رهبران کاریزماتیک

رهبران کاریزماتیک در پیدایش گروه‌های موعودگرا نقش مهمی دارند. رهبرانی که در جایگاهی پیامبرانه قرار گیرند و خود را منجی معرفی کنند. ناکارکرده‌های اجتماعی متعلق به دوران انتقال و فرهنگ رستاخیزی توده‌پسند و ظهور یک رهبر فرهمند، باید یک‌جا جمع شوند تا شاهد انقلاب موعودی باشیم. همان‌گونه که یک لشکر فاقد بنیه‌ی نظامی در اثر یک عنصر شتاب‌دهنده، رو به هزیمت می‌گذارد، یک سیستم ناکارکرد اجتماعی نیز توسط توده‌هایی که مجذوب پیش‌گویی‌های قریب‌الوقوع یک رهبر فرهمند شده‌اند منهدم می‌گردد.

در جهان مسیحیت می‌توان از ویلیام میلر و جان راسل دو چهره‌ی کاریزماتیک که زمینه‌ی پیدایش دو گروه ادونیسیم و شاهدان یهوه را فراهم کردند نام برد (صادق‌نیا و کاظمی‌راد، ۱۳۹۲).

### ۳-۱۲. بی‌سامانی اجتماعی

اغلب جامعه‌شناسان مانند ویلیام کورنهاورز<sup>۱</sup>، مایکل آداس<sup>۲</sup>، اریک ولف<sup>۳</sup>، چارلز تیلی<sup>۴</sup> و ... جریان‌های موعودگرا را، جنبش‌های توده‌ای معرفی می‌کنند که در پی

1. William Kornhauser
2. Michael Adas
3. Eric Robert wolf
4. Charles Tilly

اعتراضات عمومی به وضع موجود و نیز مداخله‌ی گروه‌های الیت و شخصیت‌های کاریزماتیک پدید آمده‌اند. جامعه‌شناسان به‌طور معمول از مفاهیمی مانند: بی‌سامانی، شکستگی ساختار اجتماعی، از بین رفتن انسجام اجتماعی، پریشانی ساختاری و از جا کنده‌شدگی فرهنگی برای توصیف شرایط محیطی‌ای که زمینه را برای شکل‌گیری این جنبش‌ها فراهم می‌کند بهره می‌گیرند.

### ۳-۱۳. مواجهه با یک قدرت برتر

ورزلی در بر شمردن موقعیت‌هایی که مسیحیان در آن شکوفا می‌شوند، به جایی اشاره دارد که نهادهای سیاسی نماینده‌ی همه‌ی گروه‌های جامعه‌اند؛ ولی مشکل این است که جامعه با یک قدرت بسیار برتر در نبرد است و از یک رشته شکست‌ها و سرخوردگی‌ها رنج می‌برد. از نظر او وقتی این آرزوها برآورده نمی‌شوند و تحقق بهشت زمینی ناممکن به نظر می‌رسد، مردم به امیدها و رؤیاهای هزاره‌ای روی می‌آورند زیرا مسیحانما می‌تواند جامعه‌ی نوید را با آرمان‌های خود به هم پیوند بزند.

مستند به رهیافت‌های نظری ارائه‌شده که محصول مطالعات شماری از جامعه‌شناسان در زمینه‌ی مسیحانمایان است می‌توان به شبکه‌ای نظری از مفاهیم همچون: گسست ادراکی و نارضایتی اجتماعی، چالش‌های فراگیر، جامعه‌ی فاقد دولت، بی‌سامانی توده‌ها، امید به تغییرات رادیکال، بی‌سامانی اجتماعی، و ظهور رهبران کاریزماتیک دست یافت. بررسی این مؤلفه‌های این شبکه نشان می‌دهد که جنبش‌های مسیحانما، که از نگاه متکلمان انحرافی اعتقادی و یا تحریفی ایمانی‌ست؛ متأثر از وضعیت اجتماعی زمانه خویش نیز هستند.

در ادامه، در تلاشیم تا با بهره‌گیری از این شبکه‌ی مفهومی، به مطالعه مهدی‌نمایی پردازیم. در این مطالعه، در رویکردی تجربی، به مدعیان مهدویت به مثابه مسئله‌ای اجتماعی می‌نگریم و می‌کوشیم در رویکردی جامعه‌شناختی، تحلیل خود را بر داده‌هایی استوار کنیم که از طریق مطالعات تجربی به دست آمده‌اند. برای به دست دادن بهترین راه‌کارهای مواجهه با جریان‌های مهدی‌نما به سراغ کارشناسان و استادانی

رفته‌ایم که سالیانی است با جریان‌های انحرافی مهدویت سر و کار دارند و در مواجهه‌ی میدانی و عملیاتی با جریان‌های مدّعی مهدویت مقابله می‌کنند. این کارشناسان بهتر از همه می‌دانند که مدّعیان چگونه و با چه ابزاری مخاطبان خود را گرفتار می‌کنند.

#### ۴. تحلیل داده‌های تجربی

آن گونه که در ابتدای مقاله گفته شد، برای دستیابی به نظر کارشناسان در این زمینه از روش مصاحبه‌ی نخبه‌گانی استفاده کرده‌ایم. مصاحبه‌شوندگان راه کارهای خود را در قالب جملاتی گفته‌اند که گویه‌های آنان در قالب مفاهیم زیر بر ساخت شده‌اند:

مفهوم برساختی	گویه	مصاحبه‌شونده
<ul style="list-style-type: none"> <li>گفت و گوی علمی</li> <li>پرهیز از برخورد قهری</li> </ul>	<p>برخورد فیزیکی و حذفی به هیچ وجه کارساز نیست و باید با همه‌ی جریان‌ها به گفت و گو پرداخت و سخنان اشتباه آن‌ها را شنید، با استدلال باطل کرد. اگر مدعیان و هوادارانشان در یک فضای علمی بتوانند سخنان خود را بگویند با استدلال‌های منطقی و برگرفته از متون دینی می‌توان آن‌ها را انکار کرد.</p>	C
<ul style="list-style-type: none"> <li>استدلال‌های تازه نوآوری در نقد</li> </ul>	<p>فرق انحرافی باید پیشینه‌شناسی شوند و با نسخه‌های جدید آن‌ها با روش‌ها و استدلال‌های جدید مقابله نمود. نه اینکه با استدلال‌های تاریخ گذشته، در مقابل سخنان و پیروان جدید آن‌ها صحبت کرد. درست است که برخی از سؤالات جوامع گذشته برای ما همچنان سؤال هستند و نیازمند پاسخ؛ ولی باید توجه کرد که پرسش‌های جدیدی نیز در این باره وجود دارد که باید با توجه به تاریخ و پیشینه‌ی این جریان‌ها به آن‌ها پاسخ داد.</p>	B

مفهوم برساختی	گویه	مصاحبه‌شونده
	<p>قانون شفاف در حوزه‌ی تعریف فرقه‌ها و برخورد با آن‌ها در کشور وجود ندارد به همین دلیل برخوردها • وضع قانون شفاف کاملاً سلیقه‌ای است. برای جلوگیری از گسترش • پرهیز از مهدیان دروغین باید قوانین شفاف‌ی در این زمینه وضع شود.</p>	S
	<p>بسیاری از مدعیان دروغین مشکلات روانی و اختلال شخصیت دارند. با این دسته از افراد باید رفتار درمانی داشت و راه‌کار برخورد قضایی و امنیتی با آن‌ها • توجه به مشکلات صحیح نیست. هواداران هم همین‌طور. گاهی باید به مدعیان و هوادارانشان به‌عنوان بیمار روانی نگاه کرد و در پی درمان آن‌ها بود.</p>	D
	<p>گروه‌های مدعی مهدویت ممکن است در اصل ادعای خود مشابهت‌هایی داشته باشند؛ ولی نباید تصور کرد که همه‌ی آن‌ها ماهیت یکسانی دارند. به همین دلیل باید از روش‌های متنوعی در برخورد با آن‌ها استفاده کرد. حاکمیت باید بین جریان‌ها • توجه به تنوع و فرق مختلف تفاوت قائل شود و نحوی برخورد با هر کدام در سطوح مختلف متفاوت باشد. یعنی • انتخاب راه‌کار باید بین جریانی که هنوز در سطح ادعا و بیان بعضی مباحث به ظاهر علمی است با جریانی که در حال افزایش طرفداران خود است و هم‌چنین با جریانی که قدرت سازماندهی خیابانی نیروهای خود را دارد، تفاوت قائل شد.</p>	Q



مفهوم برساختی	گویه	مصاحبه‌شونده
	<p>عالمان دینی در انجام مسؤلیت خود کوتاهی می‌کنند. علما و روحانیت نباید در قم باقی بمانند و باید در شهرها و کشورهای مختلف حضور پیدا کنند و خلأ • هجرت عالمان ارتباط مردم با روحانیت را پر کنند و در جامعه حضور داشته باشند.</p>	P
	<p>باید به همه‌ی ابعاد جریان‌های انحرافی که مدعیان دروغین ایجاد می‌کنند، توجه شود. این جریان‌ها غیر از ابعاد اعتقادی دارای ابعاد فرهنگی، اقتصادی و امنیتی هم هستند و نباید آن‌ها را فقط یک جریان اعتقادی ساده دانست و به سادگی به آن‌ها اجازه‌ی رشد داد. این جریان‌ها ممکن است آسیب نخست‌شان به اعتقادات مردم باشد؛ ولی پیدایش فرقه‌های مذهبی جدید می‌تواند پیامدهای ناگوار اجتماعی و فرهنگی به همراه داشته باشد.</p>	P
	<p>نباید با رفتار و برخورد غیر تخصصی، مردم یا جریان‌هایی را که مقابل نظام نیستند به بقیه متصل کرد. به طور مثال سنّی‌های شافعی و حنفی که اکثریت سنّی‌های ایران را تشکیل می‌دهند به خاطر برخورد غیر تخصصی در سال‌های گذشته، به سنّی‌های حنبلی که بقیه را کافر می‌دانند، گرایش پیدا کرده‌اند. برای مواجهه با جریان‌های مدعی مهدویت باید رویکرد تخصصی و همه‌جانبه داشت.</p>	R

مفهوم برساختی	گویه	مصاحبه‌شونده
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تقویت نهادهای مردمی</li> <li>• آگاهی‌بخشی به مردم</li> </ul>	<p>مدعیان دروغین مهدویت و فرق انحرافی معمولاً سعی می‌کنند اجتماعی شوند و با مردم ارتباط گیرند. بهترین راه مقابله با آنها از طریق خود مردم است. باید نهادهای مردمی در این زمینه تقویت شوند. اگر گمان برده شود که تنها حاکمیت با این جریان‌ها مشکل دارد و می‌خواهد با آنها مبارزه کند، ممکن است این گروه‌ها با مظلوم‌نمایی از حمایت عاطفی مردم برخوردار شوند و بتوانند مخاطبان و معترضان پیش‌تری را جذب کنند.</p>	M
<ul style="list-style-type: none"> <li>• کنترل عالمان دین</li> <li>• تخصص‌گرایی</li> </ul>	<p>برخی زمینه‌ی پرورش مدعیان ممکن است در خود حوزه‌های علمیه وجود داشته باشد. باید به مردم آموزش داده شود که ممکن است که کسی لباس طلبگی هم به تن داشته باشد؛ ولی علم دین را به طور کامل نداشته باشد. اگر براساس یک برنامه روش‌مند به معرفی عالمان راستین دین همت گماشته شود و مردم برای عالم دین معیار و شاخصی داشته باشند، در این صورت به هر حرفی که از جانب برخی به اصطلاح روحانیان زده می‌شود اعتنا نمی‌کنند.</p>	A
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تقویت تفکر انتقادی</li> <li>• تعدیل گفتمان عاطفی</li> </ul>	<p>شخص محوری در حوزه‌ی علمیه و معارف دینی باید جای خود را به عقل محوری و استدلال محوری دهد و نگاه احساسی بیش از حد موجود در آن، تعطیل شود. وقتی پای عقل و استدلال به میان بیاید جامعه هر حرفی را نخواهد شنید.</p>	D

مصاحبه‌شونده	گویه	مفهوم برساختی
R	اهمیت دادن به خواب و استفاده‌ی بی‌رویه از آن در منابر، باعث شده است که در صورت استناد مدعیان دروغین به خواب، نتوان در مقابل آن‌ها استدلال کرد. • عقل‌گرایی علماء و روحانیون باید از استناد زیاد به خواب و رویا • تقویت تفکر پرهیز کنند. تعالیم دینی در مذهب تشیع به‌ویژه، آن اندازه از عقلانیت برخوردار هست که لازم نباشد به سراغ خواب، استخاره و ادعاهای عقل‌گریز برویم.	
B	با توجه به اینکه افراد و جریان‌های مختلف همیشه بستر رشد خود را قابلیت‌های موجود در جامعه هدف قرار می‌دهند و مهم‌ترین زمینه‌ی شکل‌گیری مدعیان دروغین، پایین‌بودن سطح آگاهی عمومی در موضوع مهدویت است، لذا ایجاد آگاهی در مردم و تبیین باورهای صحیح مهدوی ضروری است.	• افزایش آگاهی عمومی
R	با توجه به اینکه دشمنان تشیع، مهدویت را هدف اصلی تخریب‌های خود قرار داده‌اند باید فعالیت‌های دشمنان در این زمینه پیوسته رصد و بررسی شود و شبهات ایجاد شده توسط آن‌ها به سرعت پاسخ داده شود.	• تسریع در پاسخ به شبهات
C	یکی از زمینه‌های گسترش باورهای دروغین، وجود فقر و شکاف طبقاتی در جامعه است. لذا یکی از جاهایی که این مدعیان از آن جا معروف شده و پیام خود را ترویج می‌کنند، مناطق کمتر برخوردار است. برای برخورد با این مدعیان، باید فقر و آسیب‌های اجتماعی را در مناطقی که آن‌ها قدرت دارند، ریشه کن کرد.	• مبارزه با فقر • کاهش آسیب‌های اجتماعی

مصاحبه‌شونده	گویه	مفهوم برساختی
A	کارشناسانی که در زمینه‌ی مهدویت تخصص دارند در مدارس مستقر شوند. این کار باعث می‌شود که گرایش‌های انحرافی در زمینه‌ی مهدویت زودتر شناسایی شده و پاسخ بگیرند.	• استقرار کارشناسان در مدارس
Q	افکار مدّعیان دروغین و جریان‌های انحرافی باید تا جایی که می‌شود از همان ابتدا به کمک فضای مجازی در معرض افکار عمومی و اندیشمندان قرار داده شود تا استدلال‌های آن‌ها زیر سؤال رود و نتوانند مرید پیدا کنند. یک شاخصه‌ی اصلی این جریان‌ها به دلیل نداشتن استدلال‌های درست، فعالیت زیر زمینی در ابتداست تا بعد از پیدا کردن مریدان زیاد به صورت علنی تر کار کنند.	• ارزیابی شفاهی ادّعاها • ارزیابی عقلی مدّعیات • اطلاع‌رسانی و نقد
S	«مشابهت‌سازی معنوی» راهبردی است که جریان‌های انحرافی و مدّعیان دروغین دارند. باید تفاوت بین سیر و سلوک واقعی و قلابی و شاخص‌های آن‌ها را در جامعه اطلاع‌رسانی کرد.	• معرفی سیر و سلوک واقعی
D	برای مواجهه با مدّعیان دروغین دو روش ایجابی و سلبی وجود دارد. برای حل ریشه‌ای معضلات باید بر روش‌های ایجابی تمرکز کرد و در حدّ امکان از روش‌های سلبی استفاده نکرد؛ زیرا روش‌های سلبی گاهی حتی می‌تواند عامل گسترش یک اندیشه و جریان نادرست باشد.	• برخورد ایجابی • پرهیز از برخورد قهری
R	شخصیت‌زدگی یکی از آفت‌های مردم و جامعه‌ی ماست. به مردم باید آموزش داد که حرف هیچ شخصیتی وحی منزل نیست و هرکس قابل نقد است.	• تقویت تفکر انتقادی • پرهیز از شخصیت‌زدگی

مفهوم برساختی	گویه	مصاحبه‌شونده
<ul style="list-style-type: none"> <li>• توجه به مسائل اجتماعی</li> <li>• پرهیز از طرح مسائل روانی</li> </ul>	<p>موضوع مهدویت و پژوهش‌های این حوزه در کشور باید با مسائل واقعی کشور و جهان‌گره خورد. متأسفانه موضوع مهدویت فقط در حوزه‌ی مباحث ماورایی مطرح می‌شود. به همین دلیل امکان سوء استفاده از آن راحت‌تر است.</p>	M
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تبلیغ متناسب با نیازهای مردم</li> <li>• بالا بردن آستانه‌ی تحمل</li> </ul>	<p>درست است که دین نباید عرفی‌سازی شود و رفتار جامعه به باورهای دینی تحمیل شود ولی رفتار ما در تبلیغ دینی، متناسب با نیازهای جامعه و آستانه‌ی تحمل آن باید تغییر کند.</p>	D
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تقویت تفکر انتقادی</li> </ul>	<p>باید در مردم فرهنگ‌سازی شود که در مقابل ادعاهای مدعیان از آنها بخواهند تا بدون مبهم‌گویی، استدلال عقلی بیاورند و با سخنان مبنی بر خواب و رویا، قانع نشوند.</p>	R
<ul style="list-style-type: none"> <li>• معرفی الگوی مناسب</li> </ul>	<p>برای انسان منتظر واقعی، الگوهای مناسبی معرفی نشده است. باید الگوهای مناسبی در این حوزه معرفی شوند تا مردمی که تشنه‌ی امام زمان <small>عجله</small> هستند، جذب جریان‌های انحرافی نشوند.</p>	P
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تشدید برخوردهای قضایی</li> </ul>	<p>دستگاه قضایی در برخورد با مدعیان دروغین، گاهی بد برخورد می‌کند و گاهی خیلی رأفت نشان می‌دهد. رسیدگی درست و عادلانه به پرونده‌ی این افراد، می‌تواند زمینه‌ی بسیاری از این مفاسد را از بین ببرد.</p>	A

مصاحبه‌شونده	گویه	مفهوم برساختی
R	<p>غلو‌گویی که توسط برخی از افراد منبری در مورد برخی شخصیت‌ها انجام می‌شود زمینه‌ی گرایش به غلو و درنهایت گرایش به بعضی از مدعیان دروغین را فراهم می‌کند. وقتی که مدام در گوش این مردم از کرامت داشتن این آدم و یا آن گفته می‌شود طبیعی است که زمینه برای اسطوره‌سازی بیش‌تر می‌شود.</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• پرهیز از غلو</li> <li>• پرهیز از اسطوره‌سازی</li> </ul>
F	<p>علما و روحانیون نباید در پرداختن به فقه و اصول افراط کنند و مسائل کلامی و عرفانی در جامعه بی‌پاسخ باشد. آن‌ها باید به طور جدی در این حوزه ورود کنند.</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• توجه به مسائل کلامی</li> <li>• پرهیز از تمرکز بر فقه</li> </ul>
A	<p>در سیاست‌های فرهنگی باید آستانه تحمل مخاطب را در نظر گرفت و نقطه‌ی عزیمت و تغییر سیاست‌ها را در آن قرار داد. اگر جامعه تاب و پذیرش اجرای برخی از احکام را ندارد، نباید با مردم برخورد قهری انجام شود، چون به ضرر دین هم، تمام خواهد شد.</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• افزایش تحمل مخالف</li> <li>• پرهیز از برخورد قهری</li> </ul>
F	<p>سخنرانان در موضوع مهدویت باید به مسائل اساسی مهدویت مانند وظیفه‌ی منتظر و قواعد پردازند و از صحبت در مورد مسائل غیراساسی مانند اینکه چه کسی امام زمان <small>عجله</small> را شهید می‌کند و چه نشانه‌هایی در حال حاضر بر عصر ظهور تطبیق دارد و... پرهیز کنند.</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• توجه به مسائل اساسی مهدویت</li> <li>• پرهیز از مسائل حاشیه‌ای</li> </ul>
A	<p>در حال حاضر مهدویت در حال خروج از حوزه است و مردم دکترین دین و الهیات خود را از روحانی می‌گیرند و به سمت برخی مدعیان و افراد غیرمتخصص که ارتباط بهتری با مردم دارند، رجوع می‌کنند. حوزه و روحانیت باید این کمبود را جبران کنند.</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تخصص‌گرایی</li> <li>• تقویت نهاد دین</li> </ul>

مفهوم برساختی	گویه	مصاحبه‌شونده
• پرهیز از امید دهی افراطی	این تصوّر در جامعه از موضوع مهدویت که با حضور امام زمان <small>علیه السلام</small> دیگر همه چیز حل خواهد شد و ایشان معجزه خواهد کرد باید اصلاح شود. مردم باید مطلع باشند که ایشان هم از طریق نظام علّت و معلولی و به کمک حرکت خود مردم امور را اصلاح خواهند کرد.	R
• اصلاح نظام پژوهشی حوزه رجوع به مصادر قوی	مراجعه به منابع و مصادر ضعیف در حوزه‌ی مهدویت یکی از مشکلات در حوزه‌ی تولید محتوا در بحث مهدویت است. این نقیصه باید در نظام پژوهشی حوزه‌ی علمیّه و کشور اصلاح شود.	S
• اصلاح تصوّر مردم از عدالت	تصوّر مردم از مفهوم عدالت که امام زمان <small>علیه السلام</small> برای تحقق آن تشریف می‌آورند باید گسترده‌تر شود و تمام ظلم‌ها و گناہانی که در جامعه انجام می‌شود را در برگیرد و فقط به مسائل کوچک و اقتصادی محدود نشود.	B
• انجام پژوهش‌هایی در مورد مدّعیان	باید در مورد جریان‌های فکری مدّعی، پژوهش مستمری انجام شود و با نسخه‌های به روز شده‌ی آن‌ها مقابله کرد. آن‌ها از نسخه‌های سنتی خود کمتر استفاده می‌کنند.	D
• تعمیق باورهای مردم	به جای پرداختن به مسائل بی‌اهمیت باید به تقویت و تعمیق باورهای دینی مردم پرداخت. متأسفانه در این زمینه کاری نشده است و بیش‌تر به ظاهر دین توجه می‌شود.	P
• تقویت قدرت تفکر مردم گسترش داد. تقویت اندیشه	برای مقابله با جریان‌های شبه عرفانی و ادّعاهای دروغین، باید قدرت استدلال و اندیشه‌ی فلسفی را در مردم گسترش داد. مانند کشف تناقض گویی در عرفان‌هایی که خدا را قبول ندارند.	S

مفهوم برساختی	گویه	مصاحبه‌شونده
<ul style="list-style-type: none"> <li>• تمرکز بر قرآن</li> <li>• مبنا قرار دادن قرآن</li> </ul>	<p>نظام آموزشی حوزه باید با محوریت قرآن شروع شود و مبنا قرار دادن قرآن در دوران آموزشی، طّلاب به سمت آموختن صرف و نحو، اصول و عقاید هدایت شوند نه اینکه بقیّه‌ی دروس محور شوند و قرآن و احادیث و اعتقادات در حاشیه باشند.</p>	M
<ul style="list-style-type: none"> <li>• توجه به نیازهای مردم</li> <li>• تأمین خلأها</li> </ul>	<p>حاکمیت باید در برنامه ریزی امور مختلف ذائقه‌های اعتقادی و احساسی مردم را در نظر داشته باشد و آن‌ها را تأمین کند وگرنه این خلأ توسط مدّعیان دروغین مهدویت و عرفان‌های کاذب پر خواهد شد.</p>	F
<ul style="list-style-type: none"> <li>• افزایش آگاهی عمومی</li> </ul>	<p>این موضوع باید به مردم آموزش داده شود که هر کس که قدرت ماورایی داشت، لزوماً اهل حق نیست چون ممکن است که از طریقی شیطانی به این قدرت رسیده باشد؛ بنابراین مدّعیان دروغین، ممکن است قدرت ماورایی هم داشته باشند و نباید فریب آن‌ها را خورد.</p>	R
<ul style="list-style-type: none"> <li>• پرهیز از ایجاد هیجانات</li> <li>• پرهیز از تطبیق</li> </ul>	<p>ایجاد هیجانات کاذب در مردم به وسیله‌ی تطبیق‌های غلط از سمت کسانی که متناسب به نظام هستند موجب رواج کار تطبیق و سوءاستفاده‌ی مدّعیان دروغین شده است. اینکه مرتّب بیان شود که مقام معظم رهبری همان سیّد خراسانی است، موجب سوء استفاده‌ی مدّعیان از این فضا شده است. باید از تطبیق‌گرایی در بین سخنرانان و مردم در حوزه‌ی مهدویت جلوگیری نمود.</p>	C



مفهوم برساختی	گویه	مصاحبه‌شونده
<p>تقویّت</p> <p>حدیث‌شناسی در حوزه</p> <p>تقویّت مباحث اعتقادی</p>	<p>بسیاری از مدّعیان دروغین و مروّجین آن‌ها از حدیث به‌عنوان یک منبع برای اثبات مدّعیات خود بهره می‌برند؛ اگر علم حدیث‌شناسی در حوزه‌های علمیّه تقویّت شود راه این‌گونه سوءاستفاده‌ها بسته می‌شود. بسیاری از طلّابی که جذب مدّعیان دروغین شده‌اند حدیث‌شناس نیستند و اولیّات علم حدیث را نمی‌دانند. باید پرداختن به احادیث و اعتقادات در حوزه‌ها تقویّت شود.</p>	Q
<p>ایجاد اتاق فکر در حوزه</p>	<p>حوزه‌ی علمیّه‌ی قم باید یک اتاق فکر با استفاده از متخصص‌ترین روحانیون در زمینه‌های مختلف فقهی، کلامی، فلسفی و... ترتیب دهد و نهادهای اطلاعاتی هم باید اطلاعات خود را در پرونده‌ها و مسائل مختلف در اختیار آن‌ها قرار دهند تا برای هر مشکلی راه‌کار لازم پیدا شود.</p>	D

## ۵. تحلیل و ارزیابی راه‌کارها

راه‌کارهای پیشنهاد شده را می‌توان در چند دسته، بخش‌بندی کرد:

دسته‌ی نخست، بر تغییر گفتمان مهدویّت از گفتمانی عاطفی، نقل‌گرا، هیجانی و احساساتی به گفتمانی عقلانی، کلامی و وابسته به نهاد دین تمرکز دارند. در این راه‌کارها بیش‌تر به متناسب‌سازی تبلیغ مهدویّت و توجّه به ذائقه و نیاز مخاطبان تمرکز می‌شود.

دسته‌ی دوّم، از راه‌کارها به افزایش آگاهی در میان مردم معطوف هستند.

مصاحبه‌شوندگان اعتقاد دارند اگر آگاهی مردم نسبت به دین و به ویژه مهدویت افزایش یابد، و به ویژه اگر تفکر انتقادی در میان مردم افزایش یابد اعتبار مهدی‌نمایان با چالش روبه‌رو شده و جریان‌های مهدی‌نمایی شانس کمتری برای شکل‌گیری دارند.

دسته‌ی سوم، از راه‌کارها به رویه‌های قانونی و قضایی ناظر است. درست برخلاف مصاحبه‌شوندگان گروه نخست که بر مدارا و برخورد‌های همراه با اصلاح تأکید داشتند.

دسته‌ی چهارم، که به مسائل اجتماعی و بسترهای فرهنگی و اجتماعی پیدایش جریان‌های مدعی اشاره دارند و پیشنهاد می‌کنند که برای حل مسئله‌ی مهدی‌نمایان باید زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها را شناخت و اصلاح کرد.

ضمن تأکید بر لزوم بهره‌گیری از همه‌ی این راه‌کارها، باید گفت که برای مواجهه با هر مشکلی باید ماهیت آن را شناخت و مواجهه‌ای متناسب با آن داشت. به نظر می‌رسد غالب راه‌کارهای پیش‌نهاد شده، مبتنی بر این باورند که جریان‌های مهدی‌نما با ایده‌ی سوءاستفاده سازمان‌دهی می‌شوند. این است که این راه‌کارها دو موضوع را مدنظر قرار می‌دهند: نخست، تمرکز بر سویه‌های کلامی و الهیاتی، برای یافتن صورت‌های بیانی و استدلالی کم‌کارکردتر آموزه‌های دینی؛ و دوم، تمرکز بر کنش‌گران، برای توان‌مندسازی مردم جهت کاهش اقبال به جریان‌های مهدی‌نما که بر جهل مردم نسبت به آموزه‌های مذهبی و معارف دینی سوار می‌شوند، و از دیگر سوی، ایجاد تعدیلات ساختاری و قانونی مناسب برای مقابله با گسترش جریان‌های مهدی‌نما و تبدیل آن‌ها به پدیده‌هایی نافرجام. این در حالی‌ست که همان‌گونه که در تحلیل نظری ارائه شد برخی از جامعه‌شناسان مانند گلارک، استارک و شوتز معتقدند وضعیت‌های اجتماعی در پیدایش این گروه‌ها نقش عمده‌ای دارند به همین دلیل برای ارائه‌ی راه‌کارهای مواجهه با این جریان‌ها لازم است سویه‌های اجتماعی این پدیده را نیز مدنظر قرار داد.

## نتیجه‌گیری

در انتهای این مقاله و در مقام نتیجه‌گیری، مستند به مصاحبه‌های انجام شده، می‌توان اصول حاکم بر راه کارهای مواجهه با مدعیان دروغین را این گونه برشمرد:

### - مدعیان به مثابه یک واقعیت اجتماعی

به نظر می‌رسد ماهیت جریان‌های مدعی مهدویت بیش‌تر یک ماهیت اجتماعی است. منکر سویه‌های کلامی و روان‌شناختی آن‌ها نیستیم با این همه، آنچه به‌عنوان مؤلفه‌ی قانونی باید مورد توجه قرار گیرد، اجتماعی بودن آن‌هاست. به بیان ساده برای مواجهه با جریان‌های مدعی مهدویت ابتدا باید آن‌ها را یک واقعیت اجتماعی<sup>۱</sup> دید و به مثابه یک امر اجتماعی با آن برخورد کرد. در یک تعریف ساده، واقعیت اجتماعی دربرگیرنده‌ی هر وضع، رابطه، رویداد یا هر واقعیتی خواهد بود که جنبه‌ای از حیات اجتماعی را آشکار می‌کند (بیرو، ۱۳۶۷، ص ۳۵۶). امور اجتماعی پدیده‌های واقعی هستند. به این معنا که دارای وجودی مستقل از خواست و اراده‌ی ما بوده و نمی‌توانیم آن‌ها را کنار بگذاریم و نادیده بگیریم (لوکمان و برگر، ۱۳۸۷، ص ۷) دور کیم نیز از موضع عین‌گرایی، واقعیت اجتماعی را این گونه تعریف می‌کند: «واقعیت اجتماعی هر گونه شیوه‌ی عمل ثابت شده یا نشده‌ای است که بتواند از خارج فرد را مجبور سازد؛ یا این که در عین داشتن وجود مخصوص و مستقل از تظاهرات فردی، در سراسر جامعه معینی عام باشد» (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۳۷). در مقابل او، ذهن‌گرایان و در کل، مکتب تفهمی - تفسیری و جامعه‌شناسانی چون ماکس وبر، بلومر، گارفینگل به نحوه‌ی تفکر کنش‌گر توجه دارند. این نظریه‌ها بر عمل کرد توجه دارند و ساختارهای عینی را نادیده می‌گیرند. از منظر ذهن‌گرایان، واقعیت در ذهن افراد وجود دارد و در تعامل آن‌ها با یکدیگر شکل گرفته، ساخته شده و تثبیت می‌گردد (ریترز، ۱۳۸۰، ص ۵۱۹). این افراد هستند که در تعامل با یکدیگر به واقعیت بیرونی معنا می‌بخشند. واقعیت بیرون از فرد نیست و نمی‌توان آن را مشاهده کرد، بلکه باید دید مردم چه تعریفی از آن دارند. همچنین از منظر این

1. Social fact

دیدگاه واقعیت توأم با ارزش است. ما در عالم، واقعیت محض نداریم، بلکه واقعیت سرشار از معنای فرهنگی است.

واقعیت اجتماعی در هر سطحی از تحلیل ساختاری، ذهنی و یا دیالکتیکی، امری تجربه‌پذیری است که باید براساس داده‌های تجربی فهم شود. براساس این منطق وقتی رویکردی الاهیاتی به جریان‌های مهدویت، جای خود را به رویکردهای تجربی می‌دهد، معنای آن این است که برای فهم آنچه فرقه‌های کاذب خوانده می‌شوند باید بیش‌تر بر داده‌های تجربی تکیه کرد تا تحلیل‌های انتزاعی الهیاتی. براساس منطق تجربی، جریان‌های مدعی مهدویت را باید براساس کارکرد و نیز عینیت‌های تجربی آنان فهمید و تحلیل کرد. به این معنا که باید دید، این جنبش‌ها زاییده‌ی چه کاستی و یا خلأی در جامعه هستند و چه کارکردی برای انسان روزگار مدرن دارند و چه نیازی از او را برطرف می‌کنند.

اگر با این دید به جریان‌های مهدوی بنگریم، خواهیم دید که آن‌ها معلول شرایط محیطی خویش هستند؛ شرایطی که پس از مدرنیته به وجود آمده و انسان را وارد جهانی جدید کرده است. در حقیقت این جریان‌ها پاسخ‌های قاطعی هستند به نیازهای عمومی کنش‌گران. مدعیان مهدویت در میان خلأها و چالش‌های اجتماعی و نابسامانی‌های فراگیر پدید آمده و رشد می‌کنند. به قول شوتز، آن‌ها بیرق‌هایی هستند که بر فراز بی‌عدالتی‌های اجتماعی پدید می‌آیند. و یا به قول ماکس وبر، این جریان‌های دینی پاسخی هستند به دشواری‌های زندگی و توجیه ناکامی‌ها و انسان را قادر می‌سازند تا در برابر مشکلات اعتماد به نفس خود را حفظ کرده و به آینده‌ی جهان خوش‌بین باشند (همیلتون، ۱۳۹۴، ص ۱۵۴). حالا اگر قرار است با این جریان‌ها مبارزه شود باید روشی برگزیده شود که با ماهیت کارکردی آن‌ها تناسب داشته باشد. از آن‌جا که پاسخ هر امری باید با ماهیت آن سازگار باشد، امر اجتماعی را باید با راه کارهایی ناظر به آن جواب داد. سؤال از واقعیت اجتماعی را باید با رویکردهای اجتماعی پاسخ گفت. براین اساس برای رویارویی با جریان‌های مدعی مهدویت باید به این واقعیت کارکردی توجه کرد این جنبش‌ها به دلیل کارکردی که در دنیای مدرن دارند به وجود آمده‌اند.

از زاویه‌ی دیگر، بهتر است که این جریان‌های مهدی‌نما را مسئله دید و نه سؤال. به این معنا که این جریان‌ها پرسش نیستند که در مقابل‌شان پاسخی قرار داد و هواداران این جریان‌ها مجموعه‌ای از انسان‌هایی که تنها با مجموعه‌ای از دانسته‌ها روبه‌رویند و ذهن‌شان از پرسش لبریز شده است نیستند بلکه این جریان‌ها مسائلی هستند که معلول شرایط محیطی و اجتماعی خویشند. هواداران مهدی‌نمایان گرفتار مسئله هستند. آن‌ها نمی‌توانند با ناسامانی‌های اجتماعی کنار بیایند، امیدشان را برای تغییر این شرایط از طریق فرآیندهای طبیعی از دست داده‌اند و در عین حال می‌خواهند هم‌چنان امیدوار باقی بمانند. اگر این جریان‌ها را پرسش بدانیم و هواداران‌شان را مجموعه‌ای از انسان‌های دارای پرسش، طبیعی است که می‌کوشیم تا پاسخ مناسبی برای پرسش‌های‌شان پیدا کنیم؛ درحالی‌که اگر این جریان‌ها را مسئله بدانیم و هواداران‌شان را انسان‌هایی که با یک مسئله درگیرند به‌شمار آوریم، تلاش خواهیم کرد که آن مسئله را حل کنیم. پرسش را پاسخ می‌دهند درحالی‌که مسئله را با راه کار حل می‌کنند.

### - منطق کارکردگرایی

در جامعه‌شناسی، کارکرد به بیان‌های متنوعی تعریف شده است که تقریباً همه به یک تعریف بازمی‌گردند: «نتایج و آثار عینی پدیده‌ها یا ساخت‌های اجتماعی». در یک بیان کلی، کارکرد عبارت است از: حاصل یا نتیجه‌ی نوعی «وجود و یا عمل (یا حرکت) اشخاص و یا اشیا و از جمله پدیده‌های لمس‌ناپذیر چون الگوهای فرهنگی، ساختارهای گروهی و نگرش‌ها (گولد، و کولب، ۱۳۷۶، ص ۶۷۹). در این تعریف، کارکرد به نوعی «نتیجه» اشاره دارد، نتیجه‌ای خواه از لحاظ نظری قابل بیان و مورد انتظار و یا از لحاظ تجربی قابل مشاهده یا قابل استنتاج. رابرت مرتون معتقد است کارکردها عبارتند از: «عمل‌کردهایی که تطبیق یا سازگاری یک نظام اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازند» (ادیبی و انصاری، ۱۳۸۵، ص ۲۵۹).

براساس نگاه کارکردی به جنبش‌های موعودگرا، آن‌ها را باید پاسخی به بخشی از نیازهای اجتماعی تلقی کرد. به این معنا که نیاز اجتماعی به ویژه در امر تطبیق‌پذیری و سازگاری با شرایط موجود سبب شده است که این جریان‌ها پدید بیایند. به‌طور کلی

دیدگاه عمومی کارکردگرایی بر این استوار است که جامعه مانند یک ارگان زیستی بزرگ است که اعضا و جوارح مختلف آن هر کدام وظیفه و کار معینی انجام می‌دهند که در رابطه با کار و وظیفه‌ی سایر اعضا به انجام کل بدن کمک می‌کند (توسلی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۶). مطابق اصل ضرورت کارکردی که یکی از مهم‌ترین اصول کارکردگرایان است، هر امر اجتماعی دارای کارکرد منحصر به فرد است که هیچ امر غیر هم‌سنخ نمی‌تواند بدیل آن واقع شود. به بیان دیگر، موجودیت کارکردها گویای وجود یک غایت و وجود این غایت، گویای ضرورت وجود آن کارکردها و درنهایت آن عناصر است. پس تا آن نیاز وجود دارد، آن پدیده و امر اجتماعی نیز وجود خواهد داشت (ریتزر، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴).

اگر گروه‌های موعودگرا را پاسخ به نیاز اجتماعی بدانیم آن‌گاه برای مبارزه با آن‌ها باید در پی پاسخ‌های جایگزین باشیم. تلاش برای حذف آن‌ها بدون جایگزینی یک پاسخ قانع‌کننده‌تر، تلاش نافرجامی خواهد بود. جامعه‌ای که برای فرار از برخی از چالش‌های خود به خلق این جریان‌ها دست زده است، به سادگی از این خانه‌های جدید بیرون نخواهند رفت. آن‌ها به دلیل شرایط دشوار اجتماعی، خانه‌های ایمان گذشته‌ی خود را رها کرده‌اند و به سنت‌های جدیدی روی آورده‌اند. برای این‌که به آن خانه‌ی گذشته‌ی خود برگردند لازمه‌اش این است که از آن آشوب‌ها کاسته و نیاز به مهاجرت مرتفع شود.

#### - تکیه به عقلانیت دینی

هیچ چیز به اندازه‌ی گریز از عقلانیت دینی و حذف تفکر انتقادی نمی‌تواند دین را به چالش بکشد. عقل، شریف‌ترین نیروی انسان‌هاست که آن را از فرو رفتن در گرداب خرافه و عقاید نادرست باز می‌دارد. عقل، حجت درونی انسان‌هاست که آن‌ها را در مسیر کمال راهبری می‌کند، شریعت، حجت بیرونی است برای نجات انسان‌ها از گرداب آلودگی‌ها و سوق دادن آن‌ها به سوی کمال و سعادت انسانی.

آن‌گونه که امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند: «خداوند برای مردم دو حجت قرار داده است: حجت ظاهری و حجت باطنی؛ حجت ظاهری، فرستادگان الهی و پیامبران و امامان

هستند و اما حجّت باطنی، عقل‌ها هستند» (کلینی، ۱۳۷۹، ص ۱۶). براین اساس، ممکن نیست حجّت ظاهر و باطن با هم تعارض داشته باشند و حتی بیش‌تر از آن، عقل و شرع مؤید یکدیگرند.

نادیده گرفتن این حجّت باطنی و درونی، زمینه را برای رشد و پذیرش هرگونه خرافه و ادّعی دینی نادرست فراهم می‌کند. یکی از دلایل پیدایش مدّعیان دروغین گرایشی است که بر ادبیّات مبلغان دینی سیطره یافته است. در دهه‌های اخیر گفتمان دین و مهدویت تا اندازه‌ی زیادی رنگ و بوی احساسی و عاطفی دارد. در این وضعیت طبیعی است که خطای ادراکی پدید بیاید و امکان مبارزه با آن وجود نداشته باشد. جامعه‌ی ایران، یک جامعه‌ی جوان و سرشار از آرزوها و امیدها است. این جامعه تعالیمی را که با عواطف شهرواندانش‌گره بخورد را به راحتی خواهد پذیرفت. با این حال، سخنرانان دینی و حوزه‌های علمیّه باید بسیار مراقب باشند که در لابه‌لای ذکر واقعیّات دینی، برای جلب توجّه بیش‌تر مخاطبان، گفته‌ها و تعالیم با امور خرافی تزئین نشوند. صداوسیما نیز به‌عنوان یک سازمان رسمی باید دقّت کند تا در برنامه‌ها و فیلم‌های خود، خرافه و عقل‌ستیزی را ترویج نکند.

#### - انعطاف الهیات

هشت‌صد سال قبل، توماس آکوئیناس، الهیدان نام‌دار مسیحی قرون وسطی، الهیات را ملکه‌ی علوم می‌دانست و معتقد بود هیچ دستگاه معرفت‌شناختی‌ای به اندازه‌ی الهیات نمی‌تواند برای حلّ چالش‌های زندگی انسان‌ها و جوامع سودمند باشد. با این حال، در روزگار معاصر ما این‌گونه به الهیات نگاه نمی‌شود و بعضی‌ها معتقدند که وقت آن رسیده است که ملکه تاج خود را بر زمین بنهد (Oliver, 2016, p. 119). چارلز تیلور، جامعه‌شناس مدافع نظریه‌ی سکولاریزاسیون معتقد است که شبکه شدن جامعه و رشد علم تجربی، دین را به مثابه یک امر فردی تبدیل کرده و از نقش الهیات در حوزه‌ی عمومی کاسته است (Taylor, 2007, p. 22). به همین دلیل الهیات از رونق پیشین خود برخوردار نیست. این نظر تیلور مخالفت‌های زیادی را به همراه داشت. شمار زیادی از جامعه‌شناسان با اشاره به نقش‌هایی که نهاد دین در دنیای مدرن ایفا می‌کند و نیز

جریان‌های عمده‌ی مذهبی‌ای که بویژه در جهان اسلام بوجود آمده‌اند و از همه مهم‌تر انقلاب اسلامی ایران با پشتوانه‌ی مذهبی انجام گرفت، معتقدند که دین و الیهات همچنان می‌تواند نقش آفرین و مهم باشد.

این درست است که در بسیاری از دانشگاه‌های غرب الیهات به‌عنوان یک رشته‌ی علمی پس زده می‌شود و دانشکده‌های الیهات با چالش کم‌بود دانشجو روبه‌رو هستند، ولی این را نمی‌توان نشانه‌ی ناتوانی الیهات دانست. الیهات اگر بتواند درک درستی از چالش‌های روزگار خود داشته باشد و برای درمان آن‌ها تلاش کند، بی‌گمان می‌تواند هم‌چنان پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای به نیازهای دین‌داران بدهد. جونز، الهیدان معاصر مسیحی، می‌گوید که اگر کلیسا نتواند درک درستی از شرایط محیطی و اجتماعی خود داشته باشد، و به جای درک شرایط جدید جامعه تنها به حفظ میراث سنی خود بپردازد، باید در انتظار تنوع گنج‌کننده‌ی جریان‌های دینی تازه‌ای باشد که پاسخ‌های خود را از الیهات سنتی نگرفته‌اند ( Jones, 2011, p. 24 ).

براساس این تحلیل، جریان‌های مدعی مهدویت به منظور اصلاح اصول ایمانی و یا کلامی شکل نمی‌گیرند. این جریان‌ها بیش‌تر زاییده‌ی کاستی‌هایی در ناحیه‌ی عملکرد برخی نهادهای دینی هستند. این درست است که برخی پرسش‌های قرون گذشته ممکن است هم‌چنان برای نسل انسان‌های کنونی لاینحل و بدون پاسخ باقی مانده باشند؛ ولی بی‌گمان در این میان پرسش‌های نوشونده و فراوانی پدید آمده است که اگر به آن‌ها توجه نشود، زمینه را برای انشعابات دینی و پیدایش گروه‌های مذهبی جدید در قالب مهدی‌نمایان فراهم می‌آورد. به همین دلیل، نخستین واکنش به این جریان‌ها باید معطوف به عملکرد الیهات باشد و نه مباحثه‌ی کلامی با آن‌ها. انعطاف در الیهات و توجه به واقعیت‌های اجتماعی بیرونی می‌تواند هم زمینه را برای رشد مدعیان از بین ببرد و هم شانس مواجهه‌ی مؤثرتر را افزایش دهد.



## فهرست منابع

۱. آژیر، اسدالله. (۱۳۸۸). گونه‌شناسی موعود در یهودیت (در کتاب: گونه‌شناسی موعود در ادیان). قم: انتشارات دانشگاه ادیان.
۲. ابن سعد، محمد ابن سعد. (۱۴۱۰ق). الطبقات الكبرى. بیروت: دارالکتب العالمیه.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (بی تا). شرح الأخبار. قم: موسسه علمی و فرهنگی سیدالشهدا علیه السلام.
۴. ابوالفرج اصفهانی، علی ابن الحسین. (۱۴۰۳ق). مقاتل الطالبین. قم: مکتبه الحیدریه.
۵. ادیبی، حسین؛ انصاری، عبدالمعبود. (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: جامعه
۶. اشعری، سعد بن عبدالله. (۱۳۸۷). المقالات و الفرق (مترجم: فضایی). تهران: آشیانه کتاب.
۷. الدمولجی، صدوق. (۱۳۶۸). الیزیدیه. طبع الموصل.
۸. بدوی، عبدالرحمن. (۱۳۸۹). تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام (مترجم: حسین صابری). مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۹. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر. (۱۴۱۹). الفرق بین الفرق (مترجم: مشکور). بیروت: المکتوب العصریه.
۱۰. بیرو، آلن. (۱۳۶۷). فرهنگ علوم اجتماعی (مترجم: باقر ساروخانی). تهران: کیهان.
۱۱. توشلی، غلام عباس. (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی، نشر سمت.
۱۲. حسین، جاسم. (۱۳۹۳). تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام (مترجم: سیدمحمدتقی آیت‌اللهی). تهران: امیرکبیر.
۱۳. حیدری، مصطفی. (۱۳۹۱). ادعاهای مهدویت و علل ظهور آن در سه قرن اول اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۴. خضری، سیداحمدرضا. (۱۳۹۳). تشیع در تاریخ. قم: دفتر نشر معارف.

۱۵. خواجه‌ویان، محمد کاظم. (۱۳۷۶). تاریخ تشیع. مشهد: جهاد دانشگاهی.
۱۶. دورکیم. (۱۳۸۳). صور بنیادین حیات دینی (مترجم: باقر پرهام). تهران: نشر مرکز.
۱۷. رازی، ابوحاتم. (۱۳۹۰). گرایش‌ها و مذاهب اسلامی در سه قرن نخست هجری (مترجم: علی آقانوری). قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۱۸. ریتز، جورج. (۱۳۸۰). نظریه‌های معاصر در جامعه‌شناسی (مترجم: ی محسن ثلاثی). تهران: انتشارات علمی.
۱۹. زین عاملی، محمدحسین. (۱۳۹۳). شیعه در تاریخ (مترجم: عطائی). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۰. الشامی، فضیلت. (۱۳۶۷). تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
۲۱. صادق‌نیا، مهرب. (۱۳۸۱). تصاویر انتظار در عهد جدید. مشرق موعود، شماره صفر.
۲۲. صادق‌نیا، مهرب. (۱۳۸۸). گونه‌شناسی موعود در مسیحیت (در کتاب: گونه‌شناسی موعود در ادیان). قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۳. صادق‌نیا، مهرب؛ توسلی، سعید. (۱۳۹۵). هزاره‌گرایی رویکردها و گونه‌ها، در مجله انتظار موعود، ۱۲(۵۲)، صص ۷۱-۹۴.
۲۴. صادق‌نیا، مهرب؛ کاظمی‌راد، رضا. (۱۳۹۲). مقایسه نقش موعودباوری در ایجاد فرقه‌های نو در اسلام و مسیحیت در دو قرن اخیر. نشریه مشرق موعود، ۷(۲۷)، صص ۸۳-۱۰۶.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۹). الکافی. تهران: نشر تهران.
۲۶. گولد، جولیسو؛ کوالب، ویلیام. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی (جمعی از مترجمان). تهران: نشر مازیار.
۲۷. لوکمان، توماس؛ برگر، پیتر ال. (۱۳۸۷). ساخت اجتماعی واقعیت (رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت) (مترجم: فریبرز مجیدی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. لوئیس، برنارد و دیگران. (۱۳۶۳). اسماعیلیان در تاریخ (مترجم: یعقوب آزند). تهران: مولی.

۲۹. محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). ضد روش. تهران: لگوس.
۳۰. محمدی، بیوک. (۱۳۸۶). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۱. مختار اللیثی، سمیرة. (۱۹۷۸م). جهاد الشیعه فی العصر العباسی الاول. بیروت: دارالجمیل.
۳۲. مرتضی‌العاملی، سیدجعفر. (۱۴۱۶ق). الحیاة السیاسیة للامام الرضا علیه السلام. قم: جامعه مدرسین.
۳۳. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی. (۱۳۷۰). مروج الذهب و معادن الجواهر (مترجم: ابوالقاسم پاینده). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۳۴. مشکور، محمدجواد. (۱۳۹۸). تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی تا قرن چهارم. تهران: اشراقی.
۳۵. منهیم، کارل. (۱۳۵۵). ایدئولوژی و اتوپیا: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت (مترجم: فریبرز مجیدی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۶. نامعلوم. (بی تا). اخبار الدوله العباسیه و فیہ اخبار العباس و ولده. بیروت: دارالطبیعة.
۳۷. نوبختی، محمد بن موسی (۱۳۵۸). فرق الشیعة (مترجم: محمدجواد مشکور). بی جا.
۳۸. هاینس، هالم. (۱۳۸۹). تشیع (مترجم: محمدتقی اکبری). قم: نشر ادیان.
۳۹. همیلتون، ملکم. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی دین (مترجم: محسن ثلاثی) تهران: نشر ثالث.
40. Arjomand, Said. Amir. (1993). *Religion & the Diversity of Normative Orders*, in: the political.
41. Mattison, C. (2008). *Introducing Moral Theology: True Happiness and the virtues*, Brazos Press.
42. Cohen, Norman. (1957). *The pursuit of millennium: revolutionary millenarians and mystical anarchists of middle*, Palading, Granada, Publishing.
43. Glock and Charles and Rodney Stark. (1965). *Religion and Society in tention*, Rand McNelly, Chicago.

44. Jones, Tony. (2011). *The church is flat: The Reational Ecclesiology of the Emerging Church*.
45. Johnson, Chalmers. (1966). *Revolutiary Change*. Boston, Little Brown.
46. Hobsbawom, E. J. (1959). *Primitive Rebel: Studies in avchiac forms of social movement in the 19th & 20th centuries*, Norton & Company, N. Y.
47. Taylor, C. (2007). *A secular age*, The Belknap Press of Harvard University Press, Cambridge.
48. Oliver, E., (2016). Theology: Still a queen of science in the post-modern era. *in die Skriflig*, 50(1), a2064.<http://dx.doi.org/10.44102/ids.v50i1.2064>Yinger.
49. Milton, J. (1957). *Relligion, Society and the Individual*. Mcmillan: New York.
50. Schwartz, (1978). *Millenarianism in: Eliade* (ed. in shief), the encyclopedia of religion, Macmillan, Pub: N. Y.
51. Slemser, Neil. (1962). *Theory of collective behavior*. Macmillan, New York.

## References

1. Abul Faraj Esfahani, A. (1403 AH). *Maqatil al-Talebin*. Qom: Al-Heidariya School. [In Arabic]
2. Adibi, H., & Ansari, A. (1385 AP). *Sociological Theories*. Tehran: Society. [In Persian]
3. Al-Damluji, S. (1368 AP). *Al-Yazidiya*. Taba'a al-Musel. [In Persian]
4. Al-Shami, F. (1367 AP). *The history of Zaidiyyah in the second and third centuries of Hijri*. Shiraz: Shiraz University Press. [In Persian]
5. Arjomand, S. A. (1993). *Religion & the Diversity of Normative Orders*, in: the political.
6. Ash'ari, S. (1387 AP). *Maqalaat va al-Firaq* (Fazaei, Trans.). Tehran: Ashiane Kitab. [In Persian]
7. Azhir, A. (1388 AP). *Promised Typology in Judaism (in the book: Promised Typology in Religions)*. Qom: University of Religions Publications. [In Persian]
8. Badvi, A. (1389 AP). *The history of theological thoughts in Islam* (H, Saberi, Trans.). Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation. [In Persian]
9. Baghdadi. (1419 AH). *Al-firaq bayn al-Firaq* (Mashkoo, Trans.). Beirut: Al-Maktoob al-Asriyah. [In Arabic]
10. Biro, A. (1367 AP). *Culture of Social Sciences* (B, Saroukhani, Trans.). Tehran: Keihan. [In Persian]
11. Cohen, Norman. (1957). *The pursuit of millennium: revolutionary millenarians and mystical anarchists of middle*, Palading, Granada, Publishing.
12. Durkheim. (1383 AP). *The fundamental forms of religious life* (B, Parham, Trans.). Tehran: Markaz Publications. [In Persian]
13. Glock and Charles and Rodney Stark. (1965). *Religion and Society in tension*, Rand McNelly, Chicago.
14. Gold, J., & Qualb, W. (1376 AP). *Culture of social sciences* (a group of translators, Trans.). Tehran: Maziar Publications. [In Persian]

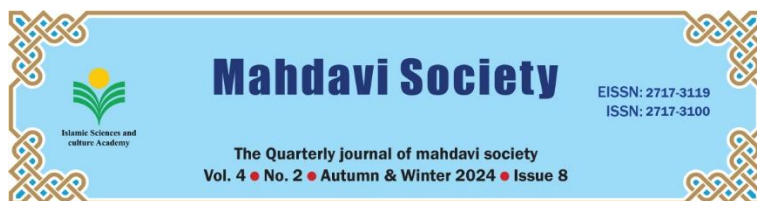
15. Hamilton, M. (1394 AP). *Sociology of Religion* (M, Salasi, Trans.) Tehran: Thaleth Publications. [In Persian]
16. Haynes, H. (1389 AP). *Shi'ism* (M. T, Akbari, Trans.). Qom: Adyan Publications. [In Persian]
17. Heydari, M. (1391 AP). *The claims of Mahdism and the causes of its emergence in the first three centuries of Islam*. Master's thesis at Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
18. Hobsbawom, E. J. (1959). *Primitive Rebel: Studies in avchiac forms of social movement in the 19<sup>th</sup> & 20 th centuries*, Norton & Company, N. Y.
19. Hossein, J. (1393 AP). *The political history of the twelfth Imam's absence* (S. M. T, Ayatollahi, Trans.). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
20. Ibn Saad, M. (1410 AH). *Tabaqat al-Kubra*. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic]
21. Johnson, Chalmers. (1966). *Revolutiary Change*. Boston, Little Brown.
22. Jones, Tony. (2011). *The church is flat: The Reational Ecclesiology of the Emerging Church*.
23. Khajou'ian, M. K. (1376 AP). *History of Shiism*. Mashhad: Jahad Daneshgahi. [In Persian]
24. Khezri, S. A. (1393 AP). *Shiism in history*. Qom: Education publishing office. [In Persian]
25. Koleyni, M. (1379 AP). *Al-Kafi*. Tehran: Tehran Publications. [In Persian]
26. Lewis, B. et al. (1363 AP). *Ismailis in history* (Y, Azand, Trans.). Tehran: Mowla. [In Persian]
27. Lukeman, T., & Berger, P. L. (1387 AP). *The social construction of reality (a treatise in the sociology of cognition)* (F, Majidi, Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
28. Mannheim, K. (1355 AP). *Ideology and Utopia: An Introduction to the Sociology of Knowledge* (F, Majidi, Trans.). Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
29. Mashkoor, M. J. (1398 AP). *The history of Shia and Islamic sects until the*

*fourth century*. Tehran: Eshraqi. [In Persian]

30. Massoudi, A. (1370 AP). *Moravij al-Zahb va Ma'adin al-Jawahir* (A, Payandeh, Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
31. Mattison, C. (2008). *Introducing Moral Theology: True Happiness and the virtues*, Brazos Press.
32. Milton, J. (1957). *Relligion, Society and the Individual*. Mcmillan: New York.
33. Mohammadi, B. (1386 AP). *An Introduction to qualitative research method*. Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
34. Mohammadpour, A. (1389 AP). *Anti-method*. Tehran: Logos. [In Persian]
35. Morteza Ameli, S. J. (1416 AH). *The political life of Imam al-Reza*. Qom: Society of teachers. [In Arabic]
36. Mukhtar Al Laithi, S. (1978). *Jihad al-Shia fi al-Asr al-Abbasi al-Awwal*. Beirut: Dar al-Jail.
37. Nobakhti, M. (1358 AP). *Firaq al-Shi'a* (M. J, Mashkoo, Trans.). [In Persian]
38. Noman bin Muhammad Maghribi, Ibn H. (n.d.). *Sharh al-Akhbar*. Qom: Seyyed al-Shohda Scientific and Cultural Institute.
39. Oliver, E., (2016). Theology: Still a queen of science in the post-modern era', in die Skriflig 50(1), a2064. <http://dx.doi.org/10.44102/ids.v50i1.2064> Yinger.
40. Razi, A. (1390 AP). *Islamic trends and religions in the first three centuries of Hijri* (A, Aghanouri, Trans.). Qom: Center for Religions and Denominations Studies and Research.
41. Ritters, G. (1380 AP). *Contemporary theories in sociology* (M, Salasi, Trans.). Tehran: Scientific Publications. [In Persian]
42. Sadeghnia, M. (1381 AP). Images of waiting in the New Testament. *Intizar Maw'ud*. [In Persian]
43. Sadeghnia, M. (1388 AP). *Promised typology in Christianity (in the book: Promised typology in religions)*. Qom: University of Religions and Denominations. [In Persian]
44. Sadeghnia, M., & Kazemirad, R. (1392 AP). Comparison of the role of believing in Maw'ud in the creation of new sects in Islam and Christianity in

- the last two centuries. *Mashriq Maw'ud*, 7(27), pp. 83-106. [In Persian]
45. Sadeghnia, M., & Tavasoli, S. (1395 AP). Millennialism, approaches and types. *Intizar Maw'ud*, 12(52), pp. 71-94.v
46. Schwartz, (1978). *Millenarianism in: Eliade* (ed. in shief), the encyclopedia of religion, Macmillan, Pub: N. Y.
47. Slemser, Neil. (1962). *Theory of collective behavior*. Macmillan, New York.
48. Tavasoli, Q. (1385 AP). *Sociological Theories*. Tehran: Samt. [In Persian]
49. Taylor, C. (2007). *A secular age*, The Belknap Press of Harvard University Press, Cambridge.
50. Unknown. (n.d.). *Akhbar al-Dolah al-Abbasiya va fihe al-Akhbar al-Abbas va Valadah*. Beirut: Dar al-Taliya.
51. Zain Ameli, M. M. (1393 AP). *Shia in history* (Ataei, Trans.). Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. [In Persian]





## An Analysis of the Characteristics of Qom Hadith School in Reciting Mahdavi Narratives Until the Time of Sadouq<sup>1</sup>

Moslem Kamyab<sup>1</sup>

1. Assistant Professor, Department of Current Studies, Research Center for Mahdiism and Futurology, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.  
m.kamyab@isca.ac.ir; ORCID: 0009-0000-5228-3610



### Abstract

Qom Hadith School, as one of the most powerful schools of Imamiya, has been the focus of scholars for a long time. Studies in the field of Mahdism in this school are faced with shortcomings. Lack of a "school-oriented" approach, "lack of examination of the hadith characteristics of that era" about Mahdavi hadiths are among these shortcomings. Therefore, this article through a "descriptive-analytical" approach is trying to deal with this gap in studies before the era of Sadouq. Transferring the Mahdavi heritage of Ahl al-Bayt from other schools such as Kufa, by the resident and immigrating muhaddiths (scholars of hadiths) to Qom, is considered one of the most important features of this school. Strong adherence to texts and avoiding rationalism, confronting the transmission of exaggerated narratives, partial compliance with the inclusion of rare narratives in their hadith sources, dealing with weak narrators at a certain point in time by some of the elders of the Qom school are other privileges

---

1. **Cite This Article:** An Analysis of the Characteristics of Qom Hadith School in Reciting Mahdavi Narratives Until the Time of Sadouq. *Journal of Mahdavi Society*, 4(8), pp. 83-110.  
<https://doi.org/10.22081/JM.2024.68504.1089>.

---

\* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). \***Type of article:** Scientific-promotional Article

---

▣ **Received:** 05/01/2024 • **Revised:** 22/02/2024 • **Accepted:** 27/02/2024 • **Published online:** 06/03/2024

of this school. Being concerned about the current issues of the society regarding beliefs, especially the issue of Mahdism and the explanation of the narratives that are appropriate for its time, is another characteristic of the school of that era.

### **Keywords**

Mahdism, Qom Hadith school, characteristic studies, heritage, Sadouq era, avoiding exaggeration, textualism.

## تحلیل شاخصه‌های مدرسه حدیثی قم در نقل روایات مهدوی تا قبل از دوران صدوق<sup>۱</sup>

مسلم کامیاب<sup>۱</sup>

۱. استادیار، گروه جریان‌شناسی، پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران.

m.kamyab@isca.ac.ir; ORCID: 0009-0000-5228-3610

### چکیده

مدرسه حدیثی قم، به‌عنوان یکی از مدارس پر قدرت امامیه، از دیرباز مورد اهتمام و دقت اندیش‌وران بوده است. کاوش‌ها در زمینه مهدویت در این مدرسه، با کاستی‌هایی مواجه است. نبود نگاه «مدرسه‌محور»، «عدم بررسی شاخصه‌های حدیثی آن دوران» به احادیث مهدوی از جمله این کاستی‌هاست؛ از این‌رو این جستار با رویکرد «توصیفی-تحلیلی» در تلاش است به این خلاء مطالعاتی تا قبل از دوران صدوق بپردازد. نقل میراث مهدوی اهل بیت علیهم‌السلام از مدارس دیگر مانند کوفه، توسط محدثان مقیم و مهاجر به قم از مهمترین ویژگی این مدرسه قلمداد می‌شود. تعلق خاطر شدید به نصوص و دوری از عقل‌گرایی، مقابله با نقل روایات غلو، رعایت نسبی از عدم درج روایات شاذ در منابع حدیثی خود، برخورد با راویان ضعیف در برهه‌ای از زمان توسط برخی از بزرگان مکتب قم از دیگر امتیازات این مدرسه است. دغدغه‌مندی نسبت به مسائل روز جامعه در حوزه اعتقادات به ویژه موضوع مهدویت و تبیین روایات متناسب با زمانه خود، یکی دیگر از شاخصه‌های مدرسه آن دوران است.

### کلیدواژه‌ها

مهدویت، مدرسه حدیثی قم، شاخصه‌شناسی، میراث‌داری، دوران صدوق، پرهیز از غلو، نص‌گرایی.

۱. **استاد به این مقاله:** کامیاب، مسلم. (۱۴۰۲). تحلیل شاخصه‌های مدرسه حدیثی قم در نقل روایات مهدوی تا قبل از دوران صدوق. *جامعه مهدوی*، ۴(۸)، صص ۸۳-۱۱۰. <https://doi.org/10.22081/JM.2024.68504.1089>

□ نوع مقاله: علمی - ترویجی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۲/۰۳ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

## مقدمه

شناخت و تحلیل مدارس حدیثی شیعه یکی از مباحث مهم و ضروری در موضوعات مربوط به علم حدیث، تاریخ و رجال می‌باشد. مدرسه حدیثی قم با داشتن ویژگی‌هایی از دیگر مدارس حدیثی شیعه، همچون: مدرسه مدینه، کوفه، بغداد، و خراسان متمایز است.

در دوران مدرسه قم یکی از آموزه‌هایی که مورد توجه بوده است مسئله مهدویت است. این آموزه گرچه با یکی از اصول شیعه یعنی امامت ارتباط تنگاتنگی دارد، اما به نظر می‌رسد با توجه به تنوع موضوع و مسائل آن، از دایره گسترده‌تری برخوردار بوده است. وجود انبوهی از منابع مهدوی در آن دوران مانند غیبت نگاری‌ها (نجاشی، ۱۴۱۱ق، صص ۲۶۱ و ۳۱۹)؛ کتاب‌های ملاحم (نجاشی، ۱۴۱۱ق، صص ۳۴۸)؛ یا تک‌نگاری‌های مهدوی مانند کتاب «ما یفعل الناس حین یفقدون الإمام» نوشته احمد بن ابی زاهر از مشایخ محمد بن یحیی (نجاشی، ۱۴۱۱ق، صص ۸۸) یا «التوقعات» عبدالله بن جعفر حمیری (نجاشی، ۱۴۱۱ق، صص ۳۱۹) گواه بر این مطلب است. علاوه بر آن در لابه لای متون تفسیری، فقهی و جوامع حدیثی روایات مهدوی به چشم می‌آید؛ از این رو لازم است این مدرسه در موضوع مهدویت مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

سخن در باب مهدویت در این مدرسه با گستردگی‌هایی روبرو است مانند: تحلیل راویان و محدثان مدرسه قم، تحلیل محتوایی آموزه‌های مهدوی، تمایزشناسی روایات این مدرسه با سایر مدارس. اما یکی از موضوعاتی که می‌تواند در این جستار مورد پرسش قرار گیرد این است که، محدثان قم در انتخاب و درج احادیث در منابع خود، نسبت به آموزه مهدویت از معیار خاص بهره می‌بردند یا خیر؟ نسبت این معیارها چیست؟ در تمام برهه‌ها معیارهایی وجود داشته است یا تنها در دوران خاص؟ از این رو با پاسخ به این سنخ سوالات می‌توان شاخصه‌های حدیثی این مدرسه نسبت به موضوع مهدویت را به دست آورد.

## ۱. پیشینه پژوهش

در زمینه شاخصه‌های مهدویت در مدرسه قم پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ اما

برخی آثار مرتبط با این موضوع به سامان رسیده است. استاد سیدمحمدکاظم طباطبائی در کتاب تاریخ حدیث شیعه (۲) به ویژگی‌های کلی مدرسه قم مانند: میراث‌داری، نص‌گرایی و پرهیز از عقل‌گرایی اشاره کرده‌اند اما مستنداتی از مهدویت ارائه نشده است (طباطبائی، ۱۳۸۹). در این نوشتار ضمن بهره‌مندی از آن اثر، به مصادیق و تحلیل‌هایی جزئی‌تر اشاره شده است.

نوشته دیگر، کتاب شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم هجری نوشته محمدرضا جباری است. وی در این کتاب به جایگاه و اهمیت قم و امتیازات قمیان و مکتب حدیثی قم پرداخته است. از نتایج تلاش ایشان ضمن معرفی وضعیت محدثان قم، به اثبات مرجعیت علمی حوزه قم اشاره دارد. در ادامه به اثبات حساسیت شدید محدثان قم در قلمرو حدیث و مخالفت آنان با نقل اخبار ضعیف و غلوآمیز، پرداخته است (جباری، ۱۳۸۴).

کتاب جستارهایی در مدرسه کلامی قم زیر نظر محمدتقی سبحانی حاوی مجموعه مقالاتی است که در آن به شناساندن برخی از شخصیت‌های حدیثی قم مانند: عبدالله بن جعفر حمیری، سعد بن عبدالله اشعری، محمد بن حسن صفار و علی بن ابراهیم بن هاشم اشاره کرده و در ادامه به معرفی استادان، شاگردان و آثار آنان پرداخته است؛ اما با رویکرد خاص مهدوی بدان‌ها توجه نشده است (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۵، صص ۲۷۶-۳۴۶).

## ۲. مفاهیم و کلیات

در آغاز کلام، مفاهیم کلیدی موضوع پژوهش، که تعریف روشنی از آنان نشده، مورد بررسی و شناسایی قرار می‌گیرد.

### ۱-۲. شاخصه

شاخصه از واژه شاخص به معنای برجسته و ممتاز آمده است (معین، ذیل واژه شاخص). منظور از شاخصه‌ها، معیارهایی هستند که به وسیله آن‌ها می‌توان کمیت، کیفیت و یا سقوط یک موضوع را اندازه‌گیری کرد.

از این رو در این پژوهش درصدد بررسی وجه تمایز مدرسه قم با سایر مدارس حدیثی در موضوع مهدویت هستیم.

## ۲-۲. مدرسه حدیثی قم

«مدرسه» از ریشه درس در لغت، به معنای جایگاه و مکان تعلیم و نوشتن است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۹۲). وقتی واژه «مدرسه» با «حدیث» جمع شود، جهت حدیثی و روایی پیدا می‌کنند. مدرسه حدیثی، به مجموعه‌ای از عالمان و دانشمندان در یک رشته علمی معین اطلاق می‌شود که در تعامل با یکدیگر و بر محور یک محیط جغرافیایی محدود، به تولید محصولات نوین علمی دست می‌زنند (سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۲).

مترادف فارسی مدرسه، مکتب به معنای مکان نگارش و آموزش علم به کار رفته است.<sup>۱</sup> برخی در تعریفی به مجموعه افکار و آرای علمی منسجم و نظام‌مند که متعلق به یکی از صاحب نظران یا گروهی از همفکران است مکتب گویند (ضیائی‌فر، ۱۳۸۵، ص ۵). با مهاجرت اشعری‌ها به قم و حضور فرزندان عبدالله بن سعد اشعری و دیگر اشعریان در زمره اصحاب و راویان اهل بیت علیهم‌السلام (برقی، ۱۳۴۲، ص ۲۸). مدرسه‌ای به‌طور عمده با یک رشته علمی مشخص با رویکرد حدیث‌گرایی شکل گرفت.

اشتهار قم، به عنوان مرکزی قوی برای تشیع و وجود محدثان و دانشمندان زبردست در فن حدیث و دیگر علوم اسلامی در این حوزه بزرگ حدیثی موجب آن شده بود که محدثان و دانشمندان دیگر شیعی به دیدی مثبت نسبت به این شهر و جایگاه علمی آن بنگرند و از این رو روابط خوب علمی و دینی بین آنان و قم برقرار بود. بررسی کلی درباره فعالیت این حوزه حدیثی حکایت از ثمرات مبارک علمی و حدیثی در عالم تشیع دارد؛ تبحر در حدیث (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۹۰)؛ مرجعیت علمی راویان قم؛ انتقال احادیث به دیگر مدارس؛ توثیق قمی‌ها توسط رجال‌شناسان (نجاشی، ۱۴۰۷ق، صص ۸۳، ۱۲۳،

۱. واژه مکتب، هم به معنای مصدر میمی یعنی کتابت و نوشتن به کار می‌رود، هم به معنای اسم زمان، یعنی زمان نوشتن و هم به معنای اسم مکان (مکان نوشتن). اما در زبان عربی و فارسی، مکتب بیشتر به معنای اسم مکان یعنی مکان نگارش و آموزش علم به کار رفته است.

۳۳۸ و ۴۴۷) و تألیف کتب (واسطی بغدادی، ۱۳۶۴، ص ۳۹؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۴۹) از جمله آن برکات است.

این حوزه حدیثی در دو قرن سوم و چهارم اوج دوران نشاط و تحرک خود را پشت سر نهاد و سرانجام با فعالیت‌های شیخ مفید (م ۴۱۳ق) و سید مرتضی (م ۴۳۶ق) و دیگر عقل‌گرایان مدرسه بغداد، در پایان قرن چهارم کم فروغ گردید و مدرسه بغداد محوریت را بدست گرفت (رک: جباری، ۱۳۸۴، صص ۹۷-۱۱۴).

### ۲-۳. گزارش اجمالی از روایات مدرسه قم تا قبل از شیخ صدوق

در این نگارش ۳۵۸ روایت که گواه بر وجود آنان در مدرسه قم و گفتمان آنان است از منابع استخراج شده است؛ در انتخاب منابع از دو نوع منابع اصلی و واسطه‌ای استفاده شده است. منابع اصلی منابعی است که از ابتدای پیدایش مدرسه قم تا قبل از دوران صدوق به صورت مکتوب توسط قمی‌ها نگارش شده و الان موجود است که عبارتند از: محاسن احمد بن محمد بن خالد برقی، بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، قرب الاسناد عبدالله بن جعفر حمیری، الکافی محمد بن یعقوب کلینی، الامامه و التبصره ابن بابویه قمی و کامل الزیارات ابن قولویه.

اما منابع واسطه‌ای منابعی است که، یا از دوران صدوق به بعد بوده یا از مدارس حدیثی دیگر است. احادیث این منابع با معیارهایی مانند قمی بودن مؤلف کتاب، وجود مؤلف مشهور قمی در اسناد، تکرار صاحب مصدر در اسناد متوالی، تعلیق سند و شروع آن به مصنف مشهور شمارش شده است (تفصیل آن رک: کامیاب، ۱۴۰۰، صص ۱۸-۲۵). این منابع شامل: کتاب الغیبه نعمانی، آثار شیخ صدوق (کمال‌الدین، من لایحضره الفقیه، علل الشرائع، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ثواب الاعمال) و الغیبه طوسی است.

### ۲-۴. گستره تحقیق

محدوده بررسی‌ها از ابتدای تشکیل مدرسه قم تا قبل از دوران صدوق (م ۳۸۱ق) است. صدوق با توجه به مسافرت‌های فراوان حجم قابل توجه‌ای از میراث خود را از

سایر مدارس گرفته است. به عنوان نمونه از مجموع ۶۲۱ روایت کتاب کمال‌الدین، حدود ۴۷۰ روایت او از مدارس دیگر است؛ بنابراین از اساس وی نمی‌تواند نماینده مدرسه قم باشد. البته با احراز قمی بودن احادیث منقول وی، بخشی از روایات این محدث مورد توجه بوده است. علاوه بر آن شیخ صدوق با حضور خود در مدرسه قم و ری، نقطه عطفی در حدیث امامیه ایجاد کرد که بررسی رویکرد این محدث بزرگ در اخذ، تبویب و نقل آن به دوران بعدی و نقاط اشتراک و افتراق وی با سایرین تحلیل جداگانه می‌طلبد.

### ۳. شاخصه‌شناسی روایات مهدوی در مدرسه قم

مجموع آنچه در حوزه حدیثی مهدویت قم مطرح بوده و از وجوه امتیاز آن با دیگر حوزه‌ها به شمار می‌آید در ۶ عنوان قابل بررسی است. لازم به ذکر است که طرح این شاخصه‌ها به عنوان ویژگی‌های موجود در مدرسه حدیثی قم، نه به معنای آنست که تمامی محدثان این حوزه و در تمامی دوران فعالیت خود تا قبل از صدوق ملتزم به این ویژگی‌ها بوده‌اند، بلکه بدین معناست که در برخی دوره‌ها این ویژگی‌ها به عنوان صفات برجسته و مورد اشاره محدثان این حوزه یا غالب آنان به شمار رفته است. گرچه در میان همین شاخصه‌ها نیز، برخی از آن‌ها همچون: نص‌گرایی از گستردگی زمانی و فردی بیشتری برخوردار بوده‌اند.

#### ۱-۳. میراث‌داری

هجرت گروهی از راویان و محدثان حوزه‌های دیگر حدیثی به قم و مسافرت و رحله‌های حدیثی محدثان بزرگ قمی‌ها به سایر بلاد، موجب شد که مجموعه‌ای غنی و دراز دامن از نگاه‌ها و گزارش‌های راویان مختلف در قم اجتماع کند. مهم‌ترین قسمت این مجموعه فراهم آمده از حوزه حدیثی کوفه بود (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۷). طبقه اول محدثان مهدوی قم دو دسته بوده‌اند؛ دسته اول، مهاجرین مانند: حسین بن سعید اهوازی و ابراهیم بن هاشم هستند که عمدتاً میراث کوفه را به قم انتقال دادند.



نزدیک به ۵۰ روایت مهدوی از این دو محدث در منابع حدیثی قم ثبت شده است. این روایات، میراث محدثانی مانند محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، حسن بن علی بن فضال، علی بن حکم و حماد بن عیسی بود که به قم منتقل گردید (کامیاب و طباطبائی، ۱۴۰۱). دسته دوم که اصالتی قمی داشتند، مانند: احمد بن محمد بن عیسی و سعد بن عبدالله اشعری با سفر به مناطق مختلف، روایات آن مناطق را به قم انتقال دادند. از این دو محدث قریب به ۹۶ روایت مهدوی از افراد غیر قمی مانند حسن بن محبوب، علی بن ابی نصر بزنطی، علی بن حکم، علی بن محمد رازی، یعقوب بن یزید، محمد بن حسین بن ابی خطاب و محمد بن صالح نقل در منابع ثبت شده است (کامیاب و طباطبائی، ۱۴۰۱).

این شاخصه در دوران بعدی همچنان ادامه داشت به گونه‌ای که افرادی مانند محمد بن یحیی میراث نواحی دیگر از جمله کوفه، بغداد، ری را بدان دیار انتقال دادند (رک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۳۲۲، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۵ و ۳۴۰؛ ج ۲، ص ۳۴۷، ۴۳۱، ۴۳۵، ۴۷۹ و ۵۰۹).

مدرسه قم با آنکه در دریافت و حفظ میراث اهل بیت نقش خود را به خوبی ایفا کرد، اما به مرور زمان بعد از شیخ صدوق کم فروغ گردید و این میراث به بغداد منتقل گردید. جالب آن که درست در زمانی که بغدادی‌های عقل‌گرا مانند: شیخ مفید با مبانی برخی قمی‌ها در ستیز بوده، اما بخشی از میراث حدیثی مهدوی قم را در منابع خود گزارش داده است.<sup>۱</sup>

### ۲-۳. نص‌گرایی

مهم‌ترین ویژگی مدرسه حدیثی قم نص‌گرایی و اعتماد به متون نقلی است. آنان سعی می‌کردند تنها در محدوده نقلیات کاوش و جستجو کنند و از دخالت مستقل و جسورانه عقل در تحلیل و تأویل خبر پرهیزند (طباطبائی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۸). حتی در دوره‌ای کسانی که با رویکرد عقل‌گرایی پافراثر نهاده به شدت محکوم می‌شدند.

۱. نقل روایات قابل توجه از قمی‌ها، در الارشاد شیخ مفید گواه بر این است که مدرسه قم مورد توجه بغدادی‌ها قرار گرفته است.

به‌عنوان نمونه: یونس بن عبدالرحمن فقیه و متکلم دوران امام رضا علیه‌السلام که به اجتهادگرایی معروف بودند، مورد طعن برخی از قمی‌ها قرار گرفت و درباره او روایاتی تند با الفاظی دور از شان معصوم در ذم وی منتشر گردید (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۷۶).

کشی بعد از نقل برخی روایت ذم یونس می‌گوید: «هر بیننده‌ای به این روایاتی که اهل قم درباره یونس روایت کرده‌اند نگاه کند، تعجب می‌کند و می‌فهمد که آنها روایاتی نیست که عقل حکم به صحتشان کند» (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۷۷).

قمی‌ها علاوه بر نقل این دست روایات در عرصه کتابت از مواضع نص‌گرایی خود کوتاه نیامده و سعد بن عبدالله با تدوین کتاب مثالب هشام و یونس به انتقاد از این خط فکری پرداخت (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۸).

با بررسی منابع مؤلفان اصیل و مورد پژوهش تا قبل از دوران صدوق، می‌توان دریافت کرد که رویکرد آن‌ها نقل‌گرایانه است و هیچ‌گونه مباحث عقلی یا شرح عقلی در ذیل روایات مهدویت انجام نگرفته است<sup>۱</sup> و اساساً مسئله کلامی‌ای مانند مهدویت از مستقلات عقلی بدور بوده و در نقل متبلور گردیده است. بعید نمی‌نماید با نگاه خوشبینانه، نقل برخی روایات مستبعد درباره یاران حضرت و اتفاقات عصر ظهور، منشا ترویج آن، همان رویکرد نص‌گرایی باشد.

همزمان با دوران مرحوم صدوق با وجود شبهات حول محور امامت و مهدویت، وی تنها در ابتدای کتاب مشهور خود کمال‌الدین، به مباحثی مانند بحوث فی الإمامة و العصمة (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴)، ادعای بعض الفرق من الشيعة و الرد علیها، (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۲) بیان بعض الاعتراضات و الشبهات حول الغیبة (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴۵) ترکیبی از نقل و عقل را در هم آمیخته و بدان شبهات پاسخ داده است. همچنین در برخی روایات مانند بحث روایات فترت به شرح و توجیه آن پرداخته است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۵۶) اما با آنکه وی هدف از تألیف را رفع حیرت مسئله

۱. شایان ذکر است برخی از مستشرقان با مفروض شمردن تدوین الکافی در بغداد بر این نکته تأکید کردند که الکافی متأثر از فضای عقل‌گرایی معتزله بغداد نگاشته شده است؛ اما در یک پژوهش مستقل با ذکر شواهدی نشان داده شده است که الکافی نماد گفتمان حدیثی قم است (رک: حمادی و طباطبایی، ۱۳۹۱).

امامت می‌داند اما رویکرد حاکم بر اثر وی، نص‌گرایی است. رویه نص‌گرایی تا دوران پایانی مدرسه قم ادامه داشت تا آنکه در دوران بعدی شیخ مفید در بغداد با تدوین متون عقلی از جمله کتاب المسائل العشر فی الغیبه به ترویج رویکرد عقل‌گرایی پرداخت. با مقایسه این دو مدرسه می‌توان تمایزات نص‌گرایی و عقل‌گرایی را آشکارا ملاحظه کرد.

### ۳-۳. برخورد با محدثان ضعیف

در بین پژوهشگران معاصر مشهور است مدرسه حدیثی قم در برهه‌ای از تاریخ خود به مقابله با برخی از محدثان و روایان ضعیف برخورد کرده است. به‌عنوان نمونه محدثانی هم‌چون: احمد بن محمد بن خالد، سهل بن زیاد آدمی توسط احمد بن محمد بن عیسی زعیم مشهور قم به دلیل نقل از ضعفا اخراج گردیدند.<sup>۱</sup> یا محمد بن حسن بن ولید استاد شیخ صدوق، نیز برخوردی مشابه با روایان ضعیف داشته است. او افراد چندی از جمله روایان موجود در کتاب نوادر الحکمه را تضعیف و روایات این گروه را غیرمعتبر شمرده است (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۸).

در باب روایات مهدویت چنین برخوردی با روایان ضعیف به طور کامل قابل دفاع نیست. گرچه رویکرد اکثر روایان نقل از ثقات بوده و اسناد موجود این گفته را تصدیق می‌کند. اما در کنار آن از افراد مجهول و توثیق نشده روایاتی نقل شده است.

به عنوان نمونه ابراهیم بن هاشم از افرادی مانند: اسماعیل بن مرار (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۴۰۲)، صالح بن سندی (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۴۲۸)، بسطام بن مره (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۱۱)، علی بن معبد (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۸)، عبدالله بن حماد (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۴)، علی بن صدقه (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۳۶۰) و سلیمان دیلمی (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۸۲) روایاتی نقل کرده است که آنان توثیق

۱. این نظریه درباره احمد بن محمد با آنکه مشهور است، اما می‌توان با قرائن و شواهد متعددی گفت وی درباره روایان اجتهاد می‌کرده و به تشخیص خود که برگرفته از علل و عوامل اجتماعی و سیاسی یا ویژگی‌های فردی وی بوده دست به اخراج روایان زده است (رک: تفصیل این ادعا را می‌توان در مقاله‌ای با عنوان: اخراج روایان از قم؛ اقدامی اجتماعی یا اعتقادی (طالقانی، ۱۳۹۱) مراجعه کرد.

ندارند و برخی مانند سلیمان دیلمی غالی و کذاب دانسته شده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۸۲). اما موضوعات طرح‌شده این راویان شامل مواردی است که توسط راویان ثقه هم نقل شده است مانند: کنیزبودن مادر حضرت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۳۲۲-۳۲۳، صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۶۹، ج ۲، ص ۳۷۱)، ترغیب به انتظار فرج (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۶۱)، اقتصاد عدالت محور (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸۳)، پاداش استقامت در عصر غیبت (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۶۱) گسترش عدالت (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۶۱).

همچنین، محمد بن خالد برقی و فرزندش احمد بن محمد به ترتیب از دو راوی ضعیف؛ علی بن حسان هاشمی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۸۲) و محمد بن علی ابوسمینه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۳۳) چندین روایت نقل کرده‌اند. روایت منقول از علی بن حسان به غیبت و غربت و تنهایی امام مهدی علیه السلام اشاره دارد که روایات دیگر آن را تأیید می‌کند. نقل از ابوسمینه هم در حیطه شناساندن تبار امام مهدی علیه السلام و نهی از عجله در تعیین زمان ظهور است که با سایر روایات مدرسه قم و غیر قم هماهنگ است.

در طبقه دوم قمی‌ها، محمد بن حسن بن صفار از افرادی مانند: حسن بن علی زیتونی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۶۲)، سلمه بن خطاب (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۸۸)، حسن بن احمد بن محمد بن سلمه (نمازی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۷۴) و محمد بن هارون، (ابن داوود، ۱۳۸۳، ص ۵۱۲) روایاتی چند نقل کرده است که هیچ کدام توثیق نشده‌اند.

سعد بن عبدالله، یکی دیگر از محدثان این دوران بخشی از توقیعات منقول خود را از افرادی مانند: ابوالقاسم بن ابی حلیس،<sup>۱</sup> هارون بن موسی،<sup>۲</sup> محمد بن محمد بصری، ابوعلی المتیلی، ابوجعفر مروزی، ابوالحسن جعفر بن احمد، حسین بن اسماعیل کندی، ابوالحسن همدانی نقل کرده است که اطلاعاتی درباره آنان وجود ندارد. ابن ولید با

۱. درباره وی اطلاعاتی وجود ندارد، تنها در قاموس الرجال با ذکر تشریف وی، محضر امام عصر و ذکر توقیعات او بسنده شده است. (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱۱، ص ۴۶۸).

۲. در بین محدثان تنها هارون بن موسی تلکبری داریم که امکان نقل سعد بن عبدالله از وی وجود ندارد؛ زیرا او متوفی ۳۸۵ است و سعد بن عبدالله سال‌ها قبل از او در اواخر سده سوم می‌زیسته است.

آنکه در طریق توقیعات سعد بن عبدالله از علان کلینی قرار دارد احتمالاً به خاطر همین عدم شهرت این دست از راویان در اسناد این دسته از توقیعات قرار ندارد و تنها صدوقین گزارش‌گر آنها می‌باشند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۴۹۳-۴۹۴).

از این رو می‌توان گفت در مدرسه حدیثی قم، نقل از راویان مجهول و ضعیف شایع بوده است؛ اما اشتها این مدرسه در برخورد با محدثان ضعیف را می‌توان تنها به دوران احمد بن محمد بن عیسی دانست که بخشی از محدثان مذکور، دوران این محدث را درک نکرده‌اند. احتمالاً برای توجیه نقل از ضعیفا بتوان گفت تقسیم حدیث معتبر به قسم صحیح، موثق و حسن نزد قدما رایج نبوده و قدما به صحت هر حدیثی که به نحوی به آن وثوق و اطمینان می‌یافتند حکم کرده و به آن عمل می‌کردند. از جمله عواملی که در ایشان ایجاد اطمینان و به صحت حدیث می‌کرد وجود حدیث در اصول چهارصدگانه و یا اندراج آن در کتبی بود که بر ائمه معصومین علیهم‌السلام عرضه شده و مورد تأیید آن‌ها قرار گرفته و یا در کتبی که میان سلف مشهور بوده و به آن اعتماد می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۸)؛ بنابراین باید گفت اعتماد قمی‌ها بر این طیف روایات، براساس اطمینان آنان براساس وجود قرائن و شواهد شکل گرفته است و روایات مهدویت را می‌توان براساس همین معیار توجیه کرد. تنها برخی از روایات محمد بن حسن صفار و سعد بن عبدالله منفرد است که باید جداگانه بدان پرداخته شود.

### ۳-۴. عدم نقل روایات غلوآمیز

آنچه مدرسه حدیثی قم را شهره ساخته و آوازه آن را در آفاق پراکند، برخورد شدید و نسبتاً بدون مسامحه عالمان قم در برابر خطر غالیان و تفکر غالیانه بود (طباطبائی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۹). از منظر قمی‌ها هرگونه نسبت‌دادن صفات فوق بشری به ائمه غلو شمرده می‌شود (جباری، ۱۳۸۴، ص ۳۸۹). به نظر می‌رسد این تفکر در دوران احمد بن محمد بن عیسی، باعث گردید برخی از محدثان مشهور، به اتهام غلو از قم اخراج و امکان حضور در مجامع علمی و حدیثی را از دست بدهند. احمد بن محمد بن خالد برقی،

محمد بن اورمه قمی، سهل بن زیاد، حسین بن عبیدالله قمی، علی بن محمد بن شیرۀ قاشانی، قاسم بن حسن بن علی بن یقظین و احمد بن حسین بن سعید اهوازی از جمله افرادی هستند که به آنان اتهام غلو زد شد و برخی از آنان از شهر اخراج گردیدند (جباری، ۱۳۸۴، صص ۳۸۶-۳۹۴).

با بررسی ۳۵۸ مورد از روایات مدرسه قم حدود ۲۳ مورد معادل ۶٪ از مضامین آنان در ظاهر مستبعد بوده است اما نمی توان آنها را غلو دانست و حتی با توجه به رشد علوم می توان توجیه عقلانی برای برخی از آنها دست و پا کرد (رک: کامیاب، ۱۴۰۰، ص ۱۸۹). این روایات عمدتاً در بصائر الدرجات صفار، (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، صص ۲۴، ۱۸۴، ۱۸۸، ۲۵۸، ۳۱۱، ۲۵۹، ۴۰۹، ۴۸۶، ۴۹۰ و ۵۱۰) کمال الدین صدوق (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۴۲۶، ۴۳۱، ۶۷۳ و ۶۷۱-۶۷۲) و اندکی در الکافی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۹۷ و ج ۸، ص ۲۹۴) و کامل الزیارات (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۱۲۰) دیده می شود.

در یک تقسیم بندی می توان آنان را به دو دسته تقسیم کرد؛ برخی از این روایات ارتباطی با مقام امامت ندارد؛ تنها به ویژگی دوران ظهور اشاره دارد. مانند: روایات قدرت منحصر به فرد یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در عصر ظهور. این اصحاب به اندازه چهل مرد توانا هستند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۷۳ و ج ۲، ص ۵۴۱) و چنان پاهای ستبر و قدرتمندی دارند که دشمنان با پاهای آنان لگد می شوند، (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴) آهن در آنها اثر نمی کند، دارای شمشیرهایی از آهن هستند و اگر مردی از ایشان شمشیر خود را به کوهی فرود آورد آن را دو نیم می کند (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۹۰)؛ همچنین یاران غیر بشری، مانند حضور چندین هزار ملائکه در عصر ظهور به ویژه جبرئیل و میکائیل در این روایات به چشم می آید (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۷۲). گرچه از لحاظ سندی غیرمعتبر هستند؛ اما بر فرض صحت صدور آنان، می توان معنای غیرظاهری آن را قصد کرد و ناقلان این نوع گزارش ها درصدد ارائه تصویری خارق العاده و شگفت انگیز از دوران ظهور می باشند.

اما دسته دوم، مستقیم با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در ارتباط است؛ مانند داستان تولد

ایشان. درباب تولد امام مهدی در مدرسه حدیثی قم ۱۳ گزارش وجود دارد. این روایات همگی از دوران کلینی به بعد نقل گردیده است؛ کلینی در تلاش خود برای اثبات تولد، تنها به اصل تولد، بدون تفصیل خاص پرداخته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۳۳۱ و ۵۱۴). برخلاف آن، گزارش‌های شیخ صدوق با تفصیل بیشتر همراه با کرامات و امور خارق‌العاده‌ای نقل شده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۴۲۶ و ۴۳۰). این دست روایات گرچه اسناد آن ضعیف هستند اما سنخ گزارش‌ها مانند تکلم امام مهدی علیه السلام بعد از تولد قابل دفاع بوده و نسبت به انبیای گذشته مانند حضرت عیسی واقع شده است (مریم، ۳۰). تنها نکته‌ای که باقی می‌ماند آنکه این سنخ گزارش‌ها را می‌توان در میراث غالیان جستجو کرد. حسین بن حمدان (م ۳۳۴) که از غالیان آن دوران به‌شمار می‌رود در الهدایه الکبری این دست روایات را نقل کرده است. وی در گزارشی به رشد غیر معمول امام اشاره دارد<sup>۱</sup> یا در روایت دیگری با سند شبیه صدوق از محمد بن یحیی به سخن گفتن امام در اوان تولد پرداخته است.<sup>۲</sup>

اما برخی دیگر مرتبط با عصر ظهور است؛ مانند اعجاز مجدد میراث انبیای الهی همچون: عصا و سنگ موسی علیه السلام که اولی، ترساندن مردم (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۸۴) و دومی، ارتزاق یاران حضرت را به عهده دارد (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۸۸) ذخیره ابر تندرو

۱. عَنْ حَكِيمَةَ ابْنَةِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الرِّضَا عليه السلام قَالَ.... فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ اَرْبَعِينَ يَوْمًا دَخَلْتُ اِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ اِلَيْهِ التَّسْلِيمُ فَاِذَا بِمَوْلَانَا صَاحِبِ الرِّمَانِ الْقَائِمِ اِلَيْهِ التَّسْلِيمِ يَعْشِي فِي الدَّارِ فَلَمْ اَرَ اَحْسَنَ وَجْهًا مِنْ وَجْهِهِ وَ لَا لُغَةً اَفْصَحَ مِنْ لُغَتِهِ فَقَالَ لِي أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام هَذَا الْمَوْلُودُ الْكَرِيمُ عَلَيَّ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي لَهْ اَرْبَعُونَ يَوْمًا وَ اَنَا اَرَى مِنْ اَمْرِهِ مَا اَرَى فَقَالَ: وَ تَبَسَّمَ يَا عَمَّةُ اَمَا عَلِمْتَ اَنَا مَعَاشِرَ الْاَوْصِيَاءِ تَنْشَأُ فِي الْيَوْمِ مَا يَنْشَأُ غَيْرِنَا بِالْجُمُعَةِ وَ تَنْشَأُ فِي الْجُمُعَةِ مَا يَنْشَأُ غَيْرِنَا فِي السَّنَةِ فَعُتْتُ اِلَيْهِ وَ قَبِلْتُ رَأْسَهُ وَ انْصَرَفْتُ فَعَدْتُ تَفَقُّدَهُ فَلَمْ اَرَهُ فَقُلْتُ لِسَيِّدِي أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام مَا فَعَلَ مَوْلَانَا فَقَالَ: يَا عَمَّةُ اسْتَوْدَعْنَاهُ لِلَّذِي اسْتَوْدَعَ مُوسَى عليه السلام (خصیصی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۷).

۲. حَدَّثَنِي نَسِيبٌ وَ مَارِيَةُ قَالَا: لَمَّا خَرَجَ صَاحِبُ الرِّمَانِ عليه السلام مِنْ بَطْنِ اُمِّهِ سَقَطَ جَانِبًا عَلَيَّ رُكْبَتَيْهِ قَائِمًا لِسَبَابَتَيْهِ ثُمَّ عَطَسَ وَ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* وَ صَلَّى اللّٰهُمَّ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَبْدُ اللهِ ذَا كِرَالِ اللهِ غَيْرَ مُشْتَكِرٍ وَ لَا مُشْتَكِرٍ، ثُمَّ قَالَ: رَعِمَتِ الظُّلَمُ اَنَّ حُجَّةَ اللهِ دَاحِضَةٌ لَوْ اُذِنَ لَنَا بِالْكَالَمِ لَرَالِ الشَّكَّ (خصیصی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۷).

صعاب - در آن رعد و برق است - (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۰۹) در دوران ظهور از دیگر موارد است. این روایات گرچه اسناد آن ضعیف یا متفرد هستند اما از امور غیرعقلانی نبوده و چون حالت اعجاز در آن نهفته است می‌توان با در نظر گرفتن ترسیم شگفتی‌های عصر ظهور، تحلیل کرد.

بنابراین با توجه به تعریف غلو نمی‌توان این سنخ گزارش‌ها را از نوع گزاره‌های غالبانه دانست؛ زیرا هیچ‌کدام از این روایات و گزارش‌ها نمی‌تواند غلو در ذات یا صفات باشد.<sup>۱</sup> بلکه در نگاه کلی تنها می‌توان ادعا کرد از امور خارق‌العاده هستند و برخی از آنها را می‌توان توجیه کرد.

### ۳-۵. توجه ویژه به نیازهای جامعه شیعی

یکی از شاخصه‌های اصلی قمی‌ها نقل تمامی مباحث مهدویت است. با این وصف آنان در این بین بر روی مسائل مهم و اساسی مهدویت که دارای جنبه‌های کلامی و اعتقادی است پای فشاری کرده‌اند. این اصرار می‌تواند برگرفته از حساسیت این موضوع در آن مقطع مهم تاریخی تلقی گردد؛ زیرا جامعه شیعی در دورانی که امام در غیبت به سر می‌برد و ارتباط ظاهری با امام رو به کاهش است در تحیر به سر می‌برند، به گونه‌ای که معتقدان به امامت در اصل امامت و تشخیص امام به شک افتادند.

در این دوره محدثان به ویژه کلینی، با تنظیم احادیثی از قمی‌ها و اختصاص ابواب ویژه به آموزه مهدویت به صورت جامع در جهت مصونیت‌زایی جامعه اقدام کردند

۱. معمولاً غلو را در یک تقسیم‌بندی به دو دسته تقسیم می‌کنند: الف غلو در ذات، منظور از غلو در ذات آن است که شخص یا گروه غالی، قائل به نبوت ائمه معصومین علیهم‌السلام الوهیت معصومین علیهم‌السلام یا حلول و یا تناسخ و یا تفویض باشد؛ به عبارت بهتر، ذات معصومین را از مرتبه خود بالاتر ببرد. ب غلو در صفات. منظور از «غلو در صفات» که می‌توانیم آن را با جعل اصطلاح «غلو در فضایل» نیز معرفی نماییم آن است که صفات و فضایل و معجزاتی را به معصومین علیهم‌السلام نسبت دهیم که دارای آن نبوده‌اند.



(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۳۲۸ - ۳۷۰).

باز گو کردن روایات اثناعشر مانند حدیث لوح، حدیث خضر و روایات دیگر با طرق و ادبیات مختلف و قرار دادن امام مهدی علیه السلام در شمار آخرین حجت‌الاهی از اساسی‌ترین مسئله آن دوران محسوب می‌شود. اهمیت مسئله اثنا عشر در کنار گروه‌های درون شیعی که برخی از آنان مانند زیدیه در ایران فعالیت داشته و یا همجواری گروه‌های مخالف در ری به تثبیت امامت دوازده‌گانه و جلوگیری از تشتت آرا کمک شایانی می‌کرد. در ادامه روند تثبیت ائمه دوازده‌گانه، به توصیف ویژگی‌های شخصی امام دوازدهم مانند: تبار، نام، القاب و کنیه پرداخته شد (رک: کامیاب، ۱۴۰۰، ص ۲۹).

نقل روایات تولد و کسانی که امام را ملاقات کرده‌اند در راستای اثبات حیات امام شکل گرفت (رک: کامیاب: ۱۴۰۰، ص ۳۴). حتی به نظر می‌رسد نقل توقیعات بدون در نظر گرفتن محتوای آن، به‌ویژه توسط سعد بن عبدالله در همین رویکرد قابل توجیه و تفسیر است. چراکه یکی از کارکردهای اصلی این توقیعات که در دوران غیبت صغرا صادر گردیده است اثبات وجود امام مهدی علیه السلام و شئون مرتبط امامت است (رک: کامیاب، ۱۴۰۰، ص ۴۶).

با طولانی شدن دوران غیبت و عدم تعیین زمان ظهور، نقل بخش دیگری از روایات ضرورت پیدا کرد. باز کلینی با ترتیب ابواب غیبت و نهی از تعیین زمان ظهور به شیعیان این نکته را گوشزد کردند که عدم حضور ظاهری امام به درازا خواهد کشید و کسانی که زمانی را برای ظهور حضرت تعیین کنند باید تکذیب کرد. همزمان با عدم ظهور قریب‌الوقوع شیعیان به انتظار و استقامت در برابر فتنه‌ها تشویق گردیدند تا جامعه شیعی در حوادث دوران در امان ماند (رک: کامیاب، ۱۴۰۰، صص ۴۸ - ۵۰).

در کنار نهی از تعیین وقت ظهور و ترغیب به انتظار، قاطبه قمی‌ها با حتمی دانستن ظهور و حضور امام در کارزار با مخالفین و خوانخواهی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام به‌ویژه

امام حسین علیه السلام که با گسترش عدالت در جامعه روبرو خواهد بود از دوران طلایی ظهور پرده برداشتند. نقل این گونه روایات در دورانی که مردمان آن همواره مورد تهدید عباسیان و حکومت‌های محلی قرار داشتند، می‌توانست مرهمی بر گروه اقلیت شیعه به شمار آید.

البته این نیازسنجی مرسوم به مدرسه قم نبوده بلکه در دوران بعدی با طولانی شدن دوران غیبت آموزه‌هایی مانند طول عمر حضرت، و کیلان و نایبان حضرت و جایگاه آنان، مورد توجه محدثانی مانند: شیخ صدوق و شیخ طوسی قرار گرفت.

### ۳-۶. پرهیز از روایات شاذ

در مدرسه قم روایات شاذ و منفرد کمتر دیده می‌شود و بیشتر روایات قمی‌ها، روایات مشهور مهدوی است. موبد این گفتار در دو دلیل قابل بیان است. اول آنکه با مقایسه روایات قم با سایر مدارس حدیثی بدین نکته رهنمون شده که مدارس دیگر همین روایات را با اسنادی دیگر نقل کرده اند (رک: پیوست ۱).

دوم، در مدارس دیگر به ویژه حوزه‌های حدیثی که از پایگاه‌های اصلی علمی شیعه مانند قم و بغداد دورتر بوده‌اند روایاتی نقل شده است که در قم و سایر مدارس حدیثی از آن چنان شهرتی برخوردار نبوده است. به‌عنوان نمونه به موضوع دین در عصر ظهور می‌توان اشاره کرد. نعمانی که اثر حدیثی خود را در منطقه شام سامان داده است با ترتیب بابی مستقل به روایات امر جدید و کتاب جدید در عصر ظهور اشاره دارد (نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۳۲۱). یا نقل فراوان روایات نشانه‌های ظهور در این اثر با تفصیلات گسترده و متناسب با منطقه شام به تصویر کشیده شده است.

بر همین اساس می‌توان به این نکته دست یافت که قمی‌ها در نقل روایات تکیه بر مشهورات داشته‌اند و از نقل روایات شاذ و مستبعد (به غیر از مواردی که در بحث غلو گذشت) دوری جستند.

## پیوست (۱)

نمونه‌هایی از روایات مشهور قمی‌ها و غیرقمی‌ها در موضوعات مختلف مهدوی

ردیف	موضوع	قم	بغداد	شام	آسیای میانه
۱	احادیث اثنا عشر	قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، صص ۳۶، ۴۵؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۹	طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۱۴۲؛ ۱۴۷- ۱۴۹.	نعمانی، ۱۳۷۹، صص ۵۷- ۱۰۲	عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۴
۲	تبار امام	حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۱	مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۷۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۱۸۵ و ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰ و ۱۹۱.	نعمانی، ۱۳۷۹، صص ۱۸۰ و ۱۴۷	صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۱۶، ج ۲، ص ۳۵۰.
۳	تولد امام	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۱	طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۲۳۰، ۲۴۵ و ۲۴۶	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۷	صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۴۰، ج ۱ و ۱۳۰.
۴	نهی از تسمیه	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۳	مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۴۹.	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۲۸۸	صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۲.
۵	غیبت امام	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۶	طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۴۰.	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۵	صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، صص ۳۱۶، ج ۲، ص ۳۳۰، ص ۴۷۰.

۱. صدوق گرچه قمی است، اما روایات وی که در جدول آمده است از میراث آسیای میانه است.

ردیف	موضوع	قم	بغداد	شام	آسیای میانه
۶	رویت امام	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۲	مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، صص ۳۵۱- ۳۵۴. طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۲۵۳-۲۸۰.	-	۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۴۰، ح ۱۱ و ۱۳.
۷	توقعات	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۱۷.	مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، صص ۳۵۶- ۳۶۷. طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۲۹۴، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۸ و ۳۲۱.	-	عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶.
۸	انتظار	برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷۴.		نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۰، ح ۱۵	صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۳۵۷، ۶۴۴
۹	تکذیب وقت	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۶۸	طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۲۵ و ۴۲۶.	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۷، ح ۳ و ص ۱۹۸، ح ۸ و ۱۰.	
۱۰	نهی قیام	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۶۴	-	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۴.	-

ردیف	موضوع	قم	بغداد	شام	آسیای میانه
۱۱	نشانه‌ها	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۷، ج ۸؛ صص ۱۶۶، ۲۰۹.	طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۴۳۵، ۴۳۶، دورروایت، صص ۴۳۷، ۴۴۶، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۶۱، ۴۶۲ و ۴۶۳.	نعمانی، ۱۳۷۹، صص ۲۵۲، ۲۵۳؛ صص ۲۵۵، ح ۱۳؛ و..	عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۶۴ و... ۲۴۴.
۱۲	ظهور	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۸۱	طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۱۷۸، ۱۷۹ و ۱۸۰	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۷ ح ۱۶.	عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۴.
۱۳	یاران	تفسیر قمی (قمی)، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص (۲۰۴).	طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۴۷۲، ۴۷۶ و ۴۷۷.	نعمانی، ۱۳۷۹، صص ۳۱۲، ۳۱۶ ح ۱۳ تا ۱۳ و نعمانی، ص ۱۹۶، ح ۴	عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۶۴، ۶۷، ج ۲، صص ۳۲، ۱۴۰، ۱۵۶ و ۲۶۱.
۱۴	حاکمیت اسلام	صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۷۱، ح ۲.	طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۷.	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۰.	عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۸۳ و رک: ج ۲، صص ۵۶ و ۸۷
۱۵	گسترش عدالت	برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۱.	طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۶۴، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۷ و...	نعمانی، ۱۳۷۹، صص ۸۱، ۸۶، ۹۲ و ۲۳۷.	صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، صص ۳۳ و... ۲۸۷.

ردیف	موضوع	قم	بغداد	شام	آسیای میانه
۱۶	سیره فقهی امام	صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹۳	طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷۲	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۸ و ۴ و ۶	-
۱۸	سیره اقتصادی	حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۸۰		نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۰، ج ۸	عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۵
۱۹	سیره قضایی	صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۵۹، ج ۵	طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷۴	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۳، ج ۵	-
۲۰	سیره مبارزاتی	صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۵۳، ج ۴	-	نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۶، ج ۱۱	-

### نتیجه‌گیری

مدرسه حدیثی قم به‌عنوان یکی از پرآوازه‌ترین مدارس مکتب امامیه، از دوران حضور ائمه تا ابتدای دوران غیبت کبرا در عرصه جمع‌آوری میراث حدیثی شیعه نقش فعال ایفا کرد. تلاش محدثان آن دوره که بیشترین میراث خود را از مدرسه رو به افول کوفه در میانه قرن سوم گرفته بودند باعث گردید روایات اهل بیت به شکل مکتوب جمع‌آوری گردد. در بین این میراث، روایات مهدویت در کنار سایر روایات توسط قمی‌ها ثبت گردید و بین آنان تبدیل به یک گفتمان گردید. براساس بررسی‌هایی که درباره این موضوع به فرجام رسید ۳۵۸ حدیث مهدوی بر طبق معیار منابع مکتوب اصیل و واسطه‌ای بدست آمد.

هجرت گروهی از محدثان غیر قمی به قم و عزیمت برخی قمی‌ها به مناطق دیگر و اجتماع همگی در مرکز حدیثی قم در حفظ میراث اهل بیت، نقش بسزایی ایفا کرد؛ حاصل این تلاش‌ها در مجموعه جوامع نگاری‌ها مانند المحاسن برقی و الکافی کلینی و آثار صدوق نمایان گردید. اعتماد به متون نقلی و دوری از عقل‌گرایی از دیگر ویژگی‌های این مدرسه است به گونه‌ای که برخی از عقل‌گراها مورد مذمت این مدرسه قرار گرفتند.

در برهه‌ای از زمان محدثانی مانند برقی و سهل بن زیاد به اتهام نقل از ضعیفان مورد بی‌مهری قرار گرفته و از قم اخراج شدند. برخورد شدید و بدون مسامحه با مسئله غلو و نقل اخبار پذیرفته شده از دیگر امتیازات این مدرسه بوده است.

تعصب بر نیازهای جامعه شیعی و نقل مسائل کلان نهاد امامت و مهدویت مانند احادیث اثنا عشر؛ غیبت، انتظار، و ایجاد گفتمان مهدوی در آن دیار یکی دیگر از ویژگی‌هایی مدرسه حدیثی قم است و در نهایت نقل روایت مشهور و دوری جستن از شذوذات تا حد ممکن در این حوزه حدیثی به‌عنوان آخرین شاخصه قابل دفاع و پذیرش است.

## فہرست منابع

۱. ابن داود، حلی. (۱۳۸۳). رجال ابن داود. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. ابن قولویہ، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶). کامل الزیارات، (محقق: عبد الحسین امینی، چاپ اول). نجف اشرف: دارالمرتبویۃ.
۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۴۲). رجال البرقی - الطبقات (محققان و مصححان: طوسی، محمد بن الحسن و حسن مصطفوی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). المحاسن، (محقق: محدث، جلال الدین، چاپ دوم)، قم: دارالکتب الإسلامیۃ.
۵. جباری، محمدرضا. (۱۳۸۴). مکتب حدیثی قم. قم: انتشارات زائر.
۶. حمادی، عبدالرضا؛ طباطبائی، سیدمحمد کاظم. (۱۳۹۱). الکافی و گفتمان حدیثی قم. مجله علوم حدیث، شماره ۶۶، صص ۹۸-۱۱۳.
۷. حمیری، عبد اللہ بن جعفری. (۱۴۱۳ق). قرب الاسناد (مصحح: مؤسسة آل البيت علیہ السلام، چاپ اول). قم: مؤسسة آل البيت علیہ السلام.
۸. خصیبی، حسین بن حمدان. (۱۳۷۷). الهدایۃ الکبری، (چاپ اول). بیروت: مؤسسة البلاغ.
۹. سبحانی، محمدتقی و همکاران. (۱۳۹۵). مدرسه کلامی قم (چاپ اول). قم: موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث.
۱۰. سبحانی، محمدتقی. (۱۳۹۱). کلام امامیہ ریشہ ہا و رویش ہا. مجله نقدونظر، ۱۷(۶۵)، صص ۵-۳۷.
۱۱. شوشتری، محمدتقی. (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال (محقق: مؤسسہ النشر الاسلامی التابعہ لجماعہ المدرسین، چاپ دوم). قم: جماعۃ المدرسین فی الحوزۃ العلمیۃ، مؤسسۃ النشر الإسلامی.
۱۲. صدوق، محمد. (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمۃ (محقق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلامیہ.



۱۳. صفار، محمدبن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات (ج ۱ و ۲، محقق: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، چاپ دوم). قم: مکتبه آیت الله مرعشی رحمته الله علیه.
۱۴. ضیائی فر، سعید. (۱۳۸۵). پیش درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۵. طالقانی، سیدحسن. (۱۳۹۱). اخراج راویان از قم؛ اقدامی اعتقادی یا اجتماعی. فصلنامه علمی- پژوهشی نقدونظر، (۶۷) صص ۹۲-۱۰۵.
۱۶. طباطبائی، سیدمحمد کاظم (۱۳۸۹). تاریخ حدیث شیعه. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۸۱). رجال. نجف: انتشارات حیدریه.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). الغیبة (محققان: عبادالله، تهرانو علی احمد ناصح، چاپ اول). قم: دارالمعارف الإسلامية.
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی (ج ۱، محقق و مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی). تهران: المطبعة العلمية.
۲۰. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). مصباح المنیر (ج ۲). قم: دارالهجره.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی (ج ۲، مصحح: طیب موسوی جزائری). قم: دارالکتب.
۲۲. کامیاب و طباطبائی. (۱۴۰۱ق). تحلیل محتوایی راویان روایات مدرسه حدیثی قم تا قبل از دوران صدوق، فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، (۶۳) صص ۵۹-۸۸.
۲۳. کامیاب، مسلم. (۱۴۰۰). رساله احادیث مهدوی مدرسه حدیثی قم قبل از روزگار صدوق (آموزه، شاخصه‌ها، سبک و تحلیل محتوا). قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۱، ۲ و ۳، مصححان: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی). تهران: اسلامیه.
۲۵. کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). رجال الکشی (محققان و مصححان: طوسی، محمد بن الحسن و مصطفوی، حسن). قم: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

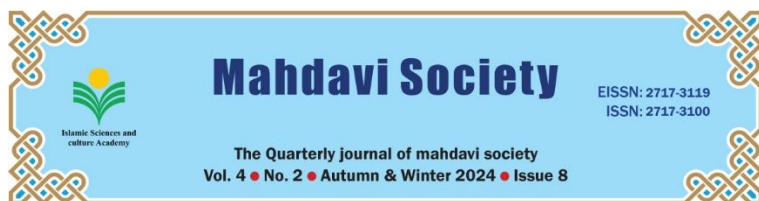
۲۶. مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۶ق). روضه المتقین (مصححان: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، چاپ دوم). قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۲۷. معین، محمد. (بی تا). فرهنگ نامه معین. واژه شاخص.
۲۸. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد (ج ۲، محقق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول). قم: کنگره شیخ مفید.
۲۹. نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). رجال. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۷۹ق). الغیبة (محقق: علی اکبر غفاری). تهران: مکتبۃ الصدوق.
۳۱. نمازی شاهرودی، علی. (۱۴۱۴ق). مستدرکات علم رجال (چاپ اول). تهران: فرزند مؤلف.
۳۲. واسطی بغدادی، احمد بن حسین. (۱۳۶۴). الرجال (لابن الغضائری) (محقق: محمدرضا حسینی، چاپ اول). قم: دار الحدیث.

## References

1. Ayashi, M. (1380 AP). *Tafsir Al-Ayyashi* (Vol. 1, S. H, Rasouli Mahalati, Ed.). Tehran: Al-Matba'ah al-Ilmiya. [In Persian]
2. Barqi, A. (1342 AP). *Rijal al-Barqi - al-Tabataq* (M, Tusi, Ed.). Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
3. Barqi, A. (1371 AP). *Al-Mahasen*, (J, Mohades, Ed., 2<sup>nd</sup> ed.), Qom: Dar al-Kitab al-Islamiyya. [In Persian]
4. Fayoumi, A. (1414 AH). *Misbah Al-Munir* (Vol. 2). Qom: Dar al-Hijrah. [In Arabic]
5. Hamiri, A\ (1413 AH). *Qurb al-Asnad* (Alulbays Foundation, Ed., 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Alulbays Foundation. [In Arabic]
6. Hemadi, A., & Tabatabaei, S. M. K. (1391 AP). Al-Kafi and the hadith discourse of Qom. *Journal of Hadith Sciences*, 66, pp. 98-113. [In Persian]
7. Ibn Dawud, Heli. (1383 AP). *Rijal Ibn Dawood Tehran*: Tehran University Press. [In Persian]
8. Ibn Qulawayh, J. (1356 AP). *Kamel al-Ziyarat*, (A. H. Amini, Ed., 1<sup>st</sup> ed.). Najaf: Dar al-Mortazavi. [In Persian]
9. Jabari, M. R. (1384 AP). *Hadith school of Qom*. Qom: Za'ir Publications. [In Persian]
10. Kamyab & Tabatabaei. (1401 AH). Content analysis of the narrators of the narrations of the hadith school of Qom until the time of Sadouq, *Mashreq Mououd*, (63) pp. 59-88. [In Persian]
11. Kamyab, M. (1400 AP). *The treatise on Mahdavi Hadiths of Qom Hadith School before the time of Sadouq (doctrine, characteristics, style and content analysis)*. Qom: Management Center of Qom Seminary. [In Persian]
12. Kashi, M. (1409 AH). *Rijal al-Kashi* (M, Tusi., & H. Mostafavi, H, Ed.). Qom: Publishing Institute of Mashhad University. [In Arabic]
13. Khasibi, H. (1377 AP). *Al-Hidaya Al-Kubra*, (1<sup>st</sup> ed.). Beirut: Al-Balagh Institute. [In Persian]

14. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 1, 2 & 8, A. A, Ghafari & M, Akhundi, Ed.). Tehran: Islamiya. [In Arabic]
15. Majlesi, M. T. (1406 AH). *Rozah al-Mutaqeen* (H, Mousavi Kermani., & A. P, Eshtehardi, Ed., 2<sup>nd</sup> ed.). Qom: Kushanbur Islamic Cultural Institute. [In Arabic]
16. Moein, M. (n.d.). *Moein Dictionary*. The word "Shakhes".
17. Mufid, M. (1413 AH). *Al-Irshad fi Marafah Hujaj Allah Ala Al-Ebad* (Vol. 2, Alulbayt Institute, Ed., 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Sheikh Mofid Congress. [In Arabic]
18. Najashi, A. (1407 AH). *Rijal*. Qom: The Teachers Community Publications. [In Arabic]
19. Namazi Shahroudi, A. (1414 AH). *Mustadrakat Ilm Rijal* (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Farzand Mu'alif. [In Arabic]
20. Nomani, M. (1379 AH). *Al-Ghaibah* (A. A. Ghafari, Ed.). Tehran: Al Sadouq School. [In Arabic]
21. Qomi, A. (1404 AH). *Tafsir Qomi* (Vol. 2, T, Mousavi Jazayeri, Ed.), Qom: Darul Kutub. [In Arabic]
22. Sadouq, M. (1395 AP). *Kamal al-Din Va Tamam al-Na'amah* (A. A, Ghafari, Ed., 2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Islamic Publications. [In Persian]
23. Safar, M. (1404 AH). *Basair al-Darajat* (Vol. 1 & 2, M. A, Kuche Baghi, Ed., 2<sup>nd</sup> ed.). Qom: Ayatollah Marashi School. [In Arabic]
24. Shushtri, M. T. (1410 AH). *Qamous al-Rijal* (Islamic Publications Institute affiliated to Jama'ah al-Mudarasin, 2<sup>nd</sup> ed.). Qom: Jamaat al-Mudarasin fi Al-Hawza Al-Elmiya, Islamic Publications Office. [In Arabic]
25. Sobhani, M. T. (1391 AP). The Imamiyyah Theology, Roots and Growths. *Naqd va Nazar*, 17(65), pp. 37-5. [In Persian]
26. Sobhani, M. T. et al. (1395 AP). *Theological school of Qom* (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Dar al-Hadith Scientific-Cultural Institute. [In Persian]
27. Tabatabaei, S. M. K. (1389 AP). *History of Shia Hadith*. Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute. [In Persian]

28. Taleghani, S. H. (1391 AP). expulsion of narrators from Qom; A religious or social act. *Naqd va Nazar*, (67) pp. 105-92. [In Persian]
29. Tousi, M. (1T411 AH). *Al-Ghaiba* (Tehrani, E., & A. A, Naseh, Ed., 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Dar al-Ma'arif al-Islamiya. [In Arabic]
30. Tusi, M. (1381 AP). *Rijal*. Najaf: Heydariya Publications. [In Persian]
31. Waseti Baghdadi, A. (1364 AP). *Al-Rijal (Laban al-Ghazaeri)* (M. R, Hosseini, Ed., 1<sup>st</sup> ed.). Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
32. Ziaifar, S. (1385 AP). *An introduction to schools of jurisprudence*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]



## The Waiting Lifestyle, the Strategy of Dealing with Deviant Sects of Mahdism in the Contemporary Era<sup>1</sup>

Hassan Molaei<sup>1</sup>

1. Level Four (PhD) in Islamic Seminary, and director of the Department for Ethics and Education, Qom Mahdiism Specialized Center, Qom, Iran.  
hmollaie@chmail.ir; ORCID: 0009-0000-7222-9398



### Abstract

While the doctrine of Mahdism is one of the most effective doctrines in the individual and the society, the deviant sects attributed to Mahdiism are among the harmful factors that cause the individual and the religious community not only to not be able to benefit from this great doctrine as it deserves, but they will add to the scientific and practical problems in the society that believes in Mahdism. In this article, with a descriptive-analytical method, it has been tried to introduce the lifestyle of the waiting (for Imam Mahdi's reappearance), as one of the strategic responses in dealing with the harms of deviant sects of Mahdism, because the Jihad-like nature arising from the nature of waiting raised by the Fourteen Infallibles is a huge support with which the waiters can defend themselves against the threats of deviant sects from the truth of Mahdism and the beliefs and values arising from it in three arenas including Jihad of insight, Jihad of orientation and Jihad of action, and that can lead to reforming and improving their insights, tendencies and actions of the waiters of Imam Mahdi.

### Keywords

The waiting, Mahdiism, deviant sects, lifestyle.

1. Cite this article: Molaei, H. (1402 AP). The Waiting Lifestyle, the Strategy of Dealing with Deviant Sects of Mahdism in the Contemporary Era. *Journal of Mahdavi Society*, 4(8), pp. 111-132.  
<https://doi.org/10.22081/JM.2024.68268.1087>

\* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). \***Type of article:** Scientific-promotional Article

▣ **Received:** 05/01/2024 • **Revised:** 14/02/2024 • **Accepted:** 22/02/2024 • **Published online:** 06/03/2024



## سبک زندگی منتظرانه راهبرد مقابله با فرقه‌های انحرافی مهودیت در دوران معاصر<sup>۱</sup>

حسن ملایی<sup>۱</sup>

۱. سطح چهار حوزه و مدیر گروه اخلاق و تربیت مرکز تخصصی مهودیت قم، قم، ایران.

hmollaie@chmail.ir; ORCID: 0009-0000-7222-9398



### چکیده

با وجود آنکه آموزه مهودیت از معارف مؤثر در فرد و جامعه است، اما فرقه‌های انحرافی منسوب به مهودیت از جمله عوامل آسیب‌زایی هستند که سبب می‌شوند تا فرد و جامعه دینی نه تنها نتواند از این آموزه سترگ آن‌طور که شایسته است بهره کافی را ببرد؛ بلکه خود بر مشکلات علمی و عملی در جامعه معتقد بر مهودیت خواهد افزود. در این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی، تلاش شده است تا سبک زندگی منتظرانه را، یکی از پاسخ‌های راهبردی در مواجهه با چگونگی برخورد با آسیب‌های فرقه‌های انحرافی مهودیت، معرفی نماید؛ زیرا ماهیت جهادگونه برآمده از ماهیت انتظار مطرح شده از جانب معصومین علیهم‌السلام، پشتوانه عظیمی است که منتظران با متخلق شدن با آن می‌توانند در سه عرصه: جهاد بینشی، جهاد گرایشی و جهاد کنشی در تقابل با تهدیدات فرقه‌های انحرافی از حقیقت مهودیت و باورها و ارزش‌های برآمده از آن محافظت و موجبات اصلاح و ارتقای بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌های منتظران را فراهم نمایند.

### کلیدواژه‌ها

انتظار، مهودیت، فرقه‌های انحرافی، سبک زندگی.

۱. **استناد به این مقاله:** ملایی، حسن. (۱۴۰۲). سبک زندگی منتظرانه راهبرد مقابله با فرقه‌های انحرافی مهودیت در دوران معاصر. *جامعه مهودی*، ۴(۸)، صص ۱۱۱-۱۳۲. <https://doi.org/10.22081/JM.2024.68268.1087>

□ نوع مقاله: علمی - ترویجی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۳ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

## مقدمه

مهدویت، گنجینه عظیم ایمان و امید دینی برای مسلمانان و بلکه بشریت است و در تنگناهای زندگی فرد و اجتماع می‌توان فرج‌آفرین باشد؛ اما این اثربخشی مهم در صورتی است که نسخه اصیل آن در اختیار مردم قرار گیرد. متأسفانه در طول تاریخ اسلام و از جمله در دوران معاصر، جریان‌ها و فرقه‌هایی به وجود آمدند که به دلایل گوناگون از خطوط اصلی و بنیادین آموزه مهدویت فاصله گرفته و با ارائه نسخه‌های ناقص و یا بدلی نه تنها بعضاً از این آموزه سترگ برای حل معضلات فردی و اجتماعی استفاده نشده است، بلکه گاهی مهدویت ناقص و تحریف شده و آموزه‌های آن، خود، عاملی برای تخدیر و ایستایی شده و مشکلی بر مشکلات جامعه افزوده است و گوهری که باید سبب درمان انسان شود، موجب درد وی شده است. حال پرسش مهم آن است که برای مقابله با فرقه‌های انحرافی مهدویت از چه روش‌ها و راهبردهایی می‌توان بهره برد؟

نویسنده سطور پیش رو معتقد است که، برای جلوگیری از آسیب‌های فرقه‌های انحرافی در عرصه مهدویت باید به صورتی جامع عمل کرده و هم‌زمان بر بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌هایی که توسط این فرقه‌های گمراه، بر تن جامعه دینی تزریق می‌شود باید حمله کرد و دل، ذهن و رفتار آحاد جامعه را از انحرافات در این سه عرصه پاک کرده و در هر سه عرصه مذکور، از معارف ناب مهدویت جایگزین کرد.

در همین راستا از مهمترین راهبردهای مقابله با جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی مهدویت، ارائه و ترویج سبکی از زندگی است که مبتنی بر جوهره حقیقی انتظار موعود بوده و بر هر سه عرصه بینشی، گرایش‌ها و کنشی تأثیر هدف‌مندی خواهد داشت. ملاحظه متون مهدوی مرتبط با مقابله جریان انحرافی مهدویت نشان‌دهنده آن است که تقریباً هیچ اثر علمی قابل توجهی به سبک زندگی منتظرانه به راهبردی جامع در تقابل با فرقه‌های انحرافی مهدویت نپرداخته و این نوشتار، آغازی برای توجه و پرداخت علمی و پژوهشی به این ایده نو به‌شمار می‌رود.



در این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای تلاش شده است تا ضمن تبیین ماهیت سبک زندگی منتظرانه، دلالت این شیوه زندگی بر مهار و مقابله جامع با فرقه‌های انحرافی مهدویت اثبات گردد.

## ۱. تبیین اصطلاح سبک زندگی

واژه «سبک» در معانی مختلفی همچون روش، متد و شیوه به کار می‌رود؛ ضمن آنکه در عین دارا بودن وحدت و تمایز،<sup>۱</sup> نوعی ثبات و پایداری در رفتار را در خود نهفته دارد. اما درباره مفهوم «زندگی» نمی‌توان مفهوم واحدی که مورد توافق همگان باشد را ارائه کرد بلکه بیشتر با آثار خود قابل شناسایی است. به تعبیر استاد شهید مطهری: با اینکه حقیقت حیات بر بشر مجهول و یا غیر قابل درک است، آثار حیات و زندگی از همه چیز نمایان‌تر و آشکارتر است (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۷۰). در عین حال می‌توان به اجمال، «زنده بودن» یک موجود را به وجود عنصر حیات یعنی روح و حداقل آثار آن در آن موجود،<sup>۲</sup> و «زندگی» را به استفاده بهینه آن موجود از عنصر روح و نیز تلاش و تکاپو برای رسیدن به هدفی، اطلاق نمود. آنچه بیان شد درباره بیان مفهوم این دو واژه است اما درباره «سبک زندگی» نیازمند ارائه اصطلاحی آن هستیم.

اصطلاح «سبک زندگی»<sup>۳</sup> نخستین بار توسط روان‌شناس اتریشی به نام آلفرد آدلر<sup>۴</sup> در سال ۱۹۲۹ معرفی شد. او سبک زندگی را کلیت بی‌همتا و فردی زندگی می‌دانست

۱. تقریباً در اکثر تعریف‌های سبک زندگی می‌توان دو مفهوم را یافت که در تعریف سبک زندگی در نظر گرفته شده است؛ و در واقع هر دو مفهوم هم، به واژه «سبک» باز می‌گردد: اول، مفهوم وحدت و جامعیت و دوم، مفهوم تمایز و تفارق. به این معنی که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم‌وبیش به طور نظام‌مند با هم ارتباط داشته و یک شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می‌آورند. همین پیوستگی، اتحاد و نظام‌مندی این کُل را از کُل‌های دیگر متمایز می‌کند (رک: دین و سبک زندگی، محمد سعید مهدوی کنی (۱۳۸۷)، مفهوم سبک زندگی).

۲. مانند آنچه در اتاق مراقبت‌های ویژه بیمارستان از بیمار می‌بینیم.

3. Life Style

4. Alfred Adler

که همه فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارد» (برزگر، ۱۳۸۸، ص ۲۳). گیدنز<sup>۱</sup> نیز معتقد است: «سبک زندگی مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین برخوردار از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود از نظر تداوم امنیت وجودی، پیوند بین گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کم و بیش منظم را تأمین می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۱۲۱).

نکته مهمی که دانستن آن ضروری به نظر می‌رسد آن است که اگرچه در سبک زندگی تأکید بر هنجارها و رفتارهای ظاهری است؛ اما امروزه به دلیل تأثیر نگرش‌ها بر رفتارها در موضوع سبک زندگی، علاوه بر «هست‌ها» بر «باورها» نیز توجه شده است. در سخنی مختصر می‌توان گفت: سبک زندگی عبارت است از مجموعه رفتارهای به نسبت پایداری که مبتنی بر باورهای خاصی است و در حقیقت رویکرد حاکم بر زندگی است.

## ۲. نقش متقابل سبک زندگی و باورها

از مقدمات حتمی ورود به نقش کنترلی و تقابلی سبک زندگی منتظرانه بر فرقه‌های انحرافی مهدویت آگاهی از تأثیر آن بر هنجارها و رفتارها است. توضیح آنکه یکی از نکات مهم در علوم تربیتی نوین، رابطه ظاهر با باطن و اصل تأثیر متقابل آن دو بر یکدیگر است؛ بدین معنا که به واسطه ترکیب خاص آدمی که از جسم و روح سامان یافته است؛ همان‌طور که باورهای درونی عامل بروز رفتارهای بیرونی هستند، رفتارهای بیرونی انسان‌ها بر متعلقات روح و نگرش‌ها و ارزش‌ها درونی او تأثیرگذار هستند.<sup>۲</sup>

بررسی آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز نشان‌دهنده آن است که پیش از این کشف در سده اخیر، قرن‌ها پیش بسیاری از آموزه‌های دینی مبتنی بر این دو اصل تأثیر ظاهر بر باطن و بالعکس بوده است. قرآن کریم در بیانی تهدیدگونه خطاب

1. Giddens

۲. برای مطالعه بیشتر در زمینه این دو اصل تربیتی (رک: باقری، ۱۳۸۸، ج ۱).

به افرادی که اصرار بر رفتارهای سوء دارند می‌فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَابُوا  
السُّوَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ؛ سپس، سرانجام کسانی که اعمال بد  
مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و پیوسته آن را مسخره  
می‌نمودند» (روم، ۱۰). در این آیه شریفه اهمیت رفتار آدمی از این جهت که بر باورهای  
وی تأثیر می‌گذارد مهم شمرده شده است؛ چراکه در آیه شریفه که مخاطب آن  
انسان‌های مؤمن است خبر از همین افرادی می‌دهد که به واسطه انجام گناهان و افعال  
سوء، نتیجه کار به آنجا خواهد رسید که رأی به دروغ‌بودن آیات پروردگار خواهند داد  
و آنها را به تمسخر خواهند گرفت و این همان تأثیر رفتارها بر باورها است.

در احادیث معصومین علیهم‌السلام نیز برای تأسیس و تقویت برخی از فضیلت‌های درونی از  
همین روش تأثیرگذاری بهره برده شده است. به‌عنوان نمونه امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای ایجاد  
صفت با فضیلت حلم و بردباری فرمودند: «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ؛ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَهَ  
بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷). اگر بردبار نیستی، وانمود کن که  
بردباری؛ زیرا کمتر کسی است که خود را شبیه گروهی کند و به زودی یکی از آنان  
نشود». در این سخن حکمت‌آمیز نیز برای کسب یک فضیلت اخلاقی یعنی حلم و  
بردباری از روش تأثیر رفتارها بر ارزش‌ها استفاده شده و حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بیان  
می‌دارند که با شبیه‌سازی رفتاری خود به افراد بردبار و با استدامت آن، انسان می‌تواند  
در زمره بردباران قرار گیرد و ملکه حلم در او تثبیت شود. حاصل آنکه با توضیحی که  
ارائه خواهد شد از این ویژگی تأثیرگذار سبک زندگی در دفع برخی از عوارض  
فرقه‌های انحرافی استفاده کرد.

### ۳. ماهیت انتظار در فرهنگ مهدویت

بعد از بررسی و تبیین سبک زندگی، دومین واژه‌ای که در تعریف نهایی سبک زندگی  
منتظرانه به آن نیازمند هستیم همانا کلیدواژه مهم و پرکاربرد «انتظار» در فرهنگ  
مهدویت است. به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای: «انتظار هم که  
جزء لاینفک مسئله‌ی مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت

اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است» (ملایی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۷). در احادیث معصومین در اهمیت و ارزش انتظار سخنان فراوانی گفته شده است. امام جواد علیه السلام فرمود: **إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي عَيْبِهِ وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ**؛ قائم ما همان مهدی است که انتظار در غیبتش و اطاعت در ظهورش واجب است» (صدوق، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۳۷۷). امام صادق علیه السلام شیعیان منتظر را اولیای الهی خوانده و تصریح نمودند: **«طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لظُهُورِهِ فِي عَيْبِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ**؛ سعادت و نیکبختی از آن شیعیان قائم ماست؛ آنان که در غیبتش، منتظر ظهورش و در ظهورش، فرمان‌برش هستند؛ ایشان همان اولیای الهی هستند که نه ترسی دارند و نه اندوهگین هستند» (صدوق، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۳۵۷). همه این فضایل حاکی از ماهیت ویژه انتظار است که به علت اینکه خوب و اکاوی نشده است نتوانسته در بین شیعیان جایگاه خود را پیدا کند بلکه حتی به خاطر غفلت از چنین آموزه‌ای، جریان‌های انحرافی مدعی مهدویت توانسته‌اند مقاصد شوم خود را پیش برده و به این اعتقاد اصیل نیز ضربه بزنند بنابراین ضروری است که حقیقت انتظار شناسایی و سپس از آن در بحث سبک زندگی استفاده شود.

واژه «انتظار» را در فرهنگ لغات، به معنی چشم‌داشتن و چشم به راه‌بودن (دهخدا، ۱۳۷۳، صص ۲، ۳۰) معنا کرده‌اند؛ اما همان‌طور که گفته شد مطالبی که درباره انتظار حضرت مهدی علیه السلام در احادیث مطرح شده است ثابت می‌کند که مقصود اهل‌بیت علیهم السلام فقط همین مفهوم لغوی انتظار نیست، بلکه باید انتظار را در لسان معصومین طوری معناشناسی نمود که با این حدیث امام صادق علیه السلام مبتنی بر قرار گرفتن منتظران در زمره اصحاب حضرت قائم علیه السلام تناسب داشته باشد؛ کمالینکه فرمودند: **«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ...»**؛ کسی که دوست دارد از یاران حضرت قائم باشد باید منتظر باشد...» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۰۰)؛ زیرا بدیهی است که با چشم‌به‌راهی صرف، نمی‌توان جزء یاران امام زمان قرار گرفت. به همین جهت در لسان ائمه علیهم السلام انتظار موصوف به اوصافی شده است که با تأمل در آنها بهتر می‌توان به ماهیت انتظار موعود پی برد.

در روایات معصومین علیهم السلام انتظار فرج به عمل موصوف شده است و جملاتی نظیر

«أفضل أعمال شيعتنا انتظار الفرج» (خراز قمی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۸۰) را می‌توان دید که مقوله انتظار را با مقوله عمل قرین کرده‌اند؛ بنابراین تعریف انتظار به حالت درونی صرف از نگاه اهل بیت علیهم‌السلام مطرود است، به همین جهت گفته شده: «انتظار، حالتی است که از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان علیه‌السلام، شوق و علاقه به ظهور و حکومت و زیست و همراهی با اهل بیت علیهم‌السلام، تنفر از وضع موجود (غیبت امام) و توجه به نقص و فساد و تباهی آن سرچشمه گرفته، در وجود انسان شعله می‌کشد و انواع دگرگونی‌ها را در حالت قلبی، اندیشه و آمال انسانی، رفتار فردی و تلاش اجتماعی انسان، ایجاد می‌نماید (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ص ۷).

نکته مهم دیگر آنکه، در برخی دیگر از روایات انتظار فرج موصوف به جهاد شده است و رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «أَفْضَلُ جِهَادٍ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۷) این یعنی آنکه مطلق عمل را در فهم مقوله انتظار نمی‌توانیم ملاک قرار دهیم؛ بلکه لحاظ جهادی بودن رفتار در انتظار بسیار مهم است. این نکته در بسیاری دیگر از احادیث انتظار مورد توجه پیشوایان معصوم علیهم‌السلام قرار گرفته و به‌عنوان نمونه شخصی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: نظرتان درباره کسی که ولایت ائمه را داشته و در انتظار ظهور حکومت حق بوده و در این حال از دنیا می‌رود چیست؟ ایشان در پاسخ فرمود: «هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ؛ (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷۳) او همانند کسی است که با حضرت قائم علیه‌السلام در خیمه او باشد - سپس اندکی سکوت کرد - و فرمودند: «مانند کسی است که با پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (در مبارزاتش) همراه بوده است». با توجه به این نکات باید گفت: «انتظار، چشم به راهی قیام قائم توأم با جهاد و تلاش برای آمادگی فردی و زمینه‌سازی اجتماعی جهت پذیرش و شرکت در بزرگترین حماسه تاریخی نبرد حق و باطل به رهبری اوست» و با این حساب، منتظر همان مجاهد و مبارز و زندگی او، زندگی جهادی معنا خواهد شد» (ملایی، ۱۳۹۷، ص ۴۴). البته باید دانست که مقصود از جهاد به‌معنای جنگ فیزیکی و مسلحانه نیست؛ زیرا از جنگ مسلحانه با واژگانی چون «حرب» و «قتال» و گاهی با «جهاد» با داشتن قرینه تعبیر می‌شود. بلکه به تعبیر مقام معظم رهبری: «جهاد یعنی مبارزه

برای يك هدف والا و مقدس» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱) و «معیار جهاد همان چیزی است که امروز در زبان فارسی ما در کلمه مبارزه وجود دارد... پس جهاد یعنی مبارزه. در مبارزه دو چیز حتماً لازم است: یکی اینکه، در آن جد و جهد و تحرکی باشد. انسان در رختخواب یا در پستوی خانه که نمی‌تواند مبارزه کند، در مبارزه باید جد و جهدی وجود داشته باشد... دوم اینکه، در مقابلش دشمنی باشد. مبارزه در آنجا که دشمن نیست معنا ندارد. پس جهاد متقوم بر این دو رکن است... اگر همه این‌ها در مقابل دشمن خدا و دشمن علی لسان‌الله و لسان رسوله و اولیائه علیهم‌السلام باشد می‌شود جهاد فی سبیل‌الله». (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۰۶/۲۰)؛ بنابراین نباید در فهم معنای جهاد دچار برداشت ناقص عرفی شد بلکه باید چنین معنای عمیقی در برداشت آیات و روایات جهاد مورد دقت قرار گیرد.

#### ۴. تعریف سبک زندگی منتظرانه

پس از تبیین مفردات اصطلاح سبک زندگی منتظرانه اکنون می‌توان به تعریف درستی از این اصطلاح رسید. «سبک زندگی منتظرانه عبارت است از: مجموعه رفتارهای جهادی نسبتاً پایدار که برخاسته از اعتقاد به امام حی، حضرت حجت بن الحسن و انتظار دولت او در عصر غیبت است که با هدف ایجاد آمادگی همه‌جانبه برای حکومت مهدوی براساس تعالیم اسلام شیعی صورت می‌گیرد» (ملایی، ۱۳۹۶، ص ۵۰). این سبک زندگی دارای ویژگی‌هایی است که مهمترین آنها به شرح ذیل است:

۱. «مهم‌ترین ویژگی سبک زندگی منتظرانه، شکل‌گیری رفتارهایی حول محور گرایش به حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه، پذیرش ولایت وی و انتظار ظهور اوست.
۲. سبک زندگی منتظرانه، کلیتی انتزاع‌شده از مجموعه رفتارهای خاص معطوف به انتظار حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه است نه تک‌تک رفتارها.
۳. سبک زندگی منتظرانه، ناظر به جلوه‌های ظاهری و رفتاری است و باورهای مهدوی تنها به‌عنوان مبانی این سبک از زندگی مطرح می‌شود نه خود سبک.
۴. سبک زندگی منتظرانه، نماد شیعه راستین بر مبنای اسلام اصیل و اصل امامت است.

۵. سبک زندگی منتظرانه تمام ابعاد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی را به خاطر قیام سراسری امام قائم، در مقیاسی جهانی در بر می گیرد.

۶. سبک زندگی منتظرانه، به همه حوزه‌های رفتاری اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ورود پیدا می کند.

۷. رویکرد جهادی که تلاش همه‌جانبه برای زمینه‌سازی (ایجاد مقتضیات و دفع موانع فردی و اجتماعی) ظهور است، روح حاکم بر سبک زندگی منتظرانه می باشد» (ملایی، ۱۳۹۶، ص ۵۹).

### ۵. سبک زندگی منتظرانه و مقابله با فرقه‌های انحرافی مهدویت

در یک جمع‌بندی در مورد سبک زندگی منتظرانه می‌توان چنین گفت که رویکرد سبک زندگی بر محور انتظار رویکردی مبتنی بر جهاد و مبارزه است و همین رویکرد است که می‌تواند در مواجهه با آسیب‌های حوزه مهدویت و از جمله فرقه‌های انحرافی مهدویت کارآمد باشد. در ادامه عرصه‌های مبارزاتی این شیوه از زندگی به جریان‌های انحرافی در دوران معاصر بیان می‌شود:

#### ۵-۱. سبک زندگی منتظرانه در دفع بینش‌های فرقه‌های انحرافی مهدویت

یکی از عوامل مهمی که معیار منحرف بودن فرقه‌ها و جریان‌ها در عرصه مهدویت است را باید در بینش‌ها و عقاید غلط و فاسدی دانست که از ممیزات آنها محسوب می‌شود؛ عقایدی که ظاهر آنها نشان‌گر آموزه مهدویت بوده اما در باطن و حقیقت آن فرسنگ‌ها با این آموزه بزرگ فاصله دارد و در حقیقت یا خرافاتی بیش نیست و یا بدعتی حرام به‌شمار می‌رود. به‌عنوان نمونه می‌توان از فرقه شیخیه نام برد که قائل به موضوعی به نام رکن رابع هستند. منظور از رکن رابع آن است که میان شیعیان، شیعه کاملی وجود دارد که واسطه فیض میان امام عصر علیه السلام است و قائلینش آن را اصل چهارم دین می‌دانند (نجفی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶). البته درباره این که آیا شیخ احمد احسانی و سید رشتی بحثی راجع به رکن رابع داشته‌اند یا خیر، ابهاماتی مطرح است و برخی آن را

به سید کاظم رشتی نسبت می‌دهند. البته بعد از ایشان، فرقه باییت و سپس بهائیت ظهور پیدا کردند که از همین مطلب سوء استفاده فراوانی کردند تا جایی که عالمان دینی را که بر طبق روایات، ملجأ شیعیان در عصر غیبت قرار داده شده‌اند را نه تنها به کنار گذاشته، بلکه حسینعلی نوری مؤسس فرقه ضاله بهائیت به لعن علما پرداخته و بر آنها «جهلای ارض» و نیز بر شیعیان «پست‌ترین عالم و ظالم‌ترین امم» لقب داده است (اشراق خاوری، ۱۳۵۰، ج ۴، ص ۹۱).

نمونه دیگر در فرقه انحرافی، احمد اسماعیل بصری است که این‌طور به مخاطبان خود تلقین می‌کند که ظهور امام زمان عجل الله فرجه بسیار نزدیک شده و باید به رئیس فرقه (احمد بصری) به عنوان یمانی (به دروغ) که در روایات آمده است، بیعت کرد و دیگر نه تنها نیازی به تبعیت از علمای دین نیست بلکه تقلید از عالمان دین حرام است!<sup>۱</sup> (محمدی هوشیار، ۱۳۹۷، ص ۳۵۷).

اینان همان سامری‌های دوران غیبت هستند که برای به دست آوردن مطامع دنیوی سعی در فریب مردم داشته و همچون یهودیان منحرفی هستند که قرآن کریم در وصف دسیسه‌های آنها فرمود: «أَفْتَطَمْعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَ قَدْ كَانَ قَرِيبًا مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَ هُمْ يُعْلَمُونَ؛ آیا طمع دارید که یهودان به (دین) شما بگردند در صورتی که گروهی از آنان کلام خدا را شنیده و به دلخواه خود تحریف می‌کنند با آنکه در کلام خود تعقل کرده و معنی آن را دریافته‌اند» (بقره، ۷۵).

باورها و بینش‌های ناصواب در فرقه‌های انحرافی به موارد فوق محدود نمی‌شود؛ بلکه عقاید غلط دیگری را نیز در فرقه‌های انحرافی مهدویت می‌توان یافت مانند: غلو در مورد امام زمان عجل الله فرجه، ادعای مهدی‌بودن و یا خود را باب ایشان شمردن، خارج شدن از حصر دوازده امام و قائل شدن به امام سیزدهم و نظایر آن (رک: عرفان، ۱۳۹۲ و ملائی، ۱۴۰۱). اما نکته بسیار مهم در این راستا آن است که این بینش‌های انحرافی در اعضای فرقه، باقی نمی‌ماند؛ بلکه با ترویج آن فرقه و یکسان‌سازی رفتاری برخی از

۱. برای مطالعه بیشتر (رک: فلاح و دیگران، ۱۳۹۴).



فریب‌خوردگان با آن فرقه انحرافی، به تدریج همان بینش‌ها و باورهای انحرافی در این افراد نفوذ خواهد کرد. حال پرسش مهم آن است در مواجهه با آنها چه باید کرد؟ در پاسخ باید سبک زندگی منتظرانه را یکی از عوامل مقابله با باورها و بینش‌های فرقه‌های انحرافی برشمرد که توضیح آن در ادامه خواهد آمد.

### ۵-۱-۱. منتظران و حفظ باورهای خود از عقاید انحرافی

همان‌طور که در تبیین سبک زندگی منتظرانه بیان شد رویکرد جهادی و مبارزه با هر مانعی است که در مسیر تحقق زمینه‌های فردی و اجتماعی ظهور قرار می‌گیرد و بدیهی است که باورها و اعتقادات غلط در حوزه دین و مهدویت یکی از مهمترین موانع در جهت‌گیری به سمت ظهور محسوب می‌شود و گسترش آن آثار خطرناکی را به دنبال خواهد داشت. جاری شدن سبک زندگی بر محور انتظار که از آن به روحیه و رفتار جهادی تعبیر شده است خودبه‌خود می‌تواند به مثابه سپری باشد که در حوزه بینش‌ها و باورها هم می‌تواند از اشاعه آنها در افراد جامعه جلوگیری کند و هم منتظران را در برابر نفوذ سموم اعتقادی و بینش‌های انحرافی مصونیت بخشد؛ چرا که این نوع از سبک زندگی هم خلأ رفتاری به وجود آمده را پر می‌کند و هم بنا بر اصل تأثیر باور بر رفتار، بر تغییر و اصلاح رفتارهای ناصالح به صالح بسیار مؤثر خواهد بود.

علت کارآمدی سبک زندگی منتظرانه در برابر عقاید انحرافی را بدون تردید باید در ماهیت آن جستجو کرد؛ چرا که یکی از کارویژه‌های منتظر در این سبک زندگی آن است که، تلاش می‌کند که تا با معرفت‌آموزی بر تقویت عقلانیت دینی خود بیفزاید و هیچ بینشی از مدعیان مهدویت را بدون تحقیق نپذیرد؛ از این‌رو با جهاد علمی به جنگ با جهل و بی‌خبری می‌رود و با بهره‌گیری از منابع معتبر و علمای متبحر، باورهای اصیل را شناسایی کرده و خود را از دام انحراف می‌رهاند. در حقیقت او به این سخن امام هادی علیه السلام عمل می‌کند که فرمودند: «بعد از غیبت قائم ما اگر کسانی از علماء باقی نمانند که مردم را به سوی آن حضرت بخوانند و به ایشان راهنمایی کنند و از دین او با دلائل الهی دفاع کنند و ضعفا بندگان خدا را از دام‌های شیطان و فاسقان و کمین

گاه‌های دشمنان اهل بیت نجات دهند، هیچ کس نمی‌ماند مگر آن که از دین خدا باز می‌گردد. لیکن این علماء هستند که سررشته قلوب ضعفاء شیعه را با جدیت نگاه می‌دارند همانگونه که ناخدای کشتی سکان آن را در چنگ می‌گیرد. تنها اینان نزد خداوند برترین‌اند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶).

### ۵-۱-۲. منتظران و مبارزه با عقاید انحرافی فرقه‌ها در اجتماع

یکی از وظایف منتظران در عصر غیبت، حفظ عقاید اصیل دینی است زیرا پیشوایان معصوم مکرراً فرموده‌اند که: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةَ الْمُتَمَسِّكِ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْحَارِطِ لِلْقِتَادِ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بِيَدِهِ فَأَيْدِيكُمْ يُمَسِّكُ شَوْكَ الْقِتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيئاً ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةَ فَلَيْتِي اللَّهُ عَبْدٌ وَ لَيْتَمَسِّكُ بِدِينِهِ؛ همانا صاحب‌الامر را غیبتی است، هر که در آن زمان دینش را نگه دارد مانند کسی است که درخت خار قتاد را با دست بتراشد سپس فرمود: - این چنین و با اشاره دست مجسم فرمود- کدامیک از شما می‌تواند خار آن درخت را بدستش نگهدارد، سپس مقداری سر بزیر انداخت و باز فرمود: همانا صاحب‌الامر را غیبتی است، هر بنده‌ای باید از خدا پروا کند، و به دین خود بچسبد» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۳۶). اما باید دانست که این همه وظایف یک منتظر نیست بلکه او باید علاوه بر حفظ دین خود به حفظ عقاید دینی آحاد جامعه دینی نیز کمک کند؛ بنابراین از کارویژه‌های دیگر منتظر در این سبک زندگی مبارزه با باورهای غلطی است که توسط افراد و فرقه‌های منحرف در جامعه گسترش پیدا می‌کند و در حقیقت یک منتظر باید دین خدا را یاری و در برابر دشمنان محافظت نماید به همین خاطر است که در روایات معصومین چنین شخصی دارای منزلتی بزرگ است کما اینکه امام سجاد در سخنی گرانمایه فرمودند: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُتَنْظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ص بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُحْلِصُونَ حَقّاً وَ شِعْثُنَا صِدْقاً وَ الدَّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سِرّاً وَ جَهراً؛ مردم زمان غیبت آن امام که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند از

مردم هر زمانی برترند، زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آنها عطا فرموده است که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است، و آنان را در آن زمان به مانند مجاهدین پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که با شمشیر به جهاد برخاسته‌اند قرار داده است، آنان مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما و داعیان به دین خدای تعالی در نهان و آشکارند» (صدوق، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۲۰).

## ۵-۲. سبک زندگی منتظرانه در دفع گرایش‌های فرقه‌های انحرافی مهدویت

یکی دیگر از آسیب‌هایی که فرقه‌های انحرافی مهدویت بر افراد و جامعه معتقد به حضرت مهدی وارد می‌کنند گرایش‌های غلط و مسمومی است که به جهت تأثیرگذاری بر رفتارها بسیار قابل بررسی است. این آسیب‌ها در دو سطح پیشگیری و درمان قابل بررسی و توضیح است:

### ۵-۲-۱. پیشگیری از ابتلا به جذابیت‌های ظاهری فرقه‌های انحرافی مهدویت

اینکه گفته می‌شود در مواجهه با بیماری‌ها پیشگیری همواره بهتر از درمان است سخنی کاملاً منطقی و عملی، با هزینه به مراتب کمتر است. توضیح آنکه، اگر ما الگویی عملی داشته باشیم که مبتنی بر آموزه اصیل دینی و مهدوی باشد همین الگوی عینی همچون دژی خواهد بود که منتظران را از فروغلطیدن در زمین فرق انحرافی جلوگیری کرده و در قبال جذابیت‌های مسموم آنها محافظت خواهد کرد. سبک زندگی منتظرانه، همان الگوی عینی مبتنی بر باورداشت مهدویت است که چنین کاربردی دارد. سبک زندگی منتظرانه سبب می‌شود تا زندگی بر محور عشق و محبت بسیار هوشمندانه و براساس معیارهای دقیقی که اهل بیت علیهم‌السلام بیان فرموده‌اند سامان یابد و شخص منتظر به صرف ابراز عشق به امام زمان علیه‌السلام از سوی فرقه انحرافی مهدویت در دام آنها گرفتار نشود. او در این سبک زندگی می‌آموزد که پیش از قرارگیری در مغناطیس علایق و احساسات دیگران که به نام امام زمان علیه‌السلام طرح می‌شود از اصول کلی عاشقی با حضرت ولی عصر مطلع شده و پس از انتخاب عاقلانه، مسیر عشق به

حضرت را هوشمندانه طی نماید و عشق خود را بر پایه معیارهای عاشقی حضرت مهدی علیه السلام سامان دهد. مثال چنین شخصی به کسی می ماند که برای تشکیل خانواده در پی شریک زندگی است؛ اما با بررسی تمام جوانب کار، دچار ناز و غمزه هر کسی نمی شود و فریب رفتارهای احساسی و به ظاهر عاشقانه او نخواهد شد. به بیانی دیگر سبک زندگی منتظرانه در ابتدا انتخابی با معرفت را در پیش روی انسان قرار داده و آن گاه او را به سمت عشق به امام عصر و در مرحله بعد هر کسی که دوستدار حضرت است سوق خواهد داد و بدین گونه است که از طرفندهای احساسی فرق انحرافی در امان خواهد بود.

#### ۵-۲-۲. درمان افراد جذب شده توسط فرقه های انحرافی مهدویت

صورت دیگر را می توان در فریب خوردگانی یافت که به قواعد پیشگیری توجه نکرده و در دام فرقه های انحرافی مهدویت گرفتار آمده اند. توضیح مطلب آنکه بسیاری از فرقه های انحرافی تلاش می کنند کاری کنند که فریب خوردگان به صورت تعبدی و بدون در نظر گرفتن هیچ شرطی مجذوب رئیس آن فرقه شود. این امر به تدریج سبب خواهد شد تا رئیس فرقه همچون یک بت چنان در قلب افراد جا باز نماید که دیگر هر حرف و ادعای او بدون چون و چرا مورد پذیرش قرار گرفته و به جای اینکه شخص به دنبال رضایت خدا و امام عصر باشد تنها وجه همتش جلب رضایت آن رئیس و قطب فرقه باشد و مشخص است که پس از آن بخش مهمی از رفتارهای او براساس آن قطب، شکل خواهد گرفت. این امر بدان جهت است که قلب آدمی فرمانروای او محسوب می شود و همه چیز در تحت تصرف او است؛ از این رو امام باقر علیه السلام در تعبیری بسیار مهم فرمودند: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ قَالَ اللهُ تَعَالَى - حَبَبَ اِئِمَّتِكُمُ الْاِيْمَانَ وَ رَزَيْتَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ قَالَ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّوْنَ اللهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللهُ؛ مگر دین چیزی جز محبت و دوستی است؟ خدای تعالی فرموده: «... ولی خدا ایمان را محبوب شما کرد و آن را در دلهای شما بیاراست» و نیز فرموده: «بگو اگر خدا را دوست می دارید. مرا پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۸۰).

در مورد افرادی که گرفتارها فرقه‌ها شده‌اند کار سخت‌تر بوده و باید به صورت روش‌مند به درمان آنها پرداخت؛ اما می‌توان گفت که سبک زندگی منتظرانه در موضع درمان نیز می‌تواند کارآمد باشد. اگر بخواهیم نگاهی تربیتی به این مقوله داشته باشیم باید گفت سبک زندگی منتظرانه می‌تواند با بهره‌گیری از اصل تربیت مهم دیگری به نام اصل تأثیر ظاهر بر باطن، (باقری، ۱۳۸۸، ص ۹۰) آسیب‌گرایش منتظران توسط فرقه‌های انحرافی را درمان نماید؛ زیرا همان‌طور که بر طبق اصل اول (تأثیر باطن بر ظاهر)، باورهای درونی سبب رفتارهایی خاص می‌شود بنابراین اصل دوم (تأثیر ظاهر بر باطن)، انتخاب و انجام رفتارهایی سبب تأثیراتی مثبت در متعلقات قلبی و باورهای درونی شخص مبتلا شده و به تدریج وابستگی درونی او به فرقه‌های انحرافی مهدویت را کاهش داده و از میان خواهد برد. در حقیقت باید گفت سبک زندگی منتظرانه به مثابه مجموعه‌ای از رفتارهای مبتنی بر باورداشت مهدویت و فرهنگ انتظار است که متخلق شدن به آن می‌تواند به تدریج موجب تصحیح و تقویت باورهای مهدوی شده و پاکیزگی از عقاید غلط و التقاطی را به ارمغان بیاورد.

### ۳-۵. سبک زندگی منتظرانه در دفع کنش‌های فرقه‌های انحرافی مهدویت

بارزترین جلوه‌های فرقه‌های انحرافی در عرصه مهدویت را رفتارها و کنش‌های خاصی تشکیل می‌دهد که مبتنی بر اصول غلط آن فرقه است. بدیهی است که در مقابله با این امر تنها نمی‌توان به تبیین باورهای صحیح و نقد عقاید غلط و نیز تغییر در گرایش‌ها و احساسات اشتباه را مد نظر قرار داد بلکه باید متناسب با رفتارهای غلط فرقه‌هایی که خود را به مهدویت می‌چسبانند الگوی رفتارهای مبتنی بر باورهای اصیل مهدوی ارائه نمود. این الگوی عینی است که می‌تواند در مواجهه با جلوه‌های بصری فرقه‌های انحرافی در مبارزه‌ای نرم و متناسب با آن از هجمه فرهنگی آن فرقه جلوگیری کرده و با جایگزین شدنش، خطر خلأ رفتاری را برای منتظران امام زمان بر طرف نماید و به فرموده امام علی علیه السلام: **رُدَّ الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَكَ؛** سنگ را به همان سمتی که از آن جا پرتاب شده است، برگردان» (آمدی، ۱۳۶۶، ح ۵۳۹۴). چراکه سبک زندگی منتظرانه

هم‌زمان با القای عقاید اصیل مهدویت هم در گرایش‌ها و هم در کنش‌ها اصلاح‌گری کرده و آنچه را که صحیح است در منظر همگان قرار می‌دهد. به‌صورت کلی این اصلاحات رفتاری در دو عرصه قابل بین است:

### ۵-۳-۱. اصلاح رفتارهای فردی متأثر از فرقه‌های انحرافی مهدویت

برخی از مشکلات رفتاری فریب‌خوردگان فرقه‌های انحرافی در بعد فردی است. این فرقه‌ها با پررنگ کردن برخی از باورها و گنج‌اندیدن پاره‌ای از عقاید و در مواردی با محور قراردادن رئیس قطب آن فرقه، فرد را به سوی اعمالی سوق می‌دهند که نه در جامعیت، همسان با رفتارهای فردی تعریف‌شده توسط دین است و نه در کیفیت، به آنچه که سفارش شده دین است توجه می‌شود. حاصل چنین القائاتی انجام رفتارهایی ناقص از حیث کمیت و کیفیت بوده که عملاً شخص را به کوتاهی در انجام واجبات و ترک محرمات خواهد کشاند. مثلاً ممکن است فرقه‌ای عشق به امام زمان را آن‌قدر مهم تعریف می‌کند که حتی می‌تواند تقصیرات حاصل از نماز خواندن، حج رفتن، حجاب داشتن و غیره را جبران نماید. در پاره‌ای از موارد حتی شیوه نماز خواندن و روزه گرفتن را نیز رئیس فرقه مشخص می‌کند که کیفیت آن با آنچه در اسلام آمده، متفاوت است. این درحالی است که سبک زندگی منتظرانه نسبت به انجام تمام احکام الهی آن هم از مسیر مراجعه به منابع اسلامی و مراجع دینی تأکید می‌کند؛ زیرا انسان منتظر می‌داند امام زمان کسی است که به همه قرآن و سنت عمل کرده و آنها را زنده می‌کند: «يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ؛ قرآن و سنت مرده را زنده می‌کند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۸)، این نکته در حدیث حضرت رسول ﷺ نیز آمده است که: «الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اِسْمُهُ اِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ سَمَائِلُهُ سَمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلٰى مِلَّتِي وَ شَرِيْعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ اِلٰى كِتَابِ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ؛ قائم از فرزندان من، همنام و هم‌کنیه من است، خوی او خوی من سیرت او سیرت من می‌باشد. مردم را بر ملت و دین من وادار می‌نماید و آنان را به سوی کتاب خدا (قرآن) فرا می‌خواند» (صدوق، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۴۱۱). حاصل فراگیری این معارف مهدوی، تعهد به احکام دینی و متخلق شدن به کنش‌هایی است که بتواند رضایت حداکثری حضرت بقیة‌الله را به‌همراه داشته

باشد و از انتخاب سلیقه‌ای احکام که از ویژگی‌های فرق انحرافی است اجتناب می‌ورزد.

### ۵-۳-۲. اصلاح رفتارهای اجتماعی متأثر از فرقه‌های انحرافی مهدویت

از مهم‌ترین انحرافات نحله‌های مهدویت را می‌توان، انحراف رفتاری در بعد اجتماعی به‌شمار آورد (و این معضل حتی در توده مردم حتی با وجود عدم گرایش رسمی به این فرقه‌ها نیز قابل رؤیت است). توضیح آنکه یکی از وجوه تقریباً مشترک بسیاری از فرقه‌های انحرافی در حوزه دین را می‌توان در سوق دادن انحصاری افراد به جنبه‌های فردی دین با توجیه بالابردن معنویت افراد دانست که ریشه آن نیز به دوران حاکمیت حکومت طاغوتی که اجازه گفتمان اجتماعی دین را نمی‌دادند باز می‌گردد؛ زیرا در دوران سلطنت حاکمان جور و فشار حداکثری آنها، عالمان شیعه نیز قدرت و فرصت بیان آموزه‌های اجتماعی و سیاسی اسلام را چندان نداشتند و همین امر سبب سوءبرداشت عموم مردم از سیره عالمان دینی شده و همین امر را به دوران حکومت دینی نیز سرایت می‌دهند که همین امر مورد سوءاستفاده حداکثری برخی از فرقه‌های انحرافی مهدویت در جذب افراد شده است، به گونه‌ای که اگر فرقه‌ای انحرافی، سکون و بی‌تفاوتی در عرصه اجتماعی را در عصر غیبت تجویز کرده و به دروغ آن را در مسیر معنویت قرار می‌دهد برخی از ساده لوحان که سواد دینی زیادی نیز ندارند نه تنها آن را می‌پذیرند بلکه به مؤمنانی که فعالیت اجتماعی و سیاسی دارند را نیز برچسب دنیاطلبی می‌زنند.

با توجه به توضیحاتی که در تبیین سبک زندگی منتظرانه، داده شد اکنون می‌تواند به روشنی دریافت که این سبک زندگی، در مقابل کنش‌گری فرقه‌های انحرافی، تلاش حداکثری و بهره‌گیری از حداکثر ظرفیت‌ها را در عرصه خودسازی فردی و زمینه سازی‌های اجتماعی به مخاطبان خود آموزش می‌دهد. در سبک زندگی منتظرانه، عرصه انتظار - که به روحیه و رفتار جهادی تعریف شده است - به عرصه‌های فراگیر و متناسب با عوامل غیبت و عدم ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه گسترش می‌یابد. منتظران حضرت، با اندیشه و آگاهی صحیح از معارف مهدوی در می‌یابند که از موانع اصلی غیبت امام زمان نبود

آمادگی اجتماعی برای پذیرش ولایت حضرت مهدی علیه السلام است و تا موقعی که رغبت عمومی به حکومت مهدوی شکل نگیرد (أَنَا نَزَعْتُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ) همان بلایی که بر سر سایر معصومین آمده است بر امام عصر نیز خواهد آمد و چون ایشان به موجب آیه شریفه: «بقية الله خير لكم...» آخرین بازمانده از سلاسه صالحین و معصومین هستند خداوند غیبت ایشان را تا زمان وقوع این زمینه اجتماعی، مقرر فرموده است؛ بنابراین هر اندیشه و فرقه‌ای که به نام مهدویت توصیه به عزلت‌گزینی و بی‌توجهی به اصلاحات اجتماعی نماید از اصول مسلم معارف مهدویت فاصله گرفته است؛ بنابراین سبک زندگی خود را بر محور انتظار اصیل و پویا که به زمینه‌سازی در هر دو بعد فردی و اجتماعی عنایت دارد معطوف ساخته و افکار و رفتارهای خودساخته فرقه‌های انحرافی مهدویت را به کناری می‌نهند.

### نتیجه‌گیری

یکی از آسیب‌های جدی در عرصه اجتماعی جامعه معتقد به امام زمان علیه السلام، فرقه‌های انحرافی منسوب به مهدویت هستند که با ترویج بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌هایی که با اصول فرهنگ مهدویت نمی‌سازد، خود مانعی در مسیر زمینه‌سازی برای ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام محسوب می‌شوند. در این نوشتار ضمن توجه به این آسیب مهم، پس از تبیین حقیقت سبک زندگی منتظرانه و تشریح دال مرکزی آن یعنی انتظار، که به روحیه و رفتار جهای معنا شد ماهیت این سبک زندگی در مبارزه همه‌جانبه با تمام فرقه‌های انحرافی منسوب به مهدویت ارزیابی شد. در این مبارزه و جهاد همه‌جانبه، منتظران امام زمان علیه السلام با انتخاب این شیوه زندگی در سه عرصه بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌ها می‌توانند به مصاف با فرقه‌های انحرافی رفته و خود و جامعه دینی را از آسیب در این سه عرصه محافظت نمایند. حفظ باورهای خود و سپس دیگر منتظران در مرحله بینشی؛ پیشگیری و درمان در مرحله برخورد گرایشی و در نهایت اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی متأثر از فرقه‌های انحرافی مهدویت از مسیر ترویج و تعمیق سبک زندگی بر محور انتظار صحیح و مورد نظر اهل بیت علیهم السلام از گونه‌های مبارزه با فرقه انحرافی مهدویت از دستاوردهای این نوشتار است.



## فهرست منابع

\* قرآن کریم

\*\* نهج البلاغه، امام امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب. (۱۳۷۹). (گردآوری: رضی، محمد بن حسین). قم: انتشارات دارالهجرة.

۱. اشراق خاوری، عبدالحمید. (۱۳۵۰). مائده آسمانی (ج ۴). تهران: موسسه ملی مطبوعات امری.

۲. آمدی، عبدالواحد تمیمی. (۱۳۶۶). غررالحکم و درر الکلم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۳. باقری، خسرو. (۱۳۸۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.

۴. برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۸). روان‌شناسی سیاسی. تهران: انتشارات سمت.

۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱). المحاسن (ج ۱). قم: دار الکتب الاسلامیه.

۶. حرانی، حسن بن شعبه. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: انتشارات جامعه مدرسین.

۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۳/۰۶/۲۰). بیانات: در آغاز درس خارج فقه. برگرفته از: پایگاه

اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: B2n.ir/g79403

۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۳/۰۴/۰۱). بیانات: در دیدار اعضای جهاد دانشگاهی. برگرفته

از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: B2n.ir/m97165

۹. خزاز قمی، علی بن محمد. (۱۴۰۱ق). کفایة الأثر. قم: انتشارات بیدار.

۱۰. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). فرهنگ دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.

۱۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۱). انتظار عامل مقاومت. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی

موعود علیه السلام.

۱۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین. (۱۳۹۷ق). کمال‌الدین و تمام النعمة (ج ۱ و ۲). قم: دار

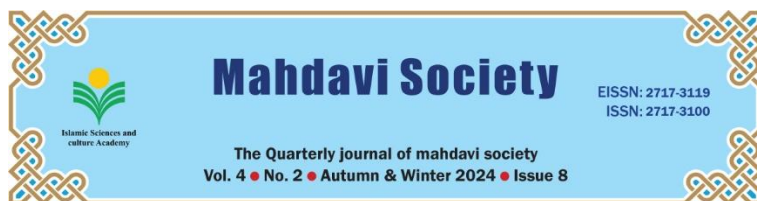
الکتب الاسلامیه.

۱۳. عرفان، امیر محسن. (۱۳۹۲). قبیله تزویر قم: مرکز تخصصی مهدویت.
۱۴. فلاح، محمد علی و دیگران. (۱۳۹۴). ستیز با آفتاب: نقد جریان انحرافی احمدالحسن مدعی یمانی. قم: مرکز تخصصی مهدویت.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۹). اصول کافی (ج ۱، مترجم: مصطفوی). تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامیة.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۱، ۲ و ۸، مصححان: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی). تهران: اسلامیة.
۱۷. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخص (مترجم: ناصر موفقیان). تهران: نشر نی.
۱۸. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). بحار الأنوار (ج ۲). بیروت: موسسه الوفاء.
۱۹. محمدی هوشیار، علی. (۱۳۹۷). درسنامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن البصری. قم: انتشارات تولی.
۲۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳). مجموعه آثار (ج ۳). تهران: انتشارات صدرا.
۲۱. ملایی، حسن. (۱۳۹۶). سبک زندگی منتظرانه. قم: مرکز تخصصی مهدویت.
۲۲. ملایی، حسن. (۱۳۹۷). ما منتظریم (مهدویت در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای). قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه.
۲۳. ملایی، حسن. (۱۴۰۱). لغزش‌های اعتقادی در عصر غیبت. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۴. نجفی، سید محمدباقر. (۱۳۸۳). بهائیان. تهران: نشر مشعر.
۲۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). الغیبة. تهران: مکتبه صدوق.

## References

- \* The Holy Quran
- \*\* Razi, M. (1379 AP). *Nahj al-Balagha, Imam Amir al-Momineen, Ali bin Abi Talib*. Qom: Dar al-Hajra Publications. [In Persian]
1. Amadi, A. (1366 AP). *Ghurur al-Hikam va Durar al-Kalim*. Qom: Publications of the Islamic Propagation Office. [In Persian]
  2. Bagheri, Kh. (1388 AP). *A new look at Islamic education*. Tehran: School Publications. [In Persian]
  3. Barqi, A. (1371 AP). *Al-Mahasen* (Vol. 1). Qom: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
  4. Barzegar, E. (1388 AP). *Political psychology*. Tehran: Samt Publications. [In Persian]
  5. Dekhoda, A. A. (1373 AP). *The Dictionary*. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
  6. Erfan, A. M. (1392 AP). *Tazvir tribe*. Qom: Specialized Mahdavit Center. [In Persian]
  7. Eshraq Khavari, A. (1350 AP). *Heavenly Ma'edeh* (Vol. 4). Tehran: Amri National Institute of Press. [In Persian]
  8. Fallah, M. A. Et al. (1394 AP). *Struggle with the sun: Criticism of the deviant trend of Ahmad al-Hassan, the Yemeni claimant*. Qom: Specialized Mahdavit Center. [In Persian]
  9. Giddens, A. (1378 AP). *Modernity and individuality* (N, Moafaqian). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
  10. Harrani, H. (1404 AH). *Tuhaf al-Uqul*. Qom: Community of Teachers Publications. [In Arabic]
  11. Khamenei, S. A. (1373 AP). *Statements: At the beginning of Kharij Fiqh course*. From: Supreme Leader's information website: B2n.ir/g79403. [In Persian]
  12. Khamenei, S. A. (1393 AP). *Statements: In a meeting with members of Jahad Daneshgahi*. From: Supreme Leader's information Website: B2n.ir/m97165. [In Persian]

13. Khazaz Qomi, A. (1401 AH). *Kifaya al-Athar*. Qom: Bidar Publications. [In Arabic]
14. Koleyni, M. (1369 AP). *Usul Kafi* (Vol. 1, Mostafavi, Trans.). Tehran: Islamic Scientific Bookstore. [In Persian]
15. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 1, 2 & 8, A. A. Ghafari., & M, Akhundi, Trans.). Tehran: Islamiya. [In Arabic]
16. Majlesi, M. B. (1404 AH). *Bihar al-Anwar* (Vol. 2). Beirut: Al-Wafa Institute. [In Arabic]
17. Mohammadi Hoshiar, A. (1397 AP). *Criticism textbook of Ahmad al-Hassan al-Basri*. Qom: Tuli Publications.
18. Molaee, H. (1396 AP). *Waiting lifestyle*. Qom: Specialized Mahdavit Center. [In Persian]
19. Molaee, H. (1397 AP). *We are waiting (Mahdaviat in the intellectual system of Hazrat Ayatollah Khamenei)*. Qom: Publications of Hazrat Mahdi Mououd Cultural Foundation. [In Persian]
20. Molaee, H. (1401 AP). *Belief slippages in the age of occultation*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
21. Motahari, Morteza. (1383 AP). *A Collection of works* (Vol.3). Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
22. Najafi, S. M. B. (1383 AP). *Baha'is*. Tehran: Masha'ar Publications. [In Persian]
23. Nomani, M. (1397 AH). *Al-Ghayba*. Tehran: Sadouq Library. [In Arabic]
24. Sadouq, M. (1397 AH). *Kamal al-Din va Tamam Al-Na'ama*. (Vol. 1 & 2). Qom: Dar al-Kutub al-Islamiya. [In Arabic]
25. Safi Golpayegani, L. (1391 AP). *Waiting as resistance factor*. Qom: Hazrat Mahdi Mawoud Cultural Foundation. [In Persian]



## An Examination of the Succession of the Righteous People and the Desperation of the Corrupt People in the Last Prophet's Era from the Perspective of the Qur'an and the Testaments<sup>1</sup>



Ali Mo'ayedi<sup>1</sup>

1. Level Four (PhD) in Mahdiism, Islamic Seminary, Qom. Iran  
fmrt.1371@gmail.com; ORCID: 0001-0001-8354-7404

### Abstract

Allah Almighty, in the Holy Qur'an and the books of the prophets of Bani-Israel, has promised the succession of the righteous people on earth. Since, according to the research, the succession of the righteous is accompanied by the desperation of the corrupt people, this research seeks to answer the question "How are the succession of the righteous and the desperation of the corrupt people, in the end of time, explained in the verses of the Holy Qur'an and the Testaments? In the present research, descriptive-analytical, comparative and exploratory methods have been used. According to the study of the verses of the Holy Qur'an and the Testaments, firstly, the promise of the succession of the righteous people on earth is devoted to this world, not the afterlife, and secondly, the interpretation of the succession of the righteous people to the government of the righteous people is not accurate and complete. Therefore, whenever a righteous person or persons reach the government, they will not be its

---

1. **Cite this article:** Mo'ayedi, A. (1402 AP). An Examination of the Succession of the Righteous People and the Desperation of the Corrupt People in the Last Prophet's Era from the Perspective of the Qur'an and the Testaments. *Journal of Mahdavi Society*, 4(8), pp. 135-161.

<https://doi.org/10.22081/JM.2024.68517.1090>

---

\* Publisher: Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). \***Type of article:** Scientific-promotional Article

▣ **Received:** 05/02/2024 • **Revised:** 14/02/2024 • **Accepted:** 19/02/2024 • **Published online:** 06/03/2024

---

example (the government of the righteous people), there is only one example, and that will be in the era of reappearance of Imam Mahdi. Thirdly, the meaning and term of the succession of the righteous people, in the Holy Qur'an and the Testaments, is a part of the tradition of divine judgment in the era of the prophets, in such a way that Allah Almighty judges in the era of the prophets. In this regard, the criminals are eradicated with the descent of the torment of desperation, and the righteous people are saved from the torment and inherit their property and all their possessions. Therefore, according to the verses of the Qur'an and the Testaments, the promise of the succession of the righteous people in the last prophet's era, like the era of the first prophets, will be fulfilled with the eradication of all wrongdoers with the descent of the torment of desperation, and the earth will belong to the pious people until the Day of Resurrection.

### **Keywords**

The torment of desperation, the succession of the righteous people, the inheritance of the righteous people, worldly judgment.



## بررسی وراثت صالحان و استیصال طالحن در امت خاتم از منظر قرآن و عهدین<sup>۱</sup>

علی مؤیدی<sup>۱</sup>

۱. دانش‌آموخته سطح چهار مرکز تخصصی مهدویت، قم، ایران.  
fmrt.1371@gmail.com; ORCID: 0000-0001-8354-7404

### چکیده

خدای سبحان، در قرآن کریم و کتب انبیای بنی اسرائیل، وعده وراثت صالحان بر زمین را داده است. از آنجایی که طبق پژوهش انجام شده، وراثت صالحان همراه با استیصال طالحن است، این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که وراثت صالحان و استیصال طالحن، در آخرالزمان، در آیات قرآن کریم و کتاب عهدین، چگونه تبیین شده است؟ در پژوهش پیش‌رو، از روش‌های توصیفی-تحلیلی، تطبیقی و اکتشافی، بهره برده شده است. طبق بررسی آیات قرآن کریم و عهدین، اولاً، وعده وراثت صالحان بر زمین، دنیوی است، نه آخروی، ثانیاً، تفسیر وراثت صالحان، به حکومت صالحان، معنای دقیق و کاملی نیست؛ از این‌رو هرگاه فرد یا افراد صالحی به حکومت برسند، مصداق آن، نخواهند بود، فقط یک مصداق دارد و آن هم در عصر ظهور، خواهد بود. ثالثاً، معنا و اصطلاح وراثت صالحان، در قرآن کریم و عهدین، بخشی از سنت داوری الهی در امت رسولان است، بدین شکل که خدای سبحان، در امت رسولان، داوری می‌کند، بدین نحو که مجرمان، با نزول عذاب استیصال، ریشه‌کن شده و صالحان از عذاب، نجات یافته و وارث اموال و جمیع مایملک آنان می‌شوند؛ از این‌رو براساس آیات قرآن و عهدین، وعده وراثت صالحان، در امت خاتم، همانند امت رسولان نخستین، با نابودی جمیع خطاکاران با نزول عذاب استیصال، تحقق می‌یابد و زمین تا قیامت، میراث پارسایان خواهد بود.

### کلیدواژه‌ها

عذاب استیصال، استخلاف صالحان، وراثت صالحان، قضاوت دنیوی.

۱. **استناد به این مقاله:** مؤیدی، علی. (۱۴۰۲). بررسی وراثت صالحان و استیصال طالحن در امت خاتم از منظر قرآن و عهدین. جامعه مهدوی، ۴(۸)، صص ۱۳۵-۱۶۱. <https://doi.org/10.22081/JM.2024.68517.1090>

□ نوع مقاله: علمی - ترویجی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

## مقدمه

یکی از سنت‌های الهی، در امت رسولان، سنت قضاوت و داوری دنیوی است، بدین معنا که خدای سبحان، از طرفی، طالحان و شریران امت را با نزول عذاب دنیوی، هلاک ساخته، از طرف دیگر، صالحان و نیکوکاران امت را از عذاب نجات داده، جانشین هلاکت یافتگان و وارث آنان در زمین، قرار داده است. این سنت، در سه امت محمدی ﷺ، موسوی ﷺ و عیسوی ﷺ، تاکنون روی نداده است؛ براساس پیشگویی‌های کتب آسمانی، در این ادیان ابراهیمی، در آخرالزمان، در عصر ظهور حضرت مهدی ﷺ و بازگشت عیسی مسیح ﷺ، وراثت صالحان در زمین، روی می‌دهد. با وجود تلاش‌های فراوانی که محققان در زمینه وراثت صالحان انجام داده‌اند، ولی هنوز زوایای مختلف سنت وراثت صالحان و ارتباط آن با استیصال طالحان، به طور صحیح و جامع، تبیین نشده است، لذا این پرسش مطرح می‌شود که وراثت صالحان و استیصال طالحان، در آخرالزمان، در آیات قرآن کریم و کتاب عهدین، چگونه تبیین شده است؟

### ۱. پیشینه بحث

در زمینه پیشینه این پژوهش، علاوه بر مباحث تفسیری مفسران، مقالاتی نگاشته شده است؛ مقاله «مهدویت در قرآن (تأملی در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء)» (پورسیدآقایی و همکاران، ۱۳۹۳). مقاله «بررسی آیه ۱۰۵ انبیاء از منظر مفسران شیعه و اهل سنت». (گنجی، ۱۳۹۶) و مقاله «رهیافت‌های مفسران فریقین درباره آیه ۱۰۵ سوره انبیاء» (بایدار و همکاران، ۱۳۹۲). این مقالات که با رویکرد وراثت صالحان شکل گرفته است تنها به بیان تفسیر آیه و بیان نظرات مفسران عامه و خاصه هستند و به بررسی همسان‌سازی و تطبیق این وراثت میان قرآن کریم با کتاب عهدین نپرداخته‌اند؛ همچنین، مقاله «بررسی تطبیقی ارتباط آخرالزمان و موعود در قرآن و عهدین» (باغبانی‌آرانی، ۱۳۹۶). مقاله «وارثان زمین در پایان تاریخ از منظر تورات، زبور، انجیل و قرآن با تکیه بر اشتراکات» (قاسم‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷)، نگاشته شده است. این مقالات، اگر چه به بحث تطبیقی میان قرآن و عهدین، پرداخته‌اند، ولی به طور کامل نتوانسته‌اند، وراثت صالحان و کیفیت آن و آیات مرتبط



را تبیین کنند، به ویژه، تلازم وراثت صالحان با عذاب استیصال شیران در قرآن کریم و عهدین، که موضوع پیش روی این نوشتار می باشد اشاره نشده است؛ از این رو پژوهش پیش رو با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تحلیل تفسیر قرآن با قرآن و بهره گیری از منابع کتب مقدس به شناخت صحیح و کامل تری از وراثت صالحان و استیصال شیران، در قرآن کریم و عهدین، دست می یابد.

## ۲. مفهوم شناسی

در فرایند این پژوهش چندین واژه به طور اجمال مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

### ۲-۱. واژه استیصال

واژه «استیصال» در لغت، مصدر از ریشه «اصل» و به معنای برکندن از اصل و ریشه است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۶؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۲۰). علامه طباطبایی می گوید: «عذاب استیصال»، به عذاب هایی گفته می شود که نسل قوم ستمکار را از ریشه برکند و دودمان آنها تا قیامت، از بین برود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۸۲).

### ۲-۲. واژه صالحان

«صالحان»، جمع صالح، اسم فاعل از ماده «صلح» است که ضد آن «فسد» است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۳۸۳) مانند این سخن خدای تعالی: «الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» (شعراء، ۱۵۲) مرحوم طبرسی «صالح» را به معنای افرادی می داند که ایمان به خدا و رسولانش دارند و از خدا اطاعت می کنند (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۴، ص ۷۶۰). برخی از مفسرین نیز معتقدند: واژه «صالح» معنی گسترده و وسیعی دارد و همه شایستگی ها را شامل می شود: شایستگی از نظر عمل و تقوا، شایستگی از نظر علم و آگاهی، شایستگی از نظر قدرت و قوت، و شایستگی از نظر تدبیر و نظم و درك اجتماعی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ق، ج ۱۳، ص ۵۱۷). در مقابل طالحان هستند. «طالح» به فردی گفته می شود که خیری در او نباشد و دینش فاسد باشد (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۲۲۳).

## ۲-۳. وراثت

راغب در مفردات می‌گوید: «وراثت و ارث، به معنای انتقال مال، از غیر، به تو است، بدون اینکه معامله و یا شبه معامله‌ای، میان تو و او، صورت گرفته باشد، و مالی که از میت به زنده، منتقل می‌شود، ارث می‌گویند» (راغب اصفهانی ۱۴۱۲ق، ص ۸۶۳).

این معنا، در کاربردهای قرآنی نیز مشهود است: وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيْبَةٍ بَطَرْتُمْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيْلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِيْنَ (قصص، ۵۸) خدای تعالی، وارث قریه‌ها و مساکن ظالمان، پس از هلاکت آنان است، چون پس از نزول عذاب، دیگر بشری در آن مکان‌ها، زندگی نکرده، مگر مسافران که به جهت اُتراق، مدت کوتاهی در آنجا، درنگ می‌کردند؛ بنابراین هیچ مالکی، برای آن مساکن و کاخ‌ها، جز خداوند متعال، باقی نماند. در مورد استعمال واژه وراثت، در مورد ارث‌بردن زمین، توسط صالحان، باید گفت: از آن‌جایی که خدای سبحان، صالحان را به دو بشارت دنیوی و اخروی، مفتخر ساخته و وعده داده است: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ\* الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ\* لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ» (یونس، ۶۲-۶۴)؛ لذا واژه وراثت، هم در انتقال زمین دنیوی و هم در انتقال زمین اخروی به آنان، استعمال‌شده؛ از این‌رو، صالحان، هم وارث زمین دنیا، خواهند شد و هم وارث زمین بهشت. در مورد زمین دنیوی، در کتب آسمانی، آمده است که صالحان وارث آن، خواهند شد: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیا، ۱۰۵) در مورد وراثت زمین بهشت نیز، صالحان و اهل تقوا، وارث آن، خواهند بود: «تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا» (مریم، ۶۳).

## ۳. سنجش رابطه سنت وراثت صالحان با استیصال طالحان

با توجه به آیات قرآن کریم، در صورت فرستاده شدن رسول، به‌سوی یک امت، قضاوت دنیوی، حتمی است: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُوْلٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُوْلُهُمْ فَضَيُّوا بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ

وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یونس، ۴۷) قول مشهور، میان مفسران این است که این قضاوت، دنیوی است که با نزول عذاب بر تکذیب گران و نجات مؤمنان، انجام می شود (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۹۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۷۲؛ شبر، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۶۳؛ زحلی، ۱۴۱۱، ج ۱۱، ص ۱۹۳؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۹۳؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۹۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۹۸) داوری الهی، بدین صورت است که کافران و مجرمان، با نزول عذاب، دچار هلاکت می شوند و صالحان، نجات می یابند: «وَأَمَّا تَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهَوْنِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (فصلت، ۱۷ و ۱۸)، در نتیجه، صالحان نجات یافته، جانشین گنهکاران در زمین و وارث آن می شوند؛ لذا غایت بعثت رسولان، استیصال ظالمان و استخلاف و وراثت صالحان است: «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ تَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء، ۱۵) «حتی» اشاره دارد به اینکه بعثت رسول، متصل به عذاب خواهد بود، چون شأن غایت، همین معنا است و از اینجا آشکار می شود که مراد از عذاب، عذاب دنیوی است (نک: ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۴۲). دلیل دیگر این است که «کُتِبَ» ماضی است و معنی جمله چنین است که طریقه ما آن است که عذاب کننده در دنیا نبوده ایم، مگر بعد از مبعوث کردن رسولان (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۴۷)؛ بنابراین مراد از عذاب، عذاب استیصال است و تفاوت اصلی نبی و رسول، از نگاه قرآن، همین امر است که بعد از آمدن رسول در یک امت، داوری خداوند و نزول عذاب استیصال، قطعی خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، صص ۵۷-۵۸).

بنابراین مفاد آیات فراوان، در زمینه لزوم داوری الهی در دنیا، حاکی از آن است که داوری خدا دو جنبه دارد: یکی، استیصال و ریشه کن شدن شیران به وسیله نزول عذاب الهی، دوم، نجات صالحان از عذاب و جانشینی و وراثت آنان در زمین.

بنابراین سنت وراثت صالحان، با استیصال ظالمان و نجات صالحان از عذاب الهی، تحقق می یابد؛ لذا پس از هلاکت آنان و جانشین شدن صالحان در زمین، تمام سرزمین ها، ثروت های دنیوی آنان، به صالحان، منتقل می شود؛ به عبارت دیگر، صالحان، وارث زمین می شوند، چون مواهبی که در دست ظالمان بوده، بدون هیچ گونه عقد و معامله ای، فقط از طریق مرگ آنان، به زندگان، منتقل شده است: «أَوْ لَكُمْ يَهْدِي

لِلَّذِينَ يَرْتُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ» (اعراف، ۱۰۰) این آیه دلالت دارد بر اینکه، همان‌طور که امت‌های پیشین، بر اثر فراگیر شدن ظلم و معصیت، دچار هلاکت شدند و امت فعلی، پس از هلاکت آنان، وارث زمین شدند؛ همچنین این امت نیز، در صورت فراگیر شدن ظلم و معصیت، دچار هلاکت شده و صالحان نجات یافته از عذاب و امتی که از نسل آنان، به وجود خواهد آمد، وارث زمین، خواهند شد.

#### ۴. استیصال شیریان و وراثت صالحان در امت خاتم از منظر قرآن کریم

##### ۴-۱. استیصال شیریان در امت خاتم از منظر قرآن کریم

قرآن کریم، کفار امت خاتم را تهدید می‌کند به این که عذاب استیصال، یک سنت جاری در امم نخستین است، و از طرفی، سنت و سیره خداوند، غیر قابل تغییر است، در نتیجه این سنت، در آیندگان نیز جاری خواهد شد (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۴۵). «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا». رسول خاتم ﷺ امت خود را در صورت روی گردانی از دعوتش، از عذاب روز بزرگ، تهدید می‌کند: «وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ» (هود، ۱۳) این عبارت، انداز امت خاتم، به عذاب استیصال است که مفسران، به اشتباه آن را در مورد قیامت پنداشته‌اند (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۱۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۲۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۳۱۷).

در سراسر قرآن، مشابه این تعبیر: «عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ (الیم، عظیم)»، در مورد عذاب استیصال امت‌های پیشین آمده است. در مورد عذاب استیصال قوم شعیب آمده: «فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» (شعراء، ۱۸۹)، در مورد عذاب استیصال اقوام مختلف، از جمله امت خاتم، این تعبیر آمده است (اعراف، ۵۹؛ شعراء، ۱۳۵؛ احقاف، ۲۱؛ یونس، ۱۵؛ هود، ۲۶؛ شعراء، ۱۵۶)؛ در آیات کتاب عهدین نیز از این روز بزرگ و روز خدا یا روز پسر انسان، یاد شده است (یوئیل ۲: ۱-۱۳؛ یوئیل ۲: ۲۸-۳۲؛ صَفْتِيَا: ۱-۲؛ ملاکی ۴: ۳-۱؛ انجیل لوقا ۱۷: ۲۰-۳۶).

پس ظالمین این امت نیز، باید منتظر عذاب استیصال باشند و تقاضای تأخیر عذاب، از آنان پذیرفته نیست، زیرا با بیانات قرآنی و با بیان سرگذشت هلاکت امت‌های پیشین، اتمام حجت کافی، انجام شده است: «وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُولَ أَوْ لَمْ نَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلُ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ \* وَسَكَتْتُمْ فِي مَسَاكِينِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ» (ابراهیم، ۴۴-۴۵) علامه طباطبایی، در تفسیر آیه می‌فرماید:

جمله «وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ» انذار مردم به عذاب استیصال است که نسل ستمکاران را قطع می‌کند. در تفسیر سوره یونس و غیر آن این معنا گذشت که خدای تعالی در امت‌های گذشته و حتی در امت محمدی این قضاء را رانده که در صورت ارتکاب کفر و ستم، دچار انقراضشان می‌کند، و این مطلب را بارها، در کلام مجیدش، تکرار نموده است و روزی که چنین عذاب‌هایی بیاید، روزی است که زمین را از آلودگی و پلیدی شرک و ظلم، پاک می‌کند، و دیگر به غیر از خدا، کسی در روی زمین، عبادت نمی‌شود، زیرا دعوت، دعوت عمومی است، و مقصود از امت هم، تمامی ساکنین عالمند و وقتی به وسیله عذاب انقراض، شرک، ریشه کن شود، دیگر جز مؤمنین، کسی باقی نمی‌ماند، آن وقت است که دین، هر چه باشد، خالص برای خدا می‌شود، هم‌چنان که فرموده: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵) (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۸۳).

از این سخنان که برگرفته از آیات قرآنی است، استفاده می‌شود که مقصود از امت محمدی ﷺ که مخاطب انذار و بشارت ایشان هستند، همه ساکنان کره زمین هستند؛ زیرا دعوت ایشان، جهانی است، پس مخاطب انذار نیز، تمامی منحرفان زمین هستند و عذاب الهی، شامل حال کفار، مشرکین و منافقین امت، خواهد بود و مخاطب بشارت، اهل ایمان و تقوا در سرتاسر زمین.

بنابراین وراثت صالحان، در امت محمدی ﷺ نیز مانند امت‌های پیشین، با نزول عذاب استیصال، خواهد بود و رویه الهی، مانند گذشته، یکسان خواهد بود، لذا خداوند متعال، در آیات سوره یونس می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا ...

كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٣﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ؛ ما امت‌های قبل از شما را هنگامی که ظلم کردند، هلاک کردیم، ای پیامبر! این چنین، قوم مجرم را در آینده، مجازات خواهیم کرد. سپس شما امت خاتم را پس از آنان، جانشین امت‌های منقرض شده سابق، قرار دادیم تا رفتار شما را به دقت، به نظاره بنشینیم تا در صورت ظلم، شما را نیز، مانند سلف خود، هلاک کنیم» (یونس، ۱۳-۱۴). عبارت «کذلک نجزی» اشاره به سنت الهی دارد؛ به عبارت دیگر، خبر می‌دهد که در صورت وجود مقتضی، همان رویه و سیره الهی که در گذشتگان، جریان داشته است، در آیندگان نیز، تکرار خواهد شد؛ بنابراین در آیه بعد، رسول خدا ﷺ، خبر از عذاب روز بزرگ یعنی عذاب استیصال می‌دهد: «إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» (یونس، ۱۵) این آیه نص صریح است در رد این سخن که عذاب از این امت به سبب حرمت و مقام پیامبر اکرم ﷺ، برداشته شده است؛ زیرا رسول خدا ﷺ خبر می‌دهد که چنین عذابی از ایشان هم منتفی نیست، در صورت صدور عصیان، تا چه رسد به امت!

در سوره نور بیان می‌کند که آن قوم جایگزین و جانشین که پایان تاریخ از آن‌ان، خواهد بود، مؤمنانی از امت خاتم هستند که اهل انجام اعمال صالح باشند: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (نور، ۵۵).

با توجه به این آیه و آیات مشابه، وعده وراثت، منحصر در مؤمنانی است که اهل انجام عمل صالح باشند؛ لذا کافران، مشرکان، منافقان و مؤمنانی که اهل فسق و فجور باشند، مشمول این وعده الهی نیستند (نک: طباطبایی، ج ۱۵، ص ۱۵۱). از اینجا تفاوت استخلاف و وراثت، در امت محمدی ﷺ با قوم بنی اسرائیل، روشن می‌شود؛ زیرا وراثت در بنی اسرائیل، مؤمن، منافق، کافر و مشرک، همگی را شامل شد، ولی وراثت در امت خاتم، فقط شامل صالحان، خواهد بود. وراثت صالحان، در امت خاتم، مشابه با وراثت صالحان، در امت‌های نخستین است؛ از این رو با نزول عذاب استیصال، محقق خواهد شد.

## ۴-۲. شیوه استیصال شریان امت خاتم از منظر قرآن کریم

تعذیب دنیوی امت خاتم، به سه شیوه، خواهد بود: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» (انعام، ۶۵).

۱. عذاب‌های فوقانی و آسمانی، مانند: دخان، صیحه آسمانی؛ ۲. عذاب‌های تحتانی و زمینی، مانند: خسف، زلزله، خروج دابه الارض؛ ۳. عذاب قتل و کشتار به واسطه جنگ مذهبی و فرقه‌ای (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۰۴).

ابزار اصلی عذاب استیصال، در امت خاتم، همانند امت‌های پیشین، صیحه آسمانی است (هود، ۶۷ و ۹۴؛ حجر، ۷۳ و ۸۳) خدای سبحان، در مورد هلاکت قوم حیب نجار، به این مطلب تصریح کرده که سنت او، این چنین نیست که برای نابودی کفار، از آسمان، لشکرکشی کند، بلکه سنتش این است که با یک صیحه، آنان را هلاک می‌سازد (یس، ۲۸-۲۹)؛ از این رو، این سنت، در امت خاتم نیز، اجراء می‌شود: «وَمَا يَنْظُرُ هُوَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ» \* وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَلْ لَنَا قِتْنًا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (ص، ۱۵-۱۶). «صیحه»، به معنای صوت بسیار بلند و شدید است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۲۴). معنای آیه این است: این تکذیب‌کنندگان از امت تو، انتظار نمی‌برند، مگر یک صیحه را که همگی آنان را هلاک کند و با آمدنش، دیگر برای آنان، بازگشت و یا مهلتی نخواهد بود، و این همان، عذاب استیصال است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۱۸۵). چنانکه آیه دوم شاهد بر این معنا است، چون مشرکین از باب استهزاء تقاضای عذاب قبل از قیامت داشتند، و نزول عذاب استیصال، پاسخی به استعجال آنان است.

در جای دیگر، امت به صاعقه‌ای، همانند صاعقه هلاکت بار قوم عاد و ثمود، تهدید شده است: «فَإِنِ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ.» (فصلت، ۱۳) «صاعقه»، صدای بسیار شدیدی است که در فضا پیچد و به دنبالش؛ یا آتش باشد، یا مرگ، و یا عذاب. استعمال فعل ماضی «أنذرتکم»، دلالت بر وقوع و حتمیت این عذاب، در امت خاتم دارد (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۳۷۵). در واقع، صاعقه، همان برق

و آتشی است که از صیحه آسمانی و برخورد صوت عظیم به جو، به وجود می آید (نک: قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۲۸).

ابزار دیگر عذاب امت، خسف و فرورفتن به اعماق زمین و سنگباران از آسمان است: «أَفَأَمِّنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُؤَسِّلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلاً» (اسراء، ۶۸). «خسف»، در اصل، به معنای پنهان گشتن و مخفی شدن است، از این رو، به پنهان شدن انسان‌ها و خانه‌ها در شکاف زمین، «خسف» گفته می‌شود (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۲۴۸). کلمه «حاصب»، به معنای طوفان و بادی است که از شدت، سنگ‌ریزه‌ها را از جای بکند و پرتاب کند (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۶۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۵۵).

مصادیق دیگر عذاب که در آیات قرآن و روایات فریقین به آنها اشاره شده است، عبارت است از: دخان (دخان، ۱۰)، خروج یاجوج و ماجوج (انبیا، ۹۶)، خروج دابه الارض (نمل، ۸۲). (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۶۰؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۴۹۰).

#### ۳-۴. وراثت صالحان در امت خاتم از منظر قرآن کریم

به طور کلی، سنت الهی، در همه امت‌ها این است که وعده‌ها و بشارت‌های دنیوی و اخروی که توسط رسولان الهی از طریق کتب آسمانی به امت‌ها، ابلاغ شده است، فقط شامل دوستان و اولیاء الهی می‌شود و آنان افرادی هستند که دو ویژگی را دارا باشند: ۱. ایمان، ۲. تقوا: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ \* الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ \* لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (یونس، ۶۲-۶۴) پس بشارت دنیوی یعنی وراثت زمین دنیوی و نیز بشارت اخروی یعنی وراثت زمین اخروی و بهشت موعود، فقط شامل حال آنان، خواهد بود.

در سوره انبیاء به ویژه، در ابتدا و انتهایش، به سنت قضاوت دنیوی، اشاره شده است؛ در ابتدایش، به نزدیک شدن حسابرسی الهی، در امت خاتم، تصریح می‌شود: «اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ» (انبیا، ۱) سپس به اجرای این سنت، در امت رسولان، اشاره می‌شود (انبیا، ۷-۱۱) از آیات پایانی سوره نیز استفاده می‌شود که این



داوری و حکم الهی، به نابودی خطاکاران و تعلق پایان جهان به صالحان، در سایر کتب آسمانی نیز، بیان شده است، با این وجود، اگر از دعوت و پیام الهی، روی برتابند، پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مأمور است که بگوید: «من به همه شما، به طور یکسان، از عذاب الهی، اعلام خطر می‌کنم، و از زمان این وعده الهی و قُرب و بُعد آن، مطلع نیستم و این، یا از باب امتحان و آزمون الهی است، و یا از باب مهلت دادن به شما است، جهت برخورداری و بهره‌مندی از تمتعات دنیوی، تا فرارسیدن زمان موعود. در پایان، خداوند، به رسولش، تعلیم می‌دهد که از او، به جهت هلاکت مخالفان و وراثت زمین، به صالحان امتش، در مقام دعا، از او، درخواستِ داوری، میان امتش کند، تا مخالفان را هلاک و صالحان را وارث زمین سازد: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ... \* فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِنْ أُذْرِي أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ... \* وَإِنْ أُذْرِي لَعَلَّهٗ فَتِنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ \* قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ». (انبیاء، ۱۰۵-۱۱۲).

##### ۵. سنجش رابطه استیصال شریران و وراثت صالحان با ظهور حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام

نقش اصلی و محوری، در استخلاف صالحان و استیصال شریران، بر عهده خلیفه خدا در زمین است. سنت الهی، در امت‌های پیشین، این چنین بوده است که داوری الهی میان امت، با درخواست خلیفه خدا، نسبت به عذاب طالحان و نجات صالحان، انجام می‌شده است؛ همچنین سنت الهی، در هنگام نزول عذاب این است که فقط مؤمنانی که با خلیفه خدا، معیت و همراه باشند، از هلاکت، نجات پیدا می‌کنند. به بیان دیگر، علت اصلی نجات مؤمنان، معیت با خلیفه الهی است و خدای سبحان به حرمت او، مؤمنان را نجات می‌دهد و نجات آنان، فرع نجات اوست: «قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ \* فَأَفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ \* فَأَنْجِنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ \* ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ» (شعراء، ۱۱۷-۱۲۰).

براساس همین سیره الهی، جریان سنت وراثت صالحان و هلاکت منحرفان در امت آخرالزمان نیز، با محوریت خلیفه خدا و دعای او، رقم خواهد خورد: «أَمَّنْ يُجِيبُ

الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ» (نمل، ۶۲). در این آیه، سخن از فرد مضطری است که دعایش، مورد اجابت الهی، قرار می‌گیرد و نتیجه این اجابت الهی، برطرف شدن موانع سد راه جانشینی مؤمنان در زمین است، با توجه به سنت الهی در استخلاف صالحان، این شخص مضطر، کسی جز خلیفه خدا در زمین، نمی‌تواند، باشد؛ لذا استخلاف صالحان، در امت خاتم، با دعای حضرت مهدی علیه السلام، حاصل می‌شود: «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَهُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يَقُولُ اللَّهُ فِيهِ: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ فِيهِ نَزَلَتْ وَ لَه»، (ابن اَبی زینب، ۱۳۹۷ق، ص ۱۸۲).

استیصال شیرین و وراثت صالحان، در امت خاتم، در روز فتح و داوری خداوند در میان امت، رخ خواهد داد، روزی که توبه و اظهار ایمان، آنها را از هلاکت، نجات نخواهد داد: «وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ \* فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانظُرُوا إِلَيْهِمْ مُنْتَظِرُونَ» (سجده، ۲۸-۳۰) منظور از «يَوْمَ الْفَتْحِ» روز قضاوت دنیوی در امت رسول خاتم صلی الله علیه و آله و روز نزول عذاب استیصال است، یعنی عذابی که کفار را ریشه کن می‌سازد و مجال ایمان، به آنها نمی‌دهد (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۱۷۷). در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «روز فتح، روز قیام حضرت مهدی علیه السلام است که دنیا برای او گشوده می‌شود و هر کس پیش از آن، ایمان نیاورده باشد، و به این فتح، یقین نداشته باشد، ایمان آوردن، در آن روز، برایش سودبخش نخواهد بود» (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۳۸).

ویژگی سودبخش نبودن توبه و ایمان از سوی کفار، در روز داوری خداوند، سنتی الهی در نزول عذاب استیصال است. (مؤمن، ۸۵) عدم نفع ایمان، به این معنا است که اظهار ایمان، آنان را از هلاکت، نجات نخواهد داد و حیاتشان را استمرار، نخواهد بخشید (یونس، ۹۸).

حضرت مهدی علیه السلام نیز در نامه‌اش به شیخ مفید، به لزوم تقوا، قبل از ظهور و سود بخش نبودن توبه، در زمان ظهور و نیز ناگهانی بودن آن، اشاره کرده‌اند که این موارد، از ویژگی‌های عذاب استیصال، به‌شمار می‌آیند: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرَبُ بِهِ مِنْ

مَحَبَّتِنَا، وَلِيَتَجَبَّ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَسَخَطِنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتُهُ فَجَاءَهُ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَي حَوْبَةٍ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۴۹۸). استیصال کفار، یا از طریق قتل آنان، توسط حضرت قائم علیه السلام و اصحابش، صورت می گیرد، و یا از طریق عذاب های آسمانی و زمینی.

در سوره هود، خبر از تأخیر عذاب امت خاتم، تا آمدن «امت معدوده»، داده شده است: «وَلَكِنَّ أَكْزَرَنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لِيَقُولُوا مَا يَحْسِبُهُ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (هود، ۷-۸) کلمه «امت»، به معنای جماعت و نیز به معنای وقت، آمده است. مراد از «امت معدوده»، زمان محدود و یا جماعت محدود است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۱۵۴). در روایات تفسیری آمده است که «امت معدوده»، همان سیصد و سیزده نفر از اصحاب قائم علیه السلام هستند (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۱۴۰). همچنین در روایات تفسیری ذیل آیه آمده است که عذاب ستمگران این امت، از جمله لشکریان سفیانی تا فراهم شدن ۳۱۳ نفر یاران حضرت حجت علیه السلام به تأخیر انداخته شده است (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، صص ۳۴۳-۳۴۴).

در روایات فراوانی که از طرق شیعه و اهل سنت، نقل شده، آیات آخر سوره سبأ، بر خسف بیداء و فرو رفتن لشکر سفیانی به اعماق زمین، به سبب تعقیب حضرت مهدی علیه السلام تطبیق شده است (نک: سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، صص ۲۴۰-۲۴۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۲۲).

داوری خداوند، در عصر ظهور، از طریق ارائه آیات آفاقی و آیات انفسی، محقق خواهد شد: «سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت، ۵) مراد از آیات آفاقی، همان حوادث و بلا یایی است که در آسمان و زمین، آشکار می شوند؛ از قبیل: صیحه آسمانی، خروج دابه الارض، خسف و غیره است. منظور از آیت انفسی، مسخ شدن به شکل حیوانات است. روایات نیز مؤید این معنا هستند که این آیات آفاقی و انفسی، مربوط به تعذیب امت، در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام هستند:

«ابو بصیر گوید: «از امام باقر علیه السلام در مورد تفسیر فرمایش خدای عزّ و جلّ، سؤال شد

که می‌فرماید: «سُئِرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمُ الْآيَةَ»، فرمود: به آنان در جانشان، مسخ را خواهد نمود و آنچه در کرانه‌های جهان، به آنان نشان می‌دهد؛ یعنی نقصان و تنگ شدن کرانه‌های جهان بر ایشان است، پس قدرت خداوند را در خودشان و در محیطشان مشاهده می‌کنند، و فرمایش خداوند: «تا بر ایشان روشن شود که او بر حقّ است» مقصود از آن، خروج قائم است که آن حقّ است از سوی خدای عزّ و جلّ و این خلق او را می‌بینند و چاره‌ای از آن نیست» (ابن ابي زینب، ۱۳۹۷ق، ص ۲۶۹).

مراد از نقصانِ آفاق، در روایتِ فوق، همان تعبیر قرآنی است در مورد نزول عذاب، در اطراف و نواحی مختلف زمین: «أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُضُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَمْ فَهَيْمُنُ الْعَالِبُونَ» (انبیاء، ۴۴) در روایت دیگر، مصداق دیگر آیات آفاقی، از قبیل: خسف یعنی فرورفتن در زمین و قذف یعنی سنگ‌باران از آسمان و یا چیزی شبیه به آن، بیان شده است (نک: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۳۴): «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «سُئِرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» قَالَ حَسَفٌ وَمَسْحٌ وَقَذْفٌ قَالَ: قُلْتُ: حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ قَالَ: دَعَا ذَلِكَ قِيَامَ الْقَائِمِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۶۶).

## ۶. استیصال شریران و وراثت صالحان در کتاب عهدین

پس از بیان آیات الهی در باب سنت عذاب استیصال و وراثت صالحان این نگرش در کتاب عهدین قابل ملاحظه است. چنان‌که قرآن کریم، خود را تصدیق‌کننده این کتب آسمانی، معرفی کرده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ» (مائده، ۴۸)، البته با اذعان به این مطلب که تحریفاتی نیز در آنها، صورت پذیرفته است، ولی از آنجایی که آیات ذیل با قرآن کریم هماهنگ هستند، مورد پذیرش هستند. اکنون در صدد آوردن شواهدی از کتاب عهدین، به جهت تأیید نظریه مختار یعنی تلازم استخلاف و وراثت صالحان در امت آخرالزمان، با عذاب استیصال است تا از این منظر، دانسته شود که همه کتب آسمانی و ادیان ابراهیمی، در این امر، اتفاق نظر دارند:

## ۱-۶. زبور داود علیه السلام

در کتاب مزامیر داود علیه السلام و امثال سلیمان، بیش از سایر کتب انبیا بنی اسرائیل، از استیصال ظالمان و وراثت صالحان، سخن به میان آمده است، از جمله، در مزمور دهم، به نابودی، شیریران و اقوام گنهکار از زمین و پایان رعب و وحشت، اشاره شده است:

بازوی شیریران و بدکاران را بشکن؛ شرارت ایشان را بازخواست نما، تا اثری از آن باقی نماند. خداوند، پادشاه است تا ابد الآباد؛ قومها از سرزمین او، نابود خواهند شد. خداوند، تو آرزوی ستمدیدگان را اجابت می کنی؛ آنان را قوت قلب می بخشی و گوش خود را فرا می داری؛ تو یتیمان و کوبیدگان را دادرسی می کنی تا انسان خاکی، دیگر رعب و وحشت نیافریند (مزمور ۱۰: ۱۵-۱۸).

در مزمور یازدهم، آمده است که شیریران به سبب اجرای عدالت الهی، با بارش آتش و گوگرد از آسمان و باد سوزان، نابود خواهند شد و صالحان، به نظاره وجه الله، نائل خواهند شد:

خداوند، در معبد مقدس خویش است؛ خداوند، بر تخت خود، در آسمان است. چشمان او می نگرد، پلکهای او، بنی آدم را می آزماید. بر شیریران، اخگرهای افروخته، خواهد بارانید؛ سهم پیاله آنها، گوگرد گداخته و باد سوزان، خواهد بود. زیرا خداوند، عادل است، او اعمال پارسایان را دوست می دارد؛ صالحان روی او را، نظاره خواهند کرد. (مزمور ۱۱: ۴-۶).

در مزمور ۳۷ به طور مکرر و با بیانات مختلف، به استیصال شیریران و وراثت صالحان، اشاره شده است. تعابیری که در این مزمور آمده، همه بر دنیوی بودن وراثت زمین و نیز بر تلازم آن، با استیصال طالحان، دلالت دارد:

به سبب شیریران، خویشان را مشوش مساز و بر فتنه انگیزان، حسد مبر\* زیرا که مثل علف، بزودی، بریده می شوند... زیرا که شیریران، ریشه کن خواهند شد و اما منتظران خداوند، وارث زمین، خواهند بود\* هان بعد از اندک زمانی، شیریر نخواهد بود، در مکانش، تأمل خواهی کرد و نخواهد بود\* و اما حلیمان، وارث زمین، خواهد شد و از فراوانی سلامتی، متلذذ خواهند گردید؛... زیرا آنانی که از وی، برکت یابند،

وارث زمین گردند و اما آنانی که ملعون وی‌اند، منقطع خواهند شد. ... خداوند، انصاف را، دوست می‌دارد و مقدّسان خود را، ترک نخواهد فرمود، ایشان، محفوظ، خواهند بود تا ابدالآباد و اما نسل شریر، ریشه‌کن خواهد شد \* صالحان، وارث زمین، خواهند بود و در آن تا به ابد، سکونت خواهند نمود. ... منتظر خداوند باش و طریق او را نگاه دار، تا تو را به وراثت زمین، برافزاد، چون شریران منقطع آن را، خواهی دید. ... مرد کامل را ملاحظه کن و مرد راست را ببین؛ زیرا که عاقبت آن مرد، سلامتی است \* اما خطاکاران، جمیعاً، هلاک خواهند گردید و عاقبت، شریران، ریشه‌کن خواهند شد \* و نجات صالحان، از خداوند است و در وقت تنگی، او قلعه ایشان خواهد بود \* و خداوند، ایشان را اعانت کرده، نجات خواهد داد، ایشان از شریران، خلاص کرده، خواهد رهانید، زیرا بر او توکل دارند (مزمور ۳۷: ۱-۴۰).  
 همچنین در مزمور ۹۲ و ۱۴۵ نیز به نابودی همیشگی شریران و شکوفایی پارسایان، تصریح شده است (مزمور ۹۲: ۵-۱۵؛ ۱۴۵: ۱۷-۲۱).

### ۲-۶. امثال سلیمان

در کتاب امثال سلیمان نبی نیز، به ریشه‌کن شدن شریران از روی زمین و سکونت و بقای صالحان در زمین، اشاره شده است: «پس در راه مردمان نیکو، گام بردار و طریق‌های پارسایان را ترک مکن؛ زیرا صالحان، در زمین، ساکن خواهند شد و راستان در آن، باقی خواهند ماند. اما شریران، از زمین، منقطع خواهند شد و خیانت‌پیشگان، از آن، ریشه‌کن خواهند گردید» (امثال سلیمان ۲: ۲۰-۲۲).  
 در آیات دیگر نیز آمده است که شریران، به وسیله توفان، نابود شده و دیگر، ساکن زمین، نخواهند شد، ولی اهل تقوا، تا ابد، در زمین، باقی خواهند ماند (امثال سلیمان ۱۰: ۲۴-۳۰؛ ۱۱: ۱۹-۲۱؛ ۱۲: ۷).

### ۳-۶. کتاب دانیال

در کتاب دانیال نبی، به وقوع بزرگترین عذاب دنیوی و نجات افراد مکتوب در

کتاب الهی و نیز رجعت برخی از مؤمنان و معاندان در آن ایام، اشاره شده است: در آن زمان، رئیس بزرگ، میکائیل، که از پسران قوم تو، محافظت می‌کند، بر خواهد خاست. آن‌گاه، چنان ایام مصیبتی، خواهد بود که نظیر آن، از زمانی که قومی به وجود آمده تا آن روز، نبوده است. در آن زمان، قوم تو، رهایی خواهد یافت، یعنی هر آن‌که نامش، در کتاب، نوشته شده باشد. و بسیاری از آنان که در خاکِ زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد، اما اینان، برای زندگی جاودان و آنان برای خجالت و حقارت جاودان. خردمندان، چون روشنایی افلاک، خواهند درخشید، و آنان که بسیاری را به پارسایی، رهنمون می‌شوند؛ همچون ستارگان، خواهند بود، تا ابدآباد. اما تو ای دانیال، این کلام را پنهان دار و کتاب را تا زمان آخر، مهر کن (دانیال ۱۲: ۱-۳).

#### ۴-۶. کتاب سموئیل

در کتاب سموئیل، به امامت مستضعفان و وراثت آنان بر زمین و نیز بر داوری دنیوی خداوند سبحان، بر کرانه‌های زمین و فرستادن عذاب صاعقه، به جهت نابودی دشمنانِ خداوند، تصریح شده است: «... شریران، در تاریکی، خاموش خواهند شد، زیرا انسان، به نیروی خود، چیره نخواهد گشت. آنان که با خداوند، دشمنی می‌ورزند، درهم خواهند شکست؛ او از آسمان، بر ایشان، رعد خواهد فرستاد. خداوند، بر کرانه‌های زمین، داوری خواهد کرد. او پادشاه خود را نیرو خواهد بخشید و شاخ مسیح خود را بر خواهد افراشت» (سموئیل ۲: ۷-۱۰).

#### ۵-۶. کتاب اشعیاء

در کتاب اشعیاء نبی، جزئیات اوصاف روز خدا و روز وقوع عذاب استیصال و نیز نشانه‌های آن، مانند: وقوع حوادث کیهانی، پرداخته شده است که مشابه نشانه‌های ظهور در احادیث اسلامی است: «... اینک، روز خداوند، می‌آید! روز قساوت، غضب و خشم آتشین! تا جهان را

ویرانه‌ای سازد و گنهکاران را از میانش، هلاک کند. براستی که ستارگان آسمان و صور فلکی شان، روشنایی خود را نخواهند داد؛ آفتاب، در وقت طلوع خود، تاریک خواهد شد، و ماه، نور خود را نخواهد تابانید. آری، من جهان را به سبب شرارتش، و بدکاران را به سبب تقصیرشان، سزا خواهم داد...» (اشعیا ۱۳: ۱۴-۸).

در آیات دیگر نیز، به وراثت و تسلط همیشگی صالحان و پارسایان بر زمین، تصریح شده است (اشعیا ۶۰: ۲۰-۲۲).

### ۶-۶. کتاب ملاکی

در کتاب ملاکی نیز، از هلاکت نسل متکبران و شریران از زمین و طلوع آفتاب عدالت، برای پارسایان، خیر داده است: «اینک آن روز که همچون کوره، مشتعل است، فرا می‌رسد و همه متکبران و شرارت‌پیشگان، گاه خواهند بود. و خداوند لشکرها می‌گوید: آن روز که می‌آید، ایشان را چنان، خواهد سوزانید که نه ریشه‌ای برای ایشان، باقی خواهد گذاشت، نه شاخه‌ای. اما برای شما که از نام من می‌ترسید، آفتاب عدالت، طلوع خواهد کرد و بر بال‌هایش، شفا خواهد بود» (ملاکی ۴: ۱-۳).

### ۶-۷. انجیل متی

در باب ۲۴ انجیل متی، به تفصیل حوادث مربوط به وقوع عذاب استیصال در آخرالزمان و وراثت صالحان، در زمان بازگشت حضرت عیسی علیه السلام و نشانه‌های آسمانی و زمینی آن، مشابه آنچه در روایات اسلامی آمده، به تصویر کشیده شده است:

«... زمان ظهور پسر انسان، مانند روزگار نوح، خواهد بود. در روزهای پیش از توفان، قبل از اینکه نوح، به کشتی درآید، مردم می‌خوردند و می‌نوشیدند و زن می‌گرفتند و شوهر می‌کردند و نمی‌دانستند، چه در پیش است. تا اینکه توفان آمد و همه را با خود بُرد. ظهور پسر انسان نیز، همین گونه، خواهد بود. از دو مرد که در مزرعه هستند، یکی برگرفته و دیگری، واگذاشته خواهد شد. ... پس بیدار باشید، زیرا نمی‌دانید، سرور شما، چه روزی خواهد آمد. ... خوشا به حال آن غلام که



چون اربابش، بازگردد، او را مشغول این کار ببیند، آمین! به شما می‌گوییم، که او را بر همهٔ مایملک خود، خواهد گماشت. اما اگر آن غلام، شریر باشد و با خود بیندیشد که اربابم، تأخیر کرده است، و به آزار همکاران خود پردازد و با میگساران، مشغول خوردن و نوشیدن شود، آنگاه اربابش، در روزی که انتظار ندارد و در ساعتی که از آن، آگاه نیست، خواهد آمد و او را از میان، دو پاره کرده، در جایگاه ریاکاران، خواهد افکند» (انجیل متی ۲۴: ۱-۵۱).

در انجیل مرقس نیز، این سخن با کمی اختلاف، آمده است (انجیل مرقس ۱۳: ۱-۳۷)؛ همچنین، در جای دیگر، دنیا به مانند مزرعه‌ای، تصویر شده که پسر انسان، در آن، بذر خوبان و صالحان می‌کارد و ابلیس، بذر طالحان، فصل درو محصول نیز، پایان دنیا و آخرالزمان است و دروگران، فرشتگانند که طالحان را از صالحان، جدا ساخته و آنان را نابود خواهند ساخت. ولی صالحان، در پادشاهی خدا، مانند خورشید، خواهند درخشید:

شخصی که بذر خوب، در مزرعه می‌کارد، پسر انسان است. مزرعه، این جهان است؛ و بذر خوب، فرزندان پادشاهی آسمانند. کرکاس (علف هرز)، فرزندان آن شَریرند؛ و دشمنی که آنها را می‌کارد، ابلیس است. فصل درو، پایان این عصر است؛ و دروگران، فرشتگانند. همان‌گونه که علف‌های هرز را جمع کرده، در آتش می‌سوزانند، در پایان این عصر نیز، چنین خواهد شد. پسر انسان، فرشتگان خود را خواهد فرستاد و آنها هر چه را که باعث گناه می‌شود و نیز تمام بدکاران را از پادشاهی او، جمع خواهند کرد و آنها را در کورهٔ آتش، خواهند افکند» (انجیل متی ۱۳: ۳۶-۴۳).

## ۸-۶. انجیل لوقا

در انجیل لوقا نیز آمدن پادشاهی و حکومت خدا و روز ظهور پسر انسان، مشابه ایام نوح و ایام لوط، تصویر شده که با نزول عذاب استیصال، همراه خواهد بود:

«... روزهای پسر انسان، همچون روزهای نوح، خواهد بود. مردم می‌خوردند و می‌نوشیدند و زن می‌گرفتند و شوهر می‌کردند تا آن روز که نوح، به کشتی

در آمد. آنگاه سیل، برخاست و همه را هلاک کرد. در زمان لوط نیز چنین بود. مردم سرگرم خوردن و نوشیدن و خرید و فروش و زراعت و عمارت بودند. اما روزی که لوط از سدوم، بیرون آمد، آتش و گوگرد، از آسمان بارید و همه را هلاک کرد. روز ظهور پسر انسان نیز، به همین گونه خواهد بود. در آن روز، کسی که بر بام خانه‌اش باشد و اثاثیه‌اش، در درون خانه، برای برداشتن آنها، فرود نیاید. و آن که در مزرعه باشد، به خانه بازنگردد» (انجیل لوقا ۱۷: ۲۰-۳۶).

### نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش، در آیات قرآن کریم و عهدین، خدای سبحان، وعده داده است در آخر الزمان، در عصر ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه و بازگشت مسیح علیه السلام، میان صالحان و شریران، داوری خواهد کرد و مهمترین ابزار الهی جهت ریشه‌کن ساختن شریران، همانند امت رسولان نخستین، همانا نزول عذاب آسمانی و زمینی، همچون صیحه آسمانی، صاعقه، خسف، زلزله، سنگباران، طوفان و غیره، خواهد بود، اگرچه برخی نیز از طریق قتل توسط یاران منجی موعود، از بین خواهند رفت. سنت خدای تعالی، این است که در ایامی که عذابش را نازل می‌سازد، اظهار ایمان و توبه پذیرفته نمی‌شود؛ لذا در روایات آمده است که در زمان قیام مسلحانه حضرت حجت عجل الله فرجه، توبه پذیرفته نمی‌شود. بر این اساس، طبق تصریح آیات کتب آسمانی، جمیع گنهگاران و شریران، از صفحه روزگار، محو خواهند شد و زمین، از لوث وجود آنان، تطهیر خواهد شد، و صالحان و پاکانی که از عذاب الهی، نجات یافته‌اند، جانشین آنان در زمین می‌شوند و تمام دارایی‌ها و مواهب زمین، به آنان منتقل شده و آنان وارث زمین، می‌گردند. چنان که قرآن نیز تصریح کرده: پایان جهان، از آن اهل تقوا است: «و العاقبة للمتقين» لذا این تصور که در عصر ظهور، گنهگاران نیز حضور خواهند داشت، ولی در جامعه نتوانند گناه و ظلم آشکار، داشته باشند، تصور نادرستی است. همچنین تفسیر وراثت، به حکومت، معنای دقیق و صحیحی نیست، زیرا طبق این معنا، غیر صالحان نیز حضور خواهند داشت، ولی حکومت در دست صالحان، خواهد بود و از

طرفی، هر زمان، صالحان در طول تاریخ، به حکومت رسیده باشند، مصادیقی از مصادیق وراثت صالحان بر زمین، خواهند بود که این برداشت نیز نادرست است؛ زیرا وراثت صالحان بر زمین، یک مصادیق بیشتر ندارد و آن هم در عصر ظهور است، چون اولاً، محدوده وراثت، کلّ زمین است، ثانیاً، وراثت صالحان، با نابودی جمیع خطاکاران، همراه خواهد بود و این امر، تاکنون، رخ نداده است.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

\*\* عهدین

۱. ابن ابي زينب، محمد بن ابراهيم. (۱۳۹۷ق). الغيبة للنعماني. تهران: نشر صدوق.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاييس اللغة (ج ۳). قم: مكتب الاعلام الاسلامي.
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۱۱). بيروت: دار صادر.
۴. ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق). تفسير التحرير و التنوير (المعروف بتفسير ابن عاشور) (ج ۱ و ۱۱). بيروت: مؤسسة التاريخ العربي.
۵. آراني، جواد باغباني. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی ارتباط آخرالزمان و موعود در قرآن و عهدین، پژوهش‌های مهدوی، ۶(۲۳)، صص ۷۱-۸۹.
۶. ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة (ج ۴). بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. استرآبادی، علی. (۱۴۰۹ق). تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). أنوار التنزيل و أسرار التأویل (تفسير البيضاوي) (ج ۳). بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۹. پایدار، زهرا؛ دژآباد، حامد. (۱۳۹۲). رهیافت‌های مفسران فریقین درباره آیه ۵۰۱ سوره انبیاء. فصلنامه مطالعات قرآنی، ۴(۱۶)، صص ۷۷-۱۰۵.
۱۰. پورسیدآقایی، سیدمسعود؛ حلفی، محمد و کاظمی، سیدمحسن. (۱۳۹۳). مهدویت در قرآن (تأملی در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء). پژوهش‌های مهدوی، ۳(۱۰)، صص ۱-۲۶.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). الصحاح (ج ۱). بيروت: دار العلم للملايين.
۱۲. حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین (ج ۴). قم: اسماعیلیان.

۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
۱۴. زحیلی، وهبه. (۱۴۱۱ق). التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج (ج ۱، چاپ دوم). دمشق: دار الفکر.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (ج ۳ و ۵). قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.
۱۶. شبر، عبدالله. (۱۴۰۷ق). الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین (ج ۳). کویت: شركة مكتبة الالفین.
۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۳، ۱۲، ۱۳، ۱۵ و ۱۷). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۴، ۵، ۶ و ۸). تهران: ناصر خسرو.
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). التفسیر (تفسیر العیاشی) (ج ۲). تهران: مكتبة العلمية الإسلامية.
۲۰. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) (ج ۱۷). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۱. قاسم نژاد، زهرا؛ انصاری پور، جمیله. (۱۳۹۷). وارثان زمین در پایان تاریخ از منظر تورات، زبور، انجیل و قرآن با تکیه بر اشتراکات، پژوهش های مهدوی، ۷(۲۶)، صص ۱۵۳-۱۷۶.
۲۲. قرشی بناپی، علی اکبر. (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث (ج ۴ و ۶). تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
۲۳. قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن (ج ۴). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). تفسیر القمی (ج ۸). قم: دار الکتب.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۸). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۶. گنجی، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی آیه ۱۰۵ انبیاء از منظر مفسران شیعه و اهل سنت. پویش در آموزش علوم انسانی، ۳(۹)، صص ۱-۱۳.

۲۷. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). تاج العروس. بیروت: دار الفکر.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۹، ۱۱، ۱۳ و ۱۷، چاپ دوم). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۹. میبیدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، ج ۴). تهران: امیر کبیر.
۳۰. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

## References

\* The Holy Quran

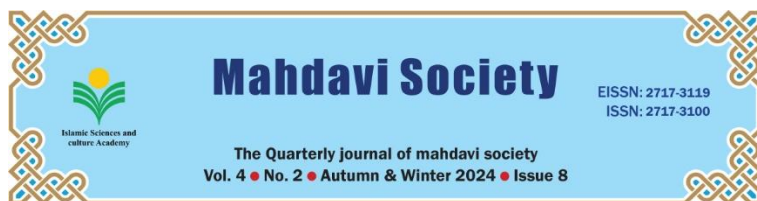
\*\* The Testaments

1. Arani, J. B. (1396 AP). A comparative study of the relationship between the end of the time and the Mawoud in the Qur'an and the Testaments, *Mahdavi Researches*, 6(23), pp. 71-89. [In Persian]
2. Ayashi, M. (1380 AH). *Al-Tafsir (Tafsir Al-Ayashi)* (Vol. 2). Tehran: Islamic Scientific School. [In Arabic]
3. Azhari, M. (1421 AH). *Tahzib al-Lugha* (Vol. 4). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
4. Baizawi, A. (1418 AH). *Anwar al-Tanzil va Asrar al-Taweel (Tafsir al-Bayzawi)* (Vol. 3). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
5. Estarabadi, A. (1409 AH). *Taweel al-Ayat al-Zahirah fi Faza'il al-Itrat al-Tahirah*. Qom: Al-Nashr al-Islami Institute. [In Arabic]
6. Fakhr Razi, M. (1420 AH). *Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghaib)* (Vol. 17). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
7. Ganji, F. (1396 AP). An examination of verse 105 of surah Anbiya from the point of view of Shia and Sunni commentators. *Survey in Teaching Humanities*, 3(9), pp. 1-13. [In Persian]
8. Ghasemnejad, Z., & Ansari-pour, J. (1397 AP). The inheritors of the earth at the end of history from the perspective of Torah, Psalms, Bible and Quran based on commonalities, *Mahdavi Researches*, 7(26), pp. 153-176. [In Persian]
9. Howeizi, A. (1415 AH). *Tafsir Noor al-Saghalein* (Vol. 4). Qom: Ismailian. [In Arabic]
10. Ibn Abi Zeynab, M. (1397 AH). *Al-Ghaiba al-Numani*. Tehran: Sadouq Publications. [In Arabic]
11. Ibn Ashour, M. R. (1420 AH). *Tafsir al-Tahrir wa al-Tanweer (known as Ibn Ashur's Tafsir)* (Vols. 11 & 14). Beirut: Arab History Institute. [In Arabic]
12. Ibn Faris, A. (1404 AH). *Mujam Maqaees al-Lugha* (Vol. 3). Qom: Maktab al-A'alam al-Islami. [In Arabic]

13. Ibn Manzoor, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (Vol. 11). Beirut: Dar Sadir. [In Arabic]
14. Johari, I. (1376 AH). *Al-Sahah* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ilm le al-Mala'een. [In Arabic]
15. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 8). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya.
16. Makarem Shirazi, N. (1371 AP). *Tafsir Nemouneh* (v. 9, 11, 13 & 17, 2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
17. Meybodi, A. (1371 AP). *Kashf al-Asrar va Idah al-Abrar (known as the interpretation of Khaja Abdullah Ansari)* (Vol. 4). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
18. Morteza Zubeydi, M. (1414 AH). *Taj al-Arus*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
19. Paydar, Z., & Dejabad, H. (1392 AP). Approaches of Fariqain commentators about verse 105 of Surah Anbiya. *Qur'anic Studies*, 4(16), pp. 77-105. [In Persian]
20. Pour Seyed Aghaei, S. M., Halfi, M., & Kazemi, S. M. (1393 AP), Mahdiyyism in the Qur'an (a reflection on verse 105 of Surah Anbia), *Mahdavi Researches*, 3(10), pp. 1-26. [In Persian]
21. Qarashi Bonabi, A. A. (1375 AP). *Tafsir Ahsan Hadith* (Vol. 4 & 6). Tehran: Bethat Foundation, Publishing Center. [In Persian]
22. Qarashi, A. A. (1371 AP). *Qamous Qur'an* (Vol. 4). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
23. Qomi Mashhadi, M. (1368 AP). *Tafsir Kanz al-Daqaq va Bahr al-Gharaeb*. Tehran: Printing and Publishing Organization. [In Persian]
24. Qomi, A. (1363 AP). *Tafsir al-Qami* (Vol. 8). Qom: Dar al-Kitab. [In Persian]
25. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
26. Shabar, A. (1407 AH). *Al-Johar Al-Thamin fi Tafsir al-Kitab al-Mubin* (Vol. 3). Kuwait: Shirkat Maktaba al-Ulfain. [In Arabic]
27. Soyouti, A. (1404 AH). *Al-Dur al-Manthur fi Al-Tafsir be al-Mathur* (Vols. 3 & 5). Qom: Public Library of Hazrat Ayatollah Marashi Najafi. [In Arabic]



28. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 4, 5, 6 and 8). Tehran: Nasser Khosro. [In Persian]
29. Tabatabaei, S. M. H. (1390 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 3, 12, 13, 15 & 17). Beirut: Mu'asisah Al-Alami le al-Matbu'at. [In Arabic]
30. Zoheili, W. (1411 AH). *Al-Tafsir al-Munir fi Al-Aqeedah va Al-Sharia va Al-Manhaj* (Vol. 11, 2<sup>nd</sup> ed.). Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]



## The Methodology of the Supreme Leader of Iran Facing the Belief Deviations of the Occultation Age with an Emphasis on the Thought of Jihad-e Tabyeen<sup>1</sup>



Fatemeh Raoufi Tabar<sup>1</sup> Khodamorad Salimian<sup>2</sup>

1. PhD student, Department of Philosophy and Theology, Qom State University, Qom, Iran (corresponding author).

fmr.t.1371@gmail.com; ORCID: 0001-0001-8354-7404

2. Associate professor, Department of Mahdism Studies, Research Center for Mahdism and Futurology, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

kh.salimian@isca.ac.ir; ORCID: 0009-0009-7477-0319

### Abstract

Belief deviations mean a return from correct beliefs towards eclecticism and wrong thinking, which management and dealing with them in the Age of Occultation takes a different form due to the absence of the imam in the society. This article has been formed with the analytical-descriptive method and with the aim of the studying the methodology of the Supreme Leader of Iran in opposition to the belief deviations in the age of occultation, and his work is based on the idea of Jihad-e Tabyeen (Struggle for clarification). The Supreme Leader, as one of the elites of the age of occultation, considers Jihad-e Tabyeen to be the best way to inform the society about deviations and also the most successful way to defend the right view against the deviations of the enemies. Considering the

..

---

1. **Cite this article:** Raoufi Tabar, F., & Salimian, Kh. (1402 AP). The Methodology of the Supreme Leader of Iran Facing the Belief Deviations of the Occultation Age with an Emphasis on the Thought of Jihad-e Tabyeen. *Journal of Mahdavi Society*, 8(8), pp. 164-193.

<https://doi.org/10.22081/JM.2024.68213.1085>

---

\* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). \***Type of article:** Scientific-promotional Article

▣ **Received:** 28/12/2024 • **Revised:** 04/02/2024 • **Accepted:** 19/02/2024 • **Published online:** 06/03/2024

---

division of different types of deviations into three individual sections, sedition of foreign enemies and internal questions and doubts, the method of explanation in each type will be different from the other. The main audience of Jihad-e Tabyeen are ignorant, unbiased people and those who have no idea about Islam and Islamic thoughts. However, explanation can also neutralize the tactics and fallacies of enemies. The explanatory methods approved by the Supreme Leader are in fact, the logical explanation of ideals and goals, and achievements. Therefore, protecting the society from the deviations of the Age of Occultation can be done by explaining things such as the issue of Imamate in Shia Imamiya literature, proving the birth of Imam Mahdi, recognizing and referring to authentic Islamic sources, paying attention to the definite signs of the reappearance of Imam Mahdi, correct understanding of the meaning of the waiting and the proxy system.

### **Keywords**

Mahdiism, methodology, belief deviations, age of occultation, Jihad-e Tabyeen, The Supreme Leader of Iran.

## روش‌شناسی مقام معظم رهبری در تقابل با انحرافات عقیدتی

### عصر غیبت با محوریت اندیشه جهاد تبیین<sup>۱</sup>

فاطمه رئوفی تبار<sup>۱</sup>      خدامراد سلیمیان<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری، رشته فلسفه و کلام، دانشگاه دولتی قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

fmrt.1371@gmail.com; ORCID: 0000-0001-8354-7404

۲. دانشیار، گروه مهدویت‌پژوهی، پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران.

ORCID: 0000-0009-7477-0319 kh.salimian@isca.ac.ir;



### چکیده

انحرافات عقیدتی، به معنی بازگشت از اعتقادات صحیح به سوی التقاط و کج‌اندیشی است که راهبری و مقابله با آن در عصر غیبت به واسطه دوری جامعه از امام، شکلی متفاوت به خود می‌گیرد. این نوشتار، با روش تحلیلی-توصیفی و با هدف روش‌شناسی مقام معظم رهبری در تقابل با انحرافات عقیدتی عصر غیبت شکل گرفته و محور کار خود را بر پایه اندیشه جهاد تبیین قرار داده است. مقام معظم رهبری به‌عنوان یکی از نخبگان عصر غیبت، جهاد تبیین را بهترین راه آگاه‌سازی جامعه نسبت به انحرافات و نیز موفق‌ترین طریق دفاع از دیدگاه حق در برابر انحرافات دشمنان می‌داند. با توجه به تقسیم انواع مختلف انحرافات در سه بخش فردی، فتنه دشمنان خارجی و پرسش‌ها و شبهات داخلی؛ شیوه تبیین در هر نوع، متفاوت از دیگری خواهد بود. مخاطب اصلی جهاد تبیین، افراد ناآگاه، غیرمغرض و کسانی هستند که تصویری از اسلام و اندیشه‌های اسلامی ندارند؛ با این حال، تبیین می‌تواند خنثی‌کننده حربه‌ها و مغالطات

۱. **استناد به این مقاله:** رئوفی تبار، فاطمه. (۱۴۰۲). روش‌شناسی مقام معظم رهبری در تقابل با انحرافات عقیدتی

عصر غیبت با محوریت اندیشه جهاد تبیین. جامعه مهدوی، ۸(۸)، صص ۱۶۴-۱۹۳.

<https://Doi.org/10.22081/JM.2024.68213.1085>

□ نوع مقاله: علمی - ترویجی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسنده گان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

دشمنان نیز باشد. روش‌های تبیینی مورد تأیید مقام معظم رهبری، در روایت صادقانه حقایق، تبیین منطقی آرمان‌ها و اهداف و در بیان دستاوردهاست؛ از این رو نگهداشت جامعه از انحرافات عصر غیبت با تبیین اموری چون: مسئله امامت در ادبیات شیعه امامیه، اثبات تولد شخص مهدی، شناخت و مراجعه به منابع اصیل اسلامی، توجه به نشانه‌های قطعی ظهور، درک صحیح از معنای انتظار و سیستم نیابت عامه انجام می‌پذیرد.

### کلیدواژه‌ها

مهدویت، روش‌شناسی، انحرافات عقیدتی، عصر غیبت، جهاد تبیین، مقام معظم رهبری.

## مقدمه

انحرافات عقیدتی، به معنی بی‌راهه‌هایی است که در کنار مسیر اصلی هدایت و تفکر اسلامی قرار گرفته و زمینه‌ساز گمراهی و کج‌روی ره‌پویان می‌گردد. انحرافات در عصر غیبت، به واسطه محروم ماندن جامعه از ظهور امام، اشکال جدیدی به خود می‌گیرند، حیرت، هجوم شبهات، بازگشت از اعتقادات، از دست دادن تحمل و بردباری، شک و تردید در وجود امام و اصل دین و در نتیجه بازگشت از آن و ارتداد، روایت‌های دروغین و... سبب می‌شود حفظ عقاید دینی در این عصر، سخت‌تر از دوران حضور ائمه علیهم‌السلام باشد. آنچه در این مسیر، مهم به نظر می‌رسد دست‌یابی به روشی مناسب در جهت جلوگیری از این نوع انحرافات است.

آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یکی از دغدغه‌مندان در این عرصه و در سمت دیده‌بان نظام جمهوری اسلامی، روش جهادی تبیین را به‌عنوان یکی از مؤثرترین راه‌های پیش‌گیری و درمان انحرافات می‌داند. هدف از این نگارش، روش‌شناسی ایشان در مقابله با انحرافات عقیدتی عصر غیبت بر پایه نظریه جهاد تبیین است که با شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به نگارش درآمده است. در این راستا به چند پرسش اساسی نیز پاسخ داده می‌شود:

از منظر مقام معظم رهبری شاخصه‌های عصر غیبت و انواع انحرافات عقیدتی که جامعه این عصر را تهدید می‌کند چیست؟

از منظر مقام معظم رهبری، روش‌های تبیینی در جهت کنترل انحرافات عقیدتی عصر غیبت چیست؟

نکته قابل توجه آنکه پیش‌ازین، هیچ اثری همسو یا همنام با نگارش حاضر به رشته تحریر درنیامده است و این ایده در ذهن نگارنده این اثر شکل گرفته است؛ اگرچه در بحث انحرافات عصر غیبت و اندیشه جهاد تبیین به‌صورت مستقل، نگارش‌هایی وجود دارد؛ اما به جهت تفاوت عمده اهداف و محتوای آن آثار با اثر پیش‌رو تنها به ذکر نمونه‌هایی از این آثار بسنده می‌شود:

۱. مقاله «مهدویت در اندیشه مقام معظم رهبری»، به قلم (کرمی، ۱۴۰۲) که در این اثر،

آماری از سخنرانی‌های مقام معظم رهبری پیرامون مباحث مهدویت ارائه شده و تفاوت آن با اثر حاضر هم در روش تحقیق و هم در گستره مباحث است که این اثر، تنها به روش‌شناسی مقام معظم رهبری در تقابل با انحرافات عصر غیبت می‌پردازد.

۲. مقاله «تحلیل روایی مبانی و اصول انتظار در بیانات آیت الله خامنه‌ای»، به قلم (سلیمان و شاهرخی، ۱۳۹۹) که این اثر نیز اگرچه به یکی از ریز موضوعات مهدوی با تمرکز بر آثار مقام معظم رهبری می‌پردازد؛ اما تفاوت‌های عمده‌ای با اثر پیش‌رو هم در موضوع محوری و هم در روش بحث دارد.

۳. مقاله «الزامات و موانع اخلاقی جهاد تبیین در اندیشه مقام معظم رهبری با تکیه بر نقش روحانیت»، به قلم (نجم‌آبادی، ۱۴۰۱) که این اثر نیز همچون این مقاله، بر پایه اندیشه جهاد تبیین مقام معظم رهبری شکل گرفته است؛ اما محوریت دو اثر با یکدیگر، تفاوت دارند.

۴. مقاله «گستره جهاد تبیین در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای» به قلم (حیایی، ۱۴۰۱) که این اثر نیز همچون مقاله پیشین از جهت تمرکز بر اندیشه جهاد تبیین با اثر حاضر، مشابهت دارد؛ اما محوریت مباحث و روش بحث در آن‌ها، متفاوت است.

## ۱. مفهوم‌شناسی و ادبیات نظری تحقیق

پیش از هر چیز لازم است مبانی نظری پژوهش مورد توجه قرار گیرد:

### ۱-۱. روش‌شناسی

روش‌شناسی یا متدولوژی<sup>۱</sup> بخشی از علم منطق است که پیرامون روش‌های مختلف معرفت و علوم، تحقیق می‌کند. تحقیق در روش‌های عام؛ مثل تحلیل، ترکیب، استقراء، استنتاج، شهود و استدلال و امثال آن و همچنین تحقیق در روش خاص هر یک از علوم مانند روش علوم ریاضی و... بر عهده روش‌شناسی است (صلیبا، ۱۳۶۶، ص ۴۴۶)؛ بنابراین،

1. Methodology

روش‌شناسی، دانشی است که تلاش دارد مفاهیم اساسی و ابزارهای عقلانی را که یک روش، برای وصول به هدف، به آن نیازمند است، فراهم آورد.

## ۲-۱. مفهوم و عوامل انحراف عقیدتی

انحراف در لغت به معنی عدول کردن یا به طرفی مایل شدن، کج‌روی و کج‌اندیشی آمده است (راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۷۱) و در اصطلاح، بسته به متعلق، معانی متعددی را به خود دیده است. انحراف عقیدتی، یکی از انواع انحراف دینی است که از اندیشه و عقیده، برمی‌خیزد. از نگاه دینی، مخالفت با دستوره‌های الهی، انحراف نام دارد که با اصطلاح گناه یا معصیت از آن یاد می‌شود. در ظاهر به نظر می‌رسد معیار انحراف دینی، تکالیف الهی باشد؛ اما تکالیف، همیشه به کمال انسانی، ناظرند و در حقیقت، معیار ارزیابی، کمال حقیقی انسان است که با اصطلاح قرآنی عبودیت، شناخته می‌شود (ذاریات، ۵۶) انحراف دینی نیز بنا بر جایگاه و سرمنشأ انحراف و نقطه بروز و ظهور آن، در دو دسته قرار می‌گیرد: ۱. انحراف در اندیشه و باور (کج‌اندیشی) ۲. انحراف در عمل و رفتار (کج‌روی)؛ بنابراین، ناظر به معنای لغوی باید گفت؛ انحراف، میل از استقامت و راه مستقیم به جهتی خاص است که سبب سقوط و گمراهی می‌شود. مقصود از انحراف عقیدتی در این مجال، بخش نخست انحرافات دینی؛ یعنی، کج‌اندیشی است.

برای دریافت معیاری دقیق و بی‌نقص از عوامل انحراف، نخست باید مسیر مستقیم و اصلی را شناخت. مسیر اصلی در اعتقادات یک مسلمان، حرکت براساس دستورات قرآن و سنت پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام است؛ بنابراین شناخت انحراف و عوامل آن نیز تنها از همین طریق ممکن است. قرآن کریم، عوامل متعددی را سبب انحراف عقیده و عملکرد معرفی کرده است که به‌طور کلی می‌توان، این عوامل را در دو دسته جای داد:

### الف: عوامل وابسته به شخص: مقصود از عوامل وابسته به شخص؛ یعنی، مجموعه‌ای

از ویژگی‌های انسانی و شخصیتی که از درون، فرد را به سمت انحراف سوق می‌دهد. قرآن کریم، چند عامل درونی را در انسان، زمینه‌ساز انحراف می‌داند:

۱. اختیار: انسان، می‌تواند با تفکر و اراده خود، مسیرهای مختلف را شناسایی نموده



و بهترین آن‌ها را برگزینند. انتخاب انحراف، یکی از عوامل مهم در انحراف عقیده و عملکرد است (روم، ۴۱)؛

۲. مقهور شدن در برابر امیال و کشش‌های نفسانی: در درون انسان، غرایز و کشش‌هایی وجود دارد که او را به سمت انحراف دعوت می‌کند. این البته به معنی دست‌بسته بودن و ناتوانی انسان در کنترل خواست این غرایز نیست. این کشش‌ها گاه، مادی و حیوانی و گاه، گرایش‌های متعالی به انحراف کشیده شده و دنیاطلبانه است (ص، ۲۶)؛

۳. ضعف شخصیت و فقدان هویت: خروج انسان از دایره اخلاق و دین، سبب شکل‌گیری ملکاتی رفتاری در او می‌شود که خود، عامل انحراف و کج‌اندیشی می‌گردد: خشم و ناراحتی (اعراف، ۱۵۰)، کینه و نفرت (مائده، ۲)، عشق و شیفتگی (یوسف، ۳۰)، حسادت (یوسف، ۸-۹)، خودکم‌بینی (اعراف، ۱۳۸)، گرایش به محسوسات و ملموسات (نساء، ۱۵۳)، تقلید کورکورانه و بدون تحقیق (زخرف، ۲۲) و... از جمله آن‌هاست.

**ب. عوامل بیرونی:** عوامل بیرونی، به معنای عوامل خارج از انسان است و خود در دودسته عوامل درون اجتماعی و عوامل خارج از اجتماع، تقسیم می‌شود.

۱. عوامل درون اجتماعی، به معنی زمینه‌ها و اسباب انحرافی است که در بستر جامعه محل زندگی انسان وجود دارد. انحرافات جریان حاکم بر جامعه و به عبارتی حکومت‌ها، ناهنجاری‌ها (نور، ۹)، فشارهای اجتماعی؛ همچون فقر (نور، ۳۳)، فرقه‌ها و گروه‌های فکری انحرافی (نمل، ۳۴)، هم‌نشینی و دوست‌های نامناسب (نساء، ۱۴۰)، خرده‌فرهنگ‌های غلط و خرافات (اعراف، ۸۲) از جمله عوامل مؤثر در انحراف اجتماعی است.

۲. عوامل خارج از اجتماع نیز همچون احساس حقارت و خودباختگی در برابر داشته‌های دیگران (بقره، ۴۹)، تلاش دشمنان در جهت ایجاد انحراف، مغالطات، دروغ افکنی و شبهه‌پراکنی (انعام، ۱۱۲)، هم‌نشینی با کفار (نساء، ۱۴۰) و... است که می‌تواند نقش بسیار مهمی در ایجاد انحراف عقیدتی ایفا کند.

### ۱-۳. عصر غیبت و شاخصه‌های آن

آنچه تحت عنوان عصر غیبت از آن یاد می‌شود، ناظر به دوره دوم غیبت؛ یعنی، غیبت کبرا است. در روایات پیامبر و معصومین علیهم‌السلام از این دوره با خصائص و ویژگی‌هایی یاد شده است که در ادامه به نمونه‌هایی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. ندیدن و نشناختن امام: بارزترین مشخصه این دوران، دیده‌نشدن یا شناخته‌نشدن امام علیه‌السلام است. جدایی ظاهری بین رهبر و مردم، سبب می‌شود که این دوران از سایر اعصار پیش از خود، امتیاز یابد. مقام معظم رهبری در توصیف این ویژگی عصر غیبت می‌فرماید: «کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است. در روایت دارد که مردم او را می‌بینند، همچنانی که او مردم را می‌بیند، منتها نمی‌شناسند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت یوسف که برادران او را می‌دیدند، بین آنها بود، در کنار آنها بود، روی فرش آنها راه می‌رفت؛ ولی نمی‌شناختند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

۲. انتقال مسئولیت به نواب عام: پیش از غیبت صغرا، ارتباط مردم با امام از طریق نایبان مشخصی بود که نقش واسطه میان امام و مردم جامعه را داشتند. با آغاز غیبت کبرا، امام از آخرین نائب خواستند، شخص خاصی را به‌عنوان نائب پس از خود انتخاب نکنند و با ارائه مشخصات و ویژگی‌هایی، نایبانی را به‌طور عمومی به جامعه معرفی کردند تا در حوادث پیشرو به آن‌ها مراجعه شود (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۷۰).

از منظر مقام معظم رهبری، این انتقال مسئولیت به نواب عام، با هدف نزدیک‌شدن به اهداف جامعه مهدوی است؛ از این جهت می‌فرمایند: «البته دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد؛ ... ما به قدر توان و تلاش خود می‌خواهیم مجموعه‌ی کارگزاران حکومت را - که خودمان هم جزء آن‌ها هستیم - به نقطه‌ای برسانیم که با نصاب جمهوری اسلامی تطبیق کند. ما می‌خواهیم خود را به حد نصاب نزدیک کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸).

۳. گسترش ابتلائات و آشفتگی‌ها، ظلم و گناه و هجوم شبهات: اصل غیبت و دوری از امام، نقطه آزمایش است، با این حال، تعبیر روایات، حاکی از آن است که دوران

غیبت با امواج مختلفی از بلایا و ابتلائات همراه است: ترس، گرسنگی، بیماری، افزایش قیمت‌ها و... که همه این‌ها به‌نوعی، آزمایش و امتحان الهی است (اربلی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۰)؛ همچنین براساس روایتی دیگر که از پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت رسیده؛ پیش از ظهور، ظلم و ستم، جهان را فرا می‌گیرد. علی علیه السلام می‌فرماید: «به راستی این زمین از ستم و بیداد پر خواهد شد چنانکه کسی جز در نهران به خداوند معتقد نباشد...» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۸۲). در روایات، انواع متعددی از شبهات و تردیدها در زمان غیبت بیان شده است که گاه ناظر به وجود و حیات امام زمان و گاه در اصل دین و ایمان به خداوند است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «... در ولادت قائم ما و غیبت او و طولانی شدن آن مردم باایمان، گرفتار بلاها و مصیبت‌ها هستند و به جهت طولانی شدن دوران غیبت، در دل‌هایشان شک و تردید راه می‌یابد و بیشتر آنها از دینشان برمی‌گردند» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۵۲). مقام معظم رهبری، در همین رابطه می‌فرماید: «قبل از دوران مهدی موعود، آسایش و راحت‌طلبی و عافیت نیست... قبل از ظهور مهدی موعود ﷺ، در میدان‌های مجاهدت، انسان‌های پاک امتحان می‌شوند؛ در کوره‌های آزمایش وارد می‌شوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود ارواحنفاذده روزبه‌روز نزدیکتر می‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

۴. ظهور مدعیان و دروغ‌گویان: به دلیل اقتضائات عصر غیبت، مدعیان زیادی در طی این مدت، مدعی می‌شوند که حجت خدا و قائم هستند؛ همچنین عده‌ای برای ظهور، زمان تعیین می‌کنند و از این جهت، ادعاهایی دارند. ائمه اهل بیت امر ظهور را وابسته به خدا دانسته و هر کس درباره آن به‌طور مشخص، مدعیاتی داشته باشد؛ دروغ‌گو خواندند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۶۸).

رهبر معظم انقلاب، کارهای عامیانه و جاهلانه را از دستاویزهای مدعیان و منحرفان می‌داند و معتقدند: «از جمله چیزهایی که می‌تواند یک خطر بزرگ باشد، کارهای عامیانه و جاهلانه و دور از معرفت و غیر متکی به سند و مدرک در مسئله مربوط به امام زمان ﷺ است که همین، زمینه را برای مدعیان دروغین فراهم می‌کند. کارهای غیر عالمانه، غیر مستند، غیر متکی به منابع و مدارک معتبر، صرف تخیلات و توهمات؛

این جور کاری مردم را از حالت انتظار حقیقی دور می‌کند، زمینه را برای مدعیان دروغ‌گو و دجال فراهم می‌کند؛ از این بایستی به شدت پرهیز کرد. در طول تاریخ مدعیانی بودند؛ بعضی از مدعیان هم همین چیزی که حالا اشاره کردند، یک علامتی را بر خودشان یا بر یک کسی تطبیق کردند؛ همه‌ی اینها غلط است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

بر اساس روایات و شاخصه‌هایی که برای عصر غیبت بیان شد؛ می‌توان انحرافات این عصر را در دو دسته کلی جای داد:

۱. انحرافات شکل‌گرفته بر اثر ویژگی‌های خاص فردی؛ همچون ضعف ایمان و درونی نشدن باورهای دینی.
۲. انحرافات شکل‌گرفته از سوی عوامل خارجی؛ این عوامل گاه از درون جامعه نشئت گرفته است؛ همچون التقاط و اختلاط باورهای صحیح و غلط و نیز ادعای مدعیان و دروغ‌گویان و گاه از بیرون جامعه اسلامی در نتیجه توطئه‌های دشمنان شکل می‌گیرد؛ مانند شبهات و تردیدهایی که بر اعتقادات شیعه وارد می‌شود. هر یک از این انحرافات به پاسخی درخور و متناسب نیازمند است.

#### ۴-۱. مفهوم و منشا جهاد تبیین

«جهاد» در لغت به معنی صرف نیرو و مشقت در دفع دشمن (راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰۸) و «تبیین» به مفهوم تفصیل دادن و آشکار کردن امور پنهان است (راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۵۶). در اصطلاح علوم مختلف، می‌توان معانی متعددی برای آن در نظر گرفت. با این حال، آنچه در این نوشتار، مقصود است، اصطلاح «جهاد تبیین» به‌عنوان یکی از کنش‌های مهم نخبگان در مواجهه با انحرافات است؛ بنابراین، همان‌گونه که در جهاد نظامی، مشقت‌ها و تلاش‌های زیادی برای دفع حملات دشمن، لازم است؛ در برخی دیگر از عرصه‌ها نظیر عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و... نیز تلاش‌ها و مشقت‌های فراوانی باید صورت بگیرد تا ابهاماتی که در اذهان، شکل گرفته، مرتفع شود. در این میان، تبیین‌کننده، متحمل هزینه‌های متعددی می‌شود تا به جای محافظه‌کاری و اهمال، روشن‌گر حقیقت باشد؛ از این سو، تبیین در برخی عرصه‌ها به جهاد، تبدیل می‌شود.

رهبر انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از نخبگان عصر غیبت، در سنوات متعدد، تأکید زیادی بر مسئله تبیین داشتند و در سال‌های اخیر، اصطلاح «جهاد تبیین» و «سلاح تبیین» را بنیان نهادند. این اصطلاح، در واقع، فتوایی از سوی مقام معظم رهبری است که در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ در جهت مقابله با انحراف و تحریف در ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی صادر شد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۹/۲۱).

منشأ این اصطلاح به روایت ارزشمندی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌رسد: «وَاللَّهِ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ خدا را خدا را درباره جهاد با اموال و جان‌ها و زبان‌های خویش در راه خدا» (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

عبارت جهاد با زبان، بر جهاد تبیین و بیان دستاوردها و داشته‌ها دلالت دارد و حضرت در کنار جهاد با مال و نفس، آن را یکی از اقسام جهاد برشمردند؛ بنابراین، متعلق تبیین، یا در جهت بیان ویژگی‌های مثبت و تکیه بر توان درون مجموعه است، یا فنون و حرب‌های دشمن داخلی و خارجی را بیان می‌دارد. ویژگی‌های مثبت با توضیح، تبیین و یادآوری این عناوین انجام می‌پذیرد: ۱. داشته‌ها، امکانات، موقعیت‌ها و استعدادها؛ ۲. دستاوردها و فضائل و موفقیت‌های به‌دست آمده؛ ۳. ترسیم سیمای اعصار گذشته، کاستی‌ها و نواقص آن‌ها؛ ۴. جاذبه‌ها و نقاط بکر نیازمند تحقیق و بررسی و ۵. دلایل عقب‌ماندگی‌ها و شکست‌ها.

در مصاف دشمنان نیز اگرچه تبیین، تأثیر چندانی بر حرب‌ها و فنون حمله‌ای دشمن و تغییر چهره و اهداف او ندارد؛ اما موجب آگاهی دوستان ناآگاه، غافل یا خودباخته می‌شود؛ از این جهت لازم است این موارد، توضیح داده و یادآوری شود: ۱. تحریف‌ها، ۲. نقشه و اهداف دشمن، ۳. بیراهه‌ها، فرق انحرافی و دروغ مدعیان و ۴. شبهات و بزرگ‌نمایی افراطی ضعف‌ها از سوی دشمن.

## ۲. ضرورت تبیین در تقابل با انحرافات

روش‌های مختلفی برای مواجهه با انحرافات در اندیشه رهبری، بیان شده است که از این میان رسالت این نوشتار، تمرکز بر کنش یا جهاد تبیین است. ضرورت این بحث از

دیدگاه مقام معظم رهبری، به عناوین ذیل، تقسیم می‌شود:

۱. جلوگیری از سوءاستفاده دشمن: بدون تبیین حقیقت، افکار عمومی در ظلمت و فضای غبار آلود باقی خواهند ماند و دشمن، سوءاستفاده خواهد کرد. مقام معظم رهبری از این امر مهم، این‌گونه یاد کردند: «شما روایت کنید حقایق جامعه خودتان، کشور خودتان و انقلابتان را. اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند، هر جور دلش می‌خواهد توجیه می‌کند، دروغ می‌گوید، صد و هشتاد درجه خلاف واقع، جای ظالم و مظلوم عوض می‌شود» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۹/۲۱).
۲. عامل و محرک حرکت: هر حرکتی، نیاز به محرک و عاملی برای حرکت دارد، مقام معظم رهبری، این عامل را تبیین می‌دانند: «تبیین، اساس کار است و ما با ذهن‌ها و دل‌ها مواجه هستیم. باید دل‌ها قانع شود تا بدن‌ها حرکت کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۴/۱۲).
۳. مقابله با رسانه‌های مهاجم: یکی از اساسی‌ترین تاکتیک‌ها در حملات دشمن، استفاده از ابزار رسانه در جهت شبهه‌پراکنی و مسموم کردن فضای فکری جامعه است. برای مقابله با تهاجمات رسانه‌ای، جهاد تبیین، یک وظیفه قطعی و فوری است (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱۱/۱۹).
۴. استفاده از ابزار و سلاح متناسب در جنگ‌های سخت و جدید: در جنگ‌های سخت، نمی‌توان با سلاح‌های قدیمی؛ همچون شمشیر، نیزه و... به مبارزه با توپ، موشک و مانند آن رفت. سلاح تبیین، یک بخش نرم‌افزاری مهم دارد. بایستی با این سلاح، سخن نو گفت و شیوه نو در بیان داشت (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹).
۵. مقابله با ابزاری شدن دین در دست دنیامداران: بی‌توجهی به جهاد تبیین، سبب می‌شود، دنیامداران دین را هم وسیله هوس‌رانی و شهوت‌رانی خود قرار دهند: «دین در دست اشرار و بدکرداران گرفتار بوده که در آن از روی هوا و خواهش رفتار می‌شده و با آن دنیا می‌خواسته‌اند» (نهج‌البلاغه، ص ۴۲۶).

## ۱-۲. بایسته‌ها و لوازم

موفقیت هر چه بیشتر در بیان حقایق، داشته‌ها و دستاوردها؛ مرهون توجه به بایسته‌ها

و در نظر داشتن شرایطی است. اگرچه مکان، زمان، مخاطب، فرهنگ، آداب و رسوم و سایر عوامل فردی و محیطی؛ شرایط خاصی را ایجاد می‌کند؛ اما می‌توان چند امر را به‌عنوان لوازم کنش یا جهاد تبیین، مشترک میان عموم دانست. قرآن کریم به‌عنوان کتابی که از همان آغاز، مبنای کار خویش و رسالت پیامبران را تبیین می‌داند (نحل، ۴۴)، شماری از لوازم تبیین را برشمرده است:

۱. در نظر گرفتن شرایط: رعایت شرایط حالی، مقالی، مقام و سطح مخاطبین و نیز اکرام و احترام به مخاطب از جمله شرایطی است که باید در مقام تبیین به آن توجه داشت. بی‌توجهی به این امور می‌تواند نتایج عکس را در پی داشته باشد (اسراء، ۲۸ و ۳۲).  
مقام معظم رهبری نیز تشخیص این را که در هر عرصه، چه جهادی باید صورت بگیرد؛ از بایسته‌های تبیین می‌دانند. (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱۱/۰۳).

۲. اشراف و آگاهی کامل: تبیین و بیان حقایق، نیازمند آگاهی کامل از همه ابعاد مسئله و اشراف بر زوایای مختلف آن است. نخستین گام در تبیین، آگاهی خود تبیین‌کننده از مسائل است؛ از این جهت، قرآن کریم، نسبت به ارائه سخنی که فرد، از آن آگاهی ندارد؛ نهی نموده است (اسراء، ۳۶).

مقام معظم رهبری، دانشجویان را از مؤثرترین اقشار در جهاد تبیین می‌دانند و از این جهت در دیدار با دانشجویان می‌خواهند اگر به‌عنوان دانشجو، مسائلی برای فرد، روشن نیست؛ ابتدا برای خود به روشنگری پردازد و سپس آن را برای مجموعه دانشجویی تبیین کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۴/۱۲).

۳. بیان زیبا و نگاه جدید: در موارد متعددی، آگاهی‌های لازم در جامعه از مسئله وجود دارد؛ اما این نگاه، به‌درستی تبیین نشده یا بر اثر تکرار، به کلیشه و شعار مبدل شده است. بیان زیبا، قول حسن و نگاهی جدید به مسئله می‌تواند نوع خاصی از تبیین را رقم بزند (اسراء، ۵۳).

توجه به فرصت‌ها، ابزارها، سلاح‌ها و رسانه‌های روز از تأکیدات مهم مقام معظم رهبری در جهاد تبیین است: «در جنگ‌های سخت، با سلاح‌های قدیمی نمی‌شود کار

کرد... امروزه با شمشیر، نیزه و با این چیزها نمی توان به جنگ با موشک و توپ و مانند این ها رفت. جهاد تبیین نیز همین گونه است. با شیوه قدیمی نمی شود کار کرد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹).

۴. بلاغت و قوت در سخن گفتن و ارائه مستندات: نفوذ در قلب‌ها و عقل‌ها زمانی ممکن است که سخن، از قوت و استحکام کافی برخوردار باشد و این مهم، جز با ارائه مستندات و سخن از روی دلیل و منطق مقدور نخواهد بود. سخن بی‌استدلال، تنها یک ادعاست (احزاب، ۷۰).

در همین راستا مقام معظم رهبری نیز معتقدند؛ حقایق باید با منطقی قوی، سخن متین و عقلانیت کامل همراه با زینت عواطف انسانی و به کارگیری اخلاق، بیان شود (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۷/۰۵).

۵. رعایت انصاف در مقام نقد: جهاد و تلاش در جهت تبیین، به معنی تقدم تبیین و روشنگری بر نقد و حرکت مسلحانه است. با این حال، تبیین نیز گاه در جهت توضیح اقدامات دشمنانه است؛ از این جهت در تبیین نقادانه باید توجه داشت که از مقام انصاف، دور نشد (انعام، ۱۵۲).

مقام معظم رهبری، صبر و جهاد را - به معنای تلاش جدی و هدفمند در مقام تبیین - در قبال حرکت گمراه کننده‌ای که به مکتب سرازیر شده است - مهم و مؤثر می دانند و تبیین چهل روزه حضرت زینب علیها السلام، حضرت سجاد علیه السلام و حضرت ام کلثوم علیها السلام را عامل خروج از جهالت و ماندگاری حادثه عاشورا می خوانند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۷/۰۵).

## ۲-۲. انواع روش‌های تبیینی

برای مقابله با انحرافات، نخست باید نوع انحراف را شناسایی نمود و سپس، راه‌حل مناسبی در جهت جلوگیری از بروز و اشاعه انحراف به کار گرفت. آن دسته از انحرافات که ریشه در ذات خود فرد دارد؛ همچون افسردگی، وسواس، کمبود اعتماد به نفس، خودکم‌بینی، نادیده گرفتن داشته‌ها و دستاوردهای خود و خودی‌ها،



ناامیدی، مقاومت در برابر دانستن و دوری از جهل و... از جمله اموری است که تابع خواست و اراده خود فرد است و تا فرد برای درمان و از بین بردن مشکلات خود، اراده‌ای نداشته باشد و درصدد حل آن بر نیاید، هرگونه کنشی در او با تأثیر موقت همراه خواهد بود یا به هیچ عنوان اثر نخواهد داشت؛ چراکه اصل و ریشه مشکل، همچنان باقی است و همواره، ندایی در درون فرد، او را نسبت به پذیرش حق، دچار تردید می‌کند؛ از این جهت بهترین مرجع برای پاسخ‌گویی به این مسئله، علم روان‌شناسی و مشاوره است و در تخصص پژوهش حاضر نخواهد بود.

قسم دیگری از انحرافات، بیرون از خود انسان و متأثر از عوامل و فتنه دشمنان داخلی و خارج از جامعه است. نفوذ در عقیده و فکر، در بیشتر موارد در طی جنگی نرم و بدون رویایی فیزیکی و استفاده از سلاح انجام می‌پذیرد؛ بنابراین انحرافات عقیدتی، به دفاعی متناسب و سلاحی در خور جنگ نرم نیازمندند. از منظر مقام معظم رهبری، تبیین و روشن‌گری در زمینه اندیشه‌ها و باورهای صحیح، از بنیادی‌ترین کارها در جهت ارتقای سلامت فکری جامعه و جلوگیری از انحرافات عقیدتی است.

تبیین، به‌عنوان سازوکاری در مواجهه با انحرافات، از منظر مقام معظم رهبری دارای مراتب و روش‌هایی است:

## ۲-۲-۱. روایت صادقانه حقایق

فرد و جامعه برای تصمیم‌گیری و تعیین مواضع خود، به اطلاعات نیاز دارد؛ از این سو، روایت صحیح و مطابق واقع از حقایق، امری حائز اهمیت است. جنگ روایت‌ها تعبیر دیگری از مقام معظم رهبری است که براساس آن، اگر جامعه و منطقی، عقاید صحیح خویش را بازگو نکند و روایت صادقانه‌ای از مواضع خویش، ارائه نکند؛ دشمن، روایت‌گری را در دست می‌گیرد و هرگونه که بخواهد با دروغ، تزویر، تقطیع و توجیه به روایت می‌پردازد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۹/۲۱).

در عصر غیبت نیز روایت واقعی از حقایق، سبب می‌شود از بروز انحرافات

جلوگیری شود یا از گسترش آن، ممانعت به عمل آید. نمونه‌هایی از کنش تبیین با روش بیان حقایق در زمینه مهدویت عبارت است از:

### الف. تبیین مسئله امامت و دفاع از آن

عدم شناخت صحیح از امامت به معنای شیعی کلمه، یکی از عوامل مؤثر در انحرافات عصر غیبت است؛ از این جهت انحراف ایجاد شده چه نیازمند تبیین باشد و چه نیازمند دفاع، نخست، لازم است نگاه شیعه امامیه از امامت به درستی تبیین شود؛ از این جهت روایت صادقانه در زمینه امامت، یکی از اساسی‌ترین ابعاد تبیینی در عصر غیبت است.

در طی تاریخ اسلام از زمان نبی مکرم اسلام ﷺ تا عصر امام حسن عسکری علیه السلام، امامان شیعه تلاش داشتند تا با تبیین آموزه امامت، استدلال‌های عقلی و نقلی بر آن، جایگاه امام و فوایدش، به تبیین مسئله امامت شیعی پردازند و این جهاد تبیینی تا به آنجا رسید که جان خود را نیز در این مسیر از دست دادند. کتب تاریخی، کلامی و روایی شیعه، روایت‌گر جهاد تبیینی ائمه در طی تاریخ اسلام بوده است.

بر اساس اندیشه امامیه، امام، همچون پیامبر، انسان کاملی است که بین خداوند و موجوداتی که توان ارتباط مستقیم با او را ندارند، واسطه می‌شود و فیض الهی - چه در تکوین و چه در تشریح - را به موجودات می‌رساند. براساس قاعده عقلی سنخیت میان علت و معلول، میان عالم ربوبی و جهان ماده، سنخیتی وجود ندارد. موجودات عالم به دلیل فقر ذاتی و محدودیت‌های خود نمی‌توانند به‌طور مستقیم با ذات ربوبی مرتبط شوند و از فیاض مطلق، فیض دریافت کنند؛ از این جهت، واسطه‌ای لازم است که خداوند، او را برای چنین امری برگزیند تا به واسطه کمال و ویژگی‌های منحصر به فرد خود، فیض الهی را دریافت کند و به دیگر موجوداتی که توان ارتباط مستقیم با خالق خود را ندارند برساند. این واسطه، همان حجت الهی در روایات است که اگر حتی یک روز بر زمین نباشد؛ زمین با اهلش نابود می‌شوند (طبری‌آملی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۳۶).

رهبر معظم انقلاب، امام را انسان کامل و تداوم بخش مسئولیت نبی می‌دانند و

معتقدند: «از جمله کارهایی که برای تداوم این نظام انجام می‌گیرد، مسئله امامت است. امام؛ یعنی آن کسی که بایستی تداوم بدهد به این نظام؛ هم از لحاظ فکری و ایدئولوژیک، یعنی تدوین ایدئولوژی، پخته کردن ایدئولوژی ... هم از ناحیه‌ی سیاسی تداوم‌دهنده است؛ یعنی ضمن اینکه یک ایدئولوژی کامل است و مثل خود نبی بر این فکر و بر این مکتب تسلط دارد و همه‌ی اختیاراتی که نبی در زمینه این مکتب دارد؛ او هم دارد، از لحاظ رهبری سیاسی هم، زمام سیاست جامعه در دست او است، جامعه را مثل کاروانی همین‌طور قدم‌به‌قدم پیش می‌برد؛ این معنای امامت است» (خامنه‌ای، ۱۳۵۵/۱۰/۱۰).

بر اساس این نگاه، همواره حجت خداوند بر روی زمین قرار دارد و حتی اگر کسی، او را نشناسد، خللی به واسطه‌گری او ایجاد نخواهد شد؛ چراکه دریافت فیض از واسطه، نیازمند دیده‌شدن یا شناخته‌شدن او نیست و از آنجا که شیعه، نگاهی فراتر از یک والی و حکمران به مسئله امام و امامت دارد، حضور و وجود امام بدون ظهور و رؤیت او، همچنان برکات و آثار خود را خواهد داشت. تبیین دقیق این اندیشه و توجه به محتوای این استدلال عقلی، به چند انحراف عقیدتی در عصر غیبت، پاسخ می‌دهد. نخست، کسانی که به واسطه‌نشدن یا نشناختن امام زمان علیه السلام، وجود او را منکر شده‌اند یا در آن تردید نمودند، بر اساس این مبنای فکری، خواهند دانست که زمین نمی‌تواند حتی یک لحظه بدون وجود امام باقی بماند و هر آنچه از نعمت، خیر، وجود و کمال در پهنه هستی است، همه ناشی از وجود واسطه است. دوم، کسانی که امام را متولد نشده می‌پندارند، با این مبنا پاسخی برای نبود امام در یک زمان و تولد او در زمانی خاص، نخواهند داشت؛ چراکه این مسئله سبب می‌شود مردم یک دوره خاص از وجود امام بهره‌مند شوند و مردم دوره‌های پیش از آن، در گمراهی و ضلالت به سر برند و این امر، سبب ترجیح بلا مرجح و محال خواهد بود.

#### ب. تولد مهدی موعود علیه السلام

مسئله تولد حضرت حجت علیه السلام؛ از دیگر عناوین مهدوی است که برای جلوگیری از

انحرافات، نیازمند روایتی صادقانه و غیرغرضمندانه است. بنابر قاعده عقلی، هیچ زمانی نمی‌تواند خالی از وجود انسان کامل و حجت الهی باشد؛ اما اینکه در واقع نیز انسان کاملی متولد شده است، با فرضیه یا استدلال عقلی، قابل پاسخ نخواهد بود. نقل، شامل نقل‌های روایی از پیامبر ﷺ و ائمه طاهرين  و نیز شواهد تاریخی، متکفل اثبات وقوع چنین حقیقتی است. در روایات پیامبر  و ائمه ، مهدی موعود  از نسل حسین بن علی  و فرزند بلافضل امام حسن عسکری  است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۱۱ و نعمانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۵۷).

گواهی‌ها و شواهد تولد موعود با توجه به ضرورت حفظ حضرت و خطراتی که جان او را تهدید می‌کرد، به افراد خاص و قابل اطمینانی که به خانه حضرت در رفت و آمد بودند یا از یاران نزدیک امام حسن عسکری  به‌شمار می‌رفتند، محدود می‌شود. با این حال، امام حسن عسکری  تلاش داشتند مسئله تولد مهدی موعود را دست کم برای یاران نزدیک خود، تبیین کنند. یاران حضرت نیز به مناسبت‌های مختلف در نزد افراد قابل اطمینان به تبیین میلاد موعود و گزارش‌هایی از آن پرداختند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۴۰۱ و ۴۰۸ و ۴۳۰؛ نعمانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۴۵ و صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۰۸).

رهبر معظم انقلاب، سالروز میلاد حضرت حجت  را جشن و عید بزرگی برای عموم شیعیان، بلکه همه عدالت‌خواهان عالم می‌دانند و هر ساله در جهت گرامی‌داشت این روز به ایراد سخنرانی می‌پردازند. افزون بر آن، مسئله حی بودن و میلاد حضرت مهدی  به‌صراحت نیز در برخی از بیانات رهبر انقلاب، بیان شده است: «انتظار؛ یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛ به‌خصوص انتظار یک موجود حی و حاضر؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. این جور نیست که بگویند کسی متولد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است. در روایت دارد که مردم او را می‌بینند، هم‌چنانی که او مردم را می‌بیند، منتها نمی‌شناسند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

### ج. نشانه‌ها و مدعیان

از مهم‌ترین انحرافات عصر غیبت، وجود مدعیانی است که خود را قائم، مهدی و

منجی می‌خوانند. از زمان حضور امامان تا حال حاضر، همواره افرادی مدعی «مهدی» بودند. این در حالی است که در کلام حضرت رسول ﷺ و دیگر ائمه علیهم‌السلام، مهدی ﷺ، آخرین پیشوا و فرزند امام حسن عسکری علیهما السلام است و دارای ویژگی‌ها و نشانه‌هایی است که هر امامی در اندیشه شیعه باید واجد آن باشد. ادعاهای دیگری چون یمانی بودن، تطبیق برخی علائم و شرایط بر نشانه‌های ظهور نیز از دیگر انحرافات عصر غیبت است. برای پاسخ به این دسته از انحرافات، توجه به این نکته لازم است که قرائن و نشانه‌های ظهور به دو دسته قطعی و غیرقطعی تقسیم می‌شود و نشانه‌های پیش از ظهور باید به صورت واضح و آشکار و همه باهم، اتفاق بیفتند. مقصود از علائم قطعی، نشانه‌هایی است که به طور قطعی قبل از ظهور حضرت، رخ می‌دهند و هیچ‌گونه شرطی در ایجاد آن‌ها لحاظ نشده و ادعای ظهور پیش از تحقق آن‌ها دروغ است. امام سجاد علیهما السلام فرمودند: «ظهور قائم، از ناحیه خداوند، قطعی و خروج سفیانی نیز، از جانب خداوند قطعی است و قائمی جز با سفیانی وجود ندارد» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۷۴).

مقام معظم رهبری در خصوص نشانه‌ها و قرائن ظهور، متذکر می‌شوند که: «در طول تاریخ مدعیانی بودند؛ بعضی از مدعیان هم همین چیزی که حالا اشاره کردند، یک علامتی را بر خودشان یا بر یک کسی تطبیق کردند؛ همه اینها غلط است. بعضی از این چیزهایی که راجع به علائم ظهور هست، قطعی نیست؛ چیزهایی است که در روایات معتبر قابل استناد هم نیامده است؛ روایات ضعیف است، نمی‌شود به آنها استناد کرد. آن مواردی هم که قابل استناد هست، اینجور نیست که بشود راحت تطبیق کرد. ... این‌ها کارهای منحرف‌کننده است، کارهای غلط‌انداز است. وقتی انحراف و غلط به وجود آمد، آن وقت حقیقت، مهجور خواهد شد، مشتبه خواهد شد، وسیله‌ی گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد؛ لذا از کار عوامانه، از تسلیم شدن در مقابل شایعات عامیانه بایستی به شدت پرهیز کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

یکی از راه‌های مهم و کاربردی در جهت روایت صادقانه حقائق، مراجعه به متخصصین و علماست تا حقایق را آن‌چنان که هست از آن‌ها دریافت نمود. رهبر انقلاب در همین زمینه می‌فرمایند: «کار عالمانه، قوی، متکی به مدرک و سند، که البته

کار اهل فن این کار است، این هم کار هر کسی نیست، باید اهل فن باشد، اهل حدیث باشد، اهل رجال باشد، سند را بشناسد، اهل تفکر فلسفی باشد؛ بداند، حقایقی را بشناسد، آن وقت می تواند در این زمینه وارد میدان شود و کار تحقیقاتی انجام دهد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

## ۲-۲-۲. تبیین منطقی آرمان‌ها و اهداف

یکی از آثار انحراف، فراموش شدن یا بی‌توجهی به آرمان‌ها و اهداف است که دشمن با استفاده از آن تلاش می کند نیروهای ایمانی را از مسیر اصلی، خارج سازد. آرمان‌ها و اهداف، از دیگر ابعادی است که در جهت روشن‌گری دینی و اعتقادی، پذیرای جهاد تبیین هستند. از منظر مقام معظم رهبری، هنر اصلی، این است که جمهور مردم از مجموعه و توده‌ای منفصل و مصرفی، به مجموعه‌ای پُرانگیزه و علاقمند، با همت، هدفمند و آرمان خواه وارد میدان عمل شوند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۵/۱۲). اتصال و ایجاد مجموعه، از طریق اهداف و آرمان‌های واحد، میسر خواهد بود، به عبارتی دیگر، آنچه در یک نظام، نظم و هماهنگی ایجاد می کند، جهت واحد و جهت‌دار بودن است؛ از این جهت تا زمانی که آرمان‌ها و اهداف، مشخص نباشد، اتحاد و نظامی حاصل نخواهد آمد. ایجاد وحدت، همبستگی و مجموعه و نظام؛ در گرو معرفی اهداف است. در ادامه مسیر نیز برای حفظ انسجام و اتحاد جمعیت، تبیین و یادآوری آرمان‌ها و اهداف ضروری است. آرمان منتظران در عصر غیبت، وصول به حکومت عدل الهی با ظهور امام عادل حق است. با این حال، منتظر در عصر غیبت، در جهت هم‌سنگ‌سازی خود و جامعه با عصر پس از ظهور می کوشد. به این معنا که انتظار او با حرکت و تلاش برای رسیدن به آرمان، همراه است، نه از پای نشستن و خلاف اهداف ظهور عمل نمودن. این معنا از انتظار، با انحرافات مختلفی روبروست که در تلاش است انتظار را به حرکتی منفعلانه بدل نماید؛ از این جهت لازم است اهداف و آرمان‌های ظهور با تبیین همراه شود. مقام معظم رهبری، دعای ندبه را خطبه‌ای غرا در جهت تبیین باورها، آرزوها و شکوه‌های امامیه در طول تاریخ می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲).

در مسئله انتظار، تبیین منطقی آرمان‌ها و اهداف در چند عنوان، ضروری می‌نماید:

### الف. معنای انتظار

آرمان‌ها و اهداف مهدوی، وابستگی چندانی به تبیین صحیح از مسئله انتظار دارد. یأس و از دست دادن امید نسبت به برقراری عدل در جامعه، خستگی مردم از ظلم، نابرابری، نا عدالتی، عدم تحقق وعده‌های حاکمان و سیاست‌مداران، طولانی شدن امر غیبت و عدم دسترسی مردم به امام، برملا شدن دروغ مدعیان و... یکی از آفات و انحرافات جامعه عصر غیبت است. افزون بر اموری که گذشت، درک درست از حقیقت و معنا انتظار، غلبه بر این انحرافات را در پی دارد. اصل و اساس انتظار در مکتب شیعه با ایستادن، حرکت و مهیاشدن همراه است. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام پیرامون حقیقت انتظار نقل می‌کند: «هر یک از شما باید برای خروج قائم آماده شود هر چند با یک تیر» (نعمانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۲۰).

بر اساس اندیشه انتظار، منتظر، خود را در محضر امام می‌داند و در هر زمان به قدر توان خود در جهت نزدیک شدن به اهداف مهدوی، تلاش می‌کند. زنده داشتن معارف قرآن و عمل به آنچه امامان پیشین در جهت تبیین و احیاء آن کوشیدند، از جمله وظایف منتظر است. انتظار، ایجاد حرکت و آمادگی در خود، جامعه و در مرتبه بالاتر در تمام جهان است. نخبگان به عنوان پیشوایان مردم در عصر غیبت، پس از ایجاد امید و حرکت در خود، آن را به جامعه خویش و تمام عالم، عرضه می‌دارند تا ریشه ناامیدی در درون انسان‌های رنج کشیده، خشک شود. انقلاب اسلامی ایران به رهبری یکی از نخبگان عصر غیبت، نمونه‌ای از مقدمات حرکت عظیم انتظار است.

مقام معظم رهبری، ضمن توجه دادن مخاطبین به معنای غلط از انتظار، می‌فرماید: «یک معنای انحرافی در باب انتظار بود که خوشبختانه امروز از آن فهم و برداشت غلط، اثر چندانی نیست. کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که انتظار، یعنی این که شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح

کند و مفسد را برطرف نماید». (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱).

در مقابل، معنای صحیح انتظار را این گونه تبیین می‌کنند: «انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است. «انتظار داریم»، یعنی هر چه خیر و عمل خوب انجام دادیم و به وجود آمده، کم و غیر کافی است و منتظریم، تا ظرفیت نیکی عالم پُر بشود. یک بُعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنین نسبت به آینده است. انتظار مؤمن، یعنی این که تفکر الهی - این اندیشه‌ی روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است - یک روز سراسر زندگی بشر را فرا خواهد گرفت. یک بُعد انتظار این است که منتظر، با شوق و امید حرکت بکند. انتظار، یعنی امید...» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱).

از دیگر آرمان‌های منتظران در زمان غیبت، عملی کردن توصیه پیامبر بر تبعیت از دو ثقل قرآن و عترت است که مانع از بروز هر انحرافی است. افزون بر آن، دست‌یابی به تفسیری معصومانه از دین، از اهداف اصلی زیست مؤمنانه است.

#### ب. بازگشت به حاکمیت قرآن و اسلام با تفسیر معصومانه

یکی از اهداف جامعه مهدوی، بازگشت به مفاهیم اصیل مندرج در قرآن کریم و سیره پیامبر ﷺ با تفسیری معصومانه بدون هر گونه التقاط، تفسیر میلی، توجیه و سوءاستفاده است که توجه به این امر می‌تواند پاسخ‌گوی بسیاری از انحرافات عصر غیبت باشد: شناخت امام و شئون او، رد ادعای مدعیان، پاسخ به شبهات با منشأ داخلی و خارجی، مقابله با تفاسیر غلط از دین و... از جمله مسائلی است که با تفسیر معصومانه از قرآن کریم و سیره پیامبر، پاسخ داده می‌شود. این اصل در بیانات مقام معظم رهبری، تحت عنوان حاکمیت قرآن و اسلام، بیان شده است (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

بر این اساس، انحرافات عقیدتی در تطبیق با آیات قرآن و سنت معصومین علیهم‌السلام، قابل تشخیص خواهد بود. مقصود از تفسیر معصومانه، تبیین حقیقت قرآن بدون هر گونه دخل و تصرف، توجیه، خطا و لغزش است. این امر تنها از معصوم ممکن است؛ یعنی کسی که در دریافت، تبیین، تفسیر، نگهداشت و عمل به دین و... به دور از گناه، خطا و لغزش است (طوسی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۰۵؛ لاهیجی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۴). افزون بر آن، علم لدنی و بدون



واسطه نیز سبب می‌شود تبیین و تفسیر معصوم از دین، قرآن و سیره پیامبر، تفسیر به رأی نباشد و حقیقت امر را منکشف سازد. دو خصوصیت عصمت و علم لدنی، موهبتی از جانب خداوند بر افرادی خاص و دارای ظرفیت و استعداد است؛ از این جهت تشخیص وجود این دو در یک شخص نیز در توان انسان نیست و خداوند است که باید مفسران و مبینان کلام خود و حافظان دین را به انسان‌ها معرفی کند؛ بنابراین در نگاه شیعه امامیه، تنها تفسیری از قرآن و سیره پیامبر ﷺ مورد پذیرش است که با نقل متواتر و موثق به معصوم برسد (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۹؛ حلی، ۱۹۸۲م، ص ۱۶۴). وقتی تفسیر معصومانه، معیار قرار گیرد؛ انحرافات، التقاطها و شبهات، پاسخ داده می‌شود و حقایق دینی روشن می‌شود.

## ۲-۳. بیان دستاوردها

یکی دیگر از جهاتی که نیازمند اتصال با امر تبیین و روشنگری است، دستاوردهای مؤمنین در جامعه منتظر است. این امر، افزون بر ایجاد روحیه و انگیزه در پیمودن مسیر انتظار، جلوی روایت‌های ناصحیح و مغرضانه دشمن را نیز خواهد گرفت. یکی از دستاوردهای جامعه عصر غیبت، ولایت فقیه و فقها در عصر غیبت است. این ساختار بی‌نظیر و راهکار عملی در جهت جلوگیری از انحرافات زمان غیبت، جز در میان امامیه وجود ندارد و همه فرق به واسطه از دست دادن اتصال خود با هدایت‌گری معصومانه یا متصل به معصوم، آسیب‌های مختلفی را تجربه نمودند. جامعه‌ای که به این دستاورد بی‌نظیر دست یابد، خود را به تفاسیر صحیح از دین مرتبط کرده و خود را به هم‌سنخ شدن با جامعه ظهور، نزدیک کرده است. تبیین و روشن‌گری در زمینه این دستاورد، لوازم، ثمرات و نتایج آن، یکی از مهم‌ترین، ابعاد تبیین در زمان غیبت به‌شمار می‌رود.

سیستم و کالت یا سازمان نواب خاص، شبکه‌ای ارتباطی در شیعه است که از امام معصوم علیه السلام و عده‌ای از شیعیان نزدیک و وفادار به امام علیه السلام تشکیل شده و تأسیس آن مقارن با روی کار آمدن بنی عباس (۱۳۲ ق) و عصر امام صادق علیه السلام است. این سیستم با فرارسیدن عصر غیبت کبرا و وفات علی بن محمد سمری آخرین سفیر امام عصر (۳۲۹ق)

در طی توقیع شریفی از سوی امام عصر، جای خود را به مدیریت نایبان عام داد. شناخت ویژگی‌هایی که امامان معصوم علیهم‌السلام در طی تاریخ برای نواب خود در نظر داشتند به‌طور عام (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۵۶؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۴۱۲) و آنچه امام زمان علیه‌السلام در طی توقیع شریف خود بدان متذکر شدند به‌طور ویژه (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۳) می‌تواند در شناخت نایبان حقیقی و تمییز آن‌ها از جاعلان، فرصت‌طلبان و مدعیان دروغین مؤثر افتد و از بسیاری انحرافات عصر غیبت جلوگیری نماید. نیابت عام و ولایت فقها در عصر غیبت از آنجا که شبکه‌ای متصل به معصوم است، از انحرافات چون: التقاط و اختلاط اعتقاد صحیح و ناصحیح، شبهات، تفاسیر به رأی، ادعای مدعیان دروغین و... جلوگیری به عمل می‌آورد. افزون بر آن، این سیستم، نتیجه اعتماد و فرصت‌بخشی ائمه طاهرین به نخبگان جامعه عصر غیبت است که تا حد و اندازه خود، در امر هدایت جامعه انسانی، اثربخش باشند. ولایت فقیهان در عصر غیبت، حرکتی از سوی منتظران است تا ریشه ناامیدی و تظلم خواهی در وجود انسان‌های عصر غیبت نخشکد و امید به تشکیل حکومتی عادلانه در وسعت جهانی را در دل‌ها زنده بدارد. در این بین، تشکیل حکومت از سوی فقها سبب می‌شود، اختیارات و آزادی عمل بیشتری برای نایب عام امام شکل بگیرد و بدین وسیله در هدایت و تبیین جلوه‌های معارف اسلامی و مهدوی و دفاع نرم یا سخت در برابر شبهات و دشمنی دشمنان، موفقیت بیشتری حاصل شود؛ از همین جهت مقام معظم رهبری نیز، ولایت فقیه را مدیریتی زنده، بالنده و پیش‌رونده توصیف نموده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

### نتیجه‌گیری

انحرافات عقیدتی در زمان غیبت می‌تواند ناشی از یکی از این امور باشد: ۱. ویژگی‌ها و اختلالات شخصیتی؛ ۲. پرسش‌ها و شبهات درون اجتماعی؛ ۳. حملات و شبهات خارجی. انحرافات قسم نخست در تخصص این نوشتار نیست و نیازمند بررسی در فضای مشاوره و روان‌درمانی است. انحرافات دسته دوم، که به‌طور عمده از سوی دوستان و هم‌نظران شکل می‌گیرد یا از عدم آگاهی افراد از یک اصل یا اعتقاد دینی،

ناشی شده‌اند، نیازمند تبیین و روشن‌گری است؛ یعنی فرد، مؤلف است همه ابعاد مسئله را موشکافی کند و پس از آگاهی کامل بر آن، پاسخ‌گوی نیازها و پرسش‌های خود و جامعه باشد. بخش دیگری از انحرافات از سوی دشمن داخلی یا خارجی و در دو قالب جنگ نرم و سخت، سبب از کارافتادگی جامعه اسلامی می‌شود. مقابله در این بخش نیز نیازمند دفاعی متناسب است و چنانچه، اعتقادات، هدف گرفته شود و جنگ از نوع نرم باشد، تبیین اهداف و روش‌های دشمن و نیز در دست‌گیری روایت‌ها مهم‌ترین بعد دفاعی به حساب خواهد آمد؛ از همین رو، مقام معظم رهبری، جهاد تبیین را یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای آگاه‌سازی جامعه و دفع انحرافات داخلی و خارجی برمی‌شمارد و سه روش روایت صادقانه حقائق، تبیین منطقی آرمان‌ها و نیز بیان دستاوردها را به‌عنوان راه‌کار پیش‌گیرانه یا دفاعی در عرصه انحرافات پیشنهاد می‌کنند. در مسئله مهدویت نیز از طریق در دست‌گیری روایت در تبیین مسئله امامت و تولد حضرت مهدی؛ تبیین منطقی آرمان انتظار و همراه‌شدن با تفسیر معصومانه از دین و بیان دستاورد اندیشه ولایت فقیه می‌توان از انحرافات عقیدتی در عصر غیبت، پیش‌گیری و دفاع به عمل آورد.

## فهرست منابع

\* قرآن

\*\* نهج البلاغه

۱. اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱). کشف الغمه فی معرفه الائمه. تبریز: بنی هاشمی.
۲. حلی، حسن بن یوسف. (۱۹۸۲م). نهج الحق و کشف الصدق. بیروت: دارالکتب اللبنانی.
۳. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الاسناد. قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۴. حیایی، طاهره. (۱۴۰۱). گستره جهاد تبیین در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای. مجله معرفت سیاسی، ۱۴(۲۷)، صص ۷-۲۰.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۰). بیانات: در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، B2n.ir/u59742
۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۵۵). بیانات: در نشست سه‌جانبه با شهید مطهری و دکتر شریعتی، <https://khl.ink/f/50996>. ۱۳۵۵/۱۰/۱۰
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۸/۰۳/۱۹). بیانات: در دیدار با اقشار مردم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/2082>.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۹/۱۲/۱۱). بیانات: در دیدار با اقشار مردم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/2430>.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۰/۰۲/۱۲). بیانات: در دیدار جوانان در رشت. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/3064>.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۱/۱۲/۰۶). بیانات: در دیدار با جوانان زاهدان. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/11753>.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۴/۰۶/۰۸). بیانات: سخنرانی در دیدار با هیئت دولت. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/3304>.

۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷/۰۳/۱۴). بیانات: در سالگرد امام خمینی. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: ، <https://khl.ink/f/3463>.
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷/۰۶/۰۵). بیانات: دیدار نخبگان جوان دانشگاهی. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/3685>.
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۸/۰۲/۲۲). بیانات: در جمع مردم کردستان. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/6642>.
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰/۰۴/۱۸). بیانات: سخنرانی در جمع اساتید و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/12889>.
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰/۰۷/۲۴). بیانات: سخنرانی در جمع دانشجویان کرمانشاه. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/17597>.
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۵/۰۴/۱۲). بیانات: در دیدار جمعی از دانشجویان. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/33694>.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۰/۰۷/۰۵). بیانات: سخنرانی در پایان مراسم اربعین حسینی. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/48746>.
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۰/۰۹/۲۱). بیانات: در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/49192>.
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۰/۱۱/۰۳). بیانات: در دیدار با مداحان. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/49448>.
۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۰/۱۱/۱۹). بیانات: در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://khl.ink/f/49572>.
۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۰/۱۲/۱۹). بیانات: در دیدار اعضای مجلس خبرگان. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: ، <https://khl.ink/f/49769>.
۲۳. راغب، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن (ج ۱). بیروت: دارالشامیه.

۲۴. سلیمان، خدامراد؛ شاهرخی، سیدحامد. (۱۳۹۹). تحلیل روایی مبانی و اصول انتظار در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای. مجله پژوهش‌های مهدوی، ش ۳۳، صص ۲۵-۴۳.
۲۵. صدوق، محمد. (۱۳۹۵). کمال‌الدین و تمام‌النعمة (ج ۲). تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
۲۶. صلیبا، جمیل. (۱۳۶۶). فرهنگ فلسفی (مترجم: منوچهر صانعی). تهران: انتشارات حکمت.
۲۷. طبرسی، احمد. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج (ج ۲). مشهد: نشر المرتضی.
۲۸. طبری‌آملی، محمد بن جریر. (۱۴۱۳ق). دلایل‌الامامه. قم: بعثت.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الامالی. قم: دارالتقافه.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۶ق). الاقتصاد فيما يتعلق بالاعتقاد. بیروت: دارالاضواء.
۳۱. کرمی، حمیدرضا. (۱۴۰۲). مهدویت در اندیشه مقام معظم رهبری. مجله مشرق موعود، ۱۷(۶۶)، صص ۷-۲۵.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳). الکافی (ج ۱ و ۷). تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
۳۳. لاهیجی، عبدالرزاق. (۱۳۷۲). سرمایه ایمان در اصول اعتقادات. قم: انتشارات الزهراء علیها السلام.
۳۴. مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۴ق). تصحیح الاعتقادات الامامیه. قم: کنگره شیخ مفید.
۳۵. نجم‌آبادی، زهرا. (۱۴۰۱). الزامات و موانع اخلاقی جهاد تبیین در اندیشه مقام معظم رهبری با تکیه بر نقش روحانیت. مجله اخلاق، ۱۲(۶۸)، صص ۱۰۳-۱۲۸.
۳۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۶ق). الغیبه (ج ۱). قم: مدین.

## References

\* The Quran

\*\* Nahj al-Balagha

1. Erbeli, A. (1381 AP). *Kashf al-Qama fi Ma'arifa al-A'imah*. Tabriz: Bani Hashemi. [In Persian]
2. Hayaei, T. (1401 AP). The extent of Jihad explanation in Imam Khamenei's defense thought. *Journal of Political Sciences*, 14(27), pp. 20-7. [In Persian]
3. Heli, H. (1982). *Nahj al-Haq va Kashf al-Sidq*. Beirut: Dar al-Kotob al-Lebanani.
4. Himyari, A. (1413 AH). *Qurb al-Asnad*. Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
5. Karami, H. R. (1402 AP). Mahdism in the thought of Supreme Leader of Iran. *Mashreqe Mouood*, 17(66), pp. 25-7. [In Persian]
6. Khamenei, S. A. (1355 AP). *Statements: in a tripartite meeting with Shahid Motahari and Dr. Shariati*, From: <https://khl.ink/f/50996>. [In Persian]
7. Khamenei, S. A. (1368 AP). *Statements: In a meeting with people*. From: Supreme Leader's information website: <https://khl.ink/f/2082>. [In Persian]
8. Khamenei, S. A. (1369 AP). *Statements: In a meeting with people*. From: Supreme Leader's information website: <https://khl.ink/f/2430>. [In Persian]
9. Khamenei, S. A. (1380 AP). *Statements: At the youth meeting in Rasht*. From: Supreme Leader's information Website: <https://khl.ink/f/3064>. [In Persian]
10. Khamenei, S. A. (1384 AP). *Statements: speech in the meeting with the government team*. From: Supreme Leader's information website: <https://khl.ink/f/3304>. [In Persian]
11. Khamenei, S. A. (1387 AP). *Speeches: at the meeting of young university elites*. From: Supreme Leader's information website: <https://khl.ink/f/3685>. [In Persian]
12. Khamenei, S. A. (1387 AP). *Statements: On the anniversary of Imam Khomeini*. From: Supreme Leader's information Website: <https://khl.ink/f/3463>. [In Persian]
13. Khamenei, S. A. (1388 AP). *Statements: among the people of Kurdistan*. From: Supreme Leader's information website: <https://khl.ink/f/6642>. [In Persian]

14. Khamenei, S. A. (1390 AP). *Statements: speech in the group of professors and graduates specialized in Mahdiyyism*. Taken from: Supreme Leader's information website: <https://khl.ink/f/12889>. [In Persian]
15. Khamenei, S. A. (1390 AP). *Statements: speech to the students of Kermanshah*. From: Supreme Leader's information website: <https://khl.ink/f/17597>. [In Persian]
16. Khamenei, S. A. (1393 AP). *Statements: In a meeting with the youth of Zahedan*. From: Supreme Leader's information website: <https://khl.ink/f/11753>. [In Persian]
17. Khamenei, S. A. (1395 AP). *Statements: In a group meeting with students*. From: Supreme Leader's information website: <https://khl.ink/f/33694>. [In Persian]
18. Khamenei, S. A. (1400 AP). *Statements: at the ceremony of the execution of the verdict of the 13th term of the Islamic Republic of Iran*, From: B2n.ir/u59742. [In Persian]
19. Khamenei, S. A. (1400 AP). *Statements: In the meeting of Air Force commanders and employees*. From: Supreme Leader's information website: <https://khl.ink/f/49572>. [In Persian]
20. Khamenei, S. A. (1400 AP). *Statements: In the meeting with the madahs*. From: Supreme Leader's information website: <https://khl.ink/f/49448>. [In Persian]
21. Khamenei, S. A. (1400 AP). *Statements: In the meeting with the nurses and families of health martyrs*. From: Supreme Leader's information website: <https://khl.ink/f/49192>. [In Persian]
22. Khamenei, S. A. (1400 AP). *Statements: speech at the end of Imam Hossein Arbaeen ceremony*. From: Supreme Leader's information website: <https://khl.ink/f/48746>. [In Persian]
23. Khamenei, Seyed Ali. (1400 AP). *Statements: In the meeting of the members of the Council of Experts*. From: Supreme Leader's information website: <https://khl.ink/f/49769>. [In Persian]
24. Koleyni, M. (1363 AP). *Al-Kafi* (Vols. 1 & 7). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyeh.



25. Lahiji, A. (1372 AP). *The capital of faith in the principles of belief*. Qom: Al-Zahra Publications. [In Persian]
26. Mofid, M. (1414 AH). *Tashih al-Itiqadat al-Imamiya*. Qom: Sheikh Mufid Congress. [In Arabic]
27. Najmabadi, Z. (1401 AP). Ethical requirements and obstacles of jihad of explanation in the thought of the Supreme Leader of Iran, relying on the role of the clergy. *Journal of Ethics*, 12(68), pp. 103-128. [In Persian]
28. Nomani, M. (1426 AH). *Al-Ghaibah* (Vol. 1). Qom: Madin. [In Arabic]
29. Ragheb, H. (1412 AH). *Mufradat Alfaz al-Qur'an* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Shamiya. [In Arabic]
30. Sadouq, M. (1395 AP). *Kamal al-Din va Tamam al-Na'ama* (Vol. 2). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyeh. [In Persian]
31. Saliba, J. (1366 AP). *Philosophical culture* (M, Sanei, Trans.). Tehran: Hekmat Publications. [In Persian]
32. Salimian, K., & Shahrokhi, S. H. (1399 AP). Narrative analysis of the bases and principles of the waiting in Ayatollah Khamenei's statements. *Mahdavi Research*, 33, pp. 25-43. [In Persian]
33. Tabari Amoli, M. (1413 AH). *Dala'il al-Imamah*. Qom: Ba'ath. [In Arabic]
34. Tabarsi, A. (1403 AH). *Ihtijaj* (Vol. 2). Mashhad: Nashr al-Mortaza. [In Arabic]
35. Tusi, M. (1406 AH). *Al-Iqtisad fima Yata'alaq be al-Itiqad*. Beirut: Dar al-Azwa. [In Arabic]
36. Tusi, M. (1414 AH). *Al Amali*. Qom: Dar al-Thaqafa. [In Arabic]

## **Editorial Editorial Board**

(Persian Alphabetical Order)

### **Seyed Majid Emami**

Associate Professor of Imam Sadegh University

### **Hossein Elahi Nejad**

Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

### **Hossein Bostan Najafi**

Associate Professor Research Institute of Howzah and University

### **Gholamreza Behrozi Lak**

Professor of Baqir Al-Olum University

### **Seyed Masoud Poor Seyed Aghaei**

Professor of Islamic Seminary of Qom

### **Nematullah Safari Foroushani**

Professor of the al-Mustafa International University

### **Najaf Lakzaie**

Professor of Baqir Al-Olum University

### **Seyed Razi Mousavi Gilani**

Associate Professor, University of Religions and Denominations

### **Mohammad Hadi Homayoun**

Professor of Imam Sadegh University

### **Hassan Yousefian**

Associate Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute

### **Mahdi Yousefian**

Assistant Professor, Specialized Center of Mahdism, Islamic Seminary of Qom



### **Reviewers of this Volume**

Hossein Elahi Nejad, Gholam Reza Behrouzi Lak, Mostafa Ebrahime, Seyed Hossein Sharafodin, Muhammad Shahbazian, Najaf Lakzaei, Mohammad Hadi Mansouri. Mahmoud Maleki Rad, Muslim Kamyab.



**The Quarterly Journal of  
Mahdavi Society**

---

**Vol. 4, No. 2, Autumn & Winter, 2024**

---

**8**

**Islamic Sciences and Culture Academy**

**Research Center for Mahdiism and Future Studies (Futurology)**

**[www.isca.ac.ir](http://www.isca.ac.ir)**

**Manager in Charge:**

**Najaf Lakzaei**

**Editor in Chief:**

**Hossein Elahi Nejad**

**Secretary of the Board:**

**Muslim Kamyab**

---

**Tel.:+ 98 25 31156909 • P.O. Box.: 37185/3688**

**[Jm.isca.ac.ir](http://Jm.isca.ac.ir)**

## راهنمای اشتراک مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم



ضمن تشکر از حسن انتخاب شما

مرکز توزیع مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم عهده دار توزیع و اشتراک مجلات ذیل می‌باشد. لطفاً پس از انتخاب مجله مورد نظر، فرم ذیل را تکمیل کرده و به نشانی ارسال فرمایید.

### فرم اشتراک

حوزه	فقه	نقد و نظر	آینه پژوهش	جستارهای فقهی و اصولی
یک سال اشتراک ریال ۲,۸۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰
پژوهشهای قرآنی	اسلام و مطالعات اجتماعی	مطالعات علوم قرآنی	جامعه مهدوی	اخلاق
یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰

نام پدر:	نام و نام خانوادگی:	نام:
میزان تحصیلات:	تاریخ تولد:	نهاد:
		شرکت:

نشانی:	استان:	کدپستی:
شهرستان:	شهرستان:	کدا اشتراک قبل:
خیابان:	خیابان:	پیش شماره:
کوچه:	کوچه:	تلفن ثابت:
پلاک:	پلاک:	تلفن همراه:

هزینه‌های بسته‌بندی و ارسال به عنوان تخفیف محاسبه شده است.

قم، چهارراه شهدا، ابتدای خیابان معلم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی  
کدپستی: ۳۷۱۵۶-۱۶۴۳۹  
تلفن: ۰۲۵-۳۱۱۵۱۱۶۲  
شماره پیامک: ۳۰۰۲۷۰۲۵۰۰۰۰  
رایانامه: magazine@isca.ac.ir

شماره حساب سیب‌بانک ملی ۰۱۰۹۱۴۶۰۶۱۰۰۵ نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی